


ستیران

۹۷

شهریور و مهر ۱۳۹۴

ماهنامه داخلی سندیکای صنعت برق ایران
وزیران و همکاران دانشگاه صنعتی امیرکبیر



امیدهای روشن به آینده، پس از یک دهه رکود

در این شماره می خوانید:

۲..... سرمقاله / امیدهای روشن به آینده، پس از یک دهه رکود

پرونده / تولید و چالش های بانکی

- ۴..... نرخ سود بانکی عاملی ضد تولید است
- ۶..... مشکل تولید اقتصاد دولتی است نه بانک ها
- ۷..... دولت بانک ها را در نرخ گذاری سود تسهیلات آزاد کند
- ۱۰..... تامین مالی صادرکنندگان در گرو جریان خسارت ارزی
- ۱۳..... بدون اصلاح بانک ها، هیچ اتفاق مثبتی در تولید و صادرات رخ نمی دهد
- ۱۴..... انتظار برای نتایج پسانتحریم و توقف تصمیم گیری ها
- ۱۶..... صنعت غرق در زرفای مشکلات بانکی
- ۲۰..... سود بالای تسهیلات، سرتیتر مشکلات سیستم بانکی کشور
- ۲۳..... صنعت برق ناگزیر است مشکلاتش را به تنهایی حل کند
- ۲۴..... چالش های بانکی در فرآیند پروژه های زیربنایی صنعت برق
- ۲۵..... پسانتحریم و نظام بانکی کشور
- ۲۸..... چالش ها و راهکارهای بانکی صنعت برق
- ۳۰..... از رنجی که می بریم
- ۳۱..... افزایش نرخ ارز، چاره دردها؟!
- ۳۲..... تریبون آزاد/ بانکداری پسانتحریم، چالشی قدیمی در موقعیتی جدید

نگاه ویژه / واگذاری بلوکی ۳۱۲ پست فشار قوی

- ۴۲..... برگزاری مناقصه ای پرابهام توسط برق منطقه ای تهران
- ۴۴..... تشکیل کنسرسیوم، روشی برای همکاری مشترک در پروژه ای ملی
- ۴۶..... واگذاری بلوکی، حذف پیمانکاران خصوصی از رقابت برای توسعه ملی
- ۴۷..... واگذاری بلوکی، تشدید کننده رکود حاکم بر شرکت ها
- ۴۸..... صنعت برق، قربانی استرداد پول های بلوکه شده
- ۵۰..... پروژه های تجمیعی فاینانس، تبدیل تهدید به فرصت یا فرصت به تهدید؟

یادداشت

- ۵۴..... صنعت برق ایران در پسانتحریم
- ۵۵..... نوسان نرخ ارز، منعکس کننده واقعیت اقتصادی

گزارش

- ۵۸..... پای ایران به کنگره جهانی سیم و کابل باز شد
- ۶۰..... مجمع عمومی سندیکای صنعت برق برگزار شد
- ۶۳..... برگزاری سمینار تخصصی ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید
- ۶۹..... از حضور پررنگ شرکت های خارجی تا ارتقای سطح علمی و تکنولوژیک
- ۷۲..... حال مهندسين مشاور خوب نیست
- ۷۴..... اعلام آمادگی وزیر برق ارمنستان برای گسترش روابط با شرکت های ایران
- ۷۵..... تلاش کارگروه سمینار روز ملی صادرات برای تدوین مطالبات صادرکنندگان آب و برق
- ۷۶..... سالن اختصاصی سندیکای برق شعبه خراسان در نمایشگاه صنعت برق مشهد
- ۷۷..... سمینار تخصصی فناوری نانو برگزار شد
- ۷۹..... جدیت سندیکا در احیای رابطه صنعت و دانشگاه با محوریت صادرات
- ۸۰..... ماده ۴ قانون رفع موانع تولید، بستر ساز پیوند سندیکا با پژوهشگاه

رپرتاژ آگهی

- ۸۳..... تله مکانیک ایران تنها روی سکه اشنایدر الکتریک در ایران
- ۸۵..... درایوهای جدید زیمنس

مقالات

- ۸۸..... پایدها و نیاید های بوجه عملیاتی موفق

اخبار

- ۹۳..... سندیکا
- ۱۱۰..... شرکت های عضو

صاحب امتیاز:

سندیکای صنعت برق ایران

مدیر مسئول:

غلامرضا ناصح

سر دبیر:

پرویز غیاث الدین

اعضای شورای سیاست گذاری:

ولی اله بیات، محمد پارسا

محمد صادق جنان صفت، عباس خالدنژاد

بهروز سلطانزاده، محمد فارسی، علیرضا کلاهی،

حامد گرشاسبی، غلامرضا ناصح

محمدعلی وحدتی

دبیر تحریریه: سمیه کاظم زاده دهکردی

تحریریه:

نقیسه زارع کهن، زهرا شریفی، نازنین احمدی،

آنتیا عابدی

طراح گرافیک: فرشید نجاریان

مدیر اجرایی: مهندس سپهر برزی مهر

مدیر مالی: متوجه بختیاری

سایت: زهرا ولی پور

توزیع: سپیده گرجی

امور آگهی ها: بهارک باقرپور

امور اداری ماهنامه: سمیه برادران

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: فارابی

نشانی: تهران، خیابان فاطمی غربی

خیابان سین دخت شمالی، پلاک ۱۵

تلفکس: ۰۶-۶۶۵۷۰۹۳۰

فکس: ۰۶۶۹۴۴۹۶۷

سازمان آگهی ها: ۰۶-۶۶۵۷۰۹۳۰

سایت: www.ieis.ir

ایمیل: setabran@ieis.ir



امیدهای روشن به آینده، پس از یک دهه رکود

پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی صنعت برق ایران هفدهم تا بیستم آبان ماه در حالی برگزار می‌شود که در اوج گرفتاری‌های صنعت برق ایران، امیدهای روشنی به آینده احساس می‌شود.

اگر چه برگزاری سالانه این نمایشگاه و استقبال کم‌نظیر فعالین صنعت برق در ایران و خارج از کشور نشان از پتانسیل‌ها و توانمندی‌های قابل توجه این صنعت دارد، اما واقعیت این است که تحریم‌ها، کمبود منابع مالی، مطالبات معوق، سود بالای تسهیلات بانکی و عدم همکاری روان سیستم بانکی کشور با صنعتگران و بسیاری از مشکلات دیگر، در طول چند سال اخیر دست آنها را برای حفظ و یا توسعه فعالیت‌هایشان بسته بود.

بی‌شک نمی‌توان این مساله را نادیده انگاشت که علیرغم تمام مشکلات گفته شده، باز هم این صاحبان صنعت برق بودند که ظرف چند سال اخیر سردمدار صادرات خدمات فنی و مهندسی باقی ماندند و بیشترین سهم را از صادرات ۴ میلیارد دلاری خدمات فنی و مهندسی به خود اختصاص دادند.

به هر حال این روزها ایران منتظر افق تازه‌ای در روابط بین‌المللی است. به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و در نهایت تصویب برجام در مجلس شورای اسلامی و تایید آن توسط مقام رهبری، نقطه پایان همه تردیدها بود. حال باید دید ایران پساتحریم چه شرایطی را برای اقتصاد و صنعت کشور رقم خواهد زد؟

همانطور که در بخش اصلی این شماره نشریه ستبران هم به طور کامل به آن پرداخته شده است، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های کنونی صنعتگران، سیستم بانکی است که به جای تولیدمحوری، تجارت محور شده و عملاً حکم بنگاه اقتصادی را پیدا کرده که کسب سود بیشتر، از اهداف اصلی آن است.

اینکه در دوران پساتحریم و با حذف محدودیت‌های گسترده بانکی، این سیستم تا چه اندازه با بانک‌های بین‌المللی که بی‌شک پایشان به همراه شرکت‌های بزرگ و برندهای معتبر جهانی به کشور باز خواهد شد، قابلیت رقابت دارند، مساله‌ای است که شاید نتوان به درستی درباره آن قضاوت کرد اما باید امیدوار باشیم که بانک‌ها، آنقدرها در این خصوص آسوده خاطر نباشند و تا رسیدن به این موقعیت دست روی دست نگذارند.

صنعت برق ایران با وجود تمام دشواری‌های کنونی که کمبود منابع مالی و به دنبال آن توقف بسیاری از پروژه‌ها و شروع نشدن پروژه‌های جدید، امیدهای بسیاری به آینده دارد و شکوه حضور شرکت‌های فعال این صنعت در پانزدهمین نمایشگاه قطعاً ترجمان قاطع همین امید است.

ایران پساتحریم باید فضایی هموار و شفاف برای توسعه، پیشرفت و موفقیت شرکت‌هایی باشد که در طول سی و هفت سال گذشته و از همه مهم‌تر یک دهه اخیر، پایمردانه چراغ کم‌سوی بخش خصوصی را در کشور روشن نگاه داشته‌اند و اکنون نیز آماده‌اند که سهم خود را در رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و... ایفا کنند. بدون شک این شرکت‌ها شایستگی فعالیت در یک فضای کسب و کار مساعد و بهینه را دارند و امید است که اقتصاد ایران در پساتحریم

مهیای ایجاد چنین فضایی باشد. ■

پرونده

تولید و چالش‌های بانکی

فرشاد مومنی در گفت‌وگو با "ستبران"

نرخ سود بانکی عاملی ضد تولید است

فرشاد مومنی، اقتصاددان نهادگرا در گفت‌وگوی خود با ستبران به ۵ عامل اصلی اختلافات بانک‌ها و واحدهای تولیدی اشاره و تأکید می‌کند ساختار اقتصادی رانتهی بانک‌ها را به سمت فعالیت‌های سوداگری و دلالی سوق می‌دهد. او همچنین با بیان اینکه قوانین حامی تولیدکنندگان ضمانت اجرایی ندارد، قانون رفع موانع تولید را دستکاری شده خواند. به گفته این استاد دانشگاه مسئله نرخ سود بانکی یکی از آفت‌های خصلت ضد تولیدی بانک‌هاست و بانک‌ها حتی با رویه‌ها و رفتارهایی که خود و هم‌پیمانانشان در ساختار رانتهی و غیرمولد رسم کرده‌اند، سرسازگاری ندارند. آنچه در پی می‌آید ماحصل این گفت‌وگوست:





مطالعات انجام شده نشان می‌دهد؛ نظام پولی کشور به سهم خود در چارچوب ساختار نهادی رانتی به صورت نظام مند، به کاهش رغبت برای سرمایه‌گذاری تولیدی کمک می‌کند

کوتاه مدت در برابر تولید کاهش خواهد یافت.

■ به نظر شما تصویب قانون رفع موانع تولید تا چه میزان به حل اختلاف مابین بانک‌ها و تولیدکنندگان به ویژه تولیدکنندگان صنعتی کمک می‌کند؟

در این مورد سه نکته باید مورد توجه قرار بگیرد و توجه به هر کدام از این سه مورد دشواری پاسخگویی دقیق و روشن به این سوال را نشان می‌دهد. نخست اینکه متأسفانه قوانین و مقرراتی که به نفع تولیدکنندگان وضع می‌شود از ضمانت اجرایی کافی برخوردار نیست. به واسطه برخورد‌های سهل‌انگارانه‌ای که دستگاه‌های نظارتی مسوول داشتند هزینه فرصت بی‌اعتنایی به قانون برای طرف‌های مسوول در این قوانین چندان بالا نیست و آنان به سهولت و با هزینه اندک می‌توانند قانون را نادیده بگیرند، اجرا نکنند یا به شکل مختلف دور بزنند. مسئله دیگر قانون مورد اشاره شما است؛ این قانون در فرایندی که طی کرد دچار دستکاری‌های غیرمعارفی شد که بخش قابل توجهی از این دستکاری‌ها بازتاب توان بیشتر غیرمولدها در فرایندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع بود. آنچه به عنوان قانون نهایی شد درصد اندکی از قابلیت و توانایی‌هایی که در پیش‌نویس اولیه بود را توانست حفظ کند و اما مسئله سوم؛ در شرایطی که ساختار نهادی به صورت نظام‌مند علیه تولید و به نفع غیر مولدها سامان یافته با رویکردهای غیرسیستمی و تک‌ساحتی نمی‌توان مشکلات جدی فعالیت‌های مولد در ایران را سامان داد. بنابراین باید امیدوار بود که بر اساس تجربه عملی مدت کوتاه پس از تصویب قانون رفع موانع تولید شاهد این باشیم که در لایحه و سپس قانون برنامه ششم توسعه کشور برخورد واقع‌بینانه‌تر و قابل‌اجراتری در دستور کار قرار گیرد.

■ نرخ سود بانکی که در اختیار واحدهای تولیدی قرار می‌گیرد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا بانک‌ها در این خصوص عملکرد مثبتی داشته‌اند؟

■ به نظر شما عملکرد بانک‌ها چگونه می‌تواند در رفع موانع تولید موثر واقع شود؟

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد؛ نظام پولی کشور به سهم خود و در چارچوب ساختار نهادی رانتی به صورت نظام مند، به کاهش رغبت برای سرمایه‌گذاری تولیدی کمک می‌کند، دلیل این است که بانک‌ها به دلایل گوناگون ترجیح می‌دهند منابع خود را در اختیار فعالیت‌های مربوط به سودآوری در حوزه مسکن، واردات، فعالیت‌های واسطگی و دلالتی قرار دهند. به طور کلی مطالعات موجود حکایت از آن دارد در تمام پیمایش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس از سال ۱۳۸۹ تا امروز درباره فضای کسب و کار، مسئله دریافت تسهیلات همواره به عنوان اولین مشکل برای تولید کنندگان مطرح بوده است. حتی در سال ۱۳۹۱ که به عنوان سال دفاع از تولید ملی خطاب شده بود، وزیر وقت مسکن ادعا کرد؛ مطالعات میدانی وزارت صنایع حکایت از این دارد که از کل بالغ بر ۷۰ درصد مشکلات کوتاه مدت بانک‌ها در ارتباط با دریافت تسهیلات از سوی سیستم بانکی است. همان زمان رئیس وقت بانک مرکزی با گستاخی مطرح کرد که از هر ۴ واحد تولیدی که از سیستم رسمی پولی کشور تقاضای تسهیلات مالی دارند، تنها توان پاسخگویی به یک واحد وجود دارد. او با زبان بی‌زبانی گفت که تولیدکنندگان درباره سه چهارم نیازهای خود به بازار غیر رسمی یا بازار نزول خواری مراجعه کنند.

■ بر اساس گفته‌های شما یکی از ریشه‌های اصلی اختلافات بانک‌ها و واحدهای تولیدی دشواری ارائه تسهیلات به بنگاه‌های تولیدی است؟

بر اساس مطالعات متعدد ۵ عامل عمده منشا نارضایتی مولدها به ویژه تولیدکنندگان صنعتی از عملکرد بانک‌ها است. نخست کمبود منابع به شرحی که از قول رئیس قبلی بانک مرکزی اظهار شد، است. به ترتیب نرخ به طرز غیر متعارف بالای سود تسهیلات، زمان به نسبت طولانی برای طی فرایندهای اداری مربوط به اخذ وام، وثیقه‌های سنگین و پنجمین مورد کوتاه بودن دوره بازپرداخت وام به مولدها است. هریک از این عوامل سوء عملکرد بانکی نسبت به تولید کنندگان در معرض اصلاح و بهبود قرار بگیرد می‌توان گفت مانع بزرگ

در این باره نکته مهمی وجود دارد و آن هم این که به شرح مسائل قبلی، مسئله نرخ سود بانکی یکی از آفت‌های خصلت ضد تولیدی نهاد موجود است و موانع جدی دیگری هم وجود دارد که آن طور که اشاره کردم باید به صورت سیستمی، سازگار و هماهنگ با یکدیگر برطرف شود. نکته دوم این است که بانک‌ها حتی با رویه‌ها و رفتارهایی که خود و هم‌پیمانانشان در ساختار رانتی و غیرمولد رسم کرده‌اند، سر سازگاری ندارند. به عنوان مثال می‌توان به این اشاره کرد که در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ با صحنه سازی‌ها و جوسازی‌هایی که از سوی رسانه‌های حامی گروه‌های رانتی و سودجو سامان پیدا کرد ناگهان چیزی نزدیک به ۱۰ درصد به نرخ سود بانکی افزوده شد. در آن هنگام غیرمولدها به همین صدا با سیستم بانکی این ادعا را مطرح می‌کردند که نرخ بالای بهره در شرایط نرخ بالای تورم ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. صرف نظر از این که آن استدلال تا چه میزان پایه‌های سست و ضعیفی داشت، چون منافع غیرمولدها تامین شد شاهد افزایش چشمگیر نرخ بهره‌های بانکی بودیم. برای اینکه باز هم اتمام حجتی با نظام تصمیم‌گیری کشور شود در فاصله سال‌های ۹۲ تا سال ۹۴ نرخ تورم موجود دو سوم کاهش یافت و از ۴۰ درصد در ماه‌های میانی سال ۹۲ به ۱۳ درصد در ماه‌های میانی سال ۹۴ رسید. سیستم‌های بانکی و هم‌پیمانان غیرمولد آنان بر اساس همان منطقی که افزایش چشمگیر با مضمون ضد توسعه در نرخ سود تسهیلات را متناسب با افزایش نرخ تورم اعمال کردند باید با کاهش به نسبت شدید نرخ تورم، نرخ سود بانکی را پایین می‌آوردند، اما آنچه مشاهده می‌شود که سیستم بانکی به خصوص بانک‌های خصوصی در برابر این الزام به شکل تأسف‌برانگیز و فاجعه‌آمیزی مقاومت کردند و حتی در برابر کاهش سوری دو درصدی که مورد تقاضای شورای پول و اعتبار بود هم مقاومت کردند. هم‌پیمانان غیرمولد بانک‌ها در برابر برای اینکه قدرت خود را به رخ بکشند و بی‌کفایتی مقامات بانک مرکزی را در اعمال نظارت بر مصوبات خود نشان دهند از طریق تمهیدات دیگر، فضایی ایجاد کردند که در شرایط کنونی نرخ بهره پرداختی عملاً در چارچوب برخی عقود از مرز ۴۰ درصد هم عبور کرده است و شرایط فاجعه‌آمیز و خسارت‌بار به بخش‌های تولیدی کشور تحمیل شده‌است. ■

مهدی پازوکی تحلیل کرد:

مشکل تولید اقتصاد دولتی است نه بانک‌ها



رابطه بانک‌ها و بنگاه‌های تولید، اختلافات حاکم بر این دو نهاد اقتصادی و همچنین بررسی عملکرد بانک‌ها در راستای تقویت و تضعیف تولید، محور گفت‌وگو با مهدی پازوکی، اقتصادی دان هوادار نظریه اقتصاد بازار آزاد بود. او در این مصاحبه با تأکید ویژه‌ای، ریشه مشکلات و معضلات اقتصادی را در اقتصاد رانتی ایران می‌داند. پازوکی ضمن طرح ریشه مشکلات اقتصاد رانتی، کاهش دامنه اختیارات دولت در زمینه اقتصادی را به عنوان راهکار مورد اشاره قرار می‌دهد. او به حاکمیت بخش خصوصی و تقویت آن در راستای کوچک سازی دولت تأکید کرد. همچنین تشخیص موسسات تولیدی و دریافت ضمانت رسمی از سوی بانک‌ها به گفته این اقتصاددان و استاد دانشگاه یکی از راهکارهای رفع موانع تولید خواهد بود.

کنند؟ این نهادها خود را به قدرت وصل کردند. ما به دولت با اقتدار و کارا نیازمندیم که در جهت منافع ملی حرکت کند این مهم نیازمند قوه قضائیه ارزان، در دسترس و سریع است.

■ ریشه اختلاف بانک‌ها و بنگاه‌ها دولتی در شرایطی که شما اقتصاد ایران را اقتصاد رانتی توصیف می‌کنید، چیست؟

منابع بانکی در اختیار موسسات مالی جهت دادن وام به بنگاه‌های تولیدی محدود است. به عنوان مثال بدهی دولت به بانک‌ها بیشتر از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است و از طرفی بسیاری از بانک‌ها از طریق روابطی که حاکم بوده وام‌های بسیار سنگینی به بخش‌های خصوصی دادند. بخش‌های خصوصی هم به جای صرف وام‌ها در مسیر تولید از آن برای واسطه‌گری استفاده کرده است. ریشه فساد در اقتصاد در ایران، اقتصاد دولتی است. بانک‌ها موسسات پولی و تأمین‌کننده منابع مالی هستند و از این طریق درصد سودی که از واسطه‌گران می‌گیرند به صورت مابه‌التفاوت ۲۰ درصدی به پس‌اندازکنندگان و ۲۵ درصدی به موسسات تولیدی داده می‌شود. این در حالی است که کشور به دولت و مجلس کارا نیاز دارد. کشور گران اداره می‌شود و به عنوان مثال حقوق یک نماینده مجلس طی دوره ۴ ساله خدمت نزدیک به ۵۰۰ میلیون تومان است و دیده شده که برای رسیدن به این پست نزدیک به ۲ میلیارد هزینه می‌شود. این نشان می‌دهد که اقتصاد رانتی چگونه حاکم و سیستم اداری را بیمار کرده است. هیچ بانکی در ایران به رغم بدهی‌های وصول نشده بسیاری، ورشکسته نمی‌شود. اگر قوه قضائیه ارزان و در دسترس داشته باشیم می‌توانیم مانع از افزایش رانت‌های دولتی شسوم و مادامی که ارکان دولت و قوه مجریه تخلف اقتصادی کرد زیر نظر قوه قضائیه محاکمه خواهد شد.

■ با این اوصاف اگر در نظر بگیریم که شرایط اقتصاد شرایطی متعادل باشد به باور شما عملکرد بانک‌ها در شرایط ایده آل چگونه می‌تواند به رفع موانع تولید کمک کند؟

اگر بانک‌ها بر اساس اصول اقتصادی به موسسات تولیدی و بخش خصوصی که در مسیر تولید گام بر می‌دارند وام دهند و ضمانت واقعی دریافت کنند، می‌توان به رفع موانع تولید امیدوار بود. اگر رقابت، شفافیت و گسترش بخش خصوصی در اقتصاد ایران حاکم شود، ریشه فساد رانتی تا آینده‌ای نه چندان دور خشکیده خواهد شد. این مهم در کنار قوه قضائیه آسان در دسترس میسر خواهد شد. ■

■ بسیاری معتقدند بانک‌ها به جای این که کمک و بازوی تولید و رشد آن باشند بر سر راه تولید موانعی را هم ایجاد کرده‌اند. به نظر شما آیا چنین چیزی صحت دارد و اگر بله چگونه به این مسئله دامن زده‌اند؟

به باور من این بانک‌ها نیستند که مشکل ایجاد کرده‌اند بلکه یکی از مسائل اصلی تولید در اقتصاد ایران کمبود نقدینگی است و بنابراین اگر دولت بتواند با سیاست بخردانه بخشی از نقدینگی را به سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت کند با درایت کمک خواهد کرد که کشور از شرایط رکود تورمی خارج شود چون اقتصاد ایران در حال حاضر وارد رکورد شده و این رکورد اقتصاد را دچار مشکل کرده است. حتی رکورد از تورم در شرایط فعلی برای اقتصاد ایران خطرناک تر است. یکی از معضلات بخش‌های تولیدی کمبود نقدینگی است بنابراین نیاز است که سیاست دولت بر اساس مبانی علم اقتصاد در جهت هدایت منابع نقدینگی حرکت کند. بانک‌ها موسسات مالی و پولی هستند که منابع مالی اجتماعی را جمع‌آوری می‌کنند و از طریق مکانیزم‌های اقتصادی به بنگاه‌های اقتصادی وام می‌دهند. نقدینگی داخل کشور که حالا رقمی بالغ بر ۸۲۰ هزار میلیارد تومان است اگر به سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت شود نه تنها مضر نیست که برای دولت و کشور و خروج از شرایط رکورد تورمی موثر خواهد بود.

■ و در این میان بانک‌ها در گسترش روند تولید چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟

بانک‌ها موسسات اقتصادی و تأمین‌کننده منابع مالی هستند. در شرایط فعلی کشور گران اداره می‌شود. مشکلی که وجود دارد این است که نگاه بخشی از افرادی که در قوای سه‌گانه و دستگاه‌های مختلف قدرت دارند به منافع گروهی و جناحی معطوف است. اگر قوای سه‌گانه خواهان پیشرفت ایرانی آباد و آزاد باشند قطعاً می‌توانند از این وابستگی گروهی و جناحی صرف نظر کنند. مشکل این است که عده‌ای تنگ نظر باعث می‌شوند تحریم‌ها افزایش پیدا کند و در کنار آن منابع نفتی و ارزی را هدر دادند. اگر اقتصاد را بر اساس مبانی اقتصادی مدیریت کنیم و با پدیده‌های موجود، علمی مواجه شویم مشکل اقتصاد ایران حل خواهد شد اما اقتصاد رانتی و نفوذگروه‌های تندرو مانع از این پیشرفت می‌شود. بانک‌ها که موسسات پولی هستند و از طریق واسطه‌گری است که بودجه در اختیارشان قرار می‌گیرد بنابراین چندان چشم‌گیر نمی‌توانند نقشی را بر عهده داشته باشند. چگونه نهاد‌های اقتصادی وابسته به قدرت حیات دارند و روز به روز گسترش پیدا می‌

گفتگوی اختصاصی ستبران با بهاء‌الدین حسینی هاشمی؛

دولت بانک‌ها را در نرخ‌گذاری سود تسهیلات آزاد کند



سال‌هاست مردم و بخش خصوصی از عملکرد بانک‌ها راضی نیستند و منتظرند ببینند آیا با لغو تحریم‌ها شاهد اتفاق تازه‌ای در سیستم بانکی کشور خواهند بود یا خیر. اما ریشه ناکامی بانک‌ها در خدمت‌رسانی مناسب و رضایت‌بخش به مردم کجاست؟ این امر از سیاست‌های دولت نشأت می‌گیرد یا اشکال در خود بانک‌هاست؟ آیا اصلاً مشکلات بانک‌ها از اعمال تحریم‌ها علیه ایران آب می‌خورد؟ و حالا با لغو تحریم‌ها مشکلات بانک‌ها حل خواهد شد؟ اینها از جمله مسائلی هستند که در گفتگو با سید بهاء‌الدین حسینی هاشمی، مدیر سابق بانکی به واکاوی آنها پرداختیم.

به‌هر حال تمام این امور دست‌به‌دست هم داد تا اکنون بانک‌های ایران حال و روز خوبی نداشته باشند و نتوانند اقتصاد را در مسیر توسعه حمایت و پشتیبانی کنند.

■ به نظر شما آیا در دوران پساتحریم شاهد تغییرات مثبت در شرایط بانکی کشور خواهیم بود؟

امید است اوضاع بانک‌ها بهتر شود. البته مشکلاتی که الان بانک‌ها با آنها مواجه هستند، در کشورهای دیگر هم وجود داشته است. در زمان این نقصان، در گرو اصلاح ساختار سرمایه بانک‌ها، اصلاح ساختار مالکیتی بانک‌ها، تحقق تعهدات دولت نسبت به آنها و عواملی مانند این است. حضور بانک‌های خارجی، ارتباط بین‌الملل، کاهش هزینه‌های تأمین اعتبار و رابطه بین‌المللی بهتر در پساتحریم موارد نویدبخش و امیدوارکننده‌ای است؛ اما به آن شرط که خود بانک از چابکی و ساختار مالی سالم و خوب برخوردار باشد.

وصول مطالبات بانک‌ها شد و همچنین عاملیت بانک‌ها در انتشار اوراق مشارکت که دولت به دلیل کسری بودجه نتوانسته تعهداتش را در این خصوص انجام دهد، از جمله فشارهایی است که به بانک‌های داخلی وارد آمده است. از طرف دیگر شرایط رکود که ۲-۳ ساله است بر اقتصاد ما حاکم است، باعث شده مطالبات بانک‌ها خیلی سخت وصول شود و مطالبات معوق آنها افزایش یابد. این مشکلات از بُعد شرایط داخلی وجود دارد.

از دید بین‌المللی نیز فشارهایی بر بانک‌ها تحمیل شده است. تحریم ایران که نوک حمله آن متوجه بانک‌ها بوده است، تقریباً از سال ۸۸-۸۷ شدت پیدا کرد و باعث شد همکاری بانک‌های خارجی که بعضاً به لحاظ اعتباری و رابطه کارگزاری بانکی سرویس و خدمات خوبی می‌دادند، با بانک‌های ما قطع شده و عملیات برون‌مرزی و حتی عملیات داخلی بانک‌های ما با مشکل مواجه شود.

■ شما به عنوان یک کارشناس بانکی که دارای سابقه و یدی طولانی در فعالیت بانکی هستید، بانک‌های ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بانک‌های ما از جمله بنگاه‌های پولی و اقتصادی هستند که همواره بر اثر سیاست‌هایی که دولت‌ها بر اساس مصلحت یا موقعیت خودشان، چه در وضعیت رونق و چه در وضعیت رکود، اتخاذ می‌کنند و غالباً با شرایط بانکی متناسب و همسو نیست، دستخوش تغییر شده‌اند. بانک‌ها - چه بانک‌های دولتی و چه بانک‌های خصوصی - مجبور به اجرای سیاست‌های پولی و بانکی هستند.

بانک‌های ایران از ابعدای چند تحت فشار هستند. سیاست‌های دستوری، تکالیف زیاد قانونی برای پرداخت تسهیلات، تضمین‌هایی که دولت برای پرداخت برخی از تسهیلات در قالب تبصره‌های بودجه داد، استفاده تسهیلاتی و اعتباری دولت و شرکت‌های دولتی از بانک‌ها که بعضاً منجر به عدم

به علاوه یکی دیگر از مشکلات ما شکاف در آمدی است که بین طبقه مصرف‌کننده و طبقه مرفه وجود دارد. طبقه مرفه دیگر اشباع است و همه چیز دارد؛ بنابراین نیازهای اصلی خود را تأمین کرده و خرید زیادی نمی‌کند؛ اما طبقات پایین‌تر هنوز مسکن، اتومبیل و بسیاری از لوازم ضروری زندگی را ندارد. کار برعکس است؛ پول در اختیار کسی است که نیازهایش را تأمین کرده و کسی که هنوز لنگ بسیاری از لوازم ضروری زندگی خویش است، پول و درآمد کافی ندارد. باید از آن بخش کشور که ثروت در آن متمرکز شده، مالیات کافی اخذ شود؛ چرا که این تهی‌دستان هستند که برای ثروتمندان تولید پول می‌کنند و ثروتمندان بیشتر از امکانات کشور استفاده کرده‌اند.

■ آیا به نظر شما مالیاتی که در حال حاضر اخذ می‌شود اندک بوده و باید نرخ مالیات بالا برود؟

اگرچه در برخی کشورهای پیشرفته نرخ مالیات تا ۵۰-۴۰ درصد است و بعضاً برای یک‌سری از کارها و درآمدها تا ۹۰-۸۰ درصد مالیات اخذ می‌کنند؛ اما مقصود من این نیست که نرخ مالیات ما بالا رود. مالیات ما ۲۵ درصد است و همین نرخ خوب است؛ اما باید از همه کسانی که مشمول درآمد مالیاتی هستند، مالیات اخذ شود. در کشور ما ثروت‌های زیادی ایجاد شده است و برج‌سازی‌ها و ساخت‌وسازهای بسیاری انجام شده است. آیا همه اینها مالیاتشان را پرداخت کرده‌اند؟ آیا اگر ما ثروت ایرانی‌ها را جمع بزنیم، با مالیاتی که پرداخت شده، همخوانی دارد؟ اگر اینطور بود، مالیات فقط مربوط به حقوق کارمندان نبود. آنگاه نفت خام متعلق به فقرا بود و خرج نمی‌شد. اگر همخوانی وجود داشت، کشور را با مالیات اداره می‌کردند و دیگر کسری بودجه نداشتیم. اگر کسری بودجه نداشتیم، نرخ تورم هم پایین می‌آمد و این امر کمک‌حال فقرا و سایر اقشار جامعه بود. اما متأسفانه حقیقت این است که به دلیل فرارهای مالیاتی و تبنای‌های مالیاتی، بسیاری افراد از پرداخت مالیات معاف می‌شوند که باید از این امر جلوگیری به عمل آید.

■ به نظر شما چه کسی می‌تواند گره مشکل را باز کند؟ سر کلاف به دست کیست؟

به دلیل اینکه سیاست‌های پولی منجر به زیاندهی بانک‌ها می‌شد، بانک‌ها سعی کردند برای خود سود ایجاد کنند. این بود که به سمت بنگاه‌داری، عقود مشارکتی و... رفتند و اولین فکر آنها این بود که خود را نجات دهند. این یک باور قدیمی خوب است که باید کل کشتی سالم باشد تا مسافران آن نیز سالم بمانند. به هر حال بانک هم باید منابع جمع کند، هم باید تسهیلات دهد و هم از محل وصول مطالباتش کار مزد بگیرد. امیدواریم بعد از این مشکلات برطرف شود و بانک‌ها هم علاوه بر اینکه تلاش می‌کنند بهره‌وری خود را بالا ببرند، با آموزش‌های حرفه‌ای داخلی بر مهارت‌های کارکنانشان بیفزایند، نظم و انضباط مالی و پولی داشته باشند و از اختلاس‌ها و سوءاستفاده‌های مالی توسط کنترل‌رهای داخلی جلوگیری

۱۰ ساله ممکن است به تورم زیر ۱۰ درصد برسیم و این مهم زودتر از این زمان تحقق نمی‌یابد.



به دلیل اینکه سیاست‌های پولی منجر به زیاندهی بانک‌ها می‌شد، بانک‌ها سعی کردند برای خود سود ایجاد کنند. این بود که به سمت بنگاه‌داری، عقود مشارکتی و... رفتند و اولین فکر آنها این بود که خود را نجات دهند.

کنند. اینها وظیفه‌ای است که بر دوش خود بانک‌هاست. اما دولت هم وظایف مهمی دارد. بانک‌های دولتی مثل ملی، کشاورزی، سپه، رفا، توسعه صادرات و بانک صنعت و معدن که بانک‌های بزرگ و تأثیرگذاری هستند و همچنین بانک‌های نیمه خصوصی - نیمه دولتی مثل صادرات، ملت و تجارت که تأثیر زیادی در اقتصاد ما دارند از نظر ساختار مالی و اقتصادی و بحث مدیریتی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند.

مهم‌ترین عارضه‌ای که بانک‌های کشور را دچار می‌کند، تورمی است که ریشه‌اش در کسری بودجه دولت است. این کسری بودجه آثار سوئی روی بانک‌ها می‌گذارد؛ هم به دلیل اینکه دولت برای تأمین کسری بودجه خود از بانک‌ها استقراض می‌کند و این باعث تورم می‌شود و هم به این دلیل که دولت به جهت کسری بودجه نمی‌تواند مطالبات پیمانکارانش را که در بخش‌های مختلف عمرانی، راه و ساختمان، مخابرات، نیرو، نفت و... پروژه‌های بزرگ انجام می‌دهند، پرداخت کند و پیمانکاران هم نمی‌توانند طلب بانک‌ها را بپردازند. من فکر می‌کنم یک نظم مالی و یک برنامه‌ریزی صحیح در یک تعامل خوب بین المللی می‌تواند ما را از شرایطی که هستیم خارج کند تا به سمت بهبود برویم.

■ فکر می‌کنید روزی برسد که سود تسهیلات ما به پایین ۵ درصد برسد؟

کشورهایی هم که الان نرخ تورمشان ۲-۱ درصد است، در زمان جنگ‌های جهانی اول و دوم تورم ۶۰۰-۵۰۰ درصد داشتند و اکنون به اینجا رسیده‌اند. اما این امر به سختی به دست می‌آید و خیلی زود حاصل نمی‌شود؛ علی‌الخصوص که اقتصاد ما دچار مشکلات دیگری هم هست. چون با اینکه ما شعار خصوصی‌سازی می‌دهیم و کشورمان سوسیالیستی و کمونیستی نیست، اقتصاد ما یک اقتصاد دولتی است. ۸۰-۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی ما را بخش دولتی ایجاد می‌کند که هزینه زیاد و کارایی کمی دارد و همین باعث می‌شود قیمت اینگونه محصولات گران باشد. ضمناً این تولیدات رقیب بسیار سرسختی برای بخش خصوصی است و مانع از رشد بخش خصوصی در صنایع تأثیرگذار می‌شود. به نظر من در یک برنامه

■ همانگونه که مستحضر هستید، صنعتگران و بخش خصوصی به بانک‌ها بدهکار هستند. از دیدگاه شما در دوران پساتحریم که همه امیدواریم اقتصادمان متحول شود، بانک‌ها باید چه رفتاری در پیش گیرند تا نه صنعتگران ضرر کرده و به دلیل بدهی‌ها ناچار به توقف فعالیت شوند و نه بانک‌ها ضرر کنند؟

فقط بخش صنعت نیست که باید در نظر بگیریم. بخشی که به صنعت رونق می‌دهد، بازرگانی است. وقتی بخش بازرگانی ضعیف باشد، نمی‌تواند محصولات بخش صنعت را بخرد و آنگاه بخش صنعت مجبور می‌شود کالاها را به صورت امانی به بخش بازرگانی بدهد تا آن بخش با هر قیمت و هر شرایطی آنها را بفروشد و بعد سهم بخش صنعت را بدهد. بنابراین تقویت بخش بازرگانی باعث رشد بخش تولید می‌شود.

من معتقدم باید یک بازنگری در این حوزه صورت گیرد. این تابویی که می‌گوید به بخش صنعت و کشاورزی پول بدهیم؛ بدون آنکه فکری برای فروش محصولش کنیم، باید شکسته شود. با طریقی که در پیش گرفته‌ایم، این بخش‌ها را تبدیل به بدهکارانی ورشکسته می‌کنیم. ما باید به مصرف‌کننده نهایی اعتبار دهیم تا به صورت نقدی یا اعتباری خرید کند. اگر این کار انجام شود، بزرگ‌ترین مشکل بخش صنعت که فروش محصولات تولیدشده است، حل می‌شود. باقی مسائل از جمله خرید مواد را حتی به صورت اعتباری می‌توان حل کرد. مشکل وقتی پیدا می‌شود که محصولات بخش صنعت در انبارها دپو شده باشد.

چرا شرکت بورس ما فلت پیدا کرده است؟ به این دلیل که انبار شرکت‌های بورسی مملو از کالاهایی است که فروش نمی‌رود. وقتی نرخ ارز ظرف یک روز ۳۰۰ درصد رشد کرده و ناگهان از ۱۰۰۰ تومان به ۳۰۰ هزار و ۵۰۰ تومان می‌رسد، باید درآمد مردم نیز به همین میزان بالا رود تا بتوانند محصولی را که با دلار ۳ هزار تومانی تولید می‌شود، بخرند.

■ به نظر شما امکان جذب سرمایه‌های خارجی و مشارکت با بانک‌های بین‌المللی در پساتحریم، تا چه اندازه می‌تواند راهگشای مشکلاتی باشد که شرکت‌ها در حوزه تأمین مالی پروژه‌های خود با آن مواجهند؟

پساتحریم یعنی اینکه تحریم‌ها برداشته شود و سپس شرکت‌های دنیا مثل قبل با ما همکاری کنند. اما آیا اگر آنها بیایند، این پذیرش در ما وجود دارد؟ آیا از نظر قانونی و سیاست کلی کشور، به لحاظ روحی-روانی و از نظر حمایت سازمان‌ها آمادگی همکاری در ما وجود دارد؟ اگر شرایط آن وجود دارد، چه مدت زمانی طول خواهد کشید تا آنها آمده و مستقر شوند؟ از نظر من این امر در بازه زمانی بلند مدت انجام

خواهد شد و شاید این حالت بلا تکلیفی تا زمان انتخابات ریاست جمهوری امریکا و انتخابات مجلس ما ادامه داشته باشد.

اما و رای اینها، ما کارهای زیادی داریم که اصلاً ارتباطی با تحریم و پسانتحریم ندارد. اصلاحات اقتصادی، خصوصی سازی صحیح، آزادسازی اقتصاد، فراهم کردن شرایط همکاری بین‌المللی و ایجاد امنیت اقتصادی از جمله اموری هستند که باید انجام شود. اولین چالش برای هرکس که بخواهد در کشور ما سرمایه‌گذاری کند، کاهش ارزش سرمایه به دلیل تورم موجود در کشور است؛ چراکه ارزش خارجی او تبدیل به پول ملی ما می‌شود. به عنوان مثال ممکن است موقع فروش ارز سرمایه‌گذار خارجی، نرخ دلار ۳ هزار و ۵۰۰ تومان باشد و زمان خرید دلار، نرخ آن ۴ هزار تومان شده باشد. از این گذشته، آیا سرمایه‌گذار خارجی اجازه دارد هر مقدار سرمایه که آورد، بعداً به راحتی تبدیل کند؟ یا آیا قانون کار به او اجازه فعالیت خواهد داد؟ یا ویزای بلندمدت و اجازه اقامت به او داده خواهد شد؟ پروسه و بوروکراسی این مجوزها چقدر طول خواهد کشید؟ اینها همه مسائلی است که ممکن است باعث دلسردی سرمایه‌گذاران خارجی شود.

کشور ما مزیت‌های بسیاری برای جذب سرمایه دارد. همین الان هم بسیاری از شرکت‌های بزرگ دنیا برای سرمایه‌گذاری به اینجا می‌آیند. ما دارای ۸۰ میلیون مصرف‌کننده هستیم، اقتصادی قوی داریم که بیستیمین اقتصاد دنیا محسوب می‌شود، در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی رتبه بالایی داریم، نیروی انسانی تحصیلکرده فراوان داریم، مانند کشورهای دیگر حتی اجازه رانندگی ندارند، مشکل تبعیض جنسیتی به آن صورت نداریم، از نظر امنیتی کشور آرامی داریم، اقلیمان بسیار متنوع است و هرگونه سرمایه‌گذاری در اینجا امکان‌پذیر است. ما همه این

مزیت‌ها را داریم و می‌توان از آنها نهایت استفاده را برد؛ اما این به آن شرط است که زیرساخت‌ها و پیش‌نیازهای آن را فراهم کنیم.

■ در ماده ۱۶ قانون رفع موانع تولید مقرر شده است بانک‌ها مازاد مایملک خود را واگذار کنند. نظر شما

در ارتباط با این قانون چیست؟ آیا اجرایی خواهد شد؟ این ارباب و دستور و از موضع بالا صحبت کردن است. یعنی بدون اینکه واقعیت‌ها در نظر گرفته شود، قانونگذاری صورت گرفته است. بانک‌ها حتی سازمانی تشکیل داده‌اند تا اموال تملیکی و مازاد خود را بفروشند؛ اما وقتی اقتصاد در رکود است، وقتی بانک‌ها وام نمی‌دهند و درآمد مردم کافی نیست، اموال بانک‌ها چگونه باید به فروش برسد؟ اموال بانک‌ها تملیکی است؛ یعنی مثلاً شما وثیقه گذاشته و از بانک وام گرفته‌اید. آنگاه بانک به دلیل عدم اجرای تعهد شما، وثیقه را برای خود برداشته است. اگر ملک شما قابل فروش و دارای ارزش بود، مالک آن را می‌فروخت، بدهی بانک را پرداخت می‌کرد و سپس باقی مبلغ را برای خود برمی‌داشت. اما وقتی خود مالک نتوانسته ملکش را بفروشد، بانک چگونه باید بفروشد؟ وقتی بازار راکد است، کسی ملک خریداری نمی‌کند. خصوصاً برای خرید اموال تملیکی و مصادره‌ای رغبت کمی وجود دارد.

■ البته مقصود، تنها اموال تملیکی بانک‌ها نیست؛ بلکه آن دسته از اموالی که از طریق بنگاه‌داری به دست آمده‌اند نیز مطرح هستند.

مادامی که سود بانک‌ها را آزاد نکنند و بانک‌ها درآمدی نداشته باشند، برای آنکه از بین نروند ناچارند بنگاه‌داری کنند. اکنون عملیات بانکی ما زیان‌ده است. کشور ما با نرخ

منفی اعتبارات می‌دهد. یعنی قیمت تمام‌شده پول در کشور ما ۲۵ درصد است و بانک‌ها با ۲۴-۲۱ درصد تسهیلات می‌دهند.

■ اما بخش خصوصی کشتش آن را ندارد که سود بیشتری برای تسهیلات پرداخت کند. همین نرخ هم برای بخش خصوصی کمر شکن است.

بله، اما آیا باید تمام سنگینی بار به دوش بانک‌ها بیفتد؟ نرخ‌گذاری هیچ تأثیری ندارد و راهکار صحیح این است که نرخ توسط بازار و عرضه و تقاضا تعیین شود. اگر نرخ مناسب و به‌جا باشد، خود مکانیزم اقتصاد آن را پیش خواهد برد؛ اما اگر مناسب نباشد، با تقلب حل می‌شود. اکنون بانک‌ها برای حل مشکل به تقلب دست می‌زنند. مثلاً به مشتری می‌گویند باید مبلغی را به عنوان سپرده، پیش پرداخت یا حساب جاری بدون دسته‌چک پرداخت کنی. یا مثلاً تکلیف می‌کنند که باید فلان مبلغ را در یک حساب گذاشته و به آن دست نزنی و منتظر باشی تا به تو تسهیلات دهیم، یا باید فلان مبلغ را به عنوان کارمزد بپرداز. هزار جور تقلب به‌کار می‌برند تا آن نرخ اصلی به دست آید و ضرر نکنند. پس اصولاً نرخ‌گذاری فرهنگ بدی ایجاد می‌کند.

بهرتر آن است که بگویند نرخ‌ها شناور است. اگر بانک سودی داشته باشد، حتماً تسهیلات را با نرخ پایین‌تر خواهد داد.

اگر من سبب زینی فروش باشم و نتوانم سبب زینی‌هایم را با قیمت گران بفروشم، حتماً قیمت آن را پایین خواهم آورد. این یک مثال ساده است؛ اما اگر بانک‌ها هم نتوانند تسهیلاتشان را با نرخ ۲۵ درصد بدهند و روی دستشان بماند، با نرخ پایین‌تری تسهیلات خواهند داد. اما اینکه تکلیفی به بانک‌ها تحمیل شود که راه‌های درآمد آنها بسته شود، باعث ورشکستگی آنها خواهد شد.

از سوی دیگر سهام بانک‌ها به شدت سقوط کرده است. دولت هم فشار می‌آورد که چرا شاخص سهام شما پایین آمده است؟ وقتی به بانک فشار آوری و نتواند به سهامدار سود دهد، قیمت سهامش هم سقوط می‌کند. بانک‌ها هم مثل سایر بخش‌ها قربانی شرایط تحریم، جنگ و رکود اقتصادی هستند و ضمناً هیچ حمایتی از آنها نمی‌شود. رکود اقتصادی برای بانک‌ها سم است. گویا تصور می‌شود بانک‌ها باید معجزه کنند. بانک‌ها نیاز به بازسازی، اصلاح ساختار مالی، تقویت و پشتیبانی دارند. حداقل دولت که اینقدر از بانک‌ها توقع دارد، باید بدهی خود را به آنها پرداخت کند. وقتی دولت بدهی‌هایش را نمی‌دهد، از بقیه چه توقعی داشته باشیم؟

ماده ۱۶ قانون رفع موانع تولید ممکن است اجرایی شود؛ اما به سختی. اگر به شرایط رونق بازگردیم، بانک‌ها می‌توانند دارایی‌های خود را حتی در صورت لزوم با وام مدت‌دار بفروشند؛ اما این امر تحت هر شرایطی امکان‌پذیر نخواهد شد و مشروط به این است که اقتصاد ما از این حالت انجماد بیرون آید. ■



گفتگوی اختصاصی ستیران با سیدکمال سیدعلی؛ مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات:

تأمین مالی صادرکنندگان در گرو جبران خسارت ارزی



صندوق ضمانت صادرات ایران تنها شرکت دولتی بیمه اعتبار صادراتی وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت است. این صندوق دارای شخصیت حقوقی، مالی و اداری مستقل است؛ ولی از نظر مالی از سوی دولت حمایت می‌شود. عمده کار صندوق ضمانت صادرات این است که با صدور بیمه‌نامه‌ها و ضمانتنامه‌های مختلف، ریسک عدم بازپرداخت اعتبارات صادراتی یا عدم ایفای تعهدات قراردادی صادرکنندگان محلی یا خریداران خارجی را برای موسسات مالی، بانک‌ها، اعتباردهندگان داخلی و خارجی تحت پوشش قرار دهد. یکی از بخش‌هایی که در دوران پساتحریم لطمه خورد، صندوق ضمانت صادرات و به‌طور کلی فرآیند پوشش بیمه‌ای مراودات بین‌المللی بود. ستبران در این شماره خود به گفتگو با سید کمال سیدعلی، مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات پرداخته است تا مخاطبان خود را با چالش‌های پوشش بیمه‌ای در دوران تحریم‌ها و افق‌های پیش‌روی ضمانت صادرات در پساتحریم آشنا کند.

آمار پوشش‌های صندوق در خلال دوره ۴ ساله اخیر به شرح ذیل است:

پوشش صندوق ضمانت صادرات ایران طی سال‌های ۹۳-۱۳۹۰ براساس گزارش‌های عملکرد مجمع عمومی صندوق - ارقام به میلیون دلار

سال عملکرد	پوشش‌های بیمه‌ای	پوشش‌های تضمینی	جمع
۱۳۹۰	۶۲۳	۶۹۰	۱۳۱۳
۱۳۹۱	۶۲۸	۶۴۱	۱۲۶۹
۱۳۹۲	۴۰۵	۶۷۰	۱۰۷۵
۱۳۹۳	۸۲	۶۳۵	۷۱۷

■ با توجه به اینکه به زودی تحریم‌ها لغو شده و ایران به دوران جدیدی از روابط بین‌المللی وارد می‌شود و زمینه مساعد برای صدور کالا و خدمات ایرانی فراهم می‌شود، صندوق ضمانت صادرات در پساتحریم چه خدمات جدیدی به صادرکنندگان ارائه خواهد داد؟

تحریم با وجود کلیه تبعات منفی که دارد، سازمان‌ها و موسسات توسعه‌ای کشور به ویژه صندوق ضمانت صادرات ایران را مجبور کرد همزمان با افزایش ریسک‌های مترتب به صادرات کشور، مقررات جاری خود را انعطاف پذیرتر کرده و تصمیمات لازم را با توجه به شرایط اقتصادی هر یک از بیمه‌گزاران اتخاذ کند.

Tailor-made یا سفارشی کردن بیمه‌نامه‌ها برای هریک از شرکت‌های صادراتی منطبق با ویژگی‌های خاص رشته فعالیت آنها، تأمین زمینه‌های قانونی تضمین صورت وضعیت‌های پیمانکاران از کارفرماهای دولتی عراق به جهت حل عاجل و اضطراری مشکل پیمانکاران و همچنین بازاریابی door-to-door از طریق مراجعه کارشناسان صندوق به محل شرکت‌ها و موسسات صادراتی از جمله این اقدامات نوین صندوق بشمار می‌رود.

صندوق ضمانت در کنار تشکیل‌های صادراتی که فعالین تجاری عضو آنها هستند و با

■ در مدتی که سایه تحریم‌ها اوضاع اقتصادی ایران را دچار چالش کرده بود، وضعیت پوشش بیمه‌ای صندوق ضمانت صادرات به چه صورت بود و عمدتاً با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کرد؟

ریسک‌های سیاسی که در شرایط عادی عموماً احتمال اندکی برای تحقق دارند، در زمان تحریم برای صادرکنندگان ایرانی تبدیل به یک خطر قطعی شد. با شدت گرفتن تحریم بانک‌های ایرانی از سوی شبکه بانکی جهان و عدم امکان انتقال هرگونه حواله ارزی از کشور خریدار، ریسک‌های تجارت خارجی افزایش یافت. تمامی بیمه‌شدگان صندوق بلااستثنا گرفتار عدم تمایل کشورها برای انتقال وجوه صادرکنندگان ایرانی شدند و معهدا کارشناسان بخش صدور و خسارت صندوق برای نجات بیمه‌گزاران از این ریسک، هریار راهکارها و رهنمودهای مناسبی ارائه کرد.

تأثیر منفی بر عملکرد پوشش ریسک بیمه‌ای صندوق به لحاظ محدود بودن ارتباط پولی و بانکی کشور با سیستم بانکی بین‌الملل، قطع خدمات سوئیفت و قرار گرفتن در فهرست سیاه تحریم مشکل دیگری بود که گریبانگیر بانک‌های کشور نیز شد. با سلب امکان اعطای اعتبار خریدار از بانک‌ها، تأمین مالی بعد از حمل کاملاً متوقف و بخش قابل توجهی از پوشش‌های صندوق از سبب صدور و آمار عملکرد سالانه آن حذف شد.

مشکل دیگر، عدم امکان دریافت مطالبات صندوق از مدیونین خارجی از طریق سیستم بانکی با توجه به اقدامات صادرکنندگان بود که برای در امان ماندن از تبعات تحریم، سعی در پنهان ساختن مبداء صادرات خود و بعضاً تغییر اسناد تجاری داشتند. این صندوق از یکسو در مرحله صدور بیمه‌نامه نیاز به تدبیر بیشتری برای یافتن راهکارهای قانونی جهت پوشش قراردادهای اسناد صادراتی داشت و از سوی دیگر در مرحله پرداخت خسارت هم لازم بود راه‌های پیچیده‌تر و تمهیدات افزون‌تری اتخاذ شود تا احراز خسارت واقعی با توجه به شرایط اسناد ارائه شده توسط صادرکننده که قبلاً به آن اشاره شد، صورت پذیرد. با این حال در دوره تحریم صندوق کوشید با برگزاری جلسات آموزشی با بخش بین‌الملل کلیه بانک‌ها به طور اعم و بانک ملت و بانک دی بطور اخص، مقدمات همکاری بانک و بیمه را در زمینه اعتبار خریدار و خرید دین اسناد صادراتی برای post shipment finance فراهم کند. به علاوه صندوق با مکاتبه و نیز برگزاری جلسه با مسئولین صندوق توسعه ملی تلاش کرد تا موانع مقرراتی موجود در شرایط و ضوابط اعطای تسهیلات ارزی به صادرات از میان برداشته شود. (نظیر ضرورت تطویل دوره بازپرداخت اعتبارات مربوط به صدور خدمات فنی و مهندسی و ...)



بانک‌های منطقه‌ای نظیر اکو بانک محروم می‌سازد.

■ از دیدگاه شما، چالش‌های سیستم بانکی کشور تا چه اندازه در کیفیت خدمات بیمه‌ای ارائه شده از سوی صندوق ضمانت صادرات موثر است؟

پوشش ریسک صندوق به صورت مستقیم با سیستم بانکی کشور، مبادلات بین المللی و تامین مالی پروژه‌ها گره خورده است که با رفع مشکلات آن، بخش اعظم چالش‌های پیش روی توسعه فعالیت صندوق نیز مرتفع خواهد شد. بالا بودن ریسک عملیاتی تجاری ایران و ریسک سیستم بانکی به دلیل ارتباطات بین‌المللی و سوئیفت و عدم ورود سرمایه جدید در سال‌های اخیر بخشی از چالش‌های سیستم بانکی است که امیدواریم در دوران پساتحریم حل شود.

■ پیش‌بینی شما از شرایط صادرات کشور در دوران پساتحریم چیست؟

دوران پساتحریم در صورت وجود یک مدیریت صحیح و کارآمد و گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار می‌تواند سبب خلق مزایایی از جمله افزایش اشتغال، کاهش بیکاری، کاهش تورم، کاهش فقر در جامعه، کاهش فرار سرمایه، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه پروژه‌های زیربنایی ملی، افزایش جذابیت بورس برای سرمایه‌گذاران خارجی، کاهش هزینه نقل و انتقال وجوه و به‌طور اخص هزینه‌های بانکی، کاهش هزینه‌های وارداتی از جمله بیمه حمل‌ونقل، دسترسی به منابع مالی بین‌المللی، دسترسی به منابع مالی مسدود شده بانک مرکزی، دسترسی به کالاهای بادوام و باکیفیت، کاهش هزینه‌های سربار تولید، افزایش امنیت اقتصادی و اجتماعی و به تبع آن افزایش رقابت‌پذیری صادرکنندگان ایرانی در جهان پرقاب و توسعه صادرات کشور شود.

به نظر می‌رسد، تاثیر رفع تحریم‌ها بر فعالیت صندوق ضمانت صادرات ایران مثبت باشد؛ چرا که با رونق گرفتن صادرات غیرنفتی کشور به دلیل توسعه روابط اقتصادی با دنیا، استقبال صادرکنندگان از محصولات صندوق که به خاطر تحریم‌ها و عدم گشایش اعتبار (LC) توان استفاده از آن را نداشتند (از قبیل بیمه نامه خرید دین اسناد صادراتی) افزایش خواهد یافت.

در این راستا کاهش احتمال قصور خریداران به علت رفع مشکل نقل و انتقال ارز و گسترش دامنه خریداران محصولات صادرکنندگان ایرانی به دلیل کاهش ریسک کشوری ایران، می‌تواند به ایجاد امکان حمایت‌های موثرتر صندوق ضمانت صادرات ایران و پشتیبانی موثرتر از صادرات کشور منجر شود. ■

”
ضرورت تامین جبران خسارت به صورت ارزی و در خارج از کشور از سوی این صندوق، که فعلاً به واسطه مقررات و مضایق کشور امکان آن موجود نیست، چالش بزرگی است که جامعه صادراتی کشور را از امکان تأمین مالی صادرکنندگان توسط بانک‌های منطقه‌ای نظیر اکو بانک محروم می‌سازد.

ترغیب بانک‌ها به مشارکت در تامین مالی صادرات، سامان دهنده خیز و جهش بزرگ صادراتی صادرکنندگان به بازارهای هدف است و با برقراری ارتباط همکاری با موسسات بیمه هم‌تای خود در اکثر این کشورها چتر مطمئنی را برای حمایت و شتاب بخشیدن به صادرات امن گسترده است.

علاوه بر این، صندوق با بازنگری در برنامه استراتژیک خود به دنبال دستیابی به افق جدیدی در زمینه حمایت هدفمند از صادرکنندگان ایرانی است. صندوق ضمانت صادرات ایران بر اساس چهارچوب قانونی خود می‌تواند نقش موثری در اجرای سیاست‌های توسعه صادرات غیرنفتی به‌عنوان یکی از پیشران‌های اقتصادی خروج از رکود تورمی ایفا کند؛ به طوری که با حمایت از صادرات غیرنفتی نه تنها باعث کاهش اتکای بودجه کشور به نفت شود؛ بلکه میزان اشتغال را نیز افزایش دهد. لذا بر همین اساس و در راستای افزایش پوشش اعطایی به صادرکنندگان، صندوق در صدد بخش‌بندی مشتریان است تا متناسب با نیاز متفاوت آنها، نسبت به طراحی محصولات متنوع برای هر یک از این گروه‌ها اقدام کند.

■ اصلی‌ترین چالش‌های بیمه‌ای حوزه صادرات که صندوق ضمانت صادرات با آنها مواجه است، شامل چه مواردی می‌شود؟

عمده‌ترین چالش‌های بیمه اعتبار صادراتی که صندوق با آن مواجه است عبارتند از: ارتقاء فرهنگ بیمه اعتبار صادراتی کشور، ساختار سنتی صادرات (همچنین بخش عمده‌ای از صادرات غیرنفتی کشور در اختیار بنگاه‌های بزرگ در اختیار دولت از جمله پتروشیمی، فولاد و مس است که از پوشش صندوق بهره نمی‌برند)، نامتناسب بودن میزان سرمایه صندوق نسبت به تعهدات آن، عدم آشنایی صادرکنندگان با صندوق، قوانین دست‌وپاگیر جهت حمایت هر چه بیشتر از صادرکنندگان، عدم تعامل کافی نظام بانکی کشور با صندوق در جهت تسهیل و افزایش سهم تأمین مالی صادراتی، تمایل زیاد صادرکنندگان جهت تجارت با کشورهای با ریسک بالا نظیر افغانستان و عراق و فقدان اطلاعات مناسب جهت اعتبارسنجی در خصوص این کشورها و همچنین تحمیل پوشش‌های تکلیفی به صندوق و عدم وجود صندوق سرمایه ملی جهت تأمین خسارات این پروژه‌ها.

علاوه بر اینها، ضرورت تأمین جبران خسارت به صورت ارزی و در خارج از کشور از سوی این صندوق، که فعلاً به واسطه مقررات و مضایق کشور امکان آن موجود نیست، چالش بزرگی است که جامعه صادراتی کشور را از امکان تأمین مالی صادرکنندگان توسط

بهرام نظام‌الملکی؛ مدیرکل دفتر توسعه صادرات و صدور خدمات فنی و مهندسی وزارت نیرو در گفتگو با ستبران؛ بدون اصلاح بانک‌ها، هیچ اتفاق مثبتی در تولید و صادرات رخ نمی‌دهد!



علاوه بر انتقادات تند و تیزی که بخش خصوصی به سیستم بانکی ایران دارد، برخی از بخش‌های دولتی نیز شدیداً این سیستم را نقد کرده و آرزوی ایجاد تغییرات اساسی را در آن دارند. یکی از این بخش‌ها وزارت نیرو است که تاکنون تلاش کرده انتقادات و پیشنهادات خود را به گوش دست‌اندرکاران نظام بانکی و اقتصادی کشور برساند؛ بلکه باری که روی دوش بخش خصوصی و بخش‌های مختلف دولتی است، سبک شود. بهرام نظام‌الملکی، مدیرکل دفتر توسعه صادرات و صدور خدمات فنی و مهندسی وزارت نیرو در گفتگو با ستبران، از گلايه‌هايش نسبت به نظام بانكي ايران مي‌گويد:

جمع کرده‌اند و در جهت ضد تولید و صادرات از آن استفاده می‌کنند. یک زمان در بخش ارز فعالیت می‌کنند و زمانی دیگر در حوزه ساختمان‌سازی لوکس. اکنون هم دیر شده است و باید هرچه زودتر جلوی این امر گرفته شود.

الان علی‌رغم شرایط نابرابر بین‌المللی و تحریم‌های غرب علیه ایران، شرکت‌های ایرانی در تندرهای بین‌المللی شرکت کرده و بدون کمک دولت برنده می‌شوند. این یعنی توانمندی و قابلیت نیروی انسانی شرکت‌های ایرانی در تراز بالایی قرار گرفته است؛ اما متأسفانه برخلاف همه دنیا که سیستم بانکی در پروژه‌های برون مرزی در خدمت پیمانکارانشان است و به آنها تسهیلات می‌دهد، ایران اینگونه نیست.

شما ببینید! دولت ترکیه داعش و النصره را در خاک خود آموزش می‌داد و کماکان به این کار ادامه می‌دهد؛ به همین دلیل عراقی‌ها از ترک‌ها نفرت دارند. اکنون در کردستان عراق به علت جریان داعش قیمت نفت پایین آمده و آنها نمی‌توانند حق و حساب پیمانکارانشان را بدهند. با وجود دشمنی‌ها، دولت ترکیه از پیمانکارهایش با اعطای وام حمایت کرده و از آنها می‌خواهد بازار عراق را از دست ندهند؛ اما یک سال و نیم است که پیمانکاران ایرانی چک‌هاشان را زیر ۵۰ درصد در بازار می‌فروشند و شاهد حمایتی از سوی دولت نیستند. اگر ما ادعا داریم صادرات مهم است و اقتصاد مقاومتی باید اجرایی شود، باید از پیمانکارانمان حمایت کنیم.

■ **باتوجه به اینکه تا امروز مسأله مبادلات مالی در حوزه معاملات و پروژه‌های بین‌المللی یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها محسوب می‌شود، آیا لغو تحریم‌ها را در تسهیل صادرات کالا، تجهیزات و خدمات ایرانی موثر می‌دانید؟**

البته تحریم‌های ناجوانمردانه باید برداشته شود و دولت و وزارت خارجه هم سعی خود را می‌کنند؛ اما مشکل اصلی ما در خودمان است. سیستم بانکی ما باید وام‌های ارزان قیمت در اختیار پیمانکاران قرار دهد و مانند شرکت‌های رقیب ایران، در کنار شرکت‌های خودی باشد. من اصل مشکل را در بانک می‌دانم.

■ **پیش‌بینی تان در مورد اوضاع پساتحریم چیست؟ آیا به آینده خوشبین هستید؟** اینکه اوضاع بهتر شود یا نه، به تحریم‌ها ربطی ندارد. این به خودمان ربط دارد. سیستم بانکی ما باید اسلامی شود.

■ **نظر تان راجع به قانون رفع موانع تولید که حاوی موضوعاتی در خصوص واگذاری مایملک مازاد خود را واگذار کنند چیست؟**

اگر عملیاتی شود خیلی خوب است و ان شاء الله عملیاتی می‌شود؛ اما باید سفت و سخت از سوی دولت پیگیری شود. وظیفه وزارت نیرو رسیدگی به صنعت آب و برق است و در حوزه صدور خدمات نیز وظیفه دارد از شرکت‌های ایرانی در بازارهای بین‌المللی آب و برق حمایت کند. با این وجود این وزارتخانه ظرف دو سال گذشته پیشنهادات متعددی در رابطه با مسائل اقتصادی و بانکی به دولت داده است. این وظیفه ما نیست؛ پس یک جای کار اشکال دارد. مسئولین اقتصادی و بانکی کشور باید پیشنهاد دهند؛ که متأسفانه نه تنها آنچنانکه باید حضور نداشته و پیشنهادی برای حل مشکلات نمی‌دهند؛ بلکه عملاً پیشنهادات ما را هم محل اعتنا نمی‌دانند. ■

■ **باتوجه به اینکه مذاکرات هسته‌ای به نتیجه رسیده‌اند و تحریم‌ها به زودی لغو خواهند شد، پیش‌بینی شما از شرایط صادرات خدمات فنی و مهندسی به ویژه در حوزه صنعت برق در دوران پساتحریم چیست؟**

سیستم بانکی ما در خدمت تولید و صادرات نیست؛ بلکه در خدمت خودش است. در تمام دنیا کشورهایی که پیشرفت کرده و حرف اول را در تولید و صادرات می‌زنند - به خصوص صدور خدمات فنی مهندسی - سیستم‌های بانکی آنها در خدمت پیمانکاران و صادرکنندگانشان است. تمام پروژه‌هایی که در دنیا اجرا می‌شود EPC است؛ یعنی حتماً کمک مالی کنار پروژه‌ها وجود دارد. این اتفاق هنوز در کشور ما نیفتاده است و بانک حرف خود را می‌زند. علی‌رغم اینکه رهبری و دولت در زمینه اقتصاد مقاومتی تأکید کرده‌اند بانک‌ها کار خود را می‌کنند. تا زمانی که بانک‌ها تغییر نکنند اتفاق خاصی در حوزه صادرات نیز نخواهد افتاد.

■ **اخباری که می‌رسد حاکی از این است که بانک‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود، فی‌المثل در سود تسهیلات خیلی صاحب اختیار نیستند و طبق دستور بانک مرکزی حرکت می‌کنند. بنابراین آیا بدون همراهی بانک مرکزی می‌توان انتظار تغییر داشت؟**

بانک مرکزی نیز باید خود را با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی وفق دهد. نظر مسئولین کشور این است که تولید و صادرات رونق پیدا کند؛ ولی متأسفانه در سیستم بانکی تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است. ما ظرف سه چهار سال گذشته در کشور مشکل رکود اقتصادی داشتیم؛ اما سیستم بانکی ظرف این مدت چه کرد؟ بانک‌های ایرانی ظرف سه سال گذشته از نظر سود، اولین بانک‌های خاورمیانه شدند؛ اما نه به دلیل شرکت و حضورشان در تولید و صادرات؛ بلکه به علت کارهای سوداگری و بنگاهداریشان. تا زمانی که وضع بر همین منوال باقی بماند اتفاقی در کشور نخواهد افتاد.

طبق برنامه چشم‌انداز، ایران باید در منطقه از هر نظر اول باشد. ولی سیستم بانکی به عنوان بزرگترین چالش شرکت‌های ایرانی در صدور خدمات و صادرات مانع رسیدن کشور به این نقطه می‌شود. در کشور تقریباً ۹۰ درصد صدور خدمات توسط شرکت‌های حوزه آب و برق اتفاق می‌افتد؛ اما شرکت‌های دیگر در حوزه پتروشیمی، ساختمان و ... تنها ۱۰ درصد از صدور خدمات را به خود اختصاص داده‌اند.

بزرگترین مشکل این طیف ۹۰ درصدی، سیستم بانکی است. ما بعضاً قانون‌های خوبی هم داریم؛ اما سیستم‌های بانکی به آنها عمل نمی‌کنند. این امر باید اصلاح شده و بانک در خدمت کشور باشد. در تمام دنیا زمانی که سیستم‌های بانکی اینترنتی و به‌روز می‌شود، کارها از طریق اینترنت و سیستم‌های هوشمند انجام شده و تعداد شعب بانک کم می‌شود. در واقع موازات اینکه علم پیشرفت می‌کند، تعداد بانک‌ها و پرسنل آنها کم می‌شود. حال سوال این است که چرا در کشور ما علی‌رغم اینکه سیستم‌های بانکی کامپیوتری می‌شوند، به تعداد شعب اضافه شده و هر روز در خیابان‌ها شعبه‌های جدید بانکی سبز می‌شود؟ علت این است که اینها در کار خرید و فروش ملک و ساختمان افتاده‌اند و بانک را هم بین یکدیگر خرید و فروش میکنند.

در همه جای دنیا بانک‌ها برای این به وجود آمده‌اند که پول مردم را جمع کنند و این پول در خدمت تولید، صادرات، اشتغال و توسعه کشور باشد؛ اما در کشور ما بانک‌ها پول مردم را

در گفتگو با ابوالحسن خلیلی مطرح شد:

انتظار برای نتایج پساتحریم و توقف تصمیم‌گیری‌ها

هر زمان از پساتحریم صحبت به میان می‌آید، انگشت اشاره همه به سوی بانک‌ها رفته و اما و اگرهای متعدد آغاز می‌شود. اگر بانک‌ها سود تسهیلات کمتری اخذ کنند، اگر بانک‌ها امکان گشایش I.C داخلی و خارجی را ایجاد کنند، اگر بانک‌ها دست از بنگاهداری شسته و به وظیفه خودشان که همانا بانک‌داری است بپردازند، و الخ. به نظر می‌رسد سرکلاف بسیاری از مشکلات کشور به دست بانک‌ها است. البته مسأله به این سادگی‌ها هم نیست و مشکلات بانکی کشور دچار پیچیدگی‌های متعدد بوده و از علل گوناگونی ناشی می‌شود. ستیران در این شماره خود با ابوالحسن خلیلی، دبیر و عضو هیأت مدیره خانه صنعت و معدن استان تهران به گفتگو پرداخته است تا توقعات بخش خصوصی را از بانک‌ها از او جویا شود.

تصمیم‌گیری‌ها تبدیل به یک عامل تزایدی شده و ما مداوماً به سمت یک نوع خویشتنداری در مسائل اقتصادی پیش می‌رویم. هر چند امید آن می‌رود که اقتصاد ما با اجرای توافقنامه تبدیل به اقتصادی پیش‌بینی‌پذیرتر شود؛ اما با توجه به اتفاقاتی که در یک سال گذشته - که منتظر توافق بودیم - و دو سه ماه گذشته - که پساتوافق حساب آمده و منتظر پساتحریم هستیم - به نظر می‌رسد ما در حوزه اقتصاد در حال فرو رفتن در یک نوع انتظار بیش از حد هستیم، بنابراین بعید است فعلاً اتفاق خاصی بیفتد.

■ از دیدگاه شما لغو تحریم‌ها و امکان جذب سرمایه‌های خارجی و مشارکت با بانک‌های بین‌المللی، تا چه اندازه می‌تواند راهگشای مشکلاتی باشد که شرکت‌ها در حوزه تامین مالی پروژه‌های خود با آن مواجهند؟

یکی از محسنات پساتحریم این است که ما امیدوار باشیم سرمایه خارجی وارد کشور شده و بخش زیادی از این کمبود نقدینگی و تسهیلات را تأمین کنند؛ اما این امر مشروط به آن است که اتفاقات طولانی‌مدت نشود. همانطور که می‌دانید سرمایه‌های خارجی نیز تابع مقرراتی هستند و سرمایه‌گذارهای خارجی با مطالعه وارد بازارها می‌شوند. بنابراین این مطالعه و ضوابط حاکم بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و انطباق آن ضوابط بر شرایط کشور، هم برای آنها و هم برای ما به‌عنوان پذیرنده این ضوابط قدری کند پیش خواهد رفت.

■ همانطور که مستحضر هستید ماده ۱۶ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر بانک‌ها را ملزم کرده است تا مدت سه سال، سالانه حداقل سی و سه درصد اموال خود اعم از منقول، غیرمنقول و سرقفلی را که به تملک آنها و شرکت‌های تابعه آنها درآمده است و به تشخیص شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

■ توقع بخش خصوصی از سیستم بانکی کشور در دوران پساتحریم چیست؟

با توجه به اینکه بازار سرمایه ما کاملاً شکل‌گرفته نیست، قاعدتاً اولین محلی که برای تأمین سرمایه در گردش به ذهن می‌رسد، بانک‌ها هستند که تمرکز منابع مالی کشور در آنها قرار گرفته است. بدیهی است آنچه واحدهای تولیدی به دنبالش هستند این است که این تسهیلات بتواند در خدمت تولید قرار گرفته و به‌عنوان نیروی محرکه‌ای باشد که واحدهای تولیدی را به حرکت درآورد.

نکته دوم این است که بانک‌ها نباید به سمتی حرکت کنند که رقیب تولید شوند؛ اما متأسفانه آنچه در کشور اتفاق افتاده و کماکان ادامه دارد، این است که سود تسهیلات در بانک‌ها بالا است و از طرف دیگر فعالیت‌های اقتصادی کشور به علت رکودی که شاهدش هستیم با زیان مواجه است.

دارندگان نقدینگی سعی می‌کنند نقدینگی را در بانک‌ها بلوکه کنند و سیاست دولت نیز در این یک سال و نیم بوده که با کنترل نقدینگی تورم را کنترل کند. این امر سبب شده نقدینگی از بنگاه‌های تولیدی خارج شده و این بنگاه‌ها با کمبود سرمایه مواجه شوند.

■ یعنی به نظر شما دولت در این زمینه موثر است؟

سیاست‌های بانکی که بخشی از آن در شورای پول و اقتصاد تصویب می‌شود، می‌تواند کمک کند نقدینگی به سمت واحدهای تولیدی حرکت کند.

■ آیا دولت دست به تصویب چنین سیاست‌هایی خواهد زد؟ پیش‌بینیتان چیست؟

اکنون سیاست دولت بر کنترل تورم است و سعی بر جمع‌آوری نقدینگی دارد تا از این طریق تورم را مدیریت کند. به نظر نمی‌رسد اتفاقی بیفتد. چراکه لغو تحریم‌ها هم در بحث



انقباضی که بانک‌ها و دستگاه‌های اجرایی پیش گرفتند و همچنین باتوجه به سختگیری بیشتر دستگاه‌های نظارتی، به‌نظر می‌رسد پیاده‌سازی اعتبارات اسناد داخلی مقداری سخت شده و نیاز به تلاشی مضاعف دارد. هرچند که بالأخره این امر جزو یکی از الزاماتی است که یک اقتصاد فعال دارد.

■ بانک‌ها چگونه باید با بدهی‌های صنعتگران برخورد کنند که نه به ضرر خودشان تمام شود و نه باعث عدم اعطای تسهیلات به صنعتگران و تولیدکنندگان شود؟
الآن یک پیچیدگی در اقتصاد ما اتفاق افتاده؛ صنعتگران به بانک‌ها بدهکارند و بانک‌ها امکان وصول مطالبات را ندارند. بنابراین صنعتگر نیز امکان تولید ندارد. این گره باید از یک جایی گشوده شود. بنابراین به‌نظر می‌رسد ما باید ابتدا به ساکن طوری مدیریت کنیم که تقاضا برای خرید کالا و خدمات در جامعه به‌وجود آید و باعث شود چرخ واحدهای تولیدی به‌حرکت درآید. به این ترتیب مطالبات بانک‌ها هم از آنها وصول می‌شود. از سوی دیگر بانک‌ها هم باید با مهلت دادن به افراد به‌گونه‌ای رفتار کنند که واحدهای تولیدی هم به‌تدریج بدهی خود را تسویه کنند و هم بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند.

■ تقاضای خرید را چگونه می‌توان بالا برد؟
دولت می‌تواند از طریق سیستم بانکی به مصرف‌کنندگان اعتباراتی اختصاص دهد. همانگونه که واحدهای تولیدی نیاز به استفاده از اعتبارات و LC داخلی دارند، برای مصرف‌کنندگان نیز می‌توان چنین اعتباری را ایجاد کرد تا آن پول در صحنه عرضه آمده و در اختیار فروشندگان کالاهای داخلی قرار گیرد. ■

مازاد است، واگذار کنند. منظور از شرکت‌های تابعه مذکور، شرکت‌هایی هستند که بانک‌ها و موسسات اعتباری به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم مالک بیش از پنجاه درصد سهام آن باشند یا اکثریت اعضای هیأت مدیره آن را تعیین کنند.

از سوی دیگر در ماده ۱۷ همین قانون برای آن دسته از بانک‌ها و موسسات اعتباری که به تکالیف موضوع ماده ۱۶ عمل نکند مجازات‌هایی تعیین شده است. مثلاً اینکه سود بانک یا موسسه اعتباری که از فعالیت‌های غیربانکی مثل بنگاهداری و نگهداری سهام به‌دست آمده باشد، در سال ۱۳۹۵ با نرخ ۲۸ درصد مشمول مالیات می‌شود و پس از آن هر سال سه واحد به درصد نرخ مذکور افزوده می‌شود تا به ۵۵ درصد برسد.

نظر شما در رابطه با این قانون چیست؟ اگر خللی دارد لطفاً به آن اشاره کنید.
قاعدتاً سعی دولت بر این است که قانون‌مداری را به‌عنوان اصل اولش بپذیرد و سعی دارد این امر را نهادینه و اجرایی کند. اما اینکه بانک‌ها شروع به فروش اموالشان کنند، در یک فضای اقتصاد فعال و پویا اتفاق خواهد افتاد؛ وگرنه ممکن است بانک‌ها اعلام آمادگی هم بنمایند؛ ولی اتفاقی نیفتند. در شرایط اقتصادی که رکود حاکم است، متقاضی وجود ندارد. پس ممکن است به نتیجه مطلوب نرسیم.

■ ارزیابی شما از شرایط جدیدی که ممکن است با لغو تحریم‌ها بر سیستم بانکی کشور حاکم شود، چیست؟ آیا می‌توان به کاهش سود تسهیلات یا امکان‌گشایش اعتبار اسنادی برای پروژه‌های داخلی در سیستم بانکی کشور امیدوار بود؟
باتوجه به شوکی که در سال ۸۹ از بابت کسری بودجه به اقتصاد ما وارد شد و رفتار

صنعت غرق در ژرفای مشکلات نظام بانکی



صادق صیاده؛
دبیر کمیته حمایت از ساخت داخل
سندیکای صنعت برق ایران

مقدمه

بانک‌های موجود در کشور هرکدام به فراخور موقعیت خود و شرایط زمانی، به سمت مسئله ای خاص متمایل هستند و تریق منابع پولی کشور در بخش بازرگانی و یا سرمایه گذاری‌های خاص توسط شرکت‌های زیرمجموعه خود را به تامین مالی بخش‌های مختلف تولیدی ترجیح می‌دهند و در جواب مراجعه‌ی سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگانی که بخش بسیار بزرگی از گردش مالی جامعه ناشی از زحمات شبانه روزی آنان است، می‌گویند که منابع پولی لازم را برای پرداخت به تولید نداریم! نتیجه این رفتار بانک‌ها شکل‌گیری پشتوانه‌ای بزرگ برای واردات کالای مصرفی از خارج است که از طرفی به غارت هرچه بیشتر ثروت ملی و خروج پول از کشور می‌انجامد و از طرفی نیز بازارهای داخلی را که باید اولین و بزرگ‌ترین پشتوانه برای تولید ملی باشند، بدون دریافت کوچک‌ترین امتیازی از کالای بیگانه اشباع می‌کنند و موجب می‌شوند از بسیاری از ظرفیت‌های تولیدات داخلی استفاده نشود.

نظام بانکداری کشور باید در جهت اهداف توسعه کشور باشد و در خدمت توسعه تولید در بخش‌های مختلف قرار گیرد.

نیازهای صنعت از سیستم بانکی

- ۱- تسهیلات بانکی و اعتباری (ارزان و سریع الوصول و به میزان لازم)
- ۲- انتقال وجوه نقد
- ۳- تضامین بانکی
- ۴- فاینانس پروژه‌ها در بازارهای خارجی
- ۵- پوشش ریسک نوسان نرخ ارز (Hedging)
- ۶- پوشش ریسک ناشی از عدم اجرای تعهدات سازندگان خارجی
- ۷- بهره‌مندی صادرکنندگان از ارز مبادلاتی
- ۸- مکانیزم فروش ارز ناشی از صادرات
- ۹- وجود شعبات بانکی فعال در کشورهای هدف

تامین مالی (سرمایه در گردش)

افزون بر هزینه بالای تسهیلات بانکی تولید (عملاً با نرخ بالای سی درصد در سال) که بین ۵ تا ۱۰ برابر کشورهای

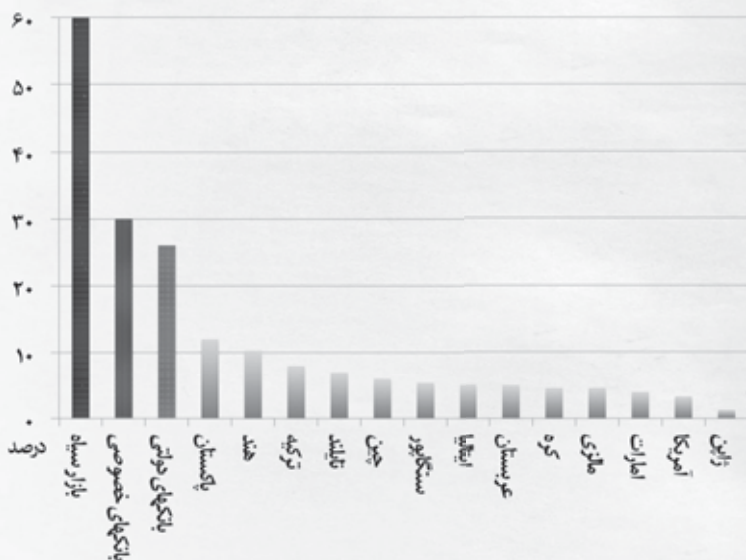
بروز معوقات بانکی است. با این وجود دولت بدون توجه به نقش اصلی و گریز تعمدی از مسئولیت مستقیم خود در ایجاد این معضل، نه تنها کمکی در جهت برون رفت از وضعیت کنونی نمی‌کرد که از طریق بانک‌های عامل با اعمال تزییقات مستمر و بی وقفه شرایط را بس دشوارتر کرده است.

تنگنای تامین مالی

وجود معضل بزرگی به نام تنگنای تامین مالی بزرگترین مشکل تولیدکنندگان و پیمانکاران است. به نظر می‌رسد مشکل بزرگ‌تری از تنگنای مالی در اقتصاد وجود نداشته

دیگر است. رکود کنونی و طولانی شدن زمان وصول مطالبات فروش، منجر به افزایش هزینه سرمایه در گردش واحدهای تولیدی به میزان بیش از ۱۰ برابر متوسط جهانی شده است که قیمت تمام شده کالای داخلی را نسبت به کالای خارجی افزایش می‌دهد. ارتباط ضعیف صنایع کوچک و متوسط با بانک‌ها، عملاً نزدیک به نیمی از نگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط را از دسترسی به منابع مالی بانکی محروم می‌کند و بسیاری از آنها ناچار از مراجعه به بازار سیاه پول با پرداخت سود سالانه بالای ۶۰ درصد هستند. در این شرایط تولیدکننده چگونه خواهد توانست شکاف بین هزینه پولی و درآمد فروش خود را پر کند.

نرخ هزینه سرمایه (سود تسهیلات بانکی) در ایران و کشورهای منتخب



تحلیل و استنتاج: احسان سلطانی بر اساس داده‌های بانک جهانی

معوقات بانکی

سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات حامی واردات و ضد تولید داخلی دولت‌ها و به ویژه در دهه هشتاد موجب شد تا واحدهای صنعتی و به خصوص صنایع کوچک و متوسط دچار بحران و زیان دهی شوند که یکی از تبعات عادی آن

باشد. بخشی از این مشکل بزرگ به بازار پول برمی‌گردد، بخشی از آن به دلیل ناکارآمدی‌های بازار سرمایه است و بخش دیگر آن به کسری بودجه و تنگنای مالی دولت مرتبط است. امروز همه بخش‌های اقتصاد کشور با معضل تنگنای مالی



بحث دوم: نرخ سود

از اواخر سال ۹۲ تغییر وضعیتی در بازار پول اتفاق افتاده به این ترتیب که با وجود افت تورم، نرخ‌های سود بانکی انعطاف لازم را نداشته و وضعیت بی‌سابقه‌ای در اقتصاد کشور به وجود آورده است. یعنی در بازاری که بیش از دو دهه نرخ سود واقعی منفی بوده، تغییری اساسی ایجاد شده و نرخ سود واقعی مثبت شده و مثبت مانده است. یعنی نرخ سود در بازار بین‌بانکی و خرده‌فروشی نه تنها کاهش پیدا نکرده که افزایش پیدا کرده و به ارقامی حول و حوش ۲۸ یا ۲۹ درصد رسیده، در حالی که تورم به ۵/۱۵ درصد رسیده است که در این شرایط، فشار بی‌سابقه‌ای به بانک‌ها وارد می‌شود تا نرخ سود سپرده‌ها را به ۲۰ درصد یا کمتر از آن کاهش دهند. در چنین شرایطی اگر نرخ سود سپرده بانکی به ۲۰ درصد کاهش یابد، طبیعتاً بخشی از صاحبان سپرده که نرخ بازده واقعی پول را در ارقامی بالاتر از این نرخ ارزیابی می‌کنند، پول خود را از چرخه سیستم بانکی خارج می‌کنند.

بحث سوم: کفایت سرمایه بانکی

در سال‌های اخیر میزان وام‌دهی و ارائه تسهیلات از سوی بانک‌ها افول کرده است که برخی این موضوع را وابسته به عدم افزایش سرمایه از سوی بانک‌ها می‌دانند، اما نباید فراموش کرد که بانک‌ها تابع مقررات و شرایط تعریف‌شده‌ای هستند، که اگر بانک‌های دولتی بخواهند در شرایط فعلی دست به کار شوند و حجم بیشتری از تقاضاهای بازار پول را پاسخ دهند، امکان‌پذیر نخواهد بود. تورم همان‌طور که بر فعالیت‌ها و بازارهای مختلف تاثیرگذار بوده، در سال‌های گذشته گریبان‌گیر بازار پولی کشور نیز شده و مشکلاتی را برای این بازار ایجاد کرده

پوپولیستی دولت پیشین برای این دولت است. این منحنی نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۴، نظام اعتباری که عمدتاً در ایران متکی به نظام بانکی و بازار پولی است معادل ۲۱ درصد تولید ناخالص داخلی به بخش خصوصی تسهیلات پرداخت کرده‌اند و در یک روند صعودی این ظرفیت در سال ۲۰۰۸ به ۳/۳۷ درصد افزایش یافته اما به یکباره در یک روند نزولی شدید در سال ۲۰۱۳ به ۲/۱۲ درصد سقوط کرده است. از طرفی وضعیت این شاخص در مقایسه با سایر کشورها نیز در شرایط نامناسبی قرار دارد. در سال ۲۰۱۳ مقدار این شاخص برای کشورهای کم‌درآمد ۵/۲۸ درصد، کشورهای با درآمد متوسط ۱/۸۶ درصد و کشورهای توسعه‌یافته ۱/۱۵۹ درصد بوده است. به هر حال از این شاخص چند نتیجه به دست می‌آید. نتیجه اول این است که این کاهش سهم تسهیلات اعطا شده به بخش خصوصی نسبت به تولید ناخالص داخلی به سطح ۲/۱۲ درصد نشان می‌دهد که نظام بانکی ایران در وضعیت فعلی قادر به پاسخ دادن به تقاضا نیست و عرضه تسهیلات و اعتبارات نسبت به تقاضا خیلی محدود است. اینکه تقاضا چقدر مبتنی بر واقعیت و چقدر سوداگرانه است را می‌شود مفصل بحث کرد ولی به طور کلی شاخص مورد اشاره نشان می‌دهد تقاضا از عرضه خیلی پیشی گرفته است.

چند بحث کلیدی:

بحث اول: نظام بانکی ما از سرویس دهی به اقتصاد ناتوان شده است.

اگر نسبت سرجمع خروجی سیستم بانکی را در نظر بگیریم، مشاهده می‌شود که محصول نهایی، پاسخگوی نیازها نبوده است. به این ترتیب بحث ناتوان بودن سیستم بانکی برای سرویس دهی به اقتصاد مطرح می‌شود.

مواجه هستند و تقریباً حوزه‌ای نیست که با این مشکل درگیر نباشد. در عین حال بانک‌ها هر روز بیشتر از گذشته در ژرفای مشکلات غرق می‌شوند.

بانک جهانی شاخصی دارد که هر سال منتشر می‌کند و می‌تواند نشان دهد که ادعای مطرح شده چقدر درست است. این شاخص میزان تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی در سطح ملی را نسبت به تولید ناخالص داخلی (Domes- financial corporations) نشان می‌دهد. طبق تعریف بانک جهانی، تسهیلات داخلی اعطایی به بخش خصوصی عبارت است از کلیه منابع مالی که از طریق شرکت‌های مالی (financial corporations) به بخش خصوصی اعطا می‌شود. منظور از شرکت‌های مالی در تعریف فوق عبارت است از بانک‌ها و نهاد‌های پولی، بانک‌های سپرده‌پذیر و سایر شرکت‌های مالی نظیر شرکت‌های لیزینگ، صندوق‌های بازنشستگی، موسسات مالی و اعتباری و صرافی‌ها. با این شاخص می‌توان عملکرد نظام بانکی و اعتباری را تحلیل کرد و نشان داد تأمین مالی بخش خصوصی توسط نظام بانکی چه تناسبی با حجم تولید ناخالص داخلی کشور دارد. با همین معیار، گزارشی از وضعیت پرداخت تسهیلات از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۱۳ که نشان می‌دهد در بهترین حالت، در سال ۲۰۰۷، تسهیلات پرداخت شده به بخش خصوصی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۳/۳۷ درصد بوده است. در مقابل، کمترین میزان تسهیلات پرداخت شده به نسبت تولید ناخالص داخلی، ۲/۱۲ درصد در سال ۲۰۱۳ بوده است. اگر نموداری ترسیم کنیم و نقاط مختلف تسهیلات پرداختی در این نمودار را به هم وصل کنیم، روند جالب توجهی را می‌بینیم که نشان‌دهنده عمق مشکلات نظام اعتباری و بالطبع نظام بانکی است. این میراث سیاست‌های

است، بزرگ‌ترین آفت تورم برای ارائه تسهیلات، کاهش میزان سرمایه جاری بانک‌ها بوده است. در مورد ارائه تسهیلات از سوی بانک‌ها مواردی مانند عدم تطبیق بانک با شرایط بازار نیز مطرح می‌شود که تا حدودی صحت دارد. اما در نظام بانکی باید به تعاریف ایجادشده از سوی بانک مرکزی دقت شود. اگرچه اخیراً میزان پرداخت تسهیلات بانک‌ها نسبت به گذشته افزایش یافته اما باید مقصد نهایی

تسهیلات بررسی شود تا ارائه تسهیلات در راستای فعالیت‌های مولد اقتصادی و تولید ناخالص ملی تاثیرگذار باشد و این مورد در حالی مطرح می‌شود که در فعالیت‌های بانکی ارائه تسهیلات در راستای فعالیت‌های مثبت و مفید اقتصادی تعریف شده است. در برخی موارد دیده شده تسهیلات ارائه شده در بخش‌های غیرمولد و غیرتولیدی همچون دلال‌بازی و بورس‌بازی در کنار تبدیل آن به ارز و

خروج از کشور مورد استفاده قرار گرفته که این موارد جزو ایرادات ارائه تسهیلات فعالیت‌های بانکی و بازار پولی کشور به حساب می‌آید.

بحث چهارم: ساختار معیوب بازار پول

در نهایت بحث ساختار معیوب بازار پول مطرح است و این که ساختار بازار پول در ایران به انحصار نزدیک است. بحث اصلاح ساختار نظام بانکی حدود دو سال است که به صورت جدی مطرح شده و همه با ابعاد نگران‌کننده و وضعیت بانک‌ها آشنا هستیم. در حال حاضر با نظام بانکی بیماری طرف هستیم که اصلاحات را بر نمی‌تابد. مقررات‌پذیری، شفافیت و نظم و انضباط در این ساختار از بین رفته، حتی سیاست‌گذاری برای اصلاح ساختار بانکی هم ممکن است به نتیجه نرسد. وضعیتی پیش آمده که بانک‌ها نمی‌توانند یا نمی‌خواهند تن به شفافیت و نظم بدهند. مثلاً چندی پیش، مدیران بانک‌ها دور یک میز نشستند و به چشمان هم نگاه کردند و درباره نرخ سود به این نتیجه رسیدند که همه، نرخ ۲۲ درصد را رعایت کنند و از این نرخ بالاتر نروند. مشاهده می‌شود بانک‌های بزرگ برای اینکه بابت اضافه برداشت جریمه ۳۴ درصدی بانک مرکزی را نپردازند، حاضرند از بانک‌های کم‌مشکل تر، با نرخ ۲۵ تا ۲۹ درصد تسهیلات بگیرند. بانک‌ها سال گذشته ۳۸ هزار میلیارد تومان اضافه برداشت کرده‌اند که این نشان از بی‌انضباطی دارد و تبعات آن هم مشخص است.

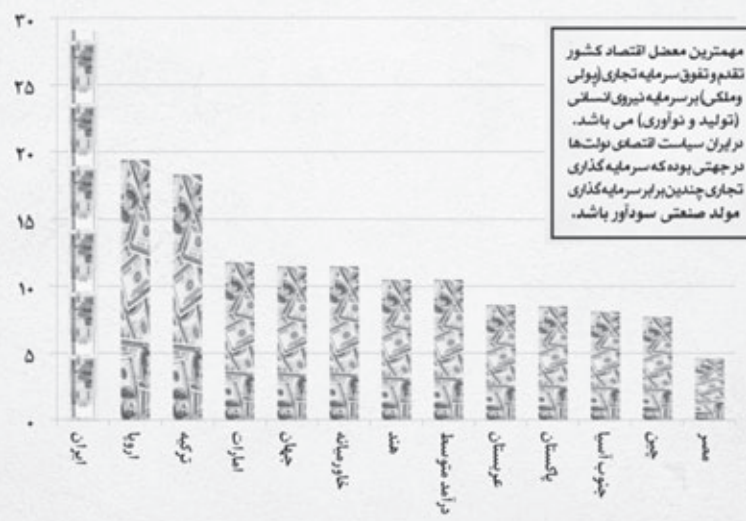
بانک‌ها باید در چارچوب یک برنامه جدی و قاطع موظف به فروش دارایی‌های خود شوند و در این صورت اطمینان داشته باشید که بانک‌ها زیان سنگینی متحمل خواهند شد. بانک‌هایی که دچار چنین وضعیتی هستند، باید دارایی‌های منجمدشده خود را بفروشند. اما نوعی ترس در نظام بانکی ما وجود دارد که اجازه اصلاح ساختار جسورانه را نمی‌دهد. اگر بانک‌ها موظف باشند تکلیف دارایی‌های سسمی خود را مشخص کنند و ساختمان‌هایی را که در اختیار دارند بفروشند، در آن صورت سیستم بانکی باید زیان فراوانی را نشان دهد.

در حال حاضر بخش زیادی از منابع بانک‌ها قفل شده است در دوره نوسان‌های ارزی و افزایش قیمت دلار هم نیاز نقدینگی افزایش پیدا کرد. به این دلیل که نرخ ارز از مبلغ هزار تومان به مبلغ سه هزار تومان افزایش یافت. در این شرایط، جنس نظام بانکی ما از لاستیک نبود که انعطاف داشته باشد و بنابراین دچار تنگنای مالی بسیار بزرگی شدیم. تقاضای خیلی زیاد رشد کرد در حالی که عرضه منابع رشد نکرد. از آن طرف، بانک‌ها با بی‌اعتمادی زیادی مواجه شدند. چون مطالبات معوق افزایش یافته بود. هم سیاست‌گذار و هم بانک‌ها در به وجود آمدن این وضع

عوامل ایجاد مطالبات معوق بانکی (NPL)
سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات اقتصادی دولتها
رشد اقتصادی کاذب و حبایی
بحران‌های اقتصادی جهانی
تضعیف بخش‌های مولد و رشد سوداگری و سفته‌بازی (به ویژه در املاک)
اقتصادهای متمرکز دولتی
عدم استقلال و کارایی بانک‌های مرکزی و نهادهای مالی
عدم توسعه یافتگی نهادهای سرمایه‌ای و مالی
ناکارآمدی و فساد بخش‌های دولتی
توسعه نیافتگی
اقتصاد تک محصولی
بحران‌های سیاسی

سرانه تعداد شعب بانکهای تجاری در ایران و جهان

(تعداد شعب در ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت بالغ، تحلیل توسط احسان سلطانی بر اساس داده‌های WTO)



عدم تغییر در برخی مقررات، عدم خصوصی‌سازی و جذب سرمایه در گذشته توسط تعاونی‌های اعتباری، بازارهای غیرمتشکل پولی، صندوق‌های قرض‌الحسنه و موسسات مالی وابسته به نهادها و ارگان‌هاست که اندک‌اندک با گذر زمان به بانک یا موسسات مالی و اعتباری تبدیل شده‌اند. برای خروج از شرایط انحصار بازار پول باید ارتباط بانکی و نقل و انتقال ارز تا حدودی مساعد شود.

به نظر می‌رسد در چند سال اخیر سایر ابزارهای تامین مالی مانند اوراق مشارکت و صندوق‌ها چنان‌که باید فعال و موثر عمل نکرده‌اند و نتوانسته‌اند باری از فعالیت‌های بانکی یا ارائه تسهیلات در بخش تولید و مولدهای اقتصادی را به دوش بکشند.

در وضعیت فعلی اقتصاد کشور که از تحریم‌ها تأثیرات خاصی دریافت کرده، صنعت و تولید دارای حاشیه سود کمتری از حد نرمال هستند از این رو عرضه‌کننده پول به سمت پروژه‌های زودبازده همچون تجارت و بازرگانی سوق پیدا کرده و در پی ایجاد این فضا تولید از دریافت تسهیلات تا حدودی محروم مانده است. عرضه‌کننده پول نیز با محدودیت‌های به حقی از سوی بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار در کنار افزایش مطالبات معوق که در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از منابع بانکی اعلام می‌شود، روبه‌رو است. با توجه به میزان معوقات می‌توان گفت عملاً یک پنجم منابع مالی برای ارائه تسهیلات از مدار خارج شده است. کاهش ظرفیت ارائه تسهیلات از سال ۱۳۹۱ بعد از وقوع شوک ارزی که به یکباره ارزش پول ملی را تا یک سوم کاهش داد، اتفاق افتاد. مقابله با این موضوع باید از طریق افزایش سرمایه بانک‌ها انجام می‌شد که در این مورد بانک‌های دولتی نیاز به قوانین دولتی و مجلس و بانک‌های خصوصی نیز نیاز به مصوبه سهامداران داشتند. به دلیل شرایط اقتصادی کشور سهامداران طالب افزایش سرمایه نبوده و به دنبال تقسیم سود بودند. با این تفاسیر بانکی که تا سال ۹۱ ظرفیت قابل قبولی از اقتصاد را جوابگو بود در حال حاضر با افزایش سه‌برابری ارزش برابری دلار بسیار تضعیف شده است. بنابر این میزان وام‌دهی بانک‌ها به دلیل اقتصادی کاهش یافته است.

پیشنهادات

در ارتباط با مشکلات ذکر شده تنها راهکار در پیش رو تقاضای اجرای بدون کم‌کاست قوانین موجود کشور بالاخص قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و نظارت بانک مرکزی بر عملکرد بانک‌های عامل کشور در حسن اجرای قوانین پیشنهاد می‌شود. ■



۳۰ درصدی، نرخ بهره را در سطح ۱۲ تا ۱۴ درصد حفظ کرد و منجر به بلوکه شدن بخش زیادی از اعتبارات در دست افراد و گروه‌های دریافت‌کننده تسهیلات شد. اتفاقی که باعث خروج این اعتبارات از چرخه وام‌دهی بانک‌ها شده و به پیشی گرفتن تقاضای پول نسبت به عرضه آن دامن زده است.

دریافت یک وام برای تامین سرمایه در گردش یک بنگاه اقتصادی یا تولیدی کوچک زحمت بسیاری دارد و دریافت این تسهیلات همراه با نرخ‌های بسیار بالایی است. در شرایط فعلی نمی‌توان صنعتی را پیدا کرد که حدود ۳۰ درصد سود از قبل آن عاید سرمایه‌گذار شود تا بازپرداخت بانک را انجام دهد. اما شرکت‌های بزرگ دولتی که آنچنان سودآور نیستند، به راحتی و بدون هیچ‌گونه زحمتی و تنها با حمایت و دستور دولت میلیاردها تومان تسهیلات دریافت می‌کنند. در واقع دریافت تسهیلات از سوی شرکت‌های بزرگ دولتی تا حدودی به اجبار است؛ زیرا عدم دریافت تسهیلات آنها را با ورشکستگی مواجه خواهد کرد. نسبت دریافت تسهیلات از سوی بخش خصوصی به بخش دولتی و خصولتی بسیار کمتر از یک درصد و در حدود یک‌هزارم است که این می‌تواند نشانه‌ای از انحصار در مقوله دریافت تسهیلات در بازار پول باشد.

با فرض آنکه ۸۵ تا ۸۸ درصد منابع اعتباری توسط سیستم بانکی تامین می‌شود و نقل و انتقال ارز به خارج از کشور به راحتی صورت نمی‌گیرد، می‌توان گفت بازار پول ایران تا حدودی انحصاری است، همچنین در داخل کشور به واسطه نوسانات ارزی و عدم یکسانی نرخ ارز با بازار آزاد بازار پول کاملاً آزادانه رفتار نمی‌کند. در کنار این مسائل به دلیل عدم سنخیت نرخ سود بانکی و نرخ تورم در گذشته تسهیلات دریافت‌شده از سوی مردم بازپرداخت نشده و این موضوع، منابع بانک‌ها برای ارائه تسهیلات را کاهش داده است. از دیگر عواملی که به انحصار بازار پول دامن زده

سهیم هستند. چند مشکل عمده وجود دارد که بانکداری سنتی ایران یارای حل و فصل این مشکلات را ندارد. انتظار این است که بتوانیم یک میلیون شغل در سال ایجاد کنیم. برای ایجاد این تعداد شغل باید چندین سال رشد هشت درصدی داشته باشیم. آیا دستیابی به نرخ رشد پنج یا هشت درصدی با اندازه ۱۲ درصدی (نسبت تسهیلات پرداخت شده به تولید ناخالص داخلی) تسهیلات بانکی به نسبت تولید ناخالص داخلی امکان‌پذیر است؟ مشخص است که نیست. البته همین ۱۲ درصد هم محل بحث است به این دلیل که طبق اعلام بانک مرکزی، بیش از نیمی از تسهیلات اعطایی در هر سال مربوط به تجدید قراردادهاست و در واقع پول واقعی، سهمی کمتر از شش درصد دارد. به این ترتیب با نسبت شش درصدی تسهیلات به تولید ناخالص داخلی نمی‌توانیم به رشد دست پیدا کنیم. در حالی که این نسبت در بسیاری از کشورها حتی بیش از ۶۰ درصد است. چنین انتظاری از بانک‌ها وجود دارد ولی وضعیت بسیار نگران‌کننده است.

شاید بتوان ادعا کرد بازار پول واقعی در ایران، بازاری است که تحت عنوان نزول یا رهن مسکن شناخته می‌شود. وقتی نرخ سود ماهانه در تطبیق قیمت رهن و اجاره سه درصد است، این به معنای نرخ بهره سالانه ۳۶ درصدی است. در بازارهایی مانند بازار آهن فروشان که فروش آتی رواج دارد، گاهی نرخ سود ماهانه تا پنج درصد نیز پرداخت می‌شود. به نظر می‌رسد این نرخ‌ها نشانه بهتری برای تعیین نرخ واقعی پول باشد؛ اما متأسفانه در ایران هیچ‌گاه این بازارها به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

از دیگر نشانه‌های بی‌معنا بودن بازار پول در ایران آن است روشن است که در شرایط کنونی اقتصاد ایران، تقاضا برای پول بسیار بیشتر از عرضه آن است. یکی از علل اصلی این موضوع سرکوب مالی‌ای است که در سال‌های قبل (به‌خصوص در دولت نهم و دهم) به‌رغم نرخ تورم

گفت‌وگو با محسن شادمان؛ عضو علی‌البدل هیات مدیره سندیکای صنعت برق و مدیرعامل شرکت صانع شرق سود بالای تسهیلات، سرتیر مشکلات سیستم بانکی کشور



خیلی خیلی ضعیف و در حد صفر عمل شده است. اینها توقعاتی است که ما از سیستم بانکی خود داریم.

■ آیا اینکه عملکرد بانک‌ها در این زمینه صفر بوده است، از نظر شما به دلیل تحریم‌ها بوده است یا خیر؟

بحث LC ریالی و LC داخلی بحث‌هایی نبوده که به تحریم‌ها ربط داشته باشد. ۹۰-۸۰ درصد مسائلی که ما با بانک‌ها می‌داریم، مسائلی نیست که با تحریم ارتباط داشته باشد. حالا اینکه کسی بخواهد آنها را به تحریم ربط دهد بحثی جدا است.

البته بعد از لغو تحریم‌ها بانک‌ها می‌توانند مثل ۱۰ سال گذشته نقل و انتقال پول انجام دهند و LC ارزی باز کنند که طبیعتاً به نفع صنعت کشور هم خواهد شد.

در دوران قبل از تحریم‌ها مشتری ایرانی باید با ده درصد از مبلغ، برای طرف خارجی LC باز می‌کرد و از او دیفر پیمنت و یوزانس‌های ۶ ماهه و ۴ ماهه می‌گرفت. این امر باید در سیستم‌های بانکی اجرایی می‌شد. اما وقتی کسی می‌خواست از طرف داخلی کالا خریداری کند، باید موقع خروج جنس ۲۵ درصد از مبلغ را پرداخت می‌کرد. این تبعیض ناخودآگاه برای مشتری ایرانی شرایطی را ایجاد می‌کرد که بیشتر به سوی تولیدکننده خارجی سوق پیدا می‌کرد تا تولیدکننده داخلی. چراکه شرایط cash flow (گردش نقدینگی) برای خریدار سهل‌تر و روان‌تر است. در شرایط cash flow نقش بانک پررنگ‌تر و اعتمادها بیشتر است. گردش نقدینگی مناسب‌تر به نحوی مشتری داخلی ما را ترغیب می‌کرد از تولیدکننده خارجی کالا را تأمین کند. این اعتراض به سیستم داخلی بانکی ما هم وارد است. امیدواریم اگر دوران پساتحریم شکل گرفت و تولیدکننده‌های خارجی وارد مملکت شدند، از نظر خدمات سیستم

پیرو پرونده‌ای که در شماره قبلی نشریه ستبران در باب تهدیدها و فرصت‌های دوران پساتحریم داشتیم، به این جمع‌بندی رسیدیم که یکی از مشکلات اضطراری که تمام اقتصاددانان و صنعتگران و تولیدکنندگان روی آن تأکید داشته و از آن گلایه می‌کنند، نرخ سود بالای تسهیلاتی است که بانک‌ها به صنعتگران و به‌طور عام قشر مولد جامعه اعطا می‌کنند. بر همین مبنای آن شدیم با صاحب‌نظران این حوزه به گفتگو پرداخته و مطلب را به صورت تفصیلی تشریح کنیم. آنچه می‌خوانید گفتگوی نشریه ستبران با محسن شادمان، عضو علی‌البدل هیات مدیره سندیکای صنعت برق است:

■ توقع بخش خصوصی از سیستم بانکی کشور در دوران پساتحریم چیست؟

توقعات بخش خصوصی از سیستم بانکی چندان به دوران تحریم یا پس از تحریم بر نمی‌گردد. ما از سیستم بانکی توقع داریم نقش واقعی بانک‌ها را ایفا کنند؛ نه اینکه صرفاً به سودآوری خود فکر کنند. البته بانک به هر حال بنگاهی اقتصادی است و باید به سودآوری خود فکر کند؛ اما این امر باید در قالب اهداف تعریف شده‌اش باشد؛ نه به صورت شرکت‌داری و املاک و غیره.

بانک باید سودآوری را در قالب نقش خودش که جابه‌جایی پول و اعتبار است جستجو کند. این متأسفانه در سیستم‌های بانکی ما خوب جا نیفتاده است؛ خصوصاً در زمینه جابه‌جایی اعتبار. مشتری ممکن است نزد بانک اعتباری داشته باشد؛ اما نزد شرکتی که از آن کالا تأمین می‌کند دارای اعتبار نباشد. به عبارت دیگر ما به عنوان خریدار نمی‌توانیم از طرفمان که یک شرکت خارجی است توقع کنیم سفارش و اعتبار ما را قبول کند؛ اما از آنجا که در سیستم بانکی خود اعتبار داریم، دو بانک با ارتباط با هم اعتبار ما را نیز ضمانت می‌کنند. دو بانک با هم مسائل مالی را حل می‌کنند و ما هم با هم مسائل فنی را حل می‌کنیم. این در داخل کشور

بانکی تبعیضی بین آنها و تولیدکننده‌های داخلی نباشد.



توقع ما از دولت این نیست که وام‌های ارزان و خاص برای بخش خصوصی قرار دهد. توقع ما این است که در بخش صنعت و خصوصاً صنعت برق به عنوان یک بخش زیربنایی، گردش مالی مناسب و مطمئن ایجاد کند

■ مهم‌ترین چالش‌های صنعت برق در حوزه سیستم بانکی کشور چیست؟ آیا این مشکلات با چالش‌های بخش خصوصی به طور کلی تفاوتی دارد یا خیر؟

در کل مملکت مشکلات سیستم بانکی تقریباً یکسان است. اما نباید این را فراموش کنیم که صنعت برق یک صنعت زیرساختی است و بخش عمده اعتبارات آن دولتی بوده و از بودجه‌های دولتی تأمین می‌شود. آنچه ما توقع داریم این است که آن اعتبارات بودجه‌های عمرانی و استانی بخش دولتی، به نحوی پشتوانه اعتبارات بانکی تولیدکننده قرار گیرد. به هر حال بحث اعتبار از نقدینگی جداست. انتظار ما این است

که آن credit و اعتباری که بودجه دولتی ایجاد می‌کند، به نحوی در اختیار تولیدکننده و پیمانکار پروژه قرار گیرد تا از آن استفاده کند. البته این را نمی‌توان به عنوان چالش مطرح کرد؛ اما می‌توانیم به عنوان یک نقطه قوت در صنعت برق مطرح کنیم. به لحاظ چالش‌های صنعت برق، تمام مشکلاتی را که بقیه کشور با سیستم بانکی دارند - مخصوصاً نرخ سود بالا - ما هم با سیستم بانکی داریم.

■ دولت چگونه می‌تواند به حل مشکلاتی که بخش خصوصی در رابطه با سیستم بانکی کشور در ندمک کند؟

مهم‌ترین تأثیری که دولت از طریق بانک مرکزی روی بانک‌ها اعمال می‌کند، در بحث LC ریالی است.

توقع ما از دولت این نیست که وام‌های ارزان و خاص برای بخش خصوصی قرار دهد. توقع ما این است که در بخش صنعت و خصوصاً صنعت برق به عنوان یک بخش زیربنایی، گردش مالی مناسب و مطمئن ایجاد کند. به این ترتیب تولیدکننده ما وظیفه خود را انجام خواهد داد؛ وظیفه تولیدکننده ارتقای کیفیت و کمیت، رقابت با تولیدکنندگان خارجی، تولید محصول جدید و R&D است؛ اما اگر از مدیران مجموعه‌های تولیدی و مدیران پیمانکاری بزرگ ما سوال کنید عمده مشکلاتشان درگیر مسائل نقدینگی و رتق و فتق مشکلات بانکی و مطالبات و بدهی‌ها است. این آفتی است که ما مثلاً در مقایسه با ترکیه، رقیب جدیمان در منطقه داریم.

■ بانک‌ها چگونه باید با بدهی‌های صنعتگران برخورد کنند که نه به ضرر خودشان تمام شود و نه باعث عدم اعطای تسهیلات به صنعتگران و تولیدکنندگان شود؟

واقعیت این است که بخش زیادی از این مطالبات که بانک‌ها از بخش خصوصی یا تولید دارند به شرایط عدم ثبات اقتصادی و عدم ایفای تعهدات بخش دولتی برمی‌گردد. یعنی وقتی پیمانکاری برای دولت کار کرده و چندین میلیارد تومان طلب دارد، مجبور است ماه‌ها از آن، به سیستم بانکی هم بدهی‌هایی داشته باشد. این را نمی‌توان قصور صنعتگر دانست. البته شرایط نامناسب بازار نیز دخیل است. الان سروصدای مشکلات صنعت خودروسازی در مملکت پیچیده است. مثلاً یک خودروساز ۸۰۰ هزار خودروی آماده فروش دارد؛ اما مشتری ندارد. نمی‌شود صد در صد تقصیر را به گردن صنعتگران انداخت. مدیر یک بخش دولتی هم باید دورنمایی از بازار را تجسس کند. بخش زیادی از این مشکلات به شرایط پیچیده اقتصادی ما برمی‌گردد؛ یعنی حتی اقتصاددانان ما خیلی مواقع از پیش‌بینی شرایط جایی مانند این باعث می‌شود صنعتگر بدهی بالا بیاورد و نتواند به تعهدات خود نسبت به سیستم بانکی عمل کند.

البته نمی‌شود نادیده گرفت که بخشی از این بدهی به سیستم بانکی از این جهت است که

اخذکنندگان تسهیلات منابعشان را در جاهایی که جزو اهداف شرکتشان نبوده مصرف کرده‌اند و به همین دلیل برای خود و سیستم بانکی ایجاد مشکل کرده‌اند. استفاده از رانت نیز در اخذ تسهیلات، منجر به عدم پرداخت می‌شود. اگر مطالبات بانک‌ها را بررسی کنید، می‌بینید مطالبات بزرگ به شرکت‌هایی مربوط می‌شود که بانک به هیچ‌شکل نمی‌تواند آنها را وصول کند. اما اگر بنده خدایی به یک بانک ۱۰ میلیون تومان بدهکار باشد، بانک بلافاصله از طریق ضامن او اقدام می‌کند. این ظلم سنگینی است که بانک‌ها به بخش خرد اقتصاد ما می‌کنند و بخش کلان اقتصاد جامعه به دلیل رانت‌ها و ابزارهای سیاسی فرار می‌کنند. به عبارت دیگر جریمه آدم‌های گنده را باید آدم‌های کوچک پرداخت کنند.

یک مشکل دیگر هم که همیشه با سیستم بانکی داشته‌ایم این است که اگر شما به دلیل قصورهایی که ناشی از عملکرد شما نیست در سیستم بانکی تأخیر داشته باشید، بانک اعتبار شما را از بین می‌برد، جریمه‌اش را می‌گیرد، اصل پولش را می‌گیرد و صد خسارت دیگر هم به شما می‌زند. اما اگر ارتباطی خاص داشته باشید یا به قولی با دادبا در را بخوانید، بانک همه این تسهیلات را برایتان تقسیم می‌کند. جریمه‌هایش را می‌بخشد و صد کمک دیگر هم به شما می‌کند. به عبارت دیگر شما که به مشکلی کوچک برخورد کرده‌اید و نمی‌خواهید اعتبارتان را از دست دهید، در سیستم بانکی هزار و یک مشکل دارید؛ اما آن کسی که با دادبا در خوانده و مشکلات خودش را عریان در جلوی بحث‌های بانکی قرار داده و رانت و حمایت‌های ویژه هم دارد، کسی پاسخگوی او نیست و عملاً افراد دیگر باید جور خسارتی را که به بانک می‌زند بکشند.

■ از دیدگاه شما لغو تحریم‌ها و امکان جذب سرمایه‌های خارجی و مشارکت با بانک‌های بین‌المللی، تا چه اندازه می‌تواند راهگشای مشکلاتی باشد که شرکت‌ها در حوزه تأمین مالی پروژه‌های خود با آن مواجهند؟

خیلی نمی‌شود به این امر خوشبین بود؛ چراکه با توجه به فضایی که در خارج از ایران وجود دارد، تحریم‌ها هر لحظه ممکن است برگردد و این احتمال، طبیعتاً خودش منعی می‌شود برای اینکه سرمایه‌دار خارجی در پروژه‌های داخل کشور سرمایه‌گذار کند. اما امیدواریم پس از لغو تحریم‌ها در برخی بخش‌ها جذب سرمایه‌های خارجی داشته باشیم و بانک‌های خارجی نیز در پروژه‌های ما مشارکت کنند و بالاخره گردش مالی خوبی را در اقتصاد ایجاد کنند. ما می‌توانیم پروژه‌های بسیار بزرگی را در کشور خود تعریف کنیم که منابع مالی برگشت سرمایه هم برای آنها وجود داشته باشد؛ مثل قطارهای سریع‌السیر، متروهای شهری، خطوط فشار قوی و لتاژ بالا، نیروگاه‌های بزرگ به هدف صادرات و بحث‌هایی از این دست. شاید با تعریف این پروژه‌ها بخش صنعت برق بتواند ایران را به هاب انرژی منطقه تبدیل کند. اما در داخل کشور برای این امور منابع کافی نداریم. اگر بتوانیم منابع خارجی را جذب کنیم، حتماً موفق می‌شویم و آینده بسیار مناسبی را برای کشور و مردم خود رقم می‌زنیم.

■ ان شاء الله. اما به هر حال احتمال برگشت لغو تحریم‌ها ممکن است روی سرمایه‌داران خارجی هم این تأثیر را بگذارد که فعلاً کمتر در رابطه با سرمایه‌گذاری در ایران ریسک کنند؛ درست است؟

این به عملکرد سیاستمداران ما برمی‌گردد. هر قدر بتوانند اعتماد متقابل بیشتری ایجاد کنند، درصد بیشتری از سرمایه‌گذاران خارجی به داخل کشور ورود خواهند کرد. مثل معروفی هست به این مضمون که: سرمایه دار ترسو است. یعنی به محض اینکه احساس خطر کند، از

البته قانون خیلی تند و تیز است و خیلی بعید است شرایط بانک‌ها طبق زمان تعیین شده تغییر کند. ما آنقدر موقع نوشتن قانون افراط می‌کنیم، قوانین غیر اجرایی تصویب می‌کنیم. نتیجه این می‌شود که این قوانین اجرایی نمی‌شوند و همه هم قبول دارند قانون بدی است. در حالی که روح قانون مزبور درست است؛ اما در نگارش شرایطی را در نظر گرفته که اجرایی نیست. مثل همین قانون که از سال ۹۵ جریمه‌هایش شروع می‌شود. تا این قانون ابلاغ شود و بحث‌هایش جاری شود، ممکن است سال ۹۵ هم برسد و هنوز هیچ کاری صورت نگرفته باشد. اینکه بخواهیم اینهمه سرمایه که بانک‌ها در طول ده‌ها سال - حداقل ۱۰ الی ۱۲ سال اخیر - اندوخته‌اند، در عرض ۶ ماه سر جایش برگردد، عملی نیست. تازه حتماً مقاومت‌هایی هم مشاهده خواهد شد؛ چراکه هر کدام منافع را برای برخی اشخاص ایجاد کرده‌اند. بنابراین مثل بسیاری از قوانین دیگر چون غیر واقعی است در اجرا به مشکل برخورد خواهد خورد. البته قطعاً قانون خوبی است؛ فقط شاید بهتر باشد به لحاظ اجرایی واقع‌گرایانه تر به موضوع نگاه می‌کردند. امیدوارم این قانون در عمل اجرا شود؛ اما متأسفانه پیش‌بینی‌ام این است که اجرا نخواهد شد.

■ فکر نمی‌کنید جریمه‌ای که تعیین شده از بازدارندگی کمی برخوردار است و ممکن است بانک‌ها پرداخت جریمه را به واگذاری بنگاه‌های اقتصادیشان ترجیح دهند؟ البته جریمه آنها را اذیت خواهد کرد. ولی از لابی سنگین بانک‌ها هم نمی‌شود غافل شد.

■ در رابطه با سود تسهیلات بانک‌ها نظر تان چیست؟ فکر می‌کنید نرخ سود در دوران پسا تحریم پایین بیاید؟

بحث سود تسهیلات بسیار جدی است. ایرادات و اعتراضات جدی به سود بالای تسهیلات وارد است. متأسفانه دولت یک هدف عمده برای خود گذاشته و آن کاهش تورم است. این کاهش تورم در واقع یکی از بحث‌های مهمش جدا کردن نقدینگی از داخل جامعه است. خیلی هم بدیهی است که در این جهت از سود بالا و غیر متعارف کمک می‌گیریم. اما این سود بالا تولید ما را از بین می‌برد. کدام کار اقتصادی و تولیدی می‌تواند شکل بگیرد که بتواند در سال ۳۰ درصد سود سرمایه برگرداند؟ در نتیجه سود سرمایه‌ها به بانک‌ها برگشته و در واقع این سودهای بالا آفت تولید می‌شود. الان در واقع چیزی از تولید مملکت نمانده و عامل عمده این امر نرخ بالای سود تسهیلات است. یک وقتی تمام اقتصاددانان اعتقاد داشتند اقتصاد مملکت توسط دلار ۱۰۰۰ - ۸۰۰ تومانی در حال از بین رفتن است؛ اما دولت ایستاده بود که نرخ دلار باید ۱۰۰۰ تومان باشد. بالاخره هم دیدیم که اقتصاد مملکت از بین رفت و حتی دسته بیل هم از چین وارد می‌شود. تا اینکه یک روز اقتصاد از کنترل دولت خارج شد و دلار به ۴ هزار تومان رسید. نه آن دلار ۸۰۰ تومانی به نفع اقتصاد مملکت بود و نه دلار ۴ هزار تومانی. الان هم متأسفانه چنین فضایی ایجاد شده است. دولت بر اساس شرایط سیاسی و پوپولیستی خود و جذب آرای مردم در حال انجام یک کار اقتصادی غلط است و آن چیزی نیست جز نرخ سود بالای تسهیلات. این سر تیر تمام مشکلات سیستم بانکی ماست.

■ تصور می‌کنید بعد از لغو تحریم شاهد تغییراتی در این راستا باشیم؟ به نظر نمی‌آید بانک مرکزی و سیستم اقتصادی کشور با اینکه توانسته‌اند تورم را کنترل کنند، به این موضوع نگاهی داشته باشند. اما ما امیدواریم. ما که در صنعت باقی مانده‌ایم، با امید زندگی می‌کنیم. وگرنه اگر کسی امید خود را کنار بگذارد، لحظه‌ای در صنعت باقی نمی‌ماند. امیدواریم روزی بانک‌ها در مراودات مالی ما نقشی پر رنگ تر داشته باشند. نرخ‌های سود واقعی‌تر به تولید دهند و تولید هم ادامه حیات داده و رشد کند. با این نرخ سود بالا دست زدن به هرکاری محکوم به شکست است. ■

افزایش سرمایه‌گذاری خودداری کرده و انتقال سرمایه‌اش را در دستور کار خود قرار می‌دهد. این مسأله در کشور خودمان به کزات پیش آمده است. در زمانی که سختی خاصی پیش می‌آید آمارها به گوش می‌رسد که مثلاً در دویی ۱۰۰۰ شرکت ایرانی به ثبت رسیدند. در ده سال گذشته من چندین بار چنین اتفاقاتی را شاهد بوده‌ام. اما وقتی در ایران بستر مناسب باشد، نه تنها سرمایه‌دار ایرانی نخواهد رفت؛ بلکه سرمایه‌دار خارجی هم خواهد آمد. هر قدر این اعتماد و اعتبار بیشتر شود، جذب سرمایه بیشتر می‌شود و از قبل آن فرصت‌های شغلی بیشتر ایجاد می‌شود.

■ همانطور که مستحضر هستید ماده ۱۶ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر بانک‌ها را ملزم کرده است تا مدت سه سال، سالانه حداقل سی و سه درصد اموال خود اعم از منقول، غیر منقول و سر قفلی را که به تملک آنها و شرکت‌های تابعه آنها در آمده است و به تشخیص شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مازاد است، و اگذار کنند. منظور از شرکت‌های تابعه مذکور، شرکت‌هایی هستند که بانک‌ها و موسسات اعتباری به صورت مستقیم و غیر مستقیم مالک بیش از پنجاه درصد سهام آن باشند یا اکثریت اعضای هیأت مدیره آن را تعیین کنند.

از سوی دیگر در ماده ۱۷ همین قانون برای آن دسته از بانک‌ها و موسسات اعتباری که به تکالیف موضوع ماده ۱۶ عمل نکنند مجازات‌هایی تعیین شده است. مثلاً اینکه سود بانک یا موسسه اعتباری که از فعالیت‌های غیر بانکی مثل بنگاهداری و نگهداری سهام به دست آمده باشد، در سال ۱۳۹۵ با نرخ ۲۸ درصد مشمول مالیات می‌شود و پس از آن هر سال سه واحد به درصد نرخ مذکور افزوده می‌شود تا به ۵۵ درصد برسد.

پیش‌بینی شما از شرایط جدیدی که ممکن است با تصویب اینگونه قوانین و لغو تحریم‌ها بر سیستم بانکی کشور حاکم شود، چیست؟ آیا از نظر شما تغییری حاصل خواهد شد؟

یک مشکل که در مملکت ما وجود دارد این است که همه ما به دنبال همه کاری هستیم. بانکداری، سلامت، بیمه، دانشگاه‌داری و ... همه سیستم خود را دارند. شما ببینید الان همه وزارتخانه‌های ما یا بانک دارند یا در اندیشه تأسیس بانک هستند. حتی به دنبال تأسیس دانشگاه، بیمارستان، مهمانسرا، دانشسرا، مراکز تفریحی و الخ هستند.

برعکس این امر هم اتفاق افتاده است. یعنی بانک‌های ما هم دنبال شرکت‌داری هستند. بانک باید از محل تبادل پول و اعتبار درآمندی کند. تبادل یعنی مثلاً شما پولی بی استفاده دارید و آن را به بانک می‌سپارید. صنعتگر توانایی استفاده را دارد؛ بنابراین پول را از بانک گرفته و تولیدی راه می‌اندازد. بانک سود بیشتری را از این طرف می‌گیرد و از این مابه‌التفاوت استفاده می‌کند. تبادل اعتبار هم چیزی مشابه همین است؛ مثل ضمانتنامه‌هایی که بانک‌ها صادر می‌کنند. چون در بخش دولتی توان سنجش اعتبار را ندارند، بانک آن اعتبار را سنجش می‌کند و به بخش دولتی تضمین می‌دهد. این وظیفه بانک است. اما بانک‌ها به هدف سودجویی بیشتر خود وارد عمل می‌شوند و سرمایه‌های مردم را در بخش‌های غیر حرفه‌ای خود می‌برند. از طرف دیگر هم به دلیل اینکه آن شرکت‌ها احتمالاً نفوذ بر عکسی هم روی بانک دارند و هیأت مدیره‌هاشان در بانک‌ها ذی نفوذ هستند، کاری می‌کنند جذب سرمایه توسط آن شرکت از بانک بیشتر باشد؛ حتی اگر آن کار اقتصادی نباشد. اینجا آن نقطه آفت است. به عبارت دیگر بر اساس رانت و ارتباط، شرکتی که فعالیتش به اندازه کافی سودآور نیست، منابع بانکی را که با آن ارتباط دارد جذب می‌کند و بعد این منابع به گل می‌نشینند. اما آن بانک منابعش را از کجا آورده است؟ سرمایه‌گذاران خردی که به آن اعتماد کرده‌اند. این خطر ایجاد می‌کند. الان هم بحث ورشکستگی بانک‌ها و موسسات اعتباری به شدت در جریان است و عامل عمده این بحث‌ها هم این موضوع است.

صنعت برق ناگزیر است مشکلاتش را به تنهایی حل کند

سعید مهذب‌تربایی، عضو علی‌البدل هیأت‌مدیره سندیکای صنعت برق ایران و مدیرعامل شرکت قدس نیرو؛



لغو تحریم‌ها می‌تواند در زمینه کاهش نرخ سود تسهیلات، گشایش اعتبار اسنادی و سایر زمینه‌ها بسیار راهگشا باشد و نقش انجمن‌ها و سندیکاهای بخش خصوصی برای جهت‌دهی به این مسیر جدید بسیار موثر است.

قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر قانون خوبی است و موادی را برای برخورد با بی‌نظمی‌های بانک‌ها در نظر گرفته است؛ از جمله اینکه بانک‌ها را ملزم نموده است تا سالانه درصدی از اموال مازاد خود را که به تملک آنها و شرکت‌های تابعه آنها درآمده است واگذار کنند؛ ولی اجرای این قانون با توجه به پیچیدگی‌ها و فراگیری خدمات مرتبط و غیر مرتبط فعلی بانک‌ها در کوتاه‌مدت عملی نیست. بهتر است یک مدل و آیین‌نامه اجرایی تهیه شود که منطبق بر واقعیت موجود باشد. سندیکا می‌تواند نقش موثری در زمینه تهیه آیین‌نامه‌ها و تبیین روش‌ها ایفا نماید. ■

ما ناگزیرند با بانک‌های خارجی به رقابت بپردازیم. اما آیا توان رقابت با آنها را داریم؟ خیر، قطعاً نداریم. با اقتصاد بسته که امکان رقابت پولی وجود ندارد. چطور می‌توان این قدرت رقابت را در سیستم بانکی کشور ایجاد کرد؟ باید ابتدا نظام پولی بانک‌ها تغییر نماید و این تغییر می‌باید منطبق با واقعیات فرهنگی و ارزشی جامعه باشد.

بعد از لغو تحریم‌ها راه تنها برای بانک‌های خارجی گشوده نمی‌شود بلکه شرکت‌های خارجی هم به ایران خواهند آمد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی بی‌شک یک روش تجربه شده و موفق برای عبور از بحران سرمایه‌گذاری است. ولی با توجه به شرایط خاص کشور و وضعیت پروژه‌ها و سایر مسائل، می‌باید هرگونه ورود به این بخش با تفکر همه‌جانبه و با در نظر گرفتن همه ابعاد آن اتفاق بیفتد. به‌رحال بهتر است از افراط و تفریط در این امر بپرهیزیم. قطعاً

کرد که دولت مشکلات سیستم بانکی را حل کند. مثلاً دولت می‌تواند از طریق تزریق نقدینگی، اعتباردهی، کاهش بوروکراسی اداری، کاهش نرخ کارمزد، هدفمند نمودن تسهیلات و ... سیستم بانکی کشور را به سمت بهبود هدایت کند. ولی در عمل صنعت برق باید با منطقی نمودن جریان نقدینگی خودش برای خودش تسهیلات و اعتبار ایجاد نماید.

اما صنعتگران بدهی‌هایی به بانک‌ها دارند. با این بدهی‌ها چه باید کرد؟ از آنجا که مقررات مالی و پولی کشور یک فرایند به‌هم تنیده و مرتبط است و نمی‌توان یک‌طرفه به آن پرداخت، لذا دولت باید یک مدل چندوجهی برای استهلاک بدهی‌های واقعی بخش خصوصی ترسیم کند که در آن نرخ استهلاک تسهیلات با نرخ تورم سالانه و افزایش دارایی‌ها تطبیق داده شود. در پساتحریم فضا برای همکاری با بانک‌های خارجی مهیا می‌شود. بانک‌های

توقع بخش خصوصی از سیستم بانکی کشور این است که مشتری‌مدار باشند و عدالت پیشه کنند. بخش خصوصی نیاز به وام با نرخ سود مناسب دارد که این موضوع با فرآیندهای فعلی بانک‌ها سازگار نیست؛ چراکه بانک‌ها نیز به‌عنوان موسسات انتفاعی برای خود ضوابطی دارند که ناگزیر به رعایت آنها هستند. لذا تا زمانی که تقاضا بالاست و پول کم است، بهترین روش تطبیق و حل این معادله، عدالت و هوشمندی طرفین است.

مهم‌ترین چالش فعلی صنعت برق مطالبات و اعتبارسازی است که این مشکل با حرف و شعار و ... حل نمی‌شود. اعتبار باید به صنعت برق تزریق شود؛ وگرنه کماکان شاهد چالش بین نظام بانکی و صنعت برق خواهیم بود. تأمین اعتبار با منطقی شدن قیمت برق و حل مشکلات مالی به‌مرور زمان حاصل می‌شود. روی کاغذ می‌شود یک‌دوجین ایده مطرح





چالش‌های بانکی در فرآیند پروژه‌های زیربنایی صنعت برق

محسن پوررفیع‌عربانی؛
رییس کمیته تخصصی مهندسی مشاور سندیکا
و مدیرعامل شرکت مهندسی نامداران صنعت انتقال

کرده‌اند. متأسفانه وزارت نیرو به دلایل عدیده که مجبور بود منابع حاصل از فروش برق را به یارانه‌ها اختصاص دهد در بازپرداخت اقساط وام‌ها کوتاهی کرد و این حربه ای شد تا بانک‌ها اعلام کنند وزارت نیرو و سازمان‌های تابعه قادر به بازپرداخت بدهی‌ها نیستند و بدین وسیله از ادامه پرداخت‌ها جلوگیری کرده‌اند زیرا بانک‌ها با تورم ناشی از اقتصاد آشفته هشت سال گذشته ترجیح دادند تا به ساخت و ساز مسکن و تاسیسات سودآور و کم ریسک سوق پیدا کنند که آن هم معضلی دیگر شد. تعداد رانت خواران افزایش پیدا کرد و فقط مسکن مهر درصد بالایی از تورم را ایجاد کرد در حالی که در اکثر کشورهای وام‌ها صرف تولید می‌شوند و انجام داد و ستدهای تولیدی نه تنها تورم ایجاد نمی‌کند بلکه کشور با کمبود قشر بیکار مواجه نمی‌شود. لذا در یک کلام می‌توان گفت بازنگری در شیوه مشارکت و تامین مالی باید توسط بانک‌های توسعه‌ای مانند بانک صنعت و معدن و بانک توسعه صادرات به عمل آید تا این بانک‌ها در تعامل با بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی و مصون سازی سیاسی مدیریت آنها و جلوگیری از نفوذ و فساد سیاسی در آنها یک سند و چشم‌انداز روشن با تعریف مناسب و ارتباط موثر و سالم و غیر سیاسی این بانک‌ها با دولت وارد عرصه اقتصاد درون‌زا و تولیدی شوند. لذا بسته است کارشناسان خبره عرصه پولی و بانکی کشور در نشست‌های مختلف و با الگو برداری از کشورهای با اقتصاد قوی و سالم تامین منابع مالی پروژه‌های زیربنایی کشور از جمله برق را تبیین کنند.

۳- نظرات و پیشنهادات

در صورتی که بانک‌های کشور عزم خود را در راستای اصلاح ساختاری اقتصاد تولید محور هماهنگ کنند و از آنجا که تولیدات کشور ارتباط مستقیمی با تامین برق مورد نیاز دارد. لذا با حمایت بانک‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی قادرند به صورت استقراضی شامل روش‌های زیر منابع خود را تامین و با فروش برق به مشتریان داخلی و صادرات آن به کشورهای همجوار باعث برگشت و چرخش سرمایه و پرداخت دیون شده و موجب کسب و کار در بخش خصوصی و دولتی خواهد شد. انواع روش‌های استقراضی هم عبارتند از:

- ۱-۳- فاینانس (Finance)
- ۲-۳- ری‌فاینانس (Refinance)
- ۳-۳- یوزانس (Usance)
- ۴-۳- اعتبار خریدار (Buyer Credit)
- ۵-۳- وام‌های بین‌المللی (International Loans)

مقدمه

منابع مالی پروژه‌های زیربنایی کشورها بر حسب قوانین و شرایط حاکم بر کشورهای با شیوه‌های مختلف تامین می‌شود. منابع حاصل از صادرات کالاها و محصولات صنعتی و کشاورزی و منابع زیر زمینی، مواد اولیه، خدمات فنی و مهندسی و یا از منابع بانکی به خصوص بانک‌های توسعه‌ای و صندوق‌های متفاوت و نهایتاً شخصیت‌های حقوقی و حقیقی از جمله منابع تامین سرمایه هستند. در ایران نفت و گاز و محصولات پتروشیمی و مس و بخشی از محصولات کشاورزی مانند پسته منابع اصلی تامین سرمایه پروژه‌ها بود که توسط منابع دولتی با تخصیص توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور انجام می‌شد. در مقطعی هم از وام بانکی مانند بانک‌های داخلی و بانک توسعه اسلامی و بانک جهانی در اجرای پروژه‌های صنعت برق استفاده شده است.

۱- شرح مقدماتی

از ضرورت‌های اصلی جهت اجرا کردن پروژه‌های زیربنایی میان مدت و بلند مدت در راستای کمک به توسعه اقتصادی پایدار تامین مالی است. لذا بانک‌های تجاری عمدتاً تامین مالی طرح‌ها و پروژه‌های کوتاه مدت و بعضاً میان مدت را با ریسک‌های کم و متوسط هدف گذاری می‌کنند. طرح‌های زیربنایی با ساختاری بلند مدت توأم با ریسک بالا غالباً با بی‌مهری و عدم دریافت وام مواجه می‌شوند. در ایران به علت شرایط خاص اقتصادی به خصوص در هشت سال گذشته بانک‌ها رغبتی جهت پرداخت وام حتی در طرح‌های کوتاه مدت نداشته‌اند و بیشتر وام‌ها به طرح‌های زودبازده و سودآور برای بانک‌ها اختصاص می‌یافت که نتیجه آن ایجاد انواع بانک‌ها و موسسات مالی و شعبات آن‌ها در خیابان‌ها و معابر است و مشکلات خصوصی سازی بانک‌ها نیز مزید بر علت می‌شود. البته این مشکلات در موارد مختلف از جمله جنگ‌ها، فروپاشی اقتصادی، تحریم‌های دامنه‌دار ایجاد می‌شود که حسب مورد مدیریت آن به عهده مسئولان اقتصادی کشورها است. با مطالعه تاریخ خواهیم یافت که چه تدابیری کشورهای پیشرفته مانند آلمان و آمریکا و فرانسه پس از جنگ جهانی داشته‌اند و چه طور به ثبات اقتصادی رسیده‌اند.

۲- نقش بانک‌های کشور در توسعه تاسیسات برق

بانگاهی به عملکرد سال‌های گذشته بانک‌های ایرانی نشان می‌دهد اصولاً فرهنگ تامین مالی در ایجاد تاسیسات زیربنایی مانند راه‌سازی، آب و برق نداشته‌اند و اگر در سبد وام دهی خواستند نشان دهند که همراه دولت هستند گاه به دادن وام‌هایی به وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه اقدام

پساتحریم و نظام بانکی کشور

پیام باقری؛
رئیس کمیته توسعه صادرات
سندیکای صنعت برق ایران
و مدیرعامل شرکت پارسان



بانک‌ها (این رقم در کشورهای هم تراز در حدود ۵ درصد است) که حاکی از تنگناهای مالی نظام بانکی کشور است، از طرفی پیش بینی ۳۵ هزار میلیارد تومان کسری بودجه سال جاری ناشی از کاهش قیمت نفت فشاری مضاعف بر شانه نظام بانکی کشور وارد آورده و در حالیکه انتظار می‌رود این بخش به کمک توسعه اقتصادی بشتابد، خود در ورطه مشکلات غوطه‌ور شده است. گزارشات حاکی از اینست که در سال گذشته قریب به ۲۸۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات از طریق نظام بانکی در اختیار بخش‌های مختلف اقتصاد کشور قرار گرفته در حالیکه ۶۰ درصد این مبلغ تمدید قرارداد بوده یعنی تسهیلات پرداخت شده در گذشته به دلیل عدم توان بازپرداخت مجدداً تمدید شده‌اند و فی الواقع پول جدیدی وارد چرخه اقتصاد نشده است لذا مکانیسم گردش مالی در نظام بانکی دچار اختلال گردیده، میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزایش یافته و توان آنها در تامین نقدینگی بخش اقتصادی روز به روز ضعیف تر شده است تا آنجا که شاخص پرداخت تسهیلات در کشورمان در حال حاضر در حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد می‌گردد اما در کشورهای توسعه یافته این شاخص در حدود ۱۵۰ درصد تا ۱۶۰ درصد در کشورهای آسیای شرق ۷۰ درصد تا ۸۰ درصد است و مادامی که نظام بانکی کشور یارای حمایت مالی از تولید داخل و فعالیت‌های اقتصادی را نداشته باشد، تضعیف جریان‌های درآمدزایی در بنگاه‌های اقتصادی دور از انتظار خواهد بود و کاهش درآمد بنگاه‌ها در چرخه اقتصاد، کاهش درآمد دولت از مالیات را در پی خواهد داشت.

از دگرسو ساختار نظام بانکی کشور به طور جدی نیازمند اصلاحات اساسی درونی است. مداخله و سلطه بخش مالی بر پولی منجر به برهم خوردن توازن منابع و مصارف

مشکلاتی که به دلیل تحریم بر سیستم بانکی تحمیل شده‌اند تدریجاً مرتفع شوند.

اما اکنون این پرسش مطرح می‌شود که با کنار رفتن تحریم‌ها، نقش نظام بانکی در اقتصاد کشور چگونه رقم خواهد خورد؟ آن‌هم در شرایطی که بسیاری از صاحب نظران خروج از رکود و بازگشت رونق به اقتصاد را پیش بینی می‌کند. آیا نظام بانکی کشور قدرت انطباق با شرایط جدید را خواهد داشت؟ و آیا از انعطاف پذیری لازم در مواجهه با ظهور فرصت‌های نوین اقتصادی برخوردار خواهد بود؟

در پاسخ ابتدا لازم است به این موضوع اشاره شود که عبور از تحریم‌ها گرچه بخشی از چالش‌های پیش‌رو را مرتفع می‌کند اما به معنی رفع تمامی مشکلات نخواهد بود از جمله نظام بانکی کشور که با معضلات عدیده‌ای دست‌به‌گریبان است. در حال حاضر مطالبات معوقه بانکی که بخش عمده آن مربوط به دولت است، در حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شوند یعنی ۱۵ درصد حجم سرمایه

امروزه نقش محوری نظام بانکی در شکل‌گیری فرایندهای اقتصادی برکسی پوشیده نیست. نظام بانکی در هر کشور با اثرگذاری بر جریان اقتصاد از طریق اتخاذ سیاست‌های پولی از قبیل نرخ تنزیل، نرخ بهره بانکی، نرخ ارز و امثالهم عملاً دستیابی به اهداف کلان اقتصادی را میسر می‌سازد و با کنترل و هدایت متغیرهای اساسی، یکی از بازیگران اصلی در به حرکت درآوردن چرخ توسعه قلمداد می‌شود و درست به همین دلیل نظام بانکی کشورمان هدف تحریم‌های ظالمانه قرار گرفت و به یکی از پرچالش‌ترین بخش‌های اقتصادی در سنوات اخیر تبدیل شد.

تحریم‌ها ضمن ممانعت از تعامل بانک‌های ایرانی با شرکای خارجی در عرصه فعالیت‌های بین‌المللی، افزایش هزینه مبادله و نیاز به نقدینگی در اقتصاد کشور را موجب شدند و متعاقباً بنگاه‌های اقتصادی نیز به دلیل کم شدن سطح فعالیت‌ها، در بازپرداخت تعهدات بانکی خود دچار مشکل شدند. نتیجه این امر کاهش سودآوری و افزایش مطالبات معوقه بانک‌ها بود لذا با رفع تحریم‌ها، انتظار می‌رود

در بازار پول می‌شود. روش تعیین نرخ سود، تسهیلات تکلیفی و موضوعات مرتبط با سیستم بانکداری از جمله مواردی هستند که مستقل از تحریم‌ها همچنان محل اختلاف نظر کارشناسان هستند. شاخص‌های سودآوری، کفایت سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، نقدینگی و از همه مهم‌تر توانمندی مدیریتی بانک‌ها در حال حاضر از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. نواقص قانونی و عدم تکافوی پوشش‌های حمایتی می‌توانند جذابیت سرمایه‌گذاری خارجی و به تبع آن رونق فعالیت بانک‌ها را تحت الشعاع قرار دهند. تردید شرکای خارجی برای همکاری با بانک‌ها بدلیل وضعیت مالی و میزان بدهی آنها به بانک مرکزی، عدم برخورداری از دانش روز صنعت بانکداری، ورود بانک‌ها به حوزه بنگاه‌داری و گرایش به سمت بازار غیرمولد، عدم تنوع در منابع تامین مالی و مشکلات عدیده دیگر نیازمند اصلاح ساختار و سیاست‌های کلان نظام بانکی کشور هستند. در عین حال آنچه کارآیی نظام بانکی کشور را در حمایت از توسعه صنایع داخلی و تولید ملی بیش از هر چیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، تکیه بر ساختار اقتصاد دولتی و بانک محور است که منجر به محافظه‌کاری بیش از حد نظام بانکی و عدم ریسک‌پذیری در مشارکت با فعالیت‌های اقتصادی در طرح‌ها و پروژه‌های داخلی و برون مرزی شده است. به ویژه در دوران تحریم و رکود اقتصادی که بخش خصوصی بیش از هر زمان دیگری نیازمند حمایت سیستم بانکی است. کاهش پروژه‌های داخلی با توجه به کمبود منابع در طرح‌ها، ضعف بنیه مالی بخش خصوصی به دلیل ناکامی در وصول مطالبات معوق و کاهش ناگهانی ارزش سرمایه در گردش ناشی از رشد انفجاری نرخ دلار از یک طرف و صعوبت ورود به بازارهای هدف صادراتی در شرایط تحریم در مقایسه با رقبا و پشتیبانی کم‌رنگ نظام بانکی کشور از فعالیت‌های اقتصادی از طرف دیگر عملاً منجر به کاهش ضرب‌آهنگ تولید داخل و کم‌رقی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی گردید خصوصاً در عرصه صادرات که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد موفق یک دولت به‌شمار می‌رود. ناگفته پیداست که نظام بانکی پاشنه آشیل تحقق اهداف صادراتی محسوب می‌شود اما متأسفانه این بخش کارکرد مطلوبی نداشته و با تحمیل هزینه‌های گران بهره تسهیلات، قیمت تمام شده فعالیت‌های اقتصادی را در مقایسه با رقبایی که بعضاً با بهره‌فرد عرصه رقابت می‌شوند، بالا برده است. سهم ۸۹/۲ درصدی بازار پول در تامین مالی فعالیت‌های اقتصادی در سال گذشته ایضاً نقش کم‌رنگ بازار سرمایه، فعالین اقتصادی را اجباراً به سمت بازار پول جهت تامین منابع مالی با نرخ‌های غیر رقابتی رهنمون می‌سازد آن‌هم در شرایطی که پروژه‌های مطرح در بازارهای هدف عمدتاً با شرط تامین مالی واگذار می‌شوند. به‌عنوان نمونه کشور عراق مناقصات میلیارد دلاری را با شرط پرداخت ۳ تا ۵ سال پس از تحویل موقت برگزار می‌نماید یا کشور سوریه که تا سال ۲۰۲۰ برای انجام ۱۲ میلیارد یورو پروژه زیربنایی با شرط سرمایه‌گذاری و تامین مالی برنامه ریزی نموده است لذا اعمال سیاست‌های اصلاحی

در ساختار نظام بانکی کشور بعنوان اصلی‌ترین منبع تامین مالی در کنار تقویت سایر منابع از جمله بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری خارجی، مدیریت جریانات ارزی مسدود شده، ذخایر ارزی صندوق توسعه ملی و امثالهم، لازم‌تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی جهت ورود قدرتمند به بازار است آن‌هم در شرایط فعلی که بخش خصوصی بیش از هر زمان دیگری نحیف و آسیب پذیر شده است. اما اهتمام جدی دولت یازدهم در خصوص انضباط پولی و مالی مقارن با کاهش فشار هزینه‌ای بر پایه پولی بانک مرکزی، اتخاذ سیاست‌های اقتصاد کلان جهت کنترل تورم و خروج از رکود را میسر ساخت. قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور ابلاغی ۹۴/۲/۲۷ از جمله اقدامات مثبت و موثر دولت یازدهم در ارتباط با اصلاح ساختار نظام بانکی محسوب می‌شود. در این قانون راهکارهای مناسبی پیش‌بینی شده است که از آن جمله می‌توان به تهاجر بدهی دولت با بخش‌های غیر دولتی از طریق انتشار اوراق خزانه و صکوک قابل خرید و فروش در بازار سرمایه اشاره داشت. مواد ۱ و ۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور با صدور مجوز انتشار اوراق تسویه خزانه و اوراق صکوک اجاره ضمن کاهش فشار بدهی دولت بر سیستم بانکی کشور، توسعه بازار سرمایه را هدف قرار داده که از جمله کارکردهای آن، تعیین غیر دستوری نرخ سود در فضای رقابت آزاد بر اساس بازار عرضه و تقاضا خواهد بود. بر اساس ماده ۱۶ و ۱۷ این قانون، افزایش سرمایه بانک‌های دولتی به منظور بهبود نسبت کفایت سرمایه و همچنین کاهش دارایی‌های مازاد بر استانداردهای نظارتی مقرر بانک‌ها پیش‌بینی شده است. ماده ۱۹ آزادسازی وثایق مازاد و یا تبدیل آنها را متناسب با بازپرداخت اقساط امکان‌پذیر ساخته و دریافت وکالت بلاعزل از تسهیلات گیرندگان و وثیقه‌گذاران بابت وثایق ترمین شده را ممنوع ساخته و ماده ۲۱ بانک مرکزی را موظف به افتتاح حساب ویژه تامین سرمایه در گردش جهت گردش پایدار واحدهای صنعتی، معدنی، کشاورزی، حمل و نقل، تولیدی، دانش‌بنیان و صادراتی کرده است. الزام بانک‌ها به بررسی هم‌زمان درخواست تسهیلات طرح‌های دارای توجیه و پرداخت بر اساس پیشرفت فیزیکی در ماده ۲۲، استمهال اخذ تسهیلات در ماده ۲۳، مشوق‌ها و حمایت‌های مالیاتی در مواد ۳۰ تا ۳۶ و همچنین پرداختن به موضوعاتی همچون عوارض، گمرک و بیمه در مواد ۳۷ تا ۴۱ از دیگر موارد اثرگذار بر اقتصاد مالی کشور می‌باشند و سرانجام نقطه عطف این قانون یعنی ماده ۱۲ که روش‌های تامین منابع مالی تا سقف یکصد میلیارد دلار به صورت ارزی و پانصد هزار میلیارد ریال به صورت ریالی جهت اجرای طرح‌های بهینه‌سازی حوزه انرژی از قبیل افزایش راندمان، کاهش تلفات، انرژی‌های تجدیدپذیر و امثالهم را تشریح می‌کند.

قدر مسلم دوران پساتحریم با کاهش بار تحریم‌های بین‌المللی و ایجاد بسترهای مناسب جهت مواجهه با فرصتهای نوین برای اقتصاد کشور همراه خواهد شد بنابراین نقش

بانک‌ها را باید در سه بازه زمانی مختلف مورد توجه قرار داد. در کوتاه مدت عطش بازار جهت واردات محصولات خارجی افزایش خواهد یافت و نظام بانکی کشور با رشد قابل توجه تقاضا جهت اخذ تسهیلات مواجه می‌شود. در این مقطع آسیب‌پذیری صنایع داخلی ناشی از واردات محصولات خارجی به ویژه کالاهای مصرفی افزایش یافته و کنترل کیفیت تسهیلات پرداختی با تقویت ابزار اعتبار سنجی و ارزیابی صحیح و نظارت بر عقود توسط نظام بانکی کشور از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد شد و در صورت هدایت جریان‌های مالی به سمت واردات و فعالیت‌های غیرمولد، مجدداً با سونامی ورود کالاهای خارجی و بیماری هلندی در اقتصاد کشور مواجه خواهیم شد. در مرحله بعد نظر سرمایه‌گذاران خارجی به جاذبه‌های اقتصادی کشور جلب شده و اقتصاد کشور می‌بایست چشم‌انتظار ورود جریان‌های مالی در این بخش باشد اما با توجه به اینکه این موضوع ملاحظات زیرساختی و بستریهای اقتصادی خاص خود را می‌طلبد و از دگرسو نیازمند قوانین و مقررات مبتنی بر شفافیت و تضمین سرمایه‌های خارجی می‌باشد که بدلیل تحریم‌ها مدتی است مورد توجه نبوده لذا این موضوع چالشی بالقوه برای ورود سرمایه‌های خارجی در دوران پساتحریم محسوب می‌شود که ضروری است متولیان امر به سرعت تمهیدات لازم را جهت تطبیق شرایط صنعت بانکداری کشور با وضعیت جدید مدنظر قرار دهند. سرانجام در بلندمدت، استمرار ثبات اقتصادی پس از ورود جریان‌های قدرتمند ارزی از قبیل دلارهای مسدود شده، افزایش فروش نفت، ورود سرمایه‌های خارجی و توسعه صادرات غیر نفتی از یک طرف و هدایت این جریان‌ها به سمت اقتصاد زیربنایی و اقدام در جهت توسعه زیرساخت‌های کشور از دگرسو، منجر به رونق تولید ملی و ارتقای قدرت رقابت‌پذیری صنایع داخلی و نهایتاً شکوفایی اقتصاد ملی خواهد شد، گرچه تجارب گذشته در زمینه تخصیص ناموفق منابع مالی همچنان به‌عنوان تهدیدی جدی تلقی می‌شوند که لازم است مورد توجه مسئولین قرار گیرند تا در دوران پساتحریم، نظام بانکی با ارتقای کیفیت فرایندهای اعتباری و دقت در هدف‌گیری توزیع منابع مالی، به‌موتور رشد صنایع رقابت‌پذیر و توسعه تولید ملی مبدل شود.

اما به موازات اصلاح ساختار نظام بانکی در جهت چابک شدن سیستم مالی کشور، نمی‌بایست از نقش بانک مرکزی در کنترل عوامل بیرونی اثرگذار بر پویایی اقتصاد غافل شد به ویژه در موضوع نرخ ارز. ارتقای رشد اقتصادی، کاهش تورم و تک‌نرخ شدن ارز در زمره برنامه‌های استراتژیک بانک مرکزی در دولت یازدهم محسوب می‌شوند و مثبت شدن رشد اقتصادی، کنترل تورم و آرامش نسبی بازار ارز بر این امر دلالت دارند که توفیقانی در این زمینه حادث شده است. اما این‌طور بنظر می‌رسد که برداشته شدن تحریم‌ها به افزایش جریان‌های ورودی قدرتمند ارزی از طریق آزاد شدن ذخایر ارزی مسدود شده، افزایش درآمدهای نفتی، ورود سرمایه‌گذاران خارجی و رونق صادرات غیرنفتی

منتهی شود که سمت عرضه را تقویت خواهد کرد اما در طرف تقاضا گرچه درخواست معاملاتی ارز در کنار رفع محدودیت‌های تجاری رو به فزونی خواهد گذاشت اما تقاضای سفته بازی در کوتاه مدت با کاهش شدیدی مواجه می‌شود، بنابراین سنگینی طرف عرضه از یک سو و نزول تقاضای سفته بازی از سوی دیگر، سیگنال‌های قوی برای تضعیف تقاضا و در نتیجه کاهش نرخ ارز را در کوتاه مدت

یک اصل مورد توجه فعالان اقتصادی قرار می‌گیرد. دولت نیز می‌تواند حمایت‌های خود را از طریق روش‌های دیگری از قبیل خریدهای تضمینی، کاهش تعرفه‌ها، معافیت‌های مالیاتی، اعطای یارانه‌های تولیدی، عرضه نهاده‌های ارزان و امثالهم صورت دهد. گرچه ذکر این نکته ضروری است که بخش مهمی از تحقق ارز تک نرخ در پساتحریم در گرو ثبات اقتصادی، کاهش نرخ تورم، اطمینان از تامین ارز

گرانهای ارزی و دفاع از تولید ملی در برابر رقبای خارجی خواهد بود.

بالطبع آنچه‌اگرچه تحریم‌ها نظام بانکی کشور را بیش از هر حوزه دیگری تحت الشعاع قرار دادند، لغو تحریم‌ها نیز به همین ترتیب سیستم بانکی کشور را با سرعت بیشتری به روال معمول و عادی خود باز خواهد گرداند و با برداشته شدن محدودیت‌ها، استفاده از خدمات بانکی همچون دوران



به معرض نمایش خواهد گذاشت که در صورت عدم مداخله دستوری بانک مرکزی، پس از گذر از این دوره ارز مجدداً در مسیر صعود تدریجی قرار خواهد گرفت. کاهش نرخ ارز پس از تحریم گرچه در کوتاه مدت منجر به کاهش نرخ تورم و افزایش رشد اقتصادی می‌گردد اما پس از آن در صورت عدم کنترل و برنامه ریزی مناسب، اثر معکوس بر هر دو خواهد داشت چراکه نرخ ارز پس از کاهش موقتی ناشی از آثار انتظاری پساتوافق، نهایتاً به دلیل تاثیر طبیعی افزایش تورم حداقل معادل اختلاف تورم داخلی و میانگین تورم جهانی مجدداً در مسیر صعودی قرار می‌گیرد که بالطبع تاثیری افزایشی بر روند تورم خواهد داشت و از طرف دیگر عدم مدیریت صحیح آن، کاهش رشد اقتصادی ناشی از غلبه آثار منفی تضعیف قدرت رقابتی تولید داخل بر آثار مثبت تقلیل هزینه‌های تولید را در پی خواهد داشت، بنابراین بی‌ثباتی اقتصادی و تضعیف تولید ملی امرغان عدم مدیریت صحیح و آینده‌نگری بر بازار ارز خواهند بود. در خصوص مدیریت بازار ارز در دوران پساتحریم سه محور اصلی می‌بایست در سیاست‌گذاری‌های کلان سیستم بانکی کشور ملحوظ شود. اولاً استقرار نظام ارز تک نرخ است، در واقع هر چه فاصله بین ارز مبادلاتی و آزاد کمتر باشد یا به تک نرخ شدن ارز بیانجامد، نه تنها سوءاستفاده از سیستم قیمت‌گذاری چند نرخ از بین خواهد رفت بلکه بازار به سمت ثبات و آرامش هدایت می‌شود و رقابت اقتصادی جایگزین انتظار استفاده از مزایای بخش عمومی خواهد شد و بر خورداری از مزیت رقابتی بعنوان

کافی در بازار و گسترش و تحکیم روابط بانکی بین‌المللی خواهد بود تا بتوان در یک جریان مستمر به سمت یکسان سازی نرخ ارز حرکت کرد. مساله دوم تعیین محدوده مناسبی از کف نرخ ارز برای آغاز فرآیند تک نرخ شدن ارز می‌باشد. تعدیل عرضه با هدف حمایت از محدوده نرخ کف و جلوگیری از کاهش بیشتر نرخ ارز از این سطوح قیمتی، سیاست‌های مناسبی برای مدیریت کوتاه مدت بازار ارز خواهند بود. اما سومین و شاید مهمترین مسئله، مدیریت روند آتی نرخ ارز است. چنانچه پیش‌تر نیز اشاره شد در پی افزایش قابل توجه ورود جریان‌های قدرتمند ارزی به اقتصاد کشور، نرخ حقیقی ارز بطور مقطعی نزولی خواهد شد و چنانچه این روند به درستی مدیریت نشود و نرخ ارز بصورت دستوری پایین نگه داشته شود با کوچکترین تکان‌های اقتصادی، جهشی ناگهانی را در نرخ ارز شاهد خواهیم بود که در سنوات اخیر تجربه آن را داشته‌ایم لذا به منظور پیشگیری از چنین مشکلی ضروریست با مد نظر قرار دادن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، بخش قابل توجهی از جریانات ارزی بصورت ذخایر انباشت شده و در مسیر توسعه زیرساخت‌ها و همچنین سرمایه‌گذاری خارجی هزینه شوند و از طرف دیگر نرخ ارز براساس تفاوت تورم داخلی و میانگین تورم خارج در یک فرآیند مستمر و تدریجی متعادل شود. بهر حال برنامه‌ریزی در خصوص نحوه مدیریت نرخ ارز، خط مقدم سیاست‌های بالادستی به ویژه اقتصاد مقاومتی در دوران پساتحریم به حساب می‌آید که اهم شاخص‌های آن حفظ ثبات بازار ارز، حفظ ذخایر

پیش از تحریم بدون تحمیل هزینه‌های مازاد برای فعالان اقتصادی به طور طبیعی شکل خواهد گرفت و با حضور مجدد در عرصه رقابت، ریسک‌ها و مخاطرات ناشی از دور زدن تحریم‌ها نیز از میان برداشته شده و فعالیت‌های اقتصادی در فضایی شفاف و با شرایطی مشابه با رقبای خود به دور از صدمات غیر قابل پیش‌بینی امکان پذیر خواهد شد لذا با توجه به نگرش مثبت از ایجاد این شرایط جدید در اقتصاد کشور، بانک جهانی در گزارش ماه آگوست خود که در آن به تحلیل اقتصاد ایران در دوران پساتحریم پرداخته، افزایش رشد اقتصادی را بیش از ۵ درصد و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم را در حدود ۳ تا ۵ میلیارد دلار یعنی دو برابر سال ۲۰۱۵ پیش‌بینی نموده است.

حال که عنقریب فصل جدیدی از اقتصاد کشور رقم خواهد خورد ضروریست کلیه عوامل ذیربط و وظیفه خود را به درستی ایفا کنند تا بهره‌برداری حداکثری از فرصت پیش‌رو میسر شود اما در این بین نظام بانکی کشور بی‌تردید نقشی محوری در این برهه حساس خواهد داشت و اگر از آمادگی لازم در مواجهه با شرایط پساتحریم برخوردار نباشد، لطامت جبران ناپذیری به پیکره اقتصاد کشور وارد خواهد آمد و آنچه به عنوان جدی‌ترین مانع بهره‌برداری از پیامدهای مثبت لغو تحریم‌ها در حوزه صنعت بانکداری شناسایی می‌شود در واقع مشکلات ساختاری نظام بانکی کشور است که مرتفع شدن این معضل در گرو عزم راسخ مسئولین در اصلاح ساختار و بهبود سیاست‌های کلان نظام بانکی کشور خواهد بود. ■

اردلان تنباکوجیان؛
رئیس کمیته مهندسی
بازرگانی و مدیرعامل
شرکت آرمان پارس تابان

چالش‌ها وراهکارهای بانکی صنعت برق

در هر کشوری بانک‌ها به عنوان رابط بین ارتباطات مالی بین کشورها و همچنین تامین کننده منابع مالی و سرمایه ای برای بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی کشور تعریف می شوند. بانک‌ها با استفاده از نظام گسترده در کل کشور می توانند منابع مالی موجود در کشور را جمع آوری کرده و آن را در اختیار فعالان اقتصادی و کسانی قرار دهند که با ایده و خلاقیت خود می توانند با تکیه بر این منابع مالی باعث اشتغال زایی و تولید ارزش افزوده در کشور شده و علاوه بر تسهیل سود برای بنگاه اقتصادی خود، سهمی در کاهش بیکاری جوانان کشور و تربیت نیروی کار آرموده داشته باشند. از طرف دیگر بانک‌ها این توانایی را دارند تا نقش رابطی مطمئن برای جابجایی پول در سطح وسیع در اقصی نقاط جهان را ایفا کنند و از این طریق علاوه بر حفظ امنیت انتقال پول، باعث به وجود آمدن گردش مالی بین کشورها شوند. اما نقش نظام بانکی در ایران تاکنون به چه صورتی بوده است؟ آیا در این راه توانسته است به کمک صنعت کشور آید و به شرکت‌ها و افراد خلاق و کارآفرین در این زمینه کمک کند؟ با توجه به نیاز کشور به تکنولوژی جدید و بحث‌های مطرح در زمینه حمایت از طرح‌های دانش بنیان در شرکت‌های کوچک و متوسط که خود زمینه ساز اشتغال کشور و نیروی محرکه این صنعت به حساب می آیند، بانک‌ها چه نقشی ایفا می کنند؟

صنعت برق کشور از بخش‌های مهمی را شامل می شود که در بطن هر فعالیت اقتصادی قرار دارد و نقش اساسی آن در فعالیت‌های اقتصادی را نمی توان منکر شد. در این مقاله چالش‌های موجود در چند شرکت تولیدکننده، پیمانکار و بازرگانی فعال در صنعت برق بیان شده است و بدیهی است که بیانگر کلیت چالش‌ها نبوده و یا با هدف زیر سوال



که به صورت سالیانه انجام می پذیرد صرف نظر می کنم). این چرخه با ارائه تضامین ملکی خاتمه نمی یابد بلکه باید نفراتی نیز خود شمارا تضمین کنند. بعد از ارائه کلیه تضامین، نوبت بررسی تقاضای شما در هیات‌ها فرا می رسد که چندین ماه طول می کشد. این چرخه با رد برخی تضامین از طرف این هیات‌ها که برخی کاملاً حقوقی و به جا و برخی سلیقه‌ای است، گاه به مدت دو الی سه سال ادامه می یابد. بعد از این مساله وجود یا عدم وجود نقدینگی جهت اعطای تسهیلات مطرح می شود. به عبارتی پس از طی چندین مرحله و قبولی در آن و از دست دادن زمان، تازه به این قسمت می رسید که پولی جهت اعطای تسهیلات وجود ندارد و کل تلاش انجام گرفته پس از چند سال بیهوده بوده است. اگر به این مشکل تغییر قیمت تجهیزات و یا خدماتی که نیاز به تامین مالی آن‌ها شرکت را وادار به درخواست تسهیلات کرده بود را

افزافه کنیم، بیهوده بودن این چرخه بیشتر نمایان می شود. حال در نظر بگیریم بعد از چند سال، بالاخره توانستید به تسهیلات دسترسی پیدا کنید و هزینه‌های اولیه آن را هم که باعث کاهش قابل توجهی در مبلغ تسهیلات می شود را نیز پرداخت کنید. حال اگر شرایطی مانند چند سال قبل، از قبیل عدم پرداخت به موقع مبالغ صورت وضعیت‌ها و یا فاکتورها، عدم پرداخت مبلغ پیش پرداخت و یا تغییرات ناگهانی قیمت‌های ارزی و تحریم و... را به آن اضافه کنید و بهره‌های نجومی ۲۵ الی ۲۷ درصد را با قراردادهای یک طرفه که تماماً به نفع بانک‌ها است و شرکت‌ها حق هیچ‌گونه تغییری در آن را ندارند و چنین مواردی نیز در آن دیده نشده است را در نظر بگیریم به عمق مشکلات و چالش‌های صاحبان این صنایع پی می بریم. ادامه این فشارها پس از مدتی به ورشکسته شدن بنگاه‌هایی منجر

بردن همکاری‌های انجام شده توسط برخی از بانک‌ها برای رفع مشکل فعالین این صنعت نیست بلکه بیان گوشه‌ای از مشکلات عملی و موجود در این صنعت است و هدف مقاله بیان مشکلات موجود و سپس انتظارات صاحبان این صنعت از بانک‌ها جهت حمایت بیشتر از فعالان کشور خواهد بود که در این مسیر پاسخ فعالان بانکی در رابطه با راه‌حل‌های ارائه شده می تواند راهگشای موانع موجود باشد. به طوری که در صورت تحقق این مطلب و رشد و شکوفایی شرکت‌های کوچک و متوسط که در نهایت به نفع کل کشور خواهد بود، این مقاله به هدف خود خواهد رسید.

انتظارات اولیه شرکت‌ها از بانک‌ها:

- ۱- تامین منابع مالی و تسهیلات با سود اندک
- ۲- گردش مالی در داخل و خارج کشور با امنیت مورد انتظار
- ۳- ارائه همکاری‌های لازم جهت دریافت پول از شرکت‌های دولتی با در نظر گرفتن گشایش L.C. های ریالی و ارزی.
- ۴- ضمانت نامه‌های بانکی.

تامین منابع مالی برای شرکت‌های پیمانکار و تولید کننده و شرکت‌های بازرگانی در بانک‌ها تابع قوانین مختلف و دست و پاگیری است که نه تنها پس از چند سال به نتیجه نمی رسد بلکه گاهی صرفه اقتصادی موضوع درخواست پس از چندی از بین می رود. به عنوان مثال در نظر بگیرید که برای دریافت تسهیلات به بانک طرف قرارداد خود مراجعه می کنید. پس از پر کردن فرم‌های اولیه، می بایست تضمین ملکی مورد قبول بانک همراه با قیمت کارشناسی (گاهی با قیمت‌های پایین تر از ارزش ملک) به بانک ارائه کنید. (البته از قسمت بررسی اولیه بانک جهت اعطای تسهیلات



می‌شود که خود از شرکت‌های معتبر چندین ساله و خوش‌نام این صنعت هستند ولی از عهده حل این موارد بر نیامده‌اند. نمونه آن را می‌توان به راحتی در چند سال اخیر شناسایی کرد. در کشوری که شرکت‌های خصوصی به علت عدم اتصال به منابع نفت و حمایت‌های مالی و رانتی و فشارهای مختلف سازمان‌های تامین اجتماعی و دارایی در فشار فزاینده‌ای به سر می‌برند عدم حمایت بانک‌ها خود عامل دیگری می‌شود که چاره‌ای به غیر از اعلام رو شکستگی نمی‌بینند. حاصل این عمل در جایی که شرکت‌های خصوصی واقعی (نه خصولتی) بسیار اندک‌اند، جز افزایش بیکاری و عدم اشتغال زایی و افزوده شدن بر تعداد افراد بیکار، پیامد دیگری نخواهد داشت. در جدول زیر نرخ واقعی بهره بانکی در کشورهای مختلف نشان داده شده است. نرخ واقعی بهره وام بانکی هر کشور بر اساس میزان نرخ بهره دریافتی از سوی بانک‌های آن کشور برای پرداخت وام به متقاضیان و شاخص‌های دیگری مثل میزان نرخ تورم در آن کشور محاسبه می‌شود. به‌طور مثال بانک جهانی متوسط نرخ بهره وام بانکی در ایران طی سال ۲۰۱۱ را ۱۱ درصد و نرخ تورم ایران در این سال را ۲۰٫۶ درصد اعلام کرده است. نرخ واقعی بهره وام بانکی در برخی کشورهای دیگر به این شرح اعلام شده است: افغانستان ۴ درصد، الجزایر منفی ۸٫۱ درصد، بحرین منفی ۵٫۶ درصد، بلژیک ۸٫۲ درصد، کانادا منفی ۵٫۵ درصد، چین منفی ۱٫۲ درصد، مصر منفی ۰٫۶ درصد، هند ۱٫۷ درصد، اندونزی ۴ درصد، عراق منفی ۷٫۵ درصد، ایتالیا ۳٫۲ درصد، ژاپن ۳٫۴ درصد، اردن ۲٫۲ درصد، لبنان ۲٫۶ درصد، مالزی ۲٫۵ درصد، هلند ۰٫۷ درصد، نروژ ۱۰٫۲ درصد، عمان منفی ۹٫۷ درصد، قطر منفی ۷٫۸ درصد، روسیه منفی ۶٫۱ درصد، سوئیس ۲٫۵

درصد، انگلیس منفی ۱٫۸ درصد، و آمریکا ۱۰٫۱ درصد. بر اساس این گزارش نرخ واقعی بهره وام بانکی در کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس منفی بوده است و کشورهای صنعتی عمدتاً نرخ بهره منفی یا پایین داشته‌اند. نرخ واقعی بهره وام بانکی در ایران حدوداً ۲ برابر ژاپن و تقریباً ۶ برابر آمریکا گزارش شده است. به عبارتی دریافت وام بانکی در ۱۰۱ کشور از ایران با صرفه‌تر بوده است. قسمت دیگر عبارت است از امنیت گردش مالی در داخل و خارج کشور که با توجه به تحریم‌ها در رابطه با خارج از کشور نمی‌توان صحبتی کرد و در داخل نیز بهتر است سکوت اختیار کنیم. همچنین همکاری‌های مربوط به گشایش LC خارجی که فعلاً انجام نمی‌پذیرد و از گشایش داخلی نیز فعلاً موردی دیده نمی‌شود.

ضمانت‌نامه‌های بانکی نیز داستان دیگری است. همانطور که می‌دانید این داستان در قسمت‌های مختلفی اتفاق می‌افتد. ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصه، ضمانت‌نامه پیش پرداخت، ضمانت‌نامه حسن انجام کار یا تعهد. ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصه برخی از بانک‌ها با شرکت‌های دولتی متفاوت است و این خود باعث بروز برخی از مشکلات در هنگام بازگشایی پاکات می‌شود که گاهی نیز به صورت سلیقه‌ای عمل شده و حق شرکت کنندگان در مناقصه به نوعی پایمال می‌شود. نرخ کارمزد دریافتی بانک‌ها نیز متفاوت است. از طرف دیگر علاوه بر بلوکه کردن مبلغ که خود مشکل دیگری است، اقدام به دریافت سفته نیز می‌شود. حال وقتی با عدم دریافت مبلغ پیش پرداخت و یا تسویه حساب مبلغ باقیمانده از طرف کارفرما مواجه می‌شوید، این شرکت شما است که هم مبلغ

خود را دریافت نمی‌کند و هم هر سه ماه می‌بایست مبلغی برای تمدید ضمانت‌نامه پرداخت شود تا کارفرما سر فرصت نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام کند. مشکلاتی از این قبیل برای بیشتر شرکت‌ها موضوعی مشترک است که تاکنون شاید چندین بار با آن مواجه بوده‌اند.

از طرف دیگر نیز سندیکی صنعت برق نیز با تمام تلاشی که به عمل آورده است تاکنون موفق به عقد قرارداد همکاری با بانکی جهت دریافت حداقل کارمزد و یا با شرایطی مناسب برای شرکت‌های عضو خود نشده است. متأسفانه با وجود مواد قانونی (رفع موانع تولید رقابت پذیر) بانک‌ها هیچ ترتیب اثری به آن نداده و در حال حاضر نیز از ارائه تسهیلات شانه خالی می‌کنند.

انتظار هر شرکتی از بانک اعطای تسهیلات با شرایط مناسب و به نوعی کمک در گردش مالی و کسر بودجه خود با تکیه بر منابع مالی بانک‌ها است و از طرفی انتظار می‌رود در اعطای ضمانت‌نامه‌های بانکی با توجه به اعتبار شرکت و یا در شرایط خاص از بلوکه کردن سرمایه‌های شرکت‌ها که در این شرایط بسیار حیاتی است جلوگیری کرده و یا در فرم‌ها و شرایط خود، بندی را برای کارفرمایی که نسبت به پرداخت بدهی خود اهمال می‌ورزند قرار دهند تا از تمدید آن به نفع کارفرما و از ضرر دهی شرکت‌ها و پیمانکاران جلوگیری شود.

از طرف دیگر از سندیکی انتظار می‌رود به تلاش خود در زمینه یافتن زمینه همکاری با یکی از بانک‌های معتبر با توجه به ظرفیت موجود در این سندیکی و شرایط مناسب جهت اعطای تسهیلات و ضمانت‌نامه‌های بانکی، ادامه دهد و در اسرع وقت آن را به نتیجه برساند. ■

از رنجی که می‌بریم!

گریزی به مشکلات و راهکارهای برون‌رفت در صنایع کوچک و متوسط

فرزاد عباسی؛

مدیر عامل شرکت یارادان صنعت

باقی مانده باشد) و یا از شبکه بانکی با بهره‌های غیر قابل توجه بخش صنعت رقابتی (قرار است کار انجام شود و نه معاملات تورمی). قطعاً در مملکت هم می‌خواهند در بالا دست پروژه‌ها به درستی انجام شود. پس طبیعتاً نمی‌تواند منتظر بماند تا آن ساختار مولد و موثر اصلاح شود و دوباره حکایت آغازین و عدم توانایی صنایع کوچک و متوسط و شکل‌گیری واردات و... و حکایت همچنان باقی است و تمامی کاسه‌ها بر سر صنایع کوچک و متوسط خواهد شکست و ما، صنایع کوچک و متوسط، نمی‌دانیم که درد خود به کجا بریم، از رنجی که می‌بریم؟

از آنچه می‌توان به عنوان راهکارهایی امید بخش در کنار تصویب قانون‌هایی به مانند بهبود مستمر محیط کسب و کار و یا رفع موانع تولید رقابت پذیر جهت صنایع کوچک و متوسط ارائه کرد، در شرایط کنونی که بسیار مهم است و می‌تواند به عنوان موتور پیش‌ران این گونه صنایع، آن‌ها را دوباره از سختی فعلی رهانیده و باعث شتاب‌گیری شود، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. از برداشت‌های غلط و گاه هدفمند از مفاد قانونی که عمدتاً با امضای یک مدیر ارشد در وزارت خانه و یا سازمان به شکل بخش‌نامه ابلاغ می‌شود، جدا پرهیز کرد. برای مثال در همین چند ماه اخیر در رابطه با تلفی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی از تمامی قراردادهای مدت موقت به عنوان یکساله.

۲. عدم تقسیم هزینه‌های ناکارآمدی سازمان‌ها و دولت با صاحبان صنایع. برای این مورد نیز می‌توان مشمول گرفتن هزینه بن خواربار کارگران به حق بیمه و همچنین افزایش ۴٪ مزاد در حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور اشاره کرد.

۳. تشکیل انجمن‌ها و سندیکاها مرتبط با این گونه صنایع جهت پیگیری حقوق صنفی اعضا و مهندسی مجدد ساختارهای موجود جهت به‌روزرسانی نوع فعالیت‌ها و شناسایی ذی‌نفعان امروزی و تعامل با نهادهای دولتی جهت شفاف‌سازی نحوه گردش امور ایشان.

۴. تمرکز بر آموزش صاحبان و مدیران این واحدها البته در سطوحی که نیازمندی‌های ایشان چه به لحاظ علمی و چه به لحاظ جایگاه اجتماعی تامین شود.

۵. پیگیری کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری این نوع صنایع. البته با رعایت جهت گیری افزایش شفافیت‌های آتی از طریق راهکارهایی به مانند اختصاص یارانه تولید با کاهش درصد بیمه حق کارفرما و پرداخت سهم دولت توسط خودش.

۶. کاهش مالیات عملکرد این نوع از صنایع به اندازه‌ای که با نزدیک‌ترین کشور صنعتی رقیب (یعنی ترکیه) برابری داشته باشد و شفافیت عملکردی به همراه داشته و از فرار مالیاتی جلوگیری می‌شود. همچنین تسری قوانین مالیاتی و اجرایی متناسب با سطح فعالیت بنگاه و سطح تورم بر مبنای شاخص تولیدکننده تعریف شود.

۷. در نهادهایی که به عنوان نمایندگان بخش خصوصی، در صف اول تماس و تعامل با دولت قرار دارند کرسی‌هایی به این صنایع اختصاص یابد تا مشکلات صریح تر منتقل شده و حل مساله راحت تر صورت پذیرد.

۸. مجموعه‌هایی به عنوان اهرم‌های اقتصادی و اجرایی در راستای پیوند زنجیره تامین به شبکه‌های صنعتی در خوشه‌ها تشکیل شود تا پیگیری‌های شرکت در مناقصات و بازار بای به صورت تخصصی انجام دهد و رشد و پایش بازار را رصد کند. ■

مدتی است نه چندان مدید که نگاه به صنایع کوچک و متوسط همان که دنیا به آن SME می‌گوید در ایران نقل محافل اقتصادی و دانشگاهی دولتی شده است. این که سازمان صنایع کوچک و زرات صنایع چندین سال، فعال است و اینکه امروز صنایع کوچک و متوسط در چه جایگاهی قرار دارند منظور این نوشتار نیست، آسیب شناسی این صنایع در دوران پساتحریم هدف نهایی گشایش این بحث است.

در دنیای امروز هیچ کس نمی‌تواند جایگاه این صنایع را به لحاظ اشتغال زایی، سهم از تولید ناخالص ملی، صادرات، فناوری و... منکر شود. در اقتصاد امروز ایران آنچه مایه نگرانی است نگاهی است که ریشه در اقتصاد دولتی دارد. صنایع کوچک و متوسط به دلیل ماهیت ساختاری خود به راحتی زاده شده و به راحتی برچیده می‌شوند. اما نگاه دولتی به قفسه بسیار خطرناک است. یعنی دولت مسافت بعد از زایش این صنایع را دیکته کند. همچنین نگرش از بالا به پایین به این صنایع، نگرشی است که مبتنی به تعلق این نوع صنایع، به زنجیره تامین دارد و این نوع از صنایع را تنها به زنجیره تامین متعلق می‌داند.

مهمترین تفاوت روایت دولتی از خوشه‌های صنعتی Industrial cluster در ایران، با آنچه در دنیا رخ داده، در همین نکته ظریف است که رشد در زنجیره تامین کارخانجات و صنایع بالا دستی باعث عضویت در شبکه تامین صنعت خواهد شد. متأسفانه خط قرمز پیشرفت این صنایع از دیدگاه بزرگان در همین نکته است. اگر این نوع از صنایع در دنیا رشد کرده‌اند به دلیل آن است که خود را به شبکه تامین جهانی مرتبط کرده‌اند. چه مستقیم و چه با واسطه. مشکل حد بازار حل می‌شود، هزینه‌های کیفی و تحقیق و توسعه توجه پذیر و تولید به صرفه در مقیاس اقتصادی رخ می‌دهد. آنگاه رابطه بین خریدار فروشنده از یک رابطه یک سویه و انحصاری خارج شده و تعاملات اقتصادی راحت تر رخ می‌دهد. صنایع کوچک قدرتمند می‌شوند (چه به لحاظ مالی و چه ساختاری) و امکان مذاکره در سطح بالاتری را به دست خواهند آورد.

اما در ایران نهادهای عمدتاً دولتی، قیم مابانه امکان رشد را تنها در راستای منافع رانتی خود می‌بینند و حمایت‌های عموماً رسانه‌ای از جریان ناسالم و غیر رقابتی برخی صنایع رارقم می‌زنند. در این صنایع که عموماً حیات خلوت مدیران غیر چالشی و رانتیز هم هست، هم امکان فساد بسیار گسترده است که در رسانه‌ها خبرهای تحقیق و تفحص مربوطه را می‌توان دنبال کرد و هم عدم کارایی و تکیه بر تکنولوژی غیر رقابتی با تنبلی مسری در نیروی کار و سیستم گردش کار و مواد و حبس نقدینگی را به دنبال دارد.

حالا در نظر بگیرید بعد از این همه سال که اصول، تکنولوژی و فرهنگ تولید در دنیا تغییر کرده است و با ایشان ارتباط نداشته‌ایم و تجربه نیاندوخته‌ایم، در شرایط پساتحریم و با فرض اینکه راهکارهای واردات بی‌رویه و استفاده شبانه از دلارهای آزاد شده که مایه ترس بسیاری است، بسته شده و در شرایط کاملاً برابر و حتی مقداری با ارفاق جهت صنایع داخلی، پروژه‌ها در بالا دست معرفی و عقد قرارداد می‌شوند و کار به اجزای شکسته و به پایین دست می‌رسد. مدیریت صحیح هم مانع از رشد هیجانانگیز کاذب و رقابت ناسالم است. چه کسی کار را انجام خواهد داد؟ صنایع و صنعتگری که در طی این چند سال نه تنها پیشرفتی نکرده بلکه به نوعی دچار خستگی مفرط شده است. استهلاک مضاعف خود و تجهیزات تولیدی و عدم نوسازی ماشین آلات و عدم آموزش و به‌روزرسانی پرسنل سطح قابلیت‌هایش را به شدت کاسته است. قرار است از سرمایه خود استفاده بکنند (اگر چیزی

افزایش نرخ ارز چاره دردها؟!

بهرروز سلطانزاده؛

رئیس کمیته سازندگان پست‌های فشارقوی و معاون فنی و اجرایی
شرکت مینانبرو



- بی‌توجهی به کیفیت محصول و ضعف‌های فنی آن که بعضاً باعث می‌شود محصولی که تا چند سال پیش هر چند با حمایت‌های مختلف در صنایع برق استفاده می‌شد آرام آرام توسط معادل‌های خارجی کنار گذاشته شود.

- بی‌توجهی به مشتری که باعث می‌شود با باز شدن کوچک‌ترین روزه‌ای به خارج مشتریان ترجیح دهند کالای مطمئن خارجی را با احترام و اطمینان بیشتر خریداری کنند.

دومین نکته منفی این نظریه که بایستی راه‌حلی برای آن یافته شود تورم ناشی از افزایش نرخ ارز است با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از مواد اولیه و واسطه‌های بسیاری از تولیدات صنعتی و بخش اعظم نیازهای مصرفی مردم، وارداتی است افزایش نرخ ارز موجب بالا رفتن هزینه‌ها و تشدید تورم و موجب کاهش رقابت پذیری خواهد شد. مثلاً در افزایش جهشی اخیر نرخ ارز در برهه کوتاهی از صادرات رونق گرفته ولی با شروع آثار تورم در کشور مجدداً با مشکل مواجه می‌شود و در این میان تنها اقشار آسیب پذیر هستند که قدرت خریدشان کاسته می‌شود. به همین خاطر است که در سال ۹۲ وقتی از تولیدکنندگان داخلی می‌پرسیدیم با سه برابر شدن قیمت ارز چرا قیمت‌های شما هم سه برابر شده است و تاثیر سهم داخلی تولید شما چقدر است در جواب می‌گفتند سهم داخلی پنبیر چقدر است که قیمتش سه برابر شده است. بدیهی است که صنایعی که از مزیت کافی جهت تولید داخلی برخوردارند در هر صورت به حیات خود ادامه داده و این تغییرات فقط نوسان قابل‌تحمیلی در درآمدها و هزینه‌های آنها ایجاد می‌کند.

هدف اصلی از ارائه این مقاله این بود که نشان دهیم بررسی مساله نرخ ارز نیاز به نگاه کلان اقتصادی دارد و صرفاً براساس منافع تولیدکنندگان داخلی قابل‌تصمیم‌گیری نیست.

بنظر اینجانب اصول اولیه که چهارچوب راه‌حل‌نهایی را در بر می‌گیرد شرح زیر است:
الف: به‌منظور دفاع از اقتصاد داخلی در یک جنگ نابرابر با اقتصادهای قوی بین‌المللی همانطور که مقام معظم رهبری در دیدار با هیات دولت متذکر شدند اولین قدم مدیریت تجارت خارجی است. یعنی دولت به‌خصوص امر واردات را تحت نظارت شدیدتری بگیرد. یکی از راه‌های کنترل واردات تعرفه‌های گمرکی است که با توجه به مشکل قاچاق بخشی از این وظیفه بایستی به نرخ ارز محول شود. یعنی افزایش نرخ ارز چه از طریق قانونی چه از طریق قاچاق واردات را محدود می‌کند. به‌منظور فرار از مشکلات افزایش نرخ ارز ظاهراً چاره‌ای جز چند تریخی کردن ارز وجود ندارد. این راه‌حل به‌دلیل مشکلات نظیر رانت‌های احتمالی به‌وجود آمده همواره به‌حق زیر سؤال بوده است. ولی در هر صورت اگر بتوان این نگرانی را از بین برد یکی از مطرح‌ترین راه‌حل‌ها خواهد بود.

دیگر مسایل کلانی که باید به‌منظور بالا بردن توان اقتصاد داخلی مورد نظر قرار گیرد اجبار استفاده‌کنندگان از بازار داخلی ایران در جهت سرمایه‌گذاری در این بازار است تا بخشی از ضایعات ناشی از واردات جبران شود. مطمئناً تاکید بر مدیریت دولت بر تجارت خارجی عکس‌العمل‌های شدیدی را بر خواهد‌انگیخت ولی به‌نظر من به‌جای برشمردن مضرات این کار بهتر است به جمع جبری نکات مثبت و منفی آن نگاه کنیم. ■

مدت‌ها است در کشور راجع به نرخ ارز بحث و جدل زیادی وجود دارد. تولیدکنندگان، پیمانکاران، تجار و دست‌اندرکاران کشاورزی همه نگاه‌های مختلفی به این مساله دارند. هدف از این مقاله نه داوری نهایی در مورد نرخ ارز بلکه بیشتر نقد برخی از این نگاه‌ها به‌خصوص در نزد اعضای سندیکای صنعت برق است. به‌نظر من مشکلاتی اساسی در نگاه دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد که عمده‌ترین آن‌ها را باید به‌صورت زیر خلاصه کرد:

- در جامعه ما موفقیت سرمایه‌گذاری‌ها معمولاً ناشی از هوش، درایت، کاردانی، مدیریت عالی و فرصت‌شناسی سرمایه‌گذاران، ولی شکست آن‌ها ناشی از نرخ ارز، بهره‌بانک‌ها، تورم، قوانین تامین اجتماعی و عدم حمایت دولت است. به‌همین خاطر هیچ‌کس در بررسی‌ها نگاهی به وضعیت درونی بخش خصوصی نمی‌اندازد.

- اغلب کسانی که به بررسی مسایل اقتصادی می‌پردازند به‌خود زحمت نشان دادن مشکلاتی که راه‌حل‌ارائه شده ایجاد می‌کنند را نمی‌دهند. گویی که در یک رای‌گیری شرکت کرده‌اند تا فقط موافقت یا مخالفت خود را مثلاً با گران‌تر شدن یا ارزان‌تر شدن ارز اعلام کنند و ایشان هم براساس منافع بخشی رای مثبت یا منفی داده‌اند. این افراد از ارائه یک الگو خودداری می‌کنند. برای مثال وقتی از بالا رفتن تعرفه گمرکی صحبت می‌کنند به افزایش پدیده قاچاق نگاه نمی‌کنند و گاهی موافق دخالت دولت و گاهی مخالف آنند.

با این مقدمه قصد داریم نگاهی به نظر موافقان افزایش نرخ ارز که آن‌را چاره حمایت از تولید داخلی و از قدم‌های اولیه اقتصاد مقاومتی برای بالا بردن توان رقابتی کالاهای داخلی می‌دانند بیاندازیم.

هر چند این نگاه جنبه‌های مثبتی را در خود دارد ولی نگاه بی‌طرفانه بایستی جنبه‌های منفی آن‌را نشان داده و در صورت امکان راه‌حلی برای آن ارائه دهد. اولین نکته منفی این موضع‌گیری جلوگیری از مطرح شدن دیگر عوامل پایین بودن قدرت رقابت تولیدکنندگان است عواملی مثل:

- انتخاب غلط زمینه سرمایه‌گذاری که صرفاً براساس فاکتورهایی مثل کمک‌های دولتی، معافیت‌های مالیاتی، قیمت بالای ارز، تعرفه گمرکی و قیمت‌های پایین حامل‌های انرژی صورت گرفته است.

- ضعف در مدیریت منابع انسانی که از جمله باعث می‌شود تمام چهره‌های شاخص در یک صنعت تنها راه موفقیت را سرمایه‌گذاری شخصی در آن صنعت ببینند چرا که با کار کردن در مجموعه‌های موجود آینده‌ای برای خود نمی‌بینند. این امر باعث می‌شود تا رقابت‌های بی‌حاصل توان بخش خصوصی را تحلیل ببرد.

تریبون آزاد

بانکداری پساتحریم، چالشی قدیمی در موقعیتی جدید

هر جا که سخن از سرمایه گذاری و انتقال سرمایه است نقش بانکداری و کیفیت و کمیت تسهیلات و خدمات موردا ارائه آن بخش ناگسستنی این فرایند به حساب می آید خاصه آنکه این سرمایه و چرخش آن مایه حیات بخش تولیدی و صنعتی یک کشور باشد. از این رو چالش همیشگی فعالین صنعت برق در تمامی سطوح و حوزه‌ها با نظام بانکی کشور که در شرایط پساتحریم موقعیت متفاوتی را در این خصوص تجربه می کند، اگر نگوییم بیش از دیگر صنایع اما قدر مسلم به گونه‌ای خاص خود همواره موانعی را بر سر راه چرخش چرخ‌های این صنعت موجب شده است.

بنابراین عبور از این سد در وهله اول مستلزم بیان شفاف مشکلات بانکی توسط صنعتگران و در مراحل بعدی هم‌اندیشی برای تدبیر راهکارهای اساسی لازمه آن است. برای این امر نیز هیچ رهیافتی کارا تر از مراجعه به نظرات مستقیم فعالین در آشنای این موضوع نخواهد بود. از این رو آنچه در ادامه خواهد آمد گوشه انعکاس یافته‌ای از نظرات و راهکارهایی است که از سوی بدنه صنعت برق در خصوص اصلاح رابطه بانکی این صنعت بیان شده است.

خروج بانک‌ها از بنگاهداری، راهکار عادلانه شدن توزیع منابع بانکی



امیرنجفی، مدیرعامل شرکت ایران ترانسفوری

بانکی استفاده کند برای دریافت وام از این سیستم با شرایط بسیار دشواری مواجه است. در این شرایط در صورت خروج بانک‌ها از بنگاهداری به احتمال زیاد در شرایط کنونی بر نظام بانکی و پولی کشور و بر تامین نقدینگی واحدهای تولیدی اثر مثبت می‌گذارد و از یک سو دولت تسلط کافی و امکان جابه‌جایی دستوری منابع را خواهد داشت و از طرفی بخش خصوصی امکان استفاده از منابع بانکی کشور را به شکل عادلانه خواهد داشت همچنین این امر کاهش رانت و روابط در حوزه‌ی بانکداری را رقم می‌زند.

پیش‌بینی و انتظار شما در شرایط پست‌تحریم در خصوص تسهیل مبادلات بانکی چیست؟

فعالیت و رونق اقتصادی بدون حضور بانک‌ها اعم از دولتی و خصوصی معنا ندارد. بر همین اساس در دوران پست‌تحریم بانک‌ها مخصوصاً بانک‌هایی که دارای شعب برون مرزی در منطقه و اروپا را دارا هستند اثرات بسیار مناسب و گسترده‌ای در کسب سود به واسطه گشایش سویفت در سطح بین‌المللی شاهد خواهند بود. LC‌های ارزی، ایجاد خطوط اعتباری فینانس و ری‌فینانس با بانک‌های منطقه و اروپا از دیگر موارد مثبت در مرادبانکی است. همچنین با کاهش تحریم‌های بین‌المللی صنعت بانکداری برای ارائه خدمات بانکداری که در چند سال گذشته بیشترین تاثیر منفی را به صنایع وارد کرده بود، با استفاده از توانایی بالقوه، خدمات بهتر و استانداردتر و درآمدزایی مناسبی را به دست می‌آورد. بنابراین روزهای مناسبی را برای این صنعت در سال جاری پیش‌بینی می‌کنم همچنین سرمایه‌گذاری در سهام بانکی در کوتاه مدت بازدهی معقولی را برای سرمایه‌گذاران خواهد داشت.

در صورت لغو تحریم‌ها برای حفظ رقابت پذیری صنایع و نیز بانک‌های داخلی چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهید؟

تاریخ کامل تحریم‌ها بانک‌ها می‌توانند با استفاده از روابط سیاسی خوب دولت با منطقه نسبت به ایجاد تعاملات بانکی دو طرفه و بدون دخالت ارزهای بین‌المللی مبادلات خود را انجام دهند. بعد از رفع کامل تحریم‌ها و تسهیل روابط بانکی بین‌المللی بانک‌ها با صدور ضمانت‌نامه‌های ارزی برای صنایع در پروژه‌های عظیم به سودآوری صنایع کمک می‌کنند و از محل دریافت منابع مالی اقدام به اعطای تسهیلات به صنایع مادر با سود معقول و منطقی خواهد کرد در این خصوص خرید مواد از منابع دست اول و اعتباری برای صنایع میسر خواهد شد و به طور ضمنی بانک‌ها از طریق دریافت منابع ارزی در خصوص صنعت برق و انرژی که زیرساخت کشور است و راه پیشرفت و توسعه کشور از توسعه این صنعت می‌گذرد در صورتی که با همکاری بخش خصوصی بورس انرژی را فعال تر کرده و امکان معاملات بخش‌های خصوصی با دخالت بیشتر بانک‌های دولتی و خصوصی را رقم بزنند که با شکل‌گیری بازار برق، استقلال شرکت‌های توزیع و واگذاری نیروگاه‌ها به بخش خصوصی و خرده‌فروشی برق را در پی خواهد داشت. این تغییر ساختار عمودی در صنعت برق در سایر کشورها موفق بوده است، که با ایجاد بازار برق رقابت بین صنعت برق و بانک‌ها نیز بیشتر می‌شود.

انتظار شما از سندیکا برای تسهیل تعامل بین صاحبان صنعت برق و سیستم بانکی چیست؟

انتظار صاحبان صنعت برق از سندیکای برق ایران به عنوان تشکیلی خصوصی و غیرانتفاعی این است که با ایجاد ساز و کارهای مناسب بتواند به مراجع تصمیم‌گیر و اجرایی و همچنین در امور قانونگذاری نفوذ و ورود کند و ضمن اطلاع‌رسانی مشکلات تولیدکنندگان به ایشان در امور مربوط به ایشان نیز اثرگذار ظاهر شود. ■

■ بنا به تجربه واحد صنعتی خود مهمترین چالش‌های بخش خصوصی به ویژه در حوزه صنعت برق را طی سال‌های اخیر در ارتباط با بانک‌ها در چه مواردی می‌بینید و علل آن را چگونه ریشه‌یابی می‌کنید؟

در کشورهای توسعه یافته بانک‌ها در خدمت تولید هستند اما در کشور ما این موضوع برعکس است. مشکل اصلی بانک‌ها بروکراسی و قوانین دست و پاگیر بانکی است و اینکه این قوانین بایستی از طرف قانونگذار بازنگری شود. با توجه به اینکه شبکه بانکی کشور مطیع قوانین و مقررات بانک مرکزی است، لذا این نهاد به عنوان سیاستگذار و ناظر باید پیشنهاد دهنده اصلاحات مذکور باشد. همچنین در کشورهای توسعه یافته تسهیلات و وام‌های با بهره کمتر از ۴ درصد به بخش‌های تولیدی و صنعت ارائه می‌شود. اما در کشور ما میانگین نرخ سود تسهیلات ۲۶ درصد است و از طرفی به دلیل عدم وجود نقدینگی کافی متأسفانه تولیدکنندگان مجبور به استفاده از وام‌های با نرخ بهره بالا هستند که این امر موجب کاهش قدرت رقابت آن‌ها در بازارهای بین‌المللی می‌شود. از مهم‌ترین چالش‌های بخش خصوصی (حوزه برق) با بانک‌ها علاوه بر عدم گشایش اعتبارات ارزی اسنادی برای خرید مواد اولیه از منابع دست اول، می‌توان به عدم اعطای تسهیلات مناسب با سود منطقی اشاره کرد و با وجود تکلیف توسعه تولید به دوش بانک‌های دولتی (بنا به دستور وزیر محترم صنعت و معدن و تأکید بانک مرکزی) و با توجه به نرخ بهره میانگین در بانک‌ها ۲۶ درصد این صنعت در معرض خطر رکود قرار می‌گیرد. در سال‌های گذشته بخش زیادی از تسهیلات و وام‌های بانکی به بنگاه‌هایی اعطا شده است که توجه اقتصادی در کشور نداشته و کم بازده بوده است. همچنین در خصوص پروژه‌های عظیم صنعت برق نیاز به صدور ضمانت‌نامه‌های ارزی است که به دلایل تحریم هنوز این مشکل رفع نشده است.

از نظر شما عمده‌مسائل بخش خصوصی صنعت برق در ارتباط با بانک‌های عامل ناشی از قوانین مربوط به نظام بانکی است یا نحوه اجرا و اعمال آنها؟

در واقع هر دو می‌تواند، مسایل بخش خصوصی با بانک‌ها عمدتاً هم شامل قوانین زیاد و دست‌وپاگیر نظام بانکی و همچنین اجرای این قوانین است و این قوانین نسبت به اعطای تسهیلات مخصوصاً در مورد شرکت‌های تولیدی سخت‌گیری بیشتری دارند، همچنین فقدان استراتژی و سیاست‌های مشخص برای تحقیق و توسعه بانکداری در کشور به این امر دامن می‌زند و اقدامات نظارتی زمانی آغاز می‌شود که مشکلی پیش آمده باشد. همچنین شرایط رکود اقتصادی کشور و نبود سیستم اعتبار سنجی دقیق در بانک‌ها باعث افزایش مطالبات غیر جاری بانک‌ها شده که این امر باعث علاقمندی کمتر بانک‌ها در اعطای تسهیلات به بنگاه‌های اقتصادی شده است و متأسفانه بیشتر تولیدکنندگان داخلی طی چند سال گذشته تا به امروز زیر فشار تعهدات به بانک‌ها و واردات بی‌حد و مرز در حال ورشکستگی هستند.

■ همان‌طور که استحضار دارید، طی ماده‌های ۱۶ و ۱۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر جهت اصلاح نظام بانکی و بهبود شرایط دریافت تسهیلات بانکی توسط فعالین صنعتی به ارایه راهکارها و بعضاً تنبیهاتی برای موارد نقض قانون توسط بانک‌های عامل پرداخته شده است، همچنین در ماده ۲۰ این قانون مهلت دریافت تسهیلات مذکور را تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ این قانون عنوان می‌دارد. با این وصف از نظر شما این‌گونه اقدامات قانونی تا چه حد می‌تواند در جهت رفع مشکلات بخش خصوصی در ارتباط با بانک‌ها موثر باشد؟

وجود بانک‌ها در بنگاهداری هم‌زمان با سایر رقبا یک نوع قدرت بلامناع در سیستم بانکی کشور ایجاد کرده است و در شرایطی که هر واحد دیگری مجبور است از خدمات

تشکیل بانک تخصصی صنعت برق راهکاری برای تسریع روند بانکی



میکائیل شریفی، مدیر بازرگانی گروه پارسیان

کالا یا سرویس است و بخش دیگر مربوط به جابجایی مابه‌ازای مالی آن کالا و سرویس خواهد بود. با ایجاد تحریم‌ها متأسفانه با مشکلات، هزینه‌ها و ریسک‌های مختلفی در آن بخش مواجه شدیم.

■ آیا این مشکلات و عدم درک درست از فلسفه بانک‌ها به قوانین موجود برمی‌گردد؟ به عنوان مثال قوانینی مثل بند ۱۶ و ۱۷ قانون رفع موانع تولید برای بانک‌هایی که از پرداخت تسهیلات به شرکت‌ها امتناع کنند، تنبیهات سختی در نظر گرفته است. آیا قوانین موجود در صورت اجرا درست می‌تواند پاسخگو باشد؟ اصلاح قوانین به نظر شما در برطرف کردن این مشکلات موثر است؟

تصور من این است که مشکلاتی که صنعت برق در مواجهه با بانک‌ها دارد به مراتب بیشتر از صنایع دیگری مثل ساختمان، خودرو، سیمان و پتروشیمی، کشاورزی و ... است. دلیل این موضوع هم شاید برگردد به مظلوم واقع شدن این صنعت یا اینکه خود این صنعت چندان تلاشی در این زمینه نکرده است. راهکار مشخص در این زمینه حرکت به سوی بانک‌های تخصصی است. بانک‌هایی مثل صنعت و معدن، کشاورزی، مسکن و ... هر کدام در یک حوزه تخصصی فعالیت می‌کنند. به نظر لازم است دست اندرکاران صنعت برق به سمت ایجاد یک بانک تخصصی مثل بانک انرژی بروند که به طور خاص در خدمت این بخش باشد. بانکی که گردانندگان آن مشکلات و مسایل صنعت برق را بدانند و با زبان مشترکی بتوانند تا حدودی در حل شدن مشکلات این صنعت گام بردارند. وگرنه قوانین و مقررات به طور کلی برای تمامی بخش‌های کشور نوشته شده است و به دلیل مشکلات خاصی که در صنعت برق وجود دارد این طور به نظر می‌رسد که مشکل از قوانین است در صورتی که در بخش‌های صنعتی دیگر به این حد با مشکلات بانکی مواجه نیستیم و یکی از دلایل اصلی ناشی از تفاوت بنیادی این صنعت با سایر صنایع می‌باشد چرا که در صنعت برق بخش زیادی از فعالیت‌ها به موضوع اجرا و خدمات فنی و مهندسی تعلق دارد که این صنعت را از وضعیت صرفاً تولید و ارائه محصول فراتر متجلی می‌کند. لذا نقش آفرینان این بخش حتی در حوزه بانکداری نیز نیازمند آشنایی و اشراف کامل به مسائل و مشکلات صنعت در موضوع تولید و پیمانکاری و اجرای نمایند.

■ با توجه به اینکه تاسیس یک بانک تخصصی در حوزه صنعت برق به دفعات مطرح شده و سال‌هاست مورد بحث قرار گرفته است، فکر می‌کنید دلیل اجرایی نشدن این موضوع چیست؟ آیا حجم معاملات مالی این صنعت هنوز به حدی نیست که چنین بانکی برای این بخش تاسیس شود؟

خیر. دلیل اینکه تاکنون بانکی در این حوزه تاسیس نشده همان موضوع فشار تقاضا برای پول و متعاقباً بالا بودن تقاضا برای ایجاد بانک در کشور ما است. در حال حاضر به دنبال تقاضای بالا برای پول، در بانک مرکزی تقاضاهای متعددی برای تاسیس بانک وجود دارد و هر گروهی در پی تاسیس بانک تخصصی برای خود است. اما بانک مرکزی باید مطمئن باشد که این گروه‌ها قادر به رسیدن به اهداف تعریف شده خود هستند و از آن مهم‌تر صلاحیت و توانایی اداره این بانک را دارند. به هر حال زمانی که بانکی تاسیس

■ بخش خصوصی صنعت برق در رابطه با بانک‌ها با چه چالش‌هایی روبرو است؟ پیش از آنکه به این سوال پاسخ دهم باید اشاره کنم که اکثر کارگردانان و کارگزاران این صنعت بیشتر توجه و عنایت خود را معطوف مسائل تخصصی حوزه برق می‌کنند. غافل از آنکه این صنعت همچون دیگر صنایع با مسائل مبتلا به دیگری چون بانک پولی و مالی و بازرگانی و ... سروکار دارند که کار پشتیبانی این صنعت را بر عهده دارند و غالباً ضعف در این بخش‌ها بر کار آمدی و کارایی کل صنعت سایه می‌اندازد. عمدتاً در شرکت‌های عضو سندیکا هم همین رویکرد صرفاً مهندسی در جریان است که خصوصاً در شرایط پساتحریم نقش این نقطه ضعف پررنگ‌تر نیز خواهد شد.

■ از نظر جنابعالی این چالش‌ها از کجا نشأت می‌گیرد؟ آیا می‌توان بخشی از این مشکلات را به پای ناآگاهی این شرکت‌ها از حوزه‌های بانکی که بدان اشاره کردید گذاشت و در آن صورت چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟

قبل از پاسخ به این سوالات باید دید فلسفه و خاستگاه به وجود آمدن بانک‌ها چیست و بررسی شود که اصلاً بانک‌ها برای خدمت به فعالان اقتصادی به وجود آمده‌اند یا اساساً این فعالان اقتصادی اند که در خدمت بانک‌ها هستند. در تمام دنیا قاعده بر این است که بانک‌ها برای سرویس دادن به گروه‌هایی هستند که فعالان اقتصادی در صدر این گروه‌ها قرار دارند. اما در کشور ما گاه عکس این قضیه احساس می‌شود که بانک‌ها انتظار دارند بنگاه‌های اقتصادی در خدمت آنان باشند. در حوزه‌های تامین سرمایه در گردش بنگاه‌ها، تامین مسایل مالی پروژه‌ها، ایجاد تسهیلات نقل و انتقالات پول، گشایش اعتبار اسنادی و سایر ابزارهای مختلف خدماتی هستند که وظیفه بانک‌ها است تا به شکل مطلوبی به بنگاه‌های اقتصادی ارائه کنند تا فعالیت‌های اقتصادی‌شان به نحو مناسبی صورت گیرد. اگر در کنار یک فعال اقتصادی یک بانک قوی وجود نداشته باشد، آن فعال در انجام پروژه‌های خود به نحو مطلوب موفق نخواهد بود. اما این تفکر بعضاً در کشور ما وجود ندارد و شرکت‌ها همیشه این نگرانی را دارند که هر لحظه ممکن است چتر حمایتی بانک‌ها از سرشان برداشته شود. وقتی که شرکت‌ها در تمام دنیا می‌خواهند معامله‌ای انجام دهند یا برای قرارداد جایی می‌روند حتماً چند بنکر آنان را همراهی می‌کنند چرا که تمامی این خدمات و تولیدات و سرویس‌هایی که بنگاه‌های اقتصادی ارائه می‌کنند به موضوع ایجاد درآمد و پول و مسایل مالی ختم می‌شود. اگر این پروسه در کشور ما درست طی مسیر کند آن‌گاه شرکت‌ها نسبت به حقوقی که در برابر بانک‌ها دارند و متقابلاً تعهداتی که به طور قانونی باید به بانک‌ها بدهند آگاهی خواهند داشت و دوطرف به درک متقابل از هم خواهند رسید. متأسفانه حتی قبل از تحریم‌ها هم سیستم بانکی آن طور که باید و شاید در خدمت بنگاه‌های اقتصادی نبوده و حمایت‌های لازم را نمی‌دیدیم. دلیل این امر این است که تقاضا برای پول در جامعه ما همیشه بالا است و فزونی تقاضا بر عرضه پول باعث شده به جای اینکه بانک‌ها به دنبال شرکت‌ها و مشترکین برای ارایه سرویس باشند، شرکت‌ها پشت در بانک‌ها در انتظار دریافت این سرویس‌ها هستند. در دوره تحریم هم بدترین شرایط وقتی ایجاد شد که بانک‌های ما تحریم شدند. چون در مرادوات اقتصادی یک بخش از معاملات مربوط به جابجایی

این بانک با دیگر بانک‌ها چه خواهد بود؟ به طور مثال آیا سود تسهیلات کمتر خواهد بود و اگر کمتر است چگونه این کار انجام می‌شود؟

اساساً در بانک‌های تخصصی تمامی دست‌اندرکاران و گردانندگان از خود صنعت برق هستند و به خوبی از مشکلات این حوزه آگاهند. شخصی که در مورد بهره بانکی تصمیمی می‌گیرد خود به عنوان صنعتگر به این وام نیاز خواهد داشت بنابراین به ضرر آینده خود رفتار نمی‌کند. ضمن اینکه از طرفی این صنعتگر یک سهام‌دار بانک است و منافعی در بانک برایش مهم است. پس در این سیستم تصمیم‌گیرندگان یک‌طرفه به موضوع نگاه نمی‌کنند و هم مشکلات بانک و هم مشکلات شرکت‌ها را مدنظر قرار می‌دهند. تمامی فعالیت‌های بانک تخصصی برق به طور مشخص در حوزه صنعت برق خواهد بود و از پرداخت تسهیلات متفرقه دیگری مثل وام ازدواج و خودرو و تسهیلات تکلیفی و ... باید معاف باشد تا تمامی فعالیت‌ها بر روی حوزه مختص به این صنعت متمرکز شود. در این صورت با حذف برخی کارمزدها و کم شدن هزینه‌های اضافی قیمت تمام شده پول پایین می‌آید. ضمن اینکه شرکت‌های فعال در صنعت برق از تعدد و تراکنش مالی و حجم گردش پول بالایی برخوردارند و اگر تمامی این شرکت‌ها در یک بانک متمرکز شوند، مشکلی در زمینه تامین اعتبار نخواهد داشت.

مهم‌تر از مقوله پرداخت تسهیلات، بحث خدمات جانبی مثل گشایش انواع اعتبارات اسنادی، ایجاد و استفاده از خطوط اعتباری بین‌المللی، صدور انواع ضمانت‌نامه‌ها و ... است. چنین بانکی می‌تواند ظرف چند ساعت LC گشایش کند و به معاملات سرعت ببخشد چون خود در صنعت برق فعال است می‌داند چه کاری را با سرعت انجام دهد و چه اقدام بانکی حیاتی‌تر است.

■ نظر تان در مورد همکاری‌ها با بانک‌های خارجی در شرایط پساتحریم چیست؟
چنان‌که اشاره شد برای این کار ابتدا باید مشکلات زیربنایی در رابطه با این بانک‌ها حل شود. به طور مثال چنانچه مساله سوئیفت حل نشود، فرقی نمی‌کند که بانک‌های خارجی در ایران شعبه داشته باشند یا خیر چون هیچ‌کدام از طرفین کاری از پیش نخواهند برد. متدهای بین‌المللی باید برگردد و دوباره مستقر شوند تا بتوان در مورد موضوعات این چنینی برنامه ریزی کرد.

تازمانی که نتوانیم پولی جابجا کنیم معامله‌ای هم در کار نخواهد بود. تازمانی که سوئیفت باز نشود و ارتباطات بین بانکی که در سال‌های گذشته از بین رفته و یا ضعیف شده دوباره برقرار نشود، مشکلات ادامه خواهد داشت. ضمن اینکه برقراری مجدد این ارتباطات زمانبر خواهد بود. در سال‌های اخیر با سیستم‌های صرافی اقدام به انجام معامله می‌شود که ضمن تحمیل هزینه‌های بالاسری، ریسک‌ها و محدودیت‌های خاص خود را به همراه دارد و گروه شرکت‌های پارسیان به واسطه بروز، وجود همین معضل ضرر و زیان زیادی را در این مدت متحمل شده است که متأسفانه در اغلب مواقع کارفرمایان محترم حتی اجازه طرح موضوع را نمی‌دهند چه برسد به اینکه بخشی از این ضرر و زیان را جبران نمایند. اما با باز شدن سوئیفت این محدودیت‌ها معنا نخواهد داشت چراکه سوئیفت پیام الکترونیکی مبادله پول است. ■

می‌شود منافعی با منافع عمومی، حتی خارج از حوزه تخصصی آن بانک‌گره می‌خورد و نیاز است تا افراد دارای صلاحیت اداره آن را بعهده داشته باشند.

■ دلیل اینکه چنین مشکلاتی در تاسیس بانک تخصصی در صنعت برق در مقایسه با سایر صنایع بیشتر است چیست؟

به نظر من علی‌رغم منافع مشترک بسیار، دوستان ما در بخش خصوصی صنعت برق همچنان از انسجام کافی برخوردار نیستند. در صورت عدم انسجام مناسب در میان نیروهای فعال در یک صنعت صدای واحدی هم شنیده نخواهد شد و در این شرایط اگر تقاضایی هم مطرح شود راه به جایی نخواهد برد. این در حالی است که در صورت به‌وجود آمدن انسجام در متولیان این صنعت و ثابت کردن صلاحیت خود مبنی بر توانایی اداره بانک، این صنعت حتی نسبت به صنایع دیگر اولی‌تر خواهد بود.

■ آیا می‌توان در شرایط فعلی که گویا این صنعت در تاسیس یک بانک تخصصی ناموفق است، در یکی از بانک‌های موجود به شکل محسوس‌تر و با ظرفیت بیشتر وارد شد و به نوعی فعالیت آن بانک را مصادره به مطلوب کرد تا بیشتر در خدمت صنعت برق باشد؟

ببینید تصمیم‌گیرنده در مورد خطی مشی بانک‌ها، شعب نیستند بلکه هیات مدیره آن بانک و قوانین و مقررات بانک مرکزی هستند و تا زمانی که اراده این هیات مدیره‌ها بر این نباشد که بانک خدمات خود را برای ارائه به صنعت برق هموارتر کند، افتتاح حساب در چند شعبه بی‌فایده خواهد بود. شما اگر همین حالا با مدیر اجرایی یک بانک در مورد صنایع حرف بزنید بسیار خود را مشتاق نشان می‌دهد و هدف خود را کم‌کم به همه صنایع می‌داند. اما در عمل وقتی برای یک شرکت فعال در صنعت برق مشکلی به وجود بیاید، زبان مشترکی بین مدیر بانک با مدیر آن شرکت وجود ندارد. بانک مشکلات و گرفتاری‌های این بخش را با صنایع دیگر مقایسه می‌کند غافل از اینکه به دلایل پیش گفته ماهیت این صنعت که ترکیبی از فعالیت‌های طراحی، تولید، اجراء و ... و حتی در بعضی اوقات بهره‌برداری می‌باشد و بدون اطلاع دقیق در مورد صنعت برق و بدون همکاری مناسب انتظار دارد مشکلات حل شود. بانک‌ها در این موارد گزینشی عمل می‌کنند و اصولاً خود را ملزم به حل مشکل نمی‌دانند.

■ وقتی صحبت از انسجام بخشیدن می‌شود به نظر می‌رسد نقش سندیکاها و تشکل‌ها برجسته می‌شود. به نظر شما سندیکای صنعت برق چگونه می‌تواند نقش انسجام‌بخشی در مواردی که خودتان اشاره کردید بر عهده داشته باشد؟
به نظر من ایجاد کمیته تخصصی مسایل مالی، پولی، بانکی می‌تواند تا حدود زیادی برای احصای مشکلات راهگشا باشد. به هر ترتیب کمک گرفتن از افراد متخصص در این حوزه‌ها و جمع شدن این افراد در یک کمیته می‌تواند منجر به رسیدن به یک زبان مشترک شده ضمن ارتقای انسجام موجب تسریع در حل مشکلات شود.

■ فرض کنیم بانک تخصصی در حوزه صنعت برق تاسیس شود. وجه تمایز

سپرده گذاری جمعی شرکت‌های عضو، روزنه حل بخشی از مشکلات بانکی



موسی احمدیان، مدیرعامل شرکت رفاین فرایندها

فقط با بانک‌های کشور خودشان از نظر مالی ارتباط دارند و همین قضیه باعث می‌شود تا معاملات صریح و شفاف باشند و شرکت‌های دو طرف نگران کلاهبرداری نباشند. اما در شرایط تحریم شاهدیم که به علت عدم وجود این امکانات کلاهبرداری‌ها و دزدی‌های کلانی صورت گرفته است چون بحث ضمانت در میان نیست و شرکت‌ها مستقیماً پول نقد را به واسطه‌ها می‌پردازند که این خود زمینه سواستفاده واسطه‌ها را فراهم می‌آورد.

■ فکر می‌کنید در این شرایط راهکار چیست؟ دولت، بانک‌ها و یا شرکت‌های ایرانی چه کاری باید انجام دهند که با مشکلات پیش رو اندکی وضع بهتر شود و منافع این شرکت‌ها تا حدودی تضمین شود؟

ببینید بانک ذاتاً یک ارگان انتفاعی است. یعنی نباید هیچ‌گاه از بانک انتظار داشت که رفتار غیر مالی و غیر سودآور انجام دهد. بانک بابت هر خدمتی که ارائه می‌دهد از مشتری کارمزد می‌گیرد که البته در تمام دنیا هم به همین شکل است. اما نکته‌ای که در این شرایط می‌تواند به شرکت‌های خصوصی کمک کند، همان بانک‌های تخصصی است که در حال حاضر هم وجود دارد؛ مثل بانک صنعت و معدن که کاملاً تخصصی است و برای حمایت از صنعت تأسیس شده است و افراد دیگر در آن صاحب حساب نیستند. این نوع بانک‌ها باید تقویت شوند و این وظیفه دولت است که راه‌های تقویت این بانک‌ها را تدوین و اجرایی کند. باید ساختارهای لازم برای عملیات‌های بانکی مربوط به این بانک‌های تخصصی به وجود آید. مثلاً شما ببینید برای تأیید ضمانت‌های شرکت‌ها الان پروسه‌های بسیار پیچیده و طاقت‌فرسای وجود دارد. به طوری که در بحث باز شدن LCها حتی برای صادرات هم با مشکل مواجهیم. بانک‌هایی مثل صنعت معدن باید در یک زیرساخت و ارتباطات مناسب بتوانند ارائه خدمات کنند. در حال حاضر شرکت‌های ترکیه‌ای به راحتی می‌توانند از بانک‌هایشان ضمانت نامه و ضمانت نامه بگیرند و مناقصات بین المللی شرکت کنند اما در ایران حتی شرکت‌های بزرگی که ذاتاً صادراتی هستند در این زمینه‌ها با مشکل مواجه‌اند. چون سیستم بانکی ما خیلی سیستم تولیدی، صادراتی و کاری ما را قبول ندارد و اگر نگوئیم یک سیستم دلالی دارد، می‌توان گفت بانک‌های ایرانی ذاتاً تجاری و بازرگانی‌اند.

■ به عنوان یکی از فعالان صنعت برق و اتوماسیون چه چالش‌هایی را با بانک‌ها داشته‌اید و چه راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها به نظر تان می‌رسد؟
موضوع مشکلاتی که شرکت‌ها در رابطه با بانک‌ها با آن مواجه‌اند فقط مختص به بخش اتوماسیون یا صنعت برق نیست بلکه تمامی شرکت‌های خصوصی با این مشکلات دست به گریبانند. در خصوص بانک‌ها، موارد و مشکلات بسیاری وجود دارد که در برخی موارد کاملاً تخصصی بوده و باید بحث شود. نمونه آن موضوع ال‌سی‌های ریالی یا اعتبارات اسنادی ریالی است که هنوز در کشور ما جا نیافتاده است. به همین سبب است که حتی وقتی پیمانکاران تعهدات خود را در قبال بخش دولتی انجام می‌دهند، پول خود را دریافت نمی‌کنند و در برابر بانک‌ها نیز به مشکل بر می‌خورند. این در حالی است که این مشکل سال‌هاست در کشورهای دیگر با بهره‌گیری از امکاناتی مانند LC به سادگی حل شده است. یا در موضوع ارتباط ما می‌بینیم که در حال حاضر ارتباط شبکه بانکی با بانک‌های خارجی قطع است و بانک‌ها تنها با خودشان ارتباط دارند به هر حال وقتی صحبت از حل مشکلات در رابطه با بانک‌ها می‌کنیم باید با توجه به شرایط امروز کشور و ساختار بانکی موجود صحبت کنیم.

■ آیا در شرایط پسانتحریم افقی از برقراری این ارتباطات حل بخشی از مشکلات بانکی پیش رو می‌بینید؟

در خصوص بخشی از این امر همان‌طور که قبل از تحریم‌ها سیستم سوئیفت برقرار بود، بعد از برطرف شده تحریم‌ها نیز می‌توان با استفاده از این سیستم به اقصی نقاط دنیا پول حواله کرد و به این ترتیب مشکلاتی که در رابطه با LCهای خارجی وجود داشت تا حدودی برطرف می‌شود. به عبارتی شرکت داخلی می‌تواند با ارائه تضمین‌هایی به بانک داخلی از آن اعتبار بگیرد و بانک داخلی پول بانک کارگزار خارجی را بدون اینکه شرکت پولی بدهد پرداخت می‌کند. این تضمین‌ها شامل املاک، زمین شرکت و ... می‌شوند و عملاً پولی بابت LC به بانک داده نمی‌شود.

در حقیقت با رفع تحریم‌ها و استفاده از امکاناتی که LCها فراهم می‌آورند لازم نیست شرکت‌ها سرمایه خود را درگیر کنند و برای مثال قادر خواهند بود مواد اولیه را بدون پرداخت پول خریداری کنند، محصول را تولید کنند و پس از فروش، هزینه مواد اولیه را بپردازند. در این روش بانک‌های خارجی و داخلی با هم در ارتباط‌اند و شرکت‌ها



■ این مشکل به سیستم تولیدی ما ربط دارد یا باید نظام بانکی را به سمتی سوق داد که از وادی بازرگانی به سمت تولیدی برود و مسئولیت خود را در قبال بخش تولید انجام دهد؟

این موارد به هم وابسته هستند و نمی‌توان گفت دقیقا کدام طرف ماجرا عامل مشکل ساز است. تولید در ایران بسیار پیچیده و گران است. حتی تولید وسایل ساده هم بسیار برای تولیدکننده گران تمام می‌شود.

■ آیا بخشی از این امر حاصل بهره‌های بالای بانکی بر نیست؟

بهره‌های بالای بانکی متناسب با تورم است. همان‌طور که در اروپا تورم پایین و به تبع آن بهره بانکی پایین است، بنابراین نمی‌توان این قضیه را پای بهره گذاشت. واقعیت این است که سیستم تولید و سیستم بانکی مانند یک مجموعه عمل می‌کنند. یک انسان نمی‌تواند دست‌های بزرگ داشته باشد اما پاهایش خیلی کوچک باشند. این مجموعه باید با هم دیده شود و هماهنگ شود. در کشورهای دیگر هم وضع به همین منوال است. ترکیه ۲۰ سال پیش دارای تورم چند هزار درصدی بود که باعث شد چند صفر از پول ملی خود کم کنند. به نظر من این مشکلات بیشتر از اینکه به دولت یا نهاد خاصی مرتبط باشد یک مساله اجتماعی است. ما باید بخواهیم که به سمت تولید و بدست آوردن پول حرکت کنیم.

■ جناب مهندس با این وصف راهکار پیشنهادی شما برای برون رفت صنعت برق از مشکلات بانکی موجود چیست و جایگاه سندیکا را در این راهکار چه می‌دانید؟

به نظر من به رغم مشکلات موجود در مورد اقتصاد کلان، همچنان مسایلی با شیب یک درصدی به نفع ما وجود دارند که می‌توان برای بهبود شرایط از آن بهره برد. هر چند بانک‌های ما همه به نوعی به دولت وابسته‌اند اما در میان همین بانک‌های دولتی و خصوصی می‌توان از امکاناتی بهره برد که قانونی است اما بستگی به نحوه استفاده از آن متفاوت است. مثلا بانکی شاید تنها با یک سفته به شما وام بدهد اما بانک دیگر که آن هم مانند قبلی به بانک مرکزی متصل است و از قانون مشتری بهره می‌برد، از شما علاوه بر سفته دو ضامن و ملک و ... طلب می‌کند.

از همین رو حدود سه سال پیش پیشنهادی از جانب یک بانک خصوصی با سندیکای صنعت برق مطرح شد مبنی بر آنکه شرکت‌های عضو در سیستم بانکداری شرکتی آن بانک مشارکت کند تا از این طریق ضمن استفاده از تسهیلات آن بانک موجب ارتقای گردش مالی بانک شوند. اما متأسفانه آن قضیه عقیم ماند و به منفعت‌های قابل توجهی که در پس آن نهفته بود توجه نشد.

در توضیح این امر باید اضافه کنم در حالت عادی اگر یک شرکت کوچک تقاضای دریافت ضمانت نامه بانکی داشته باشد و وارد مناقصه نشود طبیعتا با مشکل مواجه می‌شود و از توان این شرکت خارج است که ضمانت‌های سنگین را فراهم کند. اما فرض بفرمایید اگر حدود ۵۰۰ شرکت بزرگ و کوچکی که عضو سندیکا هستند با آن بانک خاص، وارد همکاری می‌شدند و سازوکاری فراهم باشد که مثلا دو تا از شرکت‌های بزرگ سندیکا ضمانت آن شرکت کوچک را بکنند، این شرکت کوچک می‌تواند از یک امکان مالی بزرگتر استفاده کند. خصوصا این مورد در بانک‌هایی که شعب زیادی ندارند و سرمایه‌هایشان کوچک است صدق می‌کند و این پیشنهادها برایشان جذاب است. چنین اقدامات و راهکارهایی به منزله همان شیب یک درصد است که با توجه به وضع موجود می‌تواند شرایط را ولو به مقدار کم بهتر کند. بنابراین سندیکا می‌تواند به شرکت‌های عضو خود پیشنهاد کند که همگی در این بانک‌های کوچک حساب باز کنند و از شرکت‌های بزرگ بخواهد تا نقش برادر بزرگتر این شرکت‌های کوچک را بازی کنند تا آن‌ها حداقل در دریافت تسهیلات و ضمانت‌هایی که قانون مشخص کرده است کمتر دچار مشکل شوند.

■ فکر می‌کنید شرکت‌های بزرگ تا چه میزان با این پیشنهاد همراهی خواهند کرد و سازوکارهای تشویقی جلب مشارکت آنان چیست؟

هر شرکت بزرگی قطعا در چند بانک حساب دارد و برایش چندان فرقی نمی‌کند که این حساب‌ها در کدام بانک باشد. اگر این شرکت بخواهد در بانک جدید حساب باز کند مشکلی برایش پیش نخواهد آمد. به نظر من باید کمی مثبت‌تر به قضیه نگاه کرد. به هر حال افرادی که در سندیکا عضو هستند باید به نحوی با هم قرابت و همکاری داشته باشند. شما وقتی ببینید همکاران یا همکلاستان در جاده پنجر کرده و احتیاج به کمک دارد، به هر حال برای کمک به او اقدام می‌کنید. به نظرم مفهوم سندیکا نیز همین است که شرکت‌ها تمایل دارند به هم نزدیک شوند و در غیر این صورت عضو سندیکا نمی‌شدند. از طرفی پیشنهادی هم که مطرح شده خیلی غیر منطقی یا غیر قابل اجرا نیست. از شرکت بزرگی با ده‌ها میلیارد گردش مالی خواسته می‌شود که علاوه بر ۲ یا ۳ حساب بانکی که دارد یک حساب چهارمی هم در یک بانک کوچک باز کند تا شرکت‌های دیگر بتوانند بر اساس وزن این شرکت بزرگ، خود را به پیش ببرند. نمونه موفق اقداماتی از این دست در مورد بیمه تکمیلی است که در سال‌های اخیر سندیکا توانسته به خوبی آن را اجرا کند به طوری که بخش قابل توجهی از شرکت‌های عضو خود را در طی قراردادی بیمه تکمیلی کرده است. در این مورد چون افراد بیمه شونده در یک مجموعه با تعداد بالا قرار می‌گیرند، برای شرکت‌های بیمه‌ای جذاب است که با ارائه خدمات بیشتر این قرار داد را به خود جذب کنند و در آخر شرکت‌های عضو از این فضای رقابتی سود می‌برند. این کار در مورد بحث بانک‌ها هم قابل اجرا است. ■



ارایه هدفمند تسهیلات بانکی با تفکیک شرایط تولیدکنندگان از شرکت‌های تجاری

همايون رشیدی، مدیرعامل شرکت مهندسی پازین کنترل

شاید بتوان فراهم آوردن تضمین‌های مورد نظر را نداشته باشد.

■ فکر می‌کنید با توجه به شرایط پساتحریم و امکان ارایه شدن LC‌های ارزی، این مساله قابل حل است؟

بله یکی از امیدهای ما هم در همین امر است. چون ما پیش از بروز تحریم امکان بهره‌گیری از LC‌های مدت‌دار را داشتیم و با طرف‌های خارجی هم این مذاکرات را انجام داده بودیم. LC‌های مدت‌دار دست ما را برای دریافت کالای پروژه‌ها می‌کرد تا پروژه‌های خود را بدین طریق به انجام برسانیم و بعد پرداخت کنیم. نرخ‌های بهره نیز بسیار پایین بود به طوری که از ژاپن با نرخ بهره ۱.۲۵ درصد سالیانه LC را به بانک‌ها می‌دادیم و با تاخیر یک‌ساله و با نرخ مورد اشاره اقدام به بازپرداخت می‌کردیم. اگر شرایط ارزی دارای ثبات باشد این نوع بهره‌ها برای تولیدکنندگان بسیار شیرین و سودآور بوده است که امیدواریم آن شرایط طلایی بازگردد.

■ فکر می‌کنید تشکلهای خصوصاً سندیکا چقدر می‌تواند تاثیر مثبت داشته باشد و چه اقداماتی می‌توانند انجام دهند؟

خیلی زیاد. تشکلهای در واقع زبان جمعی بخش خصوصی هستند. جمله‌ای از برتولت برشت با این مضمون نقل است که مشکلاتی که در جامعه می‌بینید مشکلات اجتماعی نیستند بلکه مشکلات سیاسی هستند که نمود اجتماعی دارند. گروه‌هایی که در سندیکا جمع شدند در حال حاضر خیلی خوب عمل می‌کنند و اگر سندیکا بتواند در فدراسیون جایگاه محکمی برای خود ایجاد کند در آینده نزدیک ما وضعیت خوبی خواهیم داشت. سندیکا می‌تواند حقوق شرکت‌ها را در فدراسیون دنبال کند چرا که فکر می‌کنم یکی از موقعیت‌هایی که حرف تشکلهای مثل سندیکا خریدار دارد، در قالب فدراسیون است و به این ترتیب خیلی موثر می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند.

■ فکر می‌کنید ورود به فدراسیون یا در واقع به فدراسیون تبدیل شدن سندیکا در تاثیرگذاری بر روی سیستم بانکی خواهد افزود؟

قطعاً همین‌طور خواهد بود. همین الان باز خورد نقش‌هایی که سندیکا در بخشی از صندوق‌ها ایفا کرده به شکل پررنگ نمود دارد و من امیدوارم این نقش وقتی در قالب فدراسیون ایفا می‌شود، نتایجی به مراتب بزرگتر به دنبال داشته باشد. ■

■ به نظر شما با ورود بانک‌های خارجی چقدر امکان دریافت تسهیلات برای

صنعت برق وجود دارد و پیش‌بینی شما در این مورد چیست؟
به نظر می‌آید با توجه به روند جلساتی که در حال حاضر در حال برگزاری است و بانیم‌نگاهی به پیش‌نویس موافقت‌ها، شرکت‌های سندیکای برق در حال مغفول واقع شدن و بیرون شدن از میدان هستند. شما ببینید الان مجموعه ماروبنی به همراه با تیم ژاپنی ۲۰۰۰ مگاوات توافق نیروگاهی امضا می‌کند و هیچ شرکت ایرانی را بازی نمی‌دهد و در واقع شرکت‌های ایرانی تمام امیدشان به آن ۲۵ درصدی است که در قراردادهای EPCF قرار است سهم شرکت‌های داخلی شود که در واقع آن هم در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. مسایل بانکی که شما می‌فرمایید در زمره مسایل بعدی است که بعد از تعریف شدن پروژه‌ها و درگیر شدن شرکت‌های ایرانی در آن سهم ۲۵ درصد، نیاز به چنین تسهیلاتی پیدا می‌کنند. اما در حال حاضر همان قسمت اول در حاله‌ای از ابهام است و به همین خاطر شرکت‌ها درخواستی به بانک‌ها برای دریافت تسهیلات ندارند و اگر هم دارند به دنبال صاف کردن دیون خود هستند و در پی منتقل کردن دیون خود از حالت پراکنده به بانک هستند.

■ یکی از گلايه‌هایی که از طرف صنعت برق به بانک‌ها وجود دارد بهره‌های بالا است که در مقایسه با رقبای عربستانی و ترکیه‌ای بهره‌های بالایی می‌پردازند و این خود قیمت تمام شده داخلی را بالا برده و شرایط رقابتی را سخت می‌کند. به نظر تان راهکار حل این معضل چیست؟ شما به عنوان یک صنعتگر پیشنهادتان چیست؟

کاری که بسیاری از کشورهای دنیا بدان مبادرت می‌کنند این است که به دسته‌بندی وام‌های مختلف می‌پردازند. به طوری که وام‌های تولیدی، وام‌های سرمایه‌گذاری و ... بهره‌های مختلفی دارند. در کشور ما هم این اتفاق افتاده اما چون چارچوب‌های این وام‌ها مشخص نیست، امکان سو استفاده به وجود آمده است. به طور مثال یک شرکت تولیدی از دریافت وام تولیدی عاجز است اما یک شرکت سرمایه‌گذار می‌تواند وام تولیدی دریافت کند. دلیل این امر آن است که تضامینی که از شرکت تولیدکننده خواسته می‌شود همان تضامینی است که به طور یکسان مثلاً از یک شرکت بازرگانی درخواست می‌کنند. اینجا است که مشکل به وجود می‌آید چون شرکت تولیدی دارای سرمایه در تولید است و



بخش خصوصی و بانک‌هایی که پاسخگوی قانون نیستند



اکبر هوشیار، مدیرعامل شرکت ترانس‌پست پارس

■ در راستای تحقق این ارتباطات دولت باید چه راهکاری اتخاذ کند؟
صندوق توسعه صادره باید همانند قبل در کشورهایی که اعتبار از طریق ایران برای پروژه‌ها تامین می‌شود و پروژه‌ها فاینانس می‌شود، خدمات فنی مهندسی را آسان کند تا بتوان در کشورهای هدف با رقم اندکی ضمانت‌نامه گرفت تا بدین ترتیب فرایند صادرات تسهیل شود. همچنین بانک‌ها باید نقدینگی کافی به صورت وام و با بهره‌های کم در اختیار پیمانکاران و صنعتگران قرار دهند تا کارها پیشرفت رو به جلو داشته باشد و برگشت پول با بهره‌های کم صورت گیرد.

■ جناب مهندس مطابق با بند ۱۶ و ۱۷ قانون رفع موانع تولید، بانک‌ها در صورت عدم پرداخت تسهیلات لازم با مجازات‌های نسبتاً سنگینی مواجه می‌شوند؛ به نظر شما چقدر این قوانین تا به امروز که چند ماهی از ابلاغ آن گذشته اجرایی شده و نقش بخش خصوصی در اجرای بیشتر آن چگونه می‌تواند باشد؟

به هر حال فشاری که بر صنعتگران و تولیدکنندگان وجود دارد به هیچ وجه بر روی بانک‌ها نیست و بانک‌ها از این موارد طفره می‌روند و این بندها را برای خودشان لازم‌الاجرا نمی‌دانند. باید سیستم بانک مرکزی و دولت و نیز اتاق بازرگانی و بخش خصوصی در این مقوله بسیار فعال شوند و برای بانک‌ها ضمانت اجرایی ایجاد کنند. به هر حال من تا به حال نشنیدم که بانکی را به خاطر عدم پرداخت تسهیلات مطابق با آن بندها جریمه کنند و برای خود ما هم مواردی از این دست اتفاق افتاده است.

■ به نقش اتاق بازرگانی اشاره کردید، فکر می‌کنید به طور کلی نقش تشکل‌های خصوصی مثل اتاق بازرگانی یا سندیکای برق در ملزم کردن بانک‌ها به رعایت موارد قانونی چیست؟ در مورد بانک‌های خارجی چطور؟
ببینید ما برای بهبود فضای کسب کار با مشکل کمبود قانون مواجه نیستیم بلکه مشکل از اجرایی نشدن یا سلیقه‌ای اجرا شدن این قوانین شروع می‌شود. اتاق و سندیکای به طور عام و خاص در صنعت برق به عنوان بازوی توانای بخش خصوصی می‌توانند به دولت نزدیک شوند و بخش خصوصی را از این حالت تشنگی که به آن دچار شده به سمت خرد جمعی و آرایه راهکارهای مناسب برای افزایش سطح ضمانت اجرایی بندهای قانونی به دولت و مجلس سوق دهند. ■

■ لطفاً در مورد چالش‌هایی که بخش خصوصی صنعت برق علی‌الخصوص در حوزه فعالیت خودتان در مواجهه با بانک‌ها رو برو است توضیح دهید.
به نظر من امور بانکی به عنوان خونی هستند که باید برای پیشرفت کار در رگ‌های پیمانکاران جاری شوند. با توجه به مشکلاتی که برای انجام پروژه‌ها در کشور ما در خصوص تامین نقدینگی وجود دارد، تنها راه اجرای پروژه‌ها این است که بانک‌ها نقدینگی لازم را فراهم آورند. منتهی در این مقوله چندین مشکل وجود دارد. یکی اینکه با توجه به حجم کمی که در دو سال اخیر انجام شده، بانک‌ها در اعتبار سنجی پیمانکاران دچار مشکل هستند. به این معنا که پارامترها و مولفه‌هایی مانند میزان فروش و نسبت‌های خاص مالی که بانک‌ها برای ارزیابی شرکت‌های پیمانکاری در نظر می‌گیرند، از دست پیمانکاران خارج شده است. بنابراین بانک‌ها رغبتی برای سرمایه‌گذاری در بخش پیمانکاری ندارند. به عنوان مثال شرکت‌ها در آرایه ضمانت‌نامه‌ها به بانک مشکل دارند و بانک با کوچک‌ترین مشکلی حاشیه سود خود را برمی‌دارد و ضمانت را ضبط می‌کند. در مورد مناقصات خارجی وضع اسفناک‌تر است زیرا ما در بانک‌های داخلی با اعتباری که داریم می‌توانیم با درصد کمی به صورت دپوزیت، ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصه‌ها، حسن انجام کار و ضمانت پیش پرداخت را فراهم کنیم. اما با توجه به اینکه سویفت در خارج از کشور بسته است امکان چنین کاری وجود ندارد. به طوریکه باید در مقصد شرکت ثبت کنیم و در آنجا فعالیت کنیم در غیر این صورت کل مبلغ ضمانت‌نامه را باید به صورت ودیعه یا دپوزیت کنیم و این به شدت مشکل ساز شده است.

■ آیا با توجه به دورنمای شرایط پساتحریم امکان رسیدن به دوران پیش از تحریم در امور مبادلات بانکی وجود دارد؟ شرایطی که در آن شرکت‌ها با ضمانت‌های اندک و سود بسیار پایین با بانک‌های خارجی به صورت LC همکاری می‌کردند.

من فکر می‌کنم امکان رسیدن به آن شرایط وجود داشته باشد اما این فرآیند زمانبر خواهد بود و حداقل ۶ الی ۷ ماه بعد از باز شدن سویفت‌ها که بانک‌های خارجی فرصت اعتبار سنجی دوباره ما را داشته باشند، طول خواهد کشید. من امیدوارم که این اتفاق بیفتد.



قیمت نازل برق، سرنخ رشته بلند مشکلات بانکی این صنعت



جمشید بردبار؛ مدیرعامل شرکت الکترونیک افزار آزما

پول برق پرداخت می‌کنند. برای مثال هزینه موبایل هر خانواده ای چند برابر پول برق آن‌ها است؛ در صورتی که موبایل اکثراً صرف صحبت‌های دوستانه و پیش پا افتاده می‌شود؛ در حالی که انرژی رسانی برق مصارف بسیار مهم و حیاتی مثل روشنایی و گرمایش و ... را دارا است و باید به همان میزان نیز با ارزش تر تلقی شود و به دنبال ارائه خدمات مجانی نباشیم.

به منظور اصلاح این امر دولت و مجلس و مردم باید یاری کنند تا قیمت‌ها واقعی شود و از بار کمر شکن و ناعادلانه یارانه‌های بخش انرژی برق که به عهده وزارت نیرو گذاشته‌اند کاسته شود.

■ در شرایط پساتحریم با توجه به نرخ‌های بهره ۲۰ الی ۳۰ درصدی در مقابل نرخ بهره پایینی که رقبایی مثل ترکیه از آن برخوردارند چه آینده‌ای را برای تولیدکنندگان داخلی صنعت برق متصورید؟

البته این نرخ بالاتر بهره برای تولیدکنندگان ایرانی موضوع جدیدی نیست و همیشه کالای خارجی، چه چین باشد و چه اروپا، نرخ پرداختی بهره بانکی شان تقریباً به طور یکسان در حدود ۳ الی ۵ درصد بوده است. این امر خود نشان دهنده آن است که متأسفانه در این زمینه هیچ حمایت جدی از تولید داخلی نشده است. در حالی که این کار را می‌تواند با افزایش تعرفه‌های گمرکی، با اعطای امتیازات خاصی به تولید داخل در مناقصات و ... برتری و ارزش افزوده‌ای برای شرکت‌های داخلی قائل شوند که مثلاً با ۱۰ درصد افزایش قیمت هم شرکت داخلی بتواند نقش تعیین کننده‌ای در بازار داشته باشد.

■ آیا با لغو تحریم‌ها و امکان گشایش LC خارجی امیدی در بهبود وضعیت مرادات بانکی بخش خصوصی می‌بینید؟

لغو تحریم‌ها سبب روان‌سازی‌هایی در کار سیستم بانکی و سیستم انتقال پول خواهد شد و از این لحاظ می‌تواند کمک کننده باشد.

■ از منظر شما سندیکا و به طور کلی تشکل‌های بخش خصوصی در تعیین شرایط بانکی پس از تحریم‌ها چه نقشی را می‌توانند بر عهده داشته باشند؟

مهم‌ترین نقش سندیکا در این خصوص اطلاع‌رسانی به بخش خصوصی و استفاده از توان کارشناسی خود برای هدایت و راهنمایی بخش دولتی در شناسایی صحیح از شرایط روز بازار و صنعت برق است.

■ از نظر شما با توجه به تجربه خود در مقام یک تولیدکننده صنعت برق چه چالش‌ها و مشکلاتی در رابطه صنعت برق با بانک‌ها وجود دارد؟

معضلات سیستم بانکی تنها مربوط به صنعت برق نیست؛ بلکه مسأله‌ای جامع در نظام اقتصادی کشور است. اساساً این‌گونه نیست که اگر حیطه صنعت برق مشکلات خود با بانک‌ها را بگوید، چیزی حل نشود. چون در مورد بانک‌ها، بخش‌های دیگری از کشور نیز تصمیم‌گیر و تاثیرگذار هستند. مثل بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، بخش‌های دیگر صنعت و ...

پس در رابطه با مشکلات صنعت برق با بانک‌ها صحبت زیادی نمی‌توان کرد؛ چرا که چیزی از یک کل است. مشکلاتی را که کشاورزی، بازرگانی و صنایع با بانک‌ها دارند، ما هم داریم. طی سال‌های اخیر منابع بانک‌ها کارشناسی نشده در اختیار عده‌ای قرار گرفته و آن‌ها این منابع را محدود کرده‌اند. یک سری اشتباه‌های مدیریتی در سیستم بانکی بوده که طی ۱۰ الی ۲۰ سال اخیر باعث ضرر و زیان به کشور شده است. در نتیجه باضعیف شدن سیستم بانکی، بالطبع صنعت برق هم مثل شاخه‌های دیگر اقتصاد دچار محدودیت شده و به منابعی که نیاز دارد دسترسی ندارد. این یکی از مشکلات پیچیده کشور است و ما فقط چیزی از آن هستیم.

■ به نظر شما ریشه این مشکل در کجاست و مطالبات معوقه بخش خصوصی از دولت چه نقشی در آن دارد؟

این مطلب بیشتر به صنعت برق مربوط می‌شود. چرا که صنعت برق بیشتر از صنایع دیگر از عدم پرداخت مطالباتش زیان دیده است. اما این امر بیش از آنکه به عملکرد بانک‌ها مربوط باشد تحت تاثیر مطالبات معوقه از وزارت نیرو است. البته وزارت نیرو هم از آن سو بسیاری هزینه‌های متعاقب پرداخت یارانه‌ها را بر عهده دارد که عملاً هیچ منطق اقتصادی نداشته و مشکلات مدیریتی سبب‌ساز آن شده است. همچنین نرخ برق که کمتر از قیمت تمام شده آن است نشانگر ویرانگر بودن این یارانه‌ها است و علاوه بر اینکه وزارت نیرو را درگیر کرده، به تبع آن به کسانی هم که با وزارت نیرو کار می‌کنند لطمه می‌زند و عده‌ای را هم نابود کرده است. این در حالی است که اگر این شرایط بخواهد ادامه پیدا کند، دیگر بخش‌های صنعت برق هم به تدریج نابود خواهند شد. بنابراین در اولین گام نیاز به یک بازنگری اساسی در نرخ برق وجود دارد.

به این منظور هم کافی است دقت شود که مردم برخی از هزینه‌ها را به راحتی چندین برابر

نگاه ویژه

مسئله‌ای جدید به ابعاد کل صنعت برق کشور

واگذاری بلوکی ۳۱۲ پست فشار قوی

در ابتدا شاید ابعادی بدین وسعت نداشت و آنچنان نگرانی را بر نمی‌انگیخت. اما امروز طرح بلوکی ۲۱۳ پست فشار قوی و تعداد کثیری از پست‌های انتقال هر طرف که در محافل صنعت برق سرگردانیم، بنا به وضعیت خاص کم‌کاری و رکود موجود در این صنعت، به دغدغه اصلی و روز فعالان این عرصه بدل شده است، تا آنجا که به نظر می‌آید هیچ یک از شرکت‌های این حوزه راگریزی از اندیشیدن به راه چاره‌ای برای تعدیل اثرات بعضاً آسیب‌زا و تقویت نقاط مثبت این طرح نیست.

بر همین اساس آنچه در ادامه خواهید خواند، حاصل تلاش حرکت جمعی و خودجوش جمعی از شرکت‌های عضو سندیکای صنعت برق ایران در جهت اطلاع‌رسانی و بررسی کارشناسانه این موضوع بوده است.

اعضای هیات ریسه کمیته پست سندیکای صنعت برق ابعاد جدیدترین مناقصه خرید تجهیزات پست‌های برق را بررسی کردند

برگزاری مناقصه‌ای پرابهام توسط برق منطقه‌ای تهران

اعضای هیات ریسه کمیته سازندگان پست‌های فشار قوی، طی میزگردی که در روزنامه فرصت امروز منتشر شده بود، به بررسی ابعاد و اثرات برگزاری مناقصه ۳۱۲ پست فوق توزیع، توسط برق منطقه‌ای تهران پرداختند که مشروح متن آن را ذیلا می‌خوانید:

قرار است تجهیزات مورد نیاز برای احداث ۳۱۲ دستگاه پست فوق توزیع برق، از طریق مناقصه‌ای که شرکت برق منطقه‌ای تهران برگزار می‌کند، خریداری شود. بر اساس اطلاعات درج شده در مناقصه، ترجیحا ۱۰ درصد اعتبار خرید تجهیزات این پست‌ها از طریق منابع خارجی تامین خواهد شد. اعضای هیات ریسه کمیته پست‌های فشار قوی سندیکای صنعت برق بر این باورند که ابهامات زیادی در شرایط مناقصه وجود دارد که باید از سوی دولت شفاف‌سازی شود. زیرا بر اساس اطلاعات فعلی، نگرانی‌های زیادی در زمینه حذف شرکت‌های کوچک و متوسط پست ساز ایجاد شده است.

بهروز سلطان‌زاده رییس کمیته سازندگان پست‌های فشار قوی سندیکای صنعت برق به فرصت امروز می‌گوید: در حال حاضر به عنوان پیمانکاران سازنده پست‌های برق از فاکتورهای تعیین کننده برنده مناقصه اطلاعی نداریم. البته این مناقصه در حال حاضر در حد فراخوان است اما اطلاع از جزییات مناقصه و عواملی که منجر به برنده شدن اشخاص می‌شود، برای ما مهم است.

وی ادامه می‌دهد: باید بدانیم تامین کننده فاینانس چه توقعی از دولت ایران دارد. پول را با چه شرایطی برای پروژه‌ها تامین می‌کند و چند درصد تجهیزات آن قرار است از خارج وارد شود. یا اینکه وزارت نیرو چقدر حق دارد تجهیزات را از منابع دیگر خریداری کند.

سلطان‌زاده تاکید می‌کند: باید بدانیم که اگر کشوری پست‌ها را با بهره فاینانس کمتر بسازد اما تمام تجهیزات را از خارج وارد کند، نسبت به رقیبی که با قیمت بیشتر و بهره پول بیشتر، ۵۰ درصد تجهیزات مورد نیاز خود را از تولیدکننده داخلی تامین کند، چگونه مورد سنجش قرار می‌گیرد.

وی با اشاره به اینکه سوالات بی‌شمار دیگری در زمینه مناقصه برق منطقه‌ای تهران وجود دارد، می‌گوید: اگر تامین

کننده اعتباری (فاینانسور) وجود داشته باشد که با بهره بین‌المللی به ایران پول قرض دهد و دولت ایران تصمیم بگیرد که این اعتبار چگونه هزینه شود، بهترین اتفاق برای صنعت برق رخ خواهد داد.

رییس کمیته پست سندیکای صنعت برق تاکید می‌کند: نحوه برخورد و شرایط تامین کننده اعتبار، برای اجرای پروژه‌ها از این نظر اهمیت دارد که بر وضعیت ایجاد اشتغال در کشور تاثیر مستقیم خواهد داشت.

خرید تجهیزات که در انبار از رده خارج می‌شوند و یا گارانتی آنها از بین می‌رود

تنها دغدغه اعضای سندیکای برق از دست رفت کسب و کارشان نیست. آنها نسبت به منافع ملی هم حساسیت دارند. امیر حسین طاهرزاده، نایب رییس کمیته پست‌های فشار قوی سندیکای صنعت برق در گفتگو با فرصت امروز می‌گوید: مناقصه‌ای که برق منطقه‌ای تهران به منظور تامین نیازهای کل کشور و به نمایندگی از وزارت نیرو بصورت PF برگزار می‌کند، ۲۰ تا ۲۵ درصد ظرفیت پست‌های فوق توزیع ۱۳۲ و ۶۳ کیلوولت قابل بهره برداری وزارت نیرو در کشور است. البته متعاقبا در مناقصه دیگری نیز تجهیزات احداث ۸۶ دستگاه پست انتقال ۲۳۰ و ۴۰۰ کیلوولت هم خریداری خواهد شد.

وی ادامه می‌دهد: بر اساس آمارهای موجود، در ۱۵ سال گذشته، در بخش پست‌های انتقال ۲۳۰ و ۴۰۰ کیلوولت، تقریبا برابر همین میزان (۸۶ دستگاه) پست کامل بهره برداری شده است.

وی اضافه می‌کند: آیا رویکرد دولت در برگزاری این مناقصه انتقال تکنولوژی‌های به‌روز و کارآمد در کنار توسعه صنعت برق است - مانند آنچه ۲۰ سال پیش در کشور انجام شد - یا اینکه فقط قصد دارند نیازهای توسعه‌ای صنعت برق را مرتفع کند؟

نایب رییس کمیته پست‌های فشار قوی سندیکای صنعت برق می‌گوید: قطعاً تامین کننده مالی خارجی، نمی‌گذارد تمام قطعات مورد نیاز پست‌ها از داخل کشور تامین شود. شرط چینی‌ها برای فاینانس یک پروژه آن است که ۵۰ تا ۶۰ درصد تجهیزات به کار رفته در یک طرح، از کشور چین

خریداری شود.

وی کل ظرفیت قابل استفاده پست‌های فوق توزیع ایران را ۹۵ هزار مگاوات آمپر اعلام کرد و افزود: در حال حاضر نیز حدود هجده هزار مگاوات آمپر ظرفیت جدید در حال احداث است.

در پست‌های انتقال هم ظرفیت قابل استفاده ۱۳۳ هزار مگاوات آمپر است که حدود سی و هشت هزار مگاوات آمپر دیگر نیز در حال احداث است.

طاهرزاده سخنان خود را با این پرسش ادامه می‌دهد: آیا بر آوردی از نیاز کشور در زمینه پست‌های فوق توزیع و انتقال انجام شده یا خیر و تامین تجهیزات در این مناقصات، دقیقا برای رفع نیازهای چند سال کشور صورت پذیرفته است، آیا جوانب آتی آن مانند گارانتی و از رده خارج شدن برخی از تجهیزات را مدنظر قرار داده‌اند. آیا در خصوص کاهش تلفات همین پست‌های نصب شده اقدام شایسته‌ای صورت پذیرفته است.

طاهرزاده تاکید می‌کند: در بخش حفاظت و کنترل - که تجهیزات الکترونیکی مدرن و نرم افزار در ساختار آن به کار می‌رود - هر چند سال یکبار تکنولوژی‌ها به روز می‌شود. اما به نظر می‌رسد وزارت نیرو قصد دارد برای ۱۰ تا ۱۵ سال آینده ایران، تجهیزات خریداری کند.

به گفته وی برگزاری مناقصه‌ای به بزرگی مناقصه برق منطقه‌ای تهران، سبب می‌شود که ۶۰ عضو کمیته پست سندیکا در سال‌های آتی با مشکل نبود کار و ورشکستگی مواجه شوند.

نایب رییس کمیته پست‌های فشار قوی سندیکای صنعت برق با اشاره به اینکه ارزش اقتصادی مناقصه برق منطقه‌ای تهران حدود یک تا ۱/۲ میلیارد دلار است، به دولت پیشنهاد می‌دهد: این میزان اعتبار از یکی از بانک‌های خارجی مانند بانک توسعه اسلامی یا سایر مراکز وام دهنده قرض گرفته شود و مناقصه بزرگ برق منطقه‌ای تهران خرد شده و تبدیل به ۱۰ تا ۱۵ مناقصه کوچکتر شود تا ضمن پخش پروژه بین شرکت‌ها از تولیدکنندگان داخلی نیز حمایت شود.

وی ادامه می‌دهد: به دلیل آنکه یک مناقصه بزرگ با مشارکت یک تامین کننده مالی برگزار می‌شود، احتمالا شرکت‌کنندگان در مناقصه باید تعداد معدودی شرکت بزرگ

ایرانی باشند، در چنین روندی شرکت‌های پیمانکاری دیگر به دلیل نبود کار از بین خواهند رفت.

خطر ورود شبه خصوصی‌ها به صنعت برق

مهدی مسائلی دبیر کمیته سازندگان پست‌های فشار قوی سندیکای صنعت برق نیز در گفتگو با فرصت‌امروز نسبت به خطر ورود شبه خصوصی‌ها به صنعت برق هشدار می‌دهد. وی می‌گوید: برگزاری مناقصه‌ای بزرگ مشابه آنچه برق منطقه‌ای تهران در دست انجام دارد، توان بخش خصوصی واقعی را تضعیف می‌کند زیرا هیچ یک از شرکت‌های داخلی توان اجرای چنین پروژه‌ای را به تنهایی ندارد. مهدی مسائلی اضافه می‌کند: البته شاید برگزاری چنین مناقصه‌ای با هدف آزاد کردن دارایی‌های بلوکه شده کشور در سایر نقاط جهان باشد. این مسئله در کشور سابقه هم دارد. مثلاً ایران به جای هزار مگاوات برق صادراتی به پاکستان،

قصد دارد برنج وارد کشور کند.

وی بیان می‌کند: در مناقصه برق منطقه‌ای تهران معمولاً شرکت‌های بزرگ امکان رقابت دارند و احتمال حذف شرکت‌های متوسط و کوچک در یک دهه آینده تقویت می‌شود.

احتمال کاهش سهم تولیدکنندگان داخلی در بازار برق

در ایران پست‌های انتقال برق به سه دسته انتقال، فوق توزیع و توزیع تقسیم می‌شوند. پست‌های انتقال ۴۰۰ و ۲۲۰ هزار ولت، فوق توزیع ۱۳۲ و ۶۳ تا ۲۰ هزار ولت و توزیع قدرت‌های کمتر از ۲۰ هزار ولت را شامل می‌شود. به گفته اباذر میرزایی مناقصه برق منطقه‌ای تهران برای تامین تجهیزات پست‌های فوق توزیع انجام می‌شود. وی به فرصت‌امروز می‌گوید: نگرانی اعضای کمیته سازندگان پست‌های فشار قوی سندیکای صنعت برق این

است که به دلیل استفاده از فاینانسور خارجی، درصد و سهم تامین تجهیزات از داخل کشور به شدت کاهش یابد. میرزایی اضافه می‌کند: بخش طراحی و مهندسی یک پروژه سه تا پنج درصد، تجهیزات ۷۰ تا ۷۵ درصد و اجرا ۲۰ تا ۲۵ درصد اعتبارات یک پروژه را به خود اختصاص می‌دهد. به این ترتیب حدود ۶۰ درصد اعتبارات یک پروژه صرف تامین تجهیزات می‌شود که با توجه به توان داخلی، می‌توانیم نیازهای داخلی را تامین کنیم.

وی ادامه می‌دهد: اما فاینانسورهای خارجی معمولاً مایل به استفاده از تجهیزات تولید شده در کشور خودشان هستند که این مسئله، ایجاد اشتغال برای تولیدکننده خارجی را به همراه خواهد داشت. بنابراین دولت در ریزنی‌های خود برای جذب سرمایه‌گذار خارجی، باید به این مسئله توجه جدی داشته باشد.

روزنامه فرصت‌امروز



تشکیل کنسرسیوم، روشی برای همکاری مشترک در پروژه‌های ملی



علی حسن سقایی؛
مدیرعامل شرکت مهندسی توان گستر دقیق

خواهد بود که در این صورت نیز بایستی علاوه بر تامین خواسته‌های مالی، شرایط فاینانس را تا حد امکان به نفع تولیدکنندگان و شرکت‌های داخلی مدیریت کرد.

- اجرای بلوکی طرح، مزایا و معایبی خواهد داشت؛ معایب و اشکالات مربوطه در بندهای دیگر اشاره می‌شود اما از منظر کارفرما از جمله می‌توان به محاسن و مزایای ذیل اشاره نمود:

- جذابیت بیشتر طرح، برای جلب مشارکت سرمایه‌گذار و فاینانسر و شرکت‌های بین‌المللی.
- کاهش قابل توجه تعداد پیمانکاران و طرفهای قرارداد با کارفرما و به تبع آن حجم بسیار کمتر درگیری کارفرما با پیمانکاران متعدد.
- صرفه جویی و کاهش هزینه‌ها در فعالیت‌های مشترک پروژه‌های تیپ مانند طراحی و تامین.
- امکان کاهش هزینه‌های بهره‌برداری در بلندمدت، مربوط به پشتیبانی، خدمات، نگهداری و تعمیرات و... به لحاظ امکان استفاده از تکنولوژی‌ها و تجهیزات تیپ و مشابه.

■ پیشنهاد شما به عنوان یکی از فعالین و آگاهان حوزه انتقال در خصوص بهبود شرایط و آگذاری این پروژه‌ها به گونه‌ای که هم‌زمان مصالح بدنه بخش خصوصی در این حوزه و موارد مدنظر شرکت برق منطقه‌ای تامین شود، چیست؟

خوشبختانه در این صنعت، کشور ما توانمندی و قابلیت‌های بسیار خوبی دارد، شرکت‌های توانمند خوبی طی سالیان طولانی رشد کرده و به حد قابل قبولی از توانمندی‌های فنی و اجرایی

ضمن تقدیر و تشکر از طرح موضوع بسیار مهم و سرنوشت‌ساز پروژه و آگذاری تعداد ۳۱۲ پست برق فوق توزیع به صورت بلوکی و در قالب فاینانس تریجیبهی صد درصد؛ در پاسخ به هر یک از پرسش‌های مطرح شده، توضیحاتی مختصر به شرح ذیل تقدیم می‌شود:

■ از نظر شما تصمیم مذکور در مورد و آگذاری بلوکی این پروژه به چه دلیل و بنا به چه مصالحی صورت گرفته است؟

در خصوص پرسش اول و بررسی عوامل احتمالی موثر بر این تصمیم و به تعبیری مزایای نسبی این روش می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- با عنایت به نیاز مبرم کشور در این حوزه و با فرض ضرورت اجرای هم‌زمان این پروژه‌ها، قاعدتاً اولین عامل تعیین‌کننده برای این حجم از پروژه، تامین منابع مالی و اعتبار مورد نیاز آن‌ها است؛ در شرایط کنونی کشور، بسته به میزان شفافیت و تحقق سناریوها و برنامه‌های پساتحریم و به تبع آن بر اساس پیش‌بینی میزان بودجه و اعتبار قابل تخصیص و قابل جذب در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، می‌توان روش بهینه و مناسب تامین اعتبار مورد نیاز را تعیین کرد. از آنجاکه این اطلاعات در اختیار بخش خصوصی قرار ندارد، نمی‌توان روش بهینه‌ای را پیشنهاد کرد؛ اما با فرض اینکه حتی در شرایط پساتحریم، خریدار یا کارفرما همچنان مشکل تامین اعتبار از محل بودجه را خواهد داشت، قاعدتاً روش فاینانس‌گزین مناسبی برای این امر



قابل توجهی از اعتبار قابل جذب صرف خرید غیر ضرور از خارج کشور خواهد شد؛ و اگر بنا به مصالحی انتخاب فاینانس به کشوری مانند چین منتج شود (که البته احتمال آن بالاست) آن وقت بحث الزام به واردات، مهمتر خواهد شد چرا که علاوه بر خروج ارز، کیفیت اقلام وارداتی نیز با ریسک و خطر بیشتری روبرو خواهد شد.

- به همان اندازه که اجرای این تعداد پروژه در سطح کشور می تواند فرصتی استثنایی برای توسعه صنعت برق کشور و شرکت های داخلی باشد، به همان اندازه اجرای آن پروژه ها در قالب طرح پیشنهادی مذکور می تواند مهم ترین تهدید برای بخش خصوصی و شرکت های داخلی فعال در صنعت برق باشد؛ قاعدتا پس از واگذاری این حجم از پروژه به صورت بلوکی، تا چندین سال آتی پروژه ی جدیدی در این حوزه تعریف نخواهد شد و یا حداقل به صورت محدود و موردی و عمدتاً در بخش خصوصی پروژه هایی تعریف می شود که قطعاً متناظر با توان و تعداد شرکت های داخلی نخواهند بود؛ این بدان معناست که آن دسته از شرکت های داخلی موجود که توانسته اند در شرایط بحران و تحریم با همه سختی ها، توانمندی و قابلیت های خود را برای توسعه کشور حفظ کنند اما به دلیل شرایط واگذاری پروژه، نمی توانند سهمی از آن را به خود اختصاص دهند، قطعاً با خطر آسیب جدی و حذف روبرو خواهند شد؛ در طرح واگذاری بلوکی، انحصار به یک یا چند شرکت خاص منتهی خواهد شد که در این صورت اگر خوشبینانه به موضوع نگاه کنیم و امکان سوء استفاده ها و فساد احتمالی و ورود و حضور شرکت های فاقد صلاحیت در پروژه را در نظر بگیریم، حداقل باید دغدغه حذف و آسیب شرکت های داخلی و بخش خصوصی را جدی بگیریم؛ از طرفی به طور معمول وقتی فعالیت های تامین از اجرا جداگانه مطرح شده و مجری این دو فعالیت، دو شخصیت جدا از هم داشته باشند، امکان گریز از پاسخگویی و عدم قبول مسئولیت و به تعبیری شانه خالی کردن از مسئولیت، بیشتر فراهم می شود؛ همچنین سفارش یک جا برای تامین، علاوه بر تحمیل هزینه های اضافی نگهداری و انبارش، در شرایطی که به دلایل مختلف، اجرای طرح ها با تاخیر مواجه شود، استهلاک اقلام خریداری شده بیشتر شده و علاوه بر هزینه های تحمیلی مربوطه، به شانه خالی کردن مسئولیت دو شخصیت تامین کننده و مجری بیشتر دامن می زند که در نهایت یا می بایست این هزینه ها را پذیرفت و یا برای اجرا نیز مجدداً به سراغ همان انحصار اولیه با همان تهدیدات مربوطه رفت. به گمان ما این تهدید برای شرکت های داخلی آنقدر جدی است که برای جلوگیری از وقوع آن می بایست هر چه سریعتر از طریق مراجع دلسوز، ذی صلاح و ذریع و وارد شور و همفکری شد و موضوع را تا رسیدن به پیشنهاد و تصمیمی مناسب پیگیری کرد. قاعدتاً سندیکا به عنوان نماینده بخش خصوصی و شرکت های داخلی این وظیفه مهم را بر عهده داشته و انتظار می رود با تعامل و همفکری با مسئولین دلسوز در حوزه راهبری و سیاست گذاری صنعت برق کشور، ایفای نقش کند.

در انتها باید اذعان داشت که قطعاً تعریف و اجرای این تعداد پروژه در یک مدت محدود، در رفع نیاز کشور بسیار کار بزرگ و با ارزشی خواهد بود که باعث توسعه و رشد زیرساخت در صنعت برق خواهد شد؛ در اصل و ضرورت تعریف این پروژه ها هیچ شک و تردیدی نیست؛ اما می توان با مدیریتی مناسب و با مشارکت همه خبرگان و صنعتگران این حوزه نه تنها به اهداف توسعه ای و رفع نیازها دست یافت و نه تنها می توان جلوی تهدیدات احتمالی را گرفت که می توان این پروژه را به نمونه ی موفق یک عزم و وفای ملی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی و شعارهای ارزشی حمایت از توان و تولید داخل تبدیل ساخت.

“به امید سر بلندی و عزت ایران عزیز در سایه همدلی و همبستگی” ■

دست یافته اند و با اتکا به همین توانمندی ها در شرایط دشوار سال های گذشته توانسته اند توانمندی های خود را حفظ کرده و حتی توسعه دهند و به جرأت و تجربه می توان گفت که تعداد قابل توجهی از این شرکت ها امکان مدیریت و اجرای همزمان چندین پروژه پست برق را دارا هستند؛ اما برای پروژه مورد نظر با این گستردگی و شرایط کلی گفته شده، با نگاه واقع بینانه به نظر می رسد برای اکثر شرکت های فعال داخل کشور، این امکان و قابلیت وجود ندارد که بتوانند به عنوان تنها شرکت طرف قرارداد برای اجرای کل پروژه در قالب یک بلوک، این مسئولیت را به عهده گیرند، مگر اینکه سازوکار به گونه ای برنامه ریزی شود که همه ی شرکت های ذیصلاح داخلی، تمامی توان و امکانات خود را در قالب کنسرسیوم و یا نوعی دیگر از روش های همکاری مشترک در خدمت این پروژه ملی بسیج کنند.

برای رسیدن به سازوکار بهینه و انتخاب روش یا روش های مناسب همکاری مشترک شرکت های داخلی و همچنین بین المللی، لازم است با تعامل و همفکری بیشتر اصحاب این صنعت در بخش خصوصی و دولتی، به راه حل اجرایی مناسبی که به نفع و صلاح کشور است انشاءالله دست یابیم. برای استفاده بهینه از این فرصت در راستای رشد و توسعه کشور و برای پرهیز از تهدیدات احتمالی ناشی از تصمیمی نامناسب (که به برخی از آنها در بند بعد اشاره می شود)، لازم است مطالعه و همفکری بیشتری برای طرح ریزی پروژه انجام شود؛ در همین راستا پیشنهاد می شود یک اتاق فکر یا کارگروهی مشترک از بین عزیزان و مسئولین ذریع در برق های منطقه ای و نهادهای تصمیم گیر و همچنین اعضای سندیکا و سایر صاحب نظران و خبرگان، برای این موضوع ایجاد شود تا در مدتی معین و محدود تا حد امکان طرح اجرایی مناسبی تهیه شود؛ طرحی که حتی الامکان مزایای طرح پیشنهادی و واگذاری بلوکی را داشته و ضمن جلوگیری از وقوع آسیب ها و تهدیدات احتمالی، بتواند به شکوفایی و توسعه و رشد صنعت برق کشور منتج گردد.

به عنوان مثال و به عنوان یک پیشنهاد اولیه می توان از همان روش فاینانس برای تامین کل اعتبار پروژه استفاده کرد، اما برای ایجاد رقابت و امکان چانه زنی بیشتر و همچنین انتخاب بیشتر در واردات الزامی، می توان کل کار را به چندین بلوک تقسیم کرد و چندین فاینانس را مورد استفاده قرار داد؛ در این صورت امکان مدیریت بهتر فاینانس نیز فراهم می شود؛ از طرفی در داخل کشور با تقسیم کار به بلوک های کوچک تر می توان از ایجاد انحصار مخرب جلوگیری و امکان رقابت سالم و سازنده را در قالب کنسرسیوم های متعدد و واجد صلاحیت و همچنین مشارکتی فراگیر را فراهم ساخت، ضمن اینکه همچنان می توان در راستای کاهش هزینه ها، فعالیت های مشترکی مانند طراحی، نظارت و ... به صورت متمرکز انجام داده و برای تامین نیز کمافی السابق می توان شرایط، الزامات و محدودیت های تامین را لحاظ داشت. (مانند الزام به استفاده از برندها و نودورهای مورد تایید و خاص)

■ نحوه واگذاری این تعداد پروژه پست در قالب این روش، تا چه حد ممکن است به توسعه صنعت برق یا احتمالاً آسیب رسیدن به شرکت های پیمانکار این صنعت منجر شود؟

در خصوص اشکالات و تهدیدات احتمالی و بررسی اثرات طرح پیشنهادی کل پروژه در قالب یک بلوک، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- علاوه بر هزینه الزامی مربوط به سود فاینانس، یکی از شرایط فاینانس ممکن است الزام به اختصاص درصد عمده ای از اعتبار فاینانس (شاید حدود ۵۰٪ اعتبار کل) برای خرید و واردات مواد و تجهیزات مورد نیاز پروژه از کشور فاینانس باشد؛ که در این صورت بخش

واگذاری بلوکی، حذف پیمانکاران بخش خصوصی از رقابت برای توسعه ملی



سید جواد سیدکلانتری، مدیر عامل شرکت ریز موج الکتریک طوس مشهد

در خصوص اظهار نظر در مورد واگذاری بلوکی ۳۱۲ پست فوق توزیع و ۸۶ پست انتقال در شرکت برق منطقه ای تهران و نظر به اثر سویی که این گونه مناقصات روی سرنوشت شغلی شرکت های تولیدی و پیمانکاری بخش خصوصی در صنعت برق کشور دارد، ضمن تشکر از اقدام آن دبیر محترم پاسخ های خود را در قبال سوالات مطرح شده به شرح زیر به اطلاع می رساند:

دلایل توجیه کننده واگذاری بلوکی پروژه ها:

- جذب اعتبارات زیاد در زمان کوتاه برای سازمان کارفرما
- محدود بودن طرف حساب کارفرما به یک شرکت و یک مشاور که برگزار کننده مناقصه بوده است.

نقاط ضعف واگذاری بلوکی پروژه ها:

- جذب اعتبارات زیاد در زمان کوتاه برای سازمان کارفرما
- منجر به کاهش جذب اعتبارات دولتی برای سایر سازمان ها خواهد شد.

- در صورتی که کارفرما منابع مالی پروژه های بلوکی را از محل فروش دارایی های خود بخواهد تهیه کند به ناچار بایستی بخش عمده منابع را به صورت قسطی دریافت کند، که در صورت تعویق وصولی ها پروژه های تعریف شده با مشکل روبه رو خواهد شد که این امر در حد بسیار زیادی محتمل است.

- به علت حجم ریالی بالای واگذاری بلوکی ظن قوی وجود دارد که جریان واگذاری به سوی ورود بنگاه های غیر تخصصی اما ذی نفوذ سوق داده شود و سازمان واگذار کننده را از رسیدن به اهداف توسعه ای خود محروم و یا حداقل از نظر زمانی اجرای پروژه ها را به تعویق بیناندازد.

- کاملاً روشن است که مناقصه گران ذی نفوذ در مقابل کارفرما پاسخگو نخواهند بود و این امر مشکل بزرگ دیگری است که مسبوق به سابقه بوده و نهایتاً منافع ملی را فدای اغراض شخصی و گروهی خواهد کرد.

- مهم ترین ضعف دیگر واگذاری بلوکی، محروم شدن خیل عظیمی از پیمانکاران بخش خصوصی از ورود به صحنه رقابت برای توسعه ملی است که در بهترین شرایط آن ها را به مناقصه گران دست دوم و سوم تبدیل خواهد کرد.

- واگذاری بلوکی به دلیل حجم بالای قرارداد سبب حذف حتی بزرگ ترین شرکت های خصوصی از صحنه رقابت خواهد شد و این امر باعث تضعیف بخش خصوصی در حوزه صنعت برق شده و زبان های غیر قابل جبرانی به همراه خواهد داشت که دامن صنعت برق کشور را خواهد گرفت. در نتیجه در جواب این سوال می توان عنوان کرد که واگذاری بلوکی هیچ مصلحت ملی را در بر نخواهد داشت و موجب ضربه به منافع کشور خواهد شد.

■ اگر از شرکت هایی هستیید که قصد همکاری در این پروژه را داشته اید، شرایط حضور خود را در این پروژه با وجود شرط مذکور چگونه ارزیابی می کنید؟

از نظر این شرکت که در حد خود سرمایه قابل توجهی را برای تولید تجهیزات حفاظت و کنترل نظیر آلارم یونیت دیجیتال با صفحه LCD لمسی، تست سویچ های مهندسی معکوس شده نوع زمینس، نشان دهنده تپ لمسی، رله تریپ، لاکاوت و master trip که همگی high speed و heavy duty هستند و رله سوپرویزن و... به کار بسته است آمیدی برای ورود به پروژه های بلوکی برای فروش این محصولات نخواهد بود و این امر مایه هدر رفتن سرمایه و

از هم پاشیدن یک گروه مهندسی طراح مجرب خواهد شد.

■ پیشنهاد شما به عنوان یکی از فعالین و آگاهان حوزه انتقال در خصوص بهبود شرایط واگذاری این پروژه ها به گونه ای که همزمان مصالح بدنه بخش خصوصی در این حوزه و موارد مد نظر شرکت برق منطقه ای تامین شود، چیست؟

پیشنهاد این شرکت این است که پروژه ها نه به صورت بلوکی بلکه به صورت گروهی دسته بندی و به مناقصه گذاشته شود به گونه ای که هر گروه از پروژه ها بیشتر از ده پست انتقال یا فوق توزیع شامل نشود. این کار ورود بخش خصوصی به حوزه توسعه ملی را آسان تر خواهد کرد و توان فنی آن را گسترده تر و بالاتر خواهد برد و نهایتاً به رشد اقتصاد ملی کمک خواهد کرد، همچنین در واگذاری این پروژه ها روی ممنوعیت خرید کالا های خارجی که مشابه آن ها به صورت مرغوب در داخل کشور ساخته می شوند بایستی تاکید شود.

■ نحوه واگذاری این تعداد پروژه پست در قالب این روش، تا چه حد ممکن است به توسعه صنعت برق یا احتمالاً آسیب رسیدن به شرکت های پیمانکار این صنعت منجر شود؟

به دلیل حذف حتمی بخش عظیمی از بخش خصوصی و محرومیت آن ها از ورود دست اول به این گونه مناقصات بخش خصوصی در حوزه صنعت برق با شکست بزرگی مواجه و احتمالاً به سوی سایر صنایع نظیر نفت، پتروشیمی سوق پیدا نموده و یا حوزه فعالیت ملی را رها و سرمایه خود را به خارج از کشور منتقل خواهد کرد. ■

واگذاری بلوکی، تشدید کننده رکود حاکم بر شرکت‌ها



مهدی معین تقوی، مدیرعامل شرکت آفرینه طوس

■ از نظر شما تصمیم مذکور در مورد واگذاری بلوکی این پروژه به چه دلیل و بنا به چه مصالحی صورت گرفته است؟ استفاده از فاینانس برای پروژه‌های زیر بنایی خصوصا در شرایط حاضر امری پسندیده است لیکن واگذاری بلوکی آن به هیچ وجه با شرایط تحمیل شده به شرکت‌های صنعت برق در چند سال گذشته همخوانی ندارد و رکود حاکم بر این شرکت‌ها را تشدید می‌کند. به نظر می‌رسد بررسی کامل و جامعی برای نحوه مناسب استفاده از فاینانس برای جلوگیری از ورشکستگی شرکت‌های صنعت برق که پتانسیل‌ها و حتی سرمایه‌های این صنعت به حساب می‌آیند انجام نشده است.

■ اگر از شرکت‌هایی هستی که قصد همکاری در این پروژه را داشته‌اید، شرایط حضور خود را در این پروژه با وجود شرط مذکور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پروژه‌های مورد مناقصه آن قدر بزرگ است که شاید فقط چند شرکت بسیار بزرگ امکان مشارکت واقعی را داشته باشند و اکثر قریب به اتفاق شرکت‌ها علیرغم تمایل‌شان به مشارکت در این پروژه امکان مشارکت واقعی خصوصا از نقطه نظر مالی را ندارند. برای سنجیدن ابعاد کار خوب است که مبلغ برآوردی پروژه مورد اشاره را با میانگین سقف مبلغ ریالی مصوب سازمان مدیریت و برنامه ریزی در بخش نیرو مقایسه شود.

مشاهده خواهد شد که این پروژه‌ها می‌توانند صدها شرکت را مشغول به کار کند.

■ پیشنهاد شما به عنوان یکی از فعالین و آگاهان حوزه انتقال در خصوص بهبود شرایط واگذاری این پروژه‌ها به گونه‌ای که همزمان مصالح بدنه بخش خصوصی در این حوزه و موارد مدنظر شرکت برق منطقه‌ای تامین شود، چیست؟

شرکت‌های حاضر در صنعت برق (اعم از تولیدکننده، پیمانکار و مشاور) با سرمایه‌های این کشور شکل گرفته‌اند، لذا یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولین وزارت نیرو بایستی حفظ و رشد این شرکت‌ها باشد در غیر این صورت حرکتی ارتجاعی به زمانی خواهیم داشت که حضور تمام عیار شرکت‌های خارجی برای ساده‌ترین کارها را بایستی نظاره‌گر باشیم.

چنانچه با دید مثبت (حفظ و رشد شرکت‌های صنعت برق) به موضوع بنگریم و از فاینانس هم بخواهیم بهره‌گیریم، بهترین روش استفاده از فاینانس تامین مواد خام وارداتی و حتی تکنولوژی‌های مورد نیاز تولیدکنندگان این صنعت است. با اجرای این پیشنهاد تولیدکنندگان با افزایش تولید و گسترش عرصه تولید خود نسبت به ساخت تجهیزات مورد نیاز پروژه‌ها اقدام خواهد کرد و متقابلا متعهد به تامین تجهیزات با همان شرایط فاینانس استفاده شده (و یا شرایط مشابه مورد تایید توانیر) به پروژه‌های مورد نظر خواهند

شد. کارفرمایان با استفاده از این پشتوانه (تعهد سازندگان داخلی به تامین تجهیزات) مناقصات مربوطه را برگزار و صدها شرکت برنده مناقصات را تعیین می‌کنند. با توجه به محدودیت ظرفیت کاری مصوب سازمان مدیریت و برنامه ریزی در این روش عدالت نسبی در واگذاری کارها رعایت خواهد شد. مزیت عمده دیگر این روش آن است که چون سازندگان نیاز هر پروژه را بر مبنای مشخصات فنی و طراحی آن پروژه تامین می‌کنند، تجهیزات مناسب‌تری (از نظر فنی و اقتصادی) در پروژه‌ها استفاده خواهند شد در شرایط خرید بلوکی مشخصات فنی تجهیزات با فرضیات کلی تعیین می‌شوند که یقینا در مواردی بیش از حد نیاز و در مواردی کمتر از نیاز پروژه‌ها خواهد بود و بالطبع هزینه‌های مضاعفی را در پروژه‌ها تحمیل خواهد کرد. موارد مشابه به این خریدهای بلوکی (البته در مقیاس کوچک‌تر از پروژه‌های فوق) در سال‌های قبل انجام شده است که معضلات تطبیق تجهیزات خریداری شده و نیازهای به روز پروژه‌ها گریبان‌گیر کارفرمایان شده است.

■ نحوه واگذاری این تعداد پروژه پست در قالب این روش، تا چه حد ممکن است به توسعه صنعت برق یا احتمالا آسیب رسیدن به شرکت‌های پیمانکار این صنعت منجر شود؟

روش ارائه شده در پروژه‌های فوق شاید نیاز کوتاه مدت وزارت نیرو را برطرف سازد

لیکن مشکلات و آسیب‌های ذیل را در بر خواهد داشت:

۴-۱- تولیدکنندگان داخلی تجهیزات صنعت برق از گردونه تامین تجهیزات پروژه خارج می‌شوند و حداکثر بخشی از کار را آن‌هم با شرایط مورد نظر فاینانسور خارجی را بر عهده می‌گیرند.

۴-۲- صدها شرکت مشاور و پیمانکار صنعت برق پس از سال‌ها چشم‌انتظاری بایستی دست از صنعت برق شسته و به خروج از صنعت برق، واسط‌گری، خروج از کشور و... روی آورند.

۴-۳- همان‌طور که در پاسخ قبلی اشاره شد خرید تجهیزات با مشخصات فنی کلی نهایتا به زیان پروژه‌ها و افزایش هزینه‌ها منجر خواهد شد. بررسی انبارهای شرکت‌های توانیر و برق‌های منطقه‌ای احتمالا تجهیزاتی را که سال‌های قبل خریداری شده‌اند ولی به علت عدم تطابق با نیاز پروژه‌ها امکان استفاده مناسب را نداشته‌اند نشان می‌دهد.

در خاتمه و ضمن تشکر از ورود سندیکا به موضوع، لذا این سوال مهم و کلیدی مطرح می‌شود که جایگاه و رسالت وزارت نیرو و شرکت توانیر و بالطبع شرکت‌های برق منطقه‌ای برای حفظ و رشد پتانسیل‌های موجود آمده در صنعت برق (تولیدکنندگان، شرکت‌های پیمانکار و شرکت‌های مشاور) چیست، و چه برنامه‌ای برای جبران عملکرد تضعیف‌کننده و حتی شکننده این پتانسیل در سال‌های گذشته وجود دارد؟ ■

صنعت برق کشور، قربانی استرداد پول های بلوکه شده



مهدی مسائلی؛
دبیر کمیته پیمانکاران و سازندگان پست های فشار قوی
سندیکای صنعت برق ایران
و مدیر عامل شرکت پردیسان فناوران نیرو

(ج) شبکه از دیدگاه پیک و ظرفیت عملی در زمان پیک بار ۱۳۹۴:

در ابتدا بد نیست به آمار پست های کشور اشاره ای داشته باشم:

(الف) از نظر تعداد:

پست ۴۰۰ کیلوولت	۱۰۸ عدد
پست ۲۳۰ کیلوولت	۲۶۲ عدد
پست ۱۳۲ کیلوولت	۴۸۳ عدد
پستهای ۶۳ و ۶۶ کیلوولت	۱۲۵۵ عدد

(ب) از دیدگاه ظرفیت بر حسب مگا ولت آمپر:

میزان	شرح	
	۴۷۲۳۵	حرارتی و اتمی
۱۰۵۲۴	برقایی	در زمان پیک (۹۴/۰۴/۲۰) ۹۴/۰۴/۲۰
۵۷۷۵۹	جمع	ساعت ۱۴:۲۶
۴۱۳۵۵	حرارتی و اتمی	تولید همزمان شبکه سراسری
۷۶۱۷	برقایی	در زمان پیک (۹۴/۰۴/۲۰) ۹۴/۰۴/۲۰
۴۸۹۷۲	جمع	ساعت ۱۴:۲۶
۲۳۵		دریافت برون مرزی (۹۴/۰۴/۲۰) ساعت ۱۴:۲۶
۴۹۲۰۷		قدرت تامین شده در لحظه پیک سال ۱۳۹۴
۵۰۱۷۷	پیک روز ۱۴:۲۶	حداکثر نیاز مصرف
۴۸۵۳۵	پیک شب ۲۱:۲۶	اصلاح شده سال ۱۳۹۴
۱۵۵۶۰۱	حرارتی و اتمی	تولید تازیده برق کشور
۸۷۱۳	برقایی	از ابتدای سال ۱۳۹۴
۱۶۴۳۱۴	جمع	
۲۱۵۲	رشد به دوره قبل ۱۸٪	انرژی دریافت شده ۱۳۹۴
۵۴۰۸	رشد به دوره قبل ۶٪-	انرژی ارسال شده ۱۳۹۴

ماخذ: شرکت مدیریت شبکه برق ایران

خطوط و پستهای انتقال و فوق توزیع

شرح	پایان ۱۳۹۳	افزایش ملی دوره	شهریور ۱۳۹۴
۴۰۰ کیلوولت	۱۹۹۹۵	۰	۱۹۹۹۵
۲۳۰ کیلوولت	۳۰۷۳۲	۹۱	۳۰۸۲۳
جمع انتقال	۵۰۷۲۷	۹۱	۵۰۸۱۸
۱۳۲ کیلوولت	۲۲۹۱۹	۱۷	۲۲۹۳۶
۶۳ و ۶۶ کیلوولت	۴۷۱۰۵	۱۲۴	۴۷۲۲۹
جمع فوق توزیع	۷۰۰۲۴	۱۴۱	۷۰۱۶۵
جمع کل خطوط	۱۲۰۷۵۱	۲۳۲	۱۲۰۹۸۳
۴۰۰ کیلوولت	۵۷۱۴۳	۳۱۵	۵۷۴۵۸
۲۳۰ کیلوولت	۷۵۰۲۴	۶۰۵	۷۵۶۲۹
جمع انتقال	۱۳۲۱۶۷	۹۲۰	۱۳۳۰۸۷
۱۳۲ کیلوولت	۲۹۲۶۹	۱۴۹	۲۹۴۱۸
۶۳ و ۶۶ کیلوولت	۶۵۰۶۱	۹۱۷	۶۵۹۷۸
جمع فوق توزیع	۹۴۳۳۰	۱۰۶۶	۹۵۳۹۶
جمع کل پست ها	۲۲۶۴۹۷	۱۹۸۶	۲۲۸۴۸۳
جمع کل پستهای بلا فصل	۸۳۶۱۶	۶۰۰	۸۴۲۱۶
جمع کل پستهای متصل (متصل به متصل)	۳۱۰۱۱۳	۲۵۸۶	۳۱۲۶۹۹

ماخذ: شرکت های برق منطقه ای

حال با توجه به موارد فوق و عدم کمبود برق در شرایط سال ۱۳۹۴ وارد پاسخ به سوالات طرح شده می شوم:

■ از نظر شما تصمیم مذکور در مورد واگذاری بلوکی این پروژه به چه دلیل و بنا به چه مصالحی صورت گرفته است؟

- جذب دلارهای بلوکه شده ایران در خارج از کشور
- بی پولی وزارت نیرو و گرایش به سمت فاینانسورها (صاحبان پول)
- عدم توجه (به نظر بنده عدم شناخت کافی وزارت نیرو از فعالان صنعت برق ایران) به وجود

طیف‌های گوناگون فعالان صنعت برق بلحاظ ابعاد فیزیکی و مالی

■ اگر از شرکتهایی هستی که قصد همکاری در این پروژه را داشته‌اید، شرایط حضور خود را در این پروژه با وجود شرط مذکور چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- به‌طور ویژه معتقد هستم برگزاری این‌گونه پروژه‌ها در کشور به‌صورت PF آینده شرکت‌های کوچک و متوسط و حتی برخی از بزرگان صنعت برق را به فنا خواهد برد.
- این پروژه ارزشی حدود ۵۰۰ میلیارد تومان دارد فلذا تعداد انگشت‌شماری شرکت داخلی امکان انجام این‌گونه پروژه‌ها را خواهند داشت که بعضاً نیز خصوصی مطلق نیستند.
- این‌گونه مناقصات خیلی بزرگ می‌تواند حضور شرکت‌های غیر خصوصی و غیر تخصصی را هم به رقابت در صنعت برق باز کند.
- این‌گونه مناقصات می‌تواند به حضور شرکت‌ها و تجار چینی در کشور تداوم بخشد.
- این‌گونه مناقصات بلوک‌بندی شده سال‌ها مناقصات و کارهایی را که شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توانند انجام دهند را ملغی می‌کند و آینده کاری آن‌ها را در ابهام فرو می‌برد.

■ پیشنهاد شما به عنوان یکی از فعالین و آگاهان حوزه انتقال در خصوص بهبود شرایط واگذاری این پروژه‌ها به‌گونه‌ای که هم‌زمان مصالح بدنه بخش خصوصی در این حوزه و موارد مد نظر شرکت برق منطقه‌ای تامین شود، چیست؟
- با یک محاسبه ساده ریاضی می‌توان دریافت که با $312 + 86$ پست درخواستی معادل 20% کل پست‌های کشور به مناقصه گذاشته می‌شوند!!!
- در بهترین شرایط تامین مالی و تامین مواد اولیه تامین تجهیزات هر پست بلحاظ زمانی به شرح زیر است:

۶۳ کیلوولت	۱۲ ماه
۱۳۲ کیلوولت	۱۲ ماه
۲۳۰ کیلوولت	۱۸ ماه
۴۰۰ کیلوولت	۲۴ ماه

■ حال محاسبه بفرمایید که با توجه به ظرفیت سازندگان داخلی کشور و با فرض اینکه فاینانسور خارجی هم استفاده از ظرفیت داخلی کشور را بپذیرد مجموع این ۳۹۸ پست چند سال کار صنعت برق را تامین یا قفل خواهد کرد؟
- از نظر نگهداری، طراحی و مهندسی، عملیات ساختمانی، حمل از انبار، نصب و راه‌اندازی و البته مبحث گارانتی و لوازم یدکی تکلیف چه خواهد بود؟ آیا انبارهای شرکت‌های برق منطقه‌ای گنجایش چنین حجم عظیمی تجهیزات را دارند؟ آیا تجهیزات موجود در انبارهای شرکت‌های برق منطقه‌ای به‌بهره‌برداری رسیده‌اند؟
- از نظر بنده به‌جای استفاده از نظام سرمایه‌داری مبتنی بر ایدئولوژی لیبرال دموکراسی در این مناقصه بهتر است از ایده اقتصاد مقاومتی خودمان مبتنی بر حفظ پتانسیل‌های موجود استفاده شود.

- به نظر بنده برجام را به فرجام تبدیل کردن درست نیست به‌عبارتی برای جذب پول‌های بلوکه شده کشور نایبستی بازماندگان صنعت برق را با آینده‌ای مبهم روبرو ساخت به‌طور شفاف و مشخص زیرساختی برای رخ‌داد چنین مواردی در صنعت برق و شرکت‌های خصوصی فعال در آن به‌ویژه SMEها فراهم نیست. آینده این‌گونه شرکت‌ها با برگزاری چنین مناقصاتی چه می‌شود؟

■ نحوه واگذاری این تعداد پروژه پست در قالب این روش، تا چه حد ممکن است به توسعه صنعت برق یا احتمالاً آسیب رسیدن به شرکت‌های پیمانکار این صنعت منجر شود؟
- به نظر بنده این‌گونه مناقصات شمشیر دو لبه هستند.

- با رویکرد اقتصاد مقاومتی و لحاظ سهمیه‌بندی برای تداوم بقای اکثریت فعالان واقعی بخش خصوصی کارها با برگزاری مناقصاتی کوچک‌تر و محدودتر به‌وسیله اعضای سندیکای صنعت برق ایران قابل انجام خواهد بود.

- با رویکرد اقتصاد مقاومتی لحاظ سهمیه‌بندی برای تداوم بقای اکثریت فعالان واقعی بخش خصوصی، امکان جذب دلارهای بلوکه شده ایران در خارج از کشور از جمله چین و هند نیز فراهم می‌شود (آدرس غلط داده شده است، صنعت برق ایران و اهالی آن توانا تر از این حرف‌ها هستند)

- با توجه به اینکه بسیاری از اهالی واقعا خصوصی صنعت برق با رکود، بی‌پولی و بی‌کاری دست و پنجه نرم می‌کنند برگزاری چنین مناقصاتی با فضای حاکم بر اقتصاد و فعالان آن هم‌خوانی ندارد.

- به دلیل برجام نایبستی به قول خیلی قدیمی‌ها "از حول حلیم در دیگ افتاد" دلارهای بلوکه شده حق ایران است و با دیپلماسی درست و پرهیز از فعل و انفعالات هیجانی و جهت‌دار آزاد می‌شوند.

ولی در هر حال به دلیل آزاد شدن دلارهای بلوکه شده آیا بایستی عده‌ای را از هستی ساقط کرد؟

- بخش خصوصی هم بهتر است تلاش کند دسته‌خنجر بخش عمومی نشود.

- به هر حال بایستی مشکلات مالی وزارت نیرو حل شود و برگزاری این‌گونه مناقصات رافع وجود چنین مشکل زیرساختی نخواهد بود. از طرفی نزدیک به بیش از ۱۰۰۰ شرکت و بیش از ۶۰۰۰۰ واحد صنفی مرتبط با برق در حال فعالیت هستند تکلیف آن‌ها با برگزاری چنین مناقصاتی چه خواهد شد؟

البته نمی‌خواهم بگویم که سروران ما در وزارت نیرو و توانیر به این مسایل بی‌توجه بوده‌اند اما لازم دیدم صرفاً ابهامات خود را در قالبی یادداشتی البته با صدایی رساتر به استحضار رسانیده باشم.

(همگی مستحضرید که بیش از ۸۵ درصد اقتصاد کشور دولتی (بخش عمومی) است و ۱۵ درصد الباقی نیز عمدتاً به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم با دولت (بخش عمومی) کار می‌کنند به‌عبارتی بخش خصوصی کارمندان بی‌مزد دولت هستند که کار می‌کنند و پول می‌گیرند و بابت این فعالیت‌ها نیز خراج به دولت می‌دهند (بیمه- مالیات- عوارض و...) فلذا در تعریف کارها در نظام جمهوری اسلامی ایران سهم صغیر و کبیر بایستی لحاظ شود. ■

پروژه‌های تجمیعی فاینانس، تبدیل تهدید به فرصت یا فرصت به تهدید؟



ایمان رجایی؛
مدیر عامل شرکت راهکار سیستم‌های صنعتی الیت و
رئیس کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکای
صنعت برق ایران

مقدمه

در طول یک دهه گذشته و با توجه به شرایط و محدودیت‌های صنعتی و بازرگانی و خصوصاً بودجه‌ای، کاهش تعداد و سرعت اجرای پروژه‌های پست‌های فشارقوی شرایط نامناسبی را هم در بخش اجرا و هم در بخش بهره‌برداری از شبکه برق کشور ایجاد کرده است. تراکم نیازمندی‌های توسعه‌ای خصوصاً در بخش شبکه برق کشور نیاز مبرم به اجرای حجم گسترده‌ای از پروژه‌های زیرساخت در این حوزه شامل نیروگاه، پست و خط را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

از سویی محدودیت‌های بانکی و بودجه‌ای و رسوب منابع مالی حاصل از فروش نفت در خارج از کشور و از سویی دیگر آغاز فضای تعاملی جدید با سایر کشورها و تمایل شرکت‌های بزرگ صنعتی برای فعالیت در ایران به همراه در دسترس قرار گرفتن منابع فاینانس برای اجرای پروژه‌های صنعتی فضای جدیدی را در حوزه برنامه ریزی و سیاست‌گذاری تامین مالی و تعریف و اجرای پروژه‌های صنعتی و زیرساخت ایجاد کرده است.

آنچه در شرایط ویژه کنونی بایستی مد نظر قرار گیرد مطالعه و بررسی همه جانبه جهت اشراف بر شرایط جدید و الزامات آن و در نظر گرفتن ملاحظات همه جانبه در نحوه تعریف و اجرای پروژه‌ها خصوصاً به صورت پروژه‌های تجمیعی فاینانس، مانند پروژه ۳۱۲ پست فوق توزیع، است. این امر بایستی به گونه‌ای صورت گیرد که در کنار اجرای پروژه‌های مورد نیاز، دستاوردها و معیارهای پایه‌ای مانند رونق اقتصادی و رشد صنعتی و ایجاد و توسعه اشتغال مولد و رقابت سازنده با هدف دستیابی به بالاترین کیفیت به همراه تضمین پشتیبانی و خدمات پس از فروش نیز مد نظر قرار گرفته و حاصل شود.

شرایط و فضای اقتصادی جدید

تحولات سیاسی اخیر و ایجاد امید برای رفع محدودیت‌های مالی، بازرگانی و صنعتی از یک سو و نیاز مبرم کشور به اجرای پروژه‌های بخش زیرساخت خصوصاً در بخش

شبکه برق از سوی دیگر، شرکت‌های فعال در این حوزه را که دوران بسیار سختی را سپری کرده و علی‌رغم مشکلات و محدودیت‌های سال‌های اخیر هیچ‌گاه ارائه خدمات به صنعت برق کشور را متوقف نساخته‌اند، امیدوار کرده تا با بازیابی سازمانی و ساختاری خود فعالیت سازنده‌ای را در شرایط جدید و با استفاده از فرصت ایجاد شده با پروژه‌های مذکور آغاز کنند. فارغ از نوع مالکیت و فعالیت این شرکت‌ها، امکانات و زیرساخت‌ها، توانمندی‌ها و دانش و تجربه تجمیع شده و منابع انسانی تخصصی این شرکت‌ها ثروتی ملی محسوب می‌شود که تنها راه حراست و بهره‌مندی از آن به کارگیری حداکثری و حمایت از آن در اجرای پروژه‌های صنعتی کشور و ایجاد ارزش افزوده و ارتقای صنعتی کشور از این طریق است. از سوی دیگر خروج موفق از رکود که بایستی با حمایت از اشتغال در بخش تولید و خدمات خصوصاً در حوزه پروژه‌های صنعتی همراه باشد، لزوم اجرای پروژه‌ها با استفاده حداکثری از توان تولیدی و تخصصی داخلی را یادآوری و تاکید می‌کند. شرایط اقتصادی جدید و نحوه تامین مالی پروژه‌ها و برنامه ریزی برای استفاده بهینه از منابع ارزی موجود در خارج از کشور و نیز ابراز تمایل موسسات تامین مالی بین‌المللی به فعالیت در پروژه‌های صنعتی فضایی جدید را برای مدیران ارشد و برنامه ریزان اقتصادی کشور ایجاد کرده است. شرایط و امکانات مالی مورد اشاره همانند دریاچه عظیمی است که پشت سد محدودیت‌های مالی و بانکی جمع شده است. اکنون اگر این حجم بالا و پتانسیل ذخیره شده از مسیری مناسب آزاد شده و به سمت نهادهای تولیدی و مهندسی با ارزش افزوده صنعتی جریان یابد، ماشین‌های اشتغال‌زا و مولد عظیمی را به حرکت در خواهد آورد. موفقیت در انجام این جهت دهی مستلزم مطالعه، برنامه‌ریزی و همفکری و مشارکت گسترده همه نهادهای مالی، اقتصادی و صنعتی و انجام رایزنی‌ها و مذاکرات سیاسی - اقتصادی است. چراکه در غیر این صورت این پتانسیل عظیم به صورت سیلی و ویرانگر به سوی صنعت و اقتصاد جاری خواهد شد. در حقیقت اولویت

برآورده ساختن نیازهای صنعتی همواره بایستی از طریق کارخانجات و شرکت‌های مهندسی داخلی بوده و منابع مالی با برنامه‌ریزی و استفاده از قدرت چانه زنی سیاسی و اقتصادی از طریق این شرکت‌ها به خرید و اجرای پروژه‌ها منجر شود.

در یک دهه گذشته در بخش پروژه‌های صنعتی و زیرساخت خصوصاً در حوزه وزارت نیرو، عدم امکان سرمایه‌گذاری و اجرای منظم و به موقع این پروژه‌ها براساس رشد نیازمندی‌های سالانه باعث تجمیع این نیازمندی‌ها و فوریت یافتن اجرای حجم بالایی از این پروژه‌ها شده است. این موضوع فرصتی بالقوه را فراروی صنعت کشور قرار داده است. اجرای هدفمند و برنامه ریزی شده این پروژه‌ها از کانال شرکت‌های صنعتی و مهندسی داخلی بستر لازم را برای توسعه و ارتقای صنعتی کشور و ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت خودکفایی حداکثری و بنا نهادن سازوکارهای صادرات خدمات و محصولات صنعتی ایجاد خواهد کرد. در این خصوص یادآوری این نکته ضروری است که بخش عظیمی از مراکز تولیدی و مهندسی صنعت برق که سالهاست ارائه تجهیزات و خدمات مربوطه را خصوصاً در دوران تحریم برعهده داشته‌اند حاصل سیاست‌گذاری‌های اجرایی دو پروژه بیست و پنج پست و هجده پست در دهه هفتاد شمسی است.

نقش شرکت‌های ارائه‌کننده سیستم اتوماسیون پست
بیش از ربع قرن از تولد صنعت سیستم‌های اتوماسیون پست‌های فشارقوی می‌گذرد. سیستم‌های اتوماسیون پست پس از سپری نمودن مسیر تکامل و سپس استانداردسازی، هم‌اکنون در مسیر تثبیت و توسعه صنعتی قرار دارند. امروزه اجرای این سیستم‌ها در شبکه‌های برق از اجرای یک سیستم صرفاً مدرن به زیرساختی اساسی برای بهره‌برداری بهینه شبکه‌ها و پیش‌نیاز پیاده‌سازی سیستم‌های مدرن نظارت و کنترل هوشمند شبکه‌های برق تبدیل شده است.

برخلاف سایر اجزا و تجهیزات پست، این سیستم‌ها

علاوه بر تولید تجهیزات و سپس نصب و تست و راه‌اندازی، نیازمند انجام رویه‌های تخصصی و پیچیده طراحی، مهندسی و پیکره‌بندی و نهایتاً یکپارچه‌سازی (Integration) قبل از مرحله نصب و تست و راه‌اندازی بوده و سیستم اتوماسیون به‌عنوان محصولی قابل استفاده برای یک پروژه خاص، پس از خروج از مراحل مورد اشاره فوق ایجاد می‌شود. رویه‌ای که از تحلیل نیازمندی‌های طرح و انتخاب اجزای مناسب برای هر یک از عملکردهای مورد نیاز و سپس طراحی یک سیستم هماهنگ آغاز و با پیکره‌بندی تجهیزات و سپس مهندسی و تست سیستم به‌صورت یکپارچه و سپس نصب و تست سازگاری سیستم با تجهیزات و سیستم‌های بیرونی مانند مراکز اسکادا به‌تکمیل رسیده و با ارائه خدمات و پشتیبانی پس از راه‌اندازی سیستم و آموزش کارشناسان بهره‌بردار به پایان می‌رسد. این روند، باعث ایجاد طیفی از خدمات مهندسی پیچیده تخصصی به‌صورت یک محصول خدمات مهندسی با مفهوم سرویس‌های ارزش افزوده (Value Added Services) برای سیستم‌های اتوماسیون پست شده است. در این راستا شرکت‌های ارائه‌کننده این سیستم‌ها که از آنها به‌عنوان شرکت‌های یکپارچه‌ساز (System Integrator) نیز نام برده می‌شود تمرکز اصلی خود را بر ایجاد پایگاه‌های دانش و زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری جهت ارائه این سیستم‌ها به‌صورت مهندسی شده و نیز پشتیبانی فنی و آموزش کارشناسان بهره‌بردار قرار می‌دهند.

بیش از پانزده سال از ورود و اجرای سیستم‌های اتوماسیون پست به صنعت برق کشور می‌گذرد. در طول این مدت شرکت‌های مهندسی و یکپارچه‌ساز بومی با سرمایه‌گذاری گسترده در بخش منابع انسانی و پایگاه‌های دانش و نیز ایجاد زیرساخت‌ها و رویه‌های تخصصی مهندسی و تست این سیستم‌ها نقشی محوری را در انتقال و بومی‌سازی دانش فنی مربوطه، ارائه خدمات مهندسی و نهایتاً ایجاد اشتغال تخصصی و مولد در این حوزه ایفا کرده‌اند. این شرکت‌ها علی‌رغم وجود بحران‌ها، چالش‌ها و محدودیت‌های یک دهه اخیر به‌حضور و رسالت خود در صنعت برق مقید و متعهد بوده و با اطمینان و تکیه بر حمایت متولیان صنعت برق، روند سرمایه‌گذاری در بخش توسعه زیرساخت‌ها و توانمندی‌های خود را جهت ارائه خدمات هرچه بهتر و کامل‌تر، علی‌رغم محدودیت‌های بودجه‌ای، متوقف نکرده‌اند.

تهدیدهای پروژه‌های تجمیعی برای صنعت اتوماسیون پست‌های فشارقوی

در سال‌های اخیر سمینارها و نشست‌های تخصصی متعددی در خصوص چالش‌های اجرا و بهره‌برداری از سیستم‌های اتوماسیون پست‌های فشارقوی برگزار و مقالات علمی و تجربی بسیاری در این زمینه منتشر شده است. در این مسیر کارشناسان و مدیران شرکت‌های دست‌اندرکار در این حوزه شامل شرکت‌های مهندسی و یکپارچه‌ساز و شرکت‌های مشاور از یک سو و شرکت‌های کارفرمایی و مدیریت و بهره‌برداری‌کننده از شبکه برق کشور از سوی دیگر حضور داشته و هم‌فکری کرده‌اند.

جمع‌بندی این تلاش‌ها و اجرایی ساختن نتایج آن برای پروژه‌های جدید در صورتی که تعریف و اجرای این پروژه‌ها از مسیری صحیح صورت نگیرد امکان‌پذیر نبوده و همه این فعالیت‌ها عقیم خواهد ماند. از سوی دیگر در صورتی که اجرای پروژه‌ها از مسیر شرکت‌های تخصصی یکپارچه‌ساز و مشاور تخصصی که طی سالیان گذشته از طریق اجرای پروژه‌ها، با نیازهای سیستم و تجارت و چالش‌های آن در صنعت برق کشور آشنا شده‌اند صورت نگیرد، نه تنها مشکلات اجرای این سیستم‌ها کم نخواهد شد بلکه مشکلات جدید و متعددی علاوه بر مشکلات قبلی در گستره‌ای به وسعت پروژه‌های تجمیعی تعریف شده به صنعت برق کشور افزوده خواهد شد.

همان‌گونه که پیشتر نیز بیان شد شرکت‌های متعددی در زمینه یکپارچه‌سازی و ارائه این سیستم‌ها در صنعت برق کشور فعال بوده و با ایجاد اشتغال برای طیف گسترده‌ای از مهندسی‌نخبه علاوه بر ارائه خدمات مهندسی به صنعت برق کشور، زمینه را برای صادرات خدمات مهندسی با ارزش افزوده بالا فراهم کرده‌اند. این شرکت‌ها که اکثراً عضو کمیته اتوماسیون و مخابرات سندیکای صنعت برق هستند و تعداد آنها به نزدیک به چهل شرکت می‌رسد توان تخصصی بالایی را در این حوزه ایجاد کرده‌اند که در این منطقه منحصر به‌فرد است. متأسفانه مشکلات مالی و بازرگانی سال‌های اخیر این شرکت‌ها را با چالش‌های عمده‌ای مواجه کرده و کاهش تعداد و زمان‌بندی بودن پروژه‌ها ساز و کار این شرکت‌ها را برای تداوم ارائه خدمات خصوصاً در انتقال دانش فنی به‌روز به صنعت برق کشور با مخاطره مواجه کرده است.

صنعتی و تخصصی با مراجع فناوری و مراکز تحقیق و توسعه بین‌المللی در سال‌های اخیر، لازم است تا روند بهره‌رسانی صنعتی در قالب پروژه‌های مربوطه در دستور کار قرار گیرد. شرکت‌های تخصصی مهندسی با توجه به تجارب فنی و ساختار تخصصی خود، بهترین بستر جهت انتقال دانش و تخصص به‌روز، خصوصاً در زمینه سیستم‌های اتوماسیون، هستند. لذا در صورت تعریف و اجرای پروژه‌های جدید خصوصاً پروژه‌های تجمیعی به‌صورتی که این شرکت‌ها به‌درستی در مسیر اجرای آن قرار نگیرند بخش ارزشمندی از زیرساخت اجرایی و مهندسی صنعت برق کشور با چالش جدی مواجه خواهد شد. این چالش نه تنها در حوزه اقتصاد بخش خصوصی و اشتغال نیروهای تخصصی که در ارتقای ساختار اجرای پروژه‌ها و بهره‌برداری آن نیز نمود خواهد داشت.

نکته دیگر که ذکر آن ضروری است، توجه به روند متداول برای اجرای پروژه‌های اتوماسیون پست است. فقدان یک مشخصات فنی مرجع و دستورالعمل اجرایی جامع و الگوی فراگیر و کاربردی جهت طراحی، مهندسی، تست و راه‌اندازی و نیز بهره‌برداری از این سیستم‌ها سبب شده تا روند طراحی، مهندسی و اجرای هر پروژه از ابتدا و با پرداختن به همه جزئیات توسط کارفرما، مشاور و شرکت طراح و ارائه‌کننده سیستم پیگیری شود. لذا تعریف و اجرای پروژه‌های تجمیعی بدون مدارک جامع مرجع و نیز خارج از رویه متداول فوق‌الذکر، نگرانی‌های عمده‌ای را در خصوص کیفیت، ساختار و عملکرد سیستم‌های جدید ایجاد می‌کند.

رویه اجرای سیستم‌های اتوماسیون پست از مرحله طراحی تا خرید و مهندسی و تست و راه‌اندازی، رویه‌ای یکپارچه بوده و از این نظر با سایر تجهیزات پست متفاوت است. خصوصاً اینکه تحولات فناوری و لزوم به‌روزرسانی نرم‌افزارهای تجهیزات و سیستم‌ها جهت رفع مشکلات احتمالی و ارتقای عملکرد آن روندی منسجم می‌باشد که از مرحله مهندسی، تست کارخانه‌ای قبل از تحویل (FAT) تا مرحله نصب و تست و راه‌اندازی و پشتیبانی پس از فروش ادامه دارد. لذا استفاده از امکانات مالی فاینانس خارجی در صورتی که شرکت فاینانس‌کننده تامین بخش اتوماسیون و حفاظت را نیز در حوزه کاری خود تعریف کند و مناقصه به‌صورت PF (تامین کالا از طریق ارائه فاینانس) اجرایی شود نقاط مبهمی را در خصوص نحوه ارتباط و هماهنگی بخش طراحی با

مهندسی و خرید با اجرا و پشتیبانی ایجاد خواهد کرد. این موضوع در صورت بالا بودن تعداد پست‌های تعریف شده در قالب پروژه و تامین آن از یک تامین‌کننده و خصوصاً تامین‌کننده خارجی بدون دخالت یکپارچه‌ساز داخلی شرایط پیچیده‌تری خواهد داشت.

یکی از مشخصه‌های سیستم‌ها و تجهیزات اتوماسیون و حفاظت پست، فناوری پیچیده و چندوجهی و حساسیت بالایی عملکرد آن است. تنوع ارائه این سیستم‌ها در کنار ممیزی و سخت‌گیری فنی برای تایید و پذیرش سیستم‌های پیشنهادی زمینه لازم برای اطمینان از سیستم‌های خریداری و اجرا شده و نیز تکامل این سیستم‌ها و ارائه اطلاعات فنی حداکثری را در قالب رقابت ایجاد شده فراهم می‌کند. ارائه سیستم از یک سازنده انحصاری و با در نظر گرفتن قدرت و دست‌بالایی که تامین‌کننده در پروژه‌های فاینانس با حجم مالی بالا دارد، زمینه را برای انحراف تجهیزات و سیستم‌های تامین شده از معیارهای کیفی فراهم خواهد کرد.

صنعت اتوماسیون و حفاظت با توجه به ماهیت فنی خود یکی از پیچیده‌ترین بخش‌های تخصصی در شبکه‌های انرژی است. آموزش و تربیت نیروی متخصص و کارآمد در این حوزه خصوصاً به دلیل ماهیت چندوجهی آن که شامل تخصص‌های گوناگون است، رویه‌های زمانبر و پرچالش است. هم‌اکنون و با توجه به سابقه پانزده ساله شرکت‌های داخلی در اجرای موفق این سیستم‌ها در شبکه برق کشور، نیروهای متخصص و با تجربه‌ای در قالب این شرکت‌ها مشغول به فعالیت هستند. در صورتی که طراحی و تامین این سیستم‌ها برای پروژه‌های تجمیعی فاینانس از منبعی خارج از مسیر این شرکت‌ها و یا به‌صورت انحصاری با یک شرکت در دستور کار قرار گیرد، با توجه به رکود حاصل از آن شاهد بیکاری گسترده در این حوزه تخصصی در وهله اول و سپس مهاجرت این طیف از نیروهای نخبه که همواره مورد توجه و درخواست شرکت‌های بین‌المللی بوده‌اند خواهیم بود. با این روند یکی از ارزشمندترین و قدرتمندترین بازوهای فنی و تخصصی صنعت برق کشور ضعیف و ضعیف‌تر خواهد شد.

ملاحظات و فرصت‌های پروژه‌های تجمیعی برای صنعت اتوماسیون پست‌های فشارقوی

با توجه به مطالب فوق تعریف پروژه‌های تجمیعی و روند اجرای آن و چگونگی تامین منابع مالی مربوطه بایستی با توجه به ملاحظات و شاخص‌های مهم زیر صورت گیرد:

۱. وضعیت صنعت داخلی در حوزه اجرای پروژه‌های مورد نظر با هدف استفاده حداکثری از توان صنعتی داخلی

این مورد که شاید کلیدی‌ترین فاکتور در این خصوص می‌باشد در صورت اجرای صحیح، اهداف مهمی مانند ایجاد و توسعه اشتغال مولد و پایدار، ارتقای سطح کمی و کیفی خدمات مهندسی و تولیدات صنایع داخلی، زمینه‌سازی برای ایجاد فرصت‌های صادراتی و تضمین ارائه خدمات پس از فروش و قطعات یدکی را محقق خواهد کرد.

۲. ساختار صحیح اجرای پروژه‌های پیچیده در بخش‌های مختلف آن و ارتباط مراحل مختلف طراحی، تامین، مهندسی و اجرا با یکدیگر و لحاظ نمودن جزئیات مربوطه و تعریف نقاط کنترل و هم‌پوشانی در تدوین ابعاد مختلف مالی، قراردادی و اجرایی پروژه

۳. ملاحظات مربوطه به فناوری‌های مختلف به کار رفته در پروژه و دوره به‌روزرسانی سیستم‌ها و لزوم اجرای سیستم‌های متنوع براساس مشخصات فنی دقیق و با استانداردهای بالا و لحاظ نمودن ساختار ارائه خدمات پس

از فروش برای سیستم‌ها و تجهیزات حساس و پیچیده

۴. ایجاد رقابت و جلوگیری از انحصار و در نظر گرفتن توان متعارف شرکت‌ها برای پوشش مناسب و موفق پروژه‌ها تا مراحل نصب و تست و راه‌اندازی و خدمات پس از فروش انجام آمایش فناوری و صنعتی لازم و سیاست‌گذاری مناسب برای انتقال دانش فنی و بومی‌سازی موفق و رقابتی در بستر پروژه‌های تجمیعی با هدف ایجاد تولیدات پیشرو و با کیفیت و با هدف‌گذاری صادراتی

۶. تدوین مشخصات فنی مرجع و دستورالعمل‌های جامع اجرا و بهره‌برداری پروژه‌ها خصوصاً در بخش سیستم‌های حفاظت و اتوماسیون به عنوان زیربنای اجرای موفق پروژه‌ها و استفاده از تجارب بدست آمده از اجرای پروژه‌های مشابه در گذشته

۷. به حداقل رساندن ریسک اجرای پروژه‌ها در بخش‌های تامین مالی و اجرا با تعریف آن‌ها در قالب بلوک‌های چندگانه

بایستی توجه داشت که به‌صورت کلی تعریف و اجرای حجم بالایی از پروژه‌ها فرصتی مغتنم و بسیار ارزشمند برای یک صنعت محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که کلیه بخش‌های کارفرمایی و بهره‌برداری، مشاوره و پیمانکاری و مهندسی از مزایای اجرا و بهره‌برداری این پروژه‌ها بهره‌مند می‌شوند. نتایج و اهداف کلی اجرای صحیح این پروژه‌ها را به‌صورت کلی می‌توان در سه مورد زیر خلاصه کرد:

۱. برآورده شدن نیاز کشور در بخش اجرای پروژه‌های زیرساخت

۲. ارتقای کیفی و کمی محصولات و خدمات فنی و مهندسی کشور و توسعه سبد محصولات صنعتی با کیفیت

۳. ایجاد رونق اقتصادی و توسعه اشتغال مولد و پایدار

در خصوص بخش اتوماسیون و حفاظت در پروژه‌های تجمیعی پست‌های فشارقوی لازم است قبل از تعریف و فعال کردن رویه مناقصه، به‌عنوان اقدامی زیربنایی، مدارک مرجع و جامع فنی و اجرایی این سیستم‌ها برای انواع پست‌های فشارقوی تهیه و نهایی شود. در حقیقت اجرای پروژه‌های بزرگ تجمیعی می‌تواند بهترین بهانه و بستر برای انجام اقدامات زیربنایی از این دست باشد. در مرحله بعد و با مشارکت و همفکری نهادهای تخصصی در این حوزه در بخش‌های مهندسی و پیمانکاری، مشاوره و کارفرمایی در کنار مدیران و متولیان تدوین موارد بودجه‌ای و قراردادی، ساختاری مناسب برای دسته‌بندی پروژه‌ها و تعریف محدوده تعهدات قرارداد تدوین شده و پوشش کامل و صحیح مراحل و فعالیت‌های مورد نیاز برای طراحی و اجرا و بهره‌برداری این سیستم‌ها مد نظر قرار گیرد.

علاوه بر این موارد، تعریف پروژه‌ها در قالب بلوک‌های چندگانه با هدف ایجاد رقابت و نیز ایجاد فرصت برای تعداد بیشتری از شرکت‌های فعال در این حوزه به همراه تدوین شرح کار و مسئولیت و تعریف دقیق نقش قراردادی شرکت‌های یکپارچه‌ساز و نیز نقش آن‌ها در آموزش تخصصی و هدفمند بهره‌برداران سیستم و پشتیبانی از روندهای بهره‌برداری و تعمیرات در سال‌های ابتدایی پس از راه‌اندازی سیستم می‌تواند نقش بسزایی در تحقق اهداف سه‌گانه فوق داشته باشد.

از سوی دیگر شرکت‌های فعال در این حوزه بایستی ضمن انجام برنامه ریزی و سرمایه‌گذاری جهت توسعه و ارتقای کیفی و کمی خدمات و محصولات خود، در صورت لزوم نسبت به همگرایی و ایجاد گروه کاری و یا کنسرسیوم جهت تجمیع و هم‌افزایی با هدف موفقیت در پروژه‌های با حجم بالا اقدام نمایند. این شرکت‌ها با توجه به سمینارهای برگزار شده و هم‌اندیشی‌های اخیر در خصوص چالش‌های اجرا و بهره‌برداری سیستم‌های اتوماسیون پست لازم است تا ضمن بازنگری در رویه‌های مهندسی و اجرا، ساز و کار لازم را با هدف پشتیبانی کامل‌تر و بهتر از پروژه‌های راه‌اندازی شده و حداقل ساختن چالش‌های مربوطه و ایجاد اطمینان خاطر در مدیران و کارشناسان کارفرمایی و بهره‌برداری تدوین کنند.

کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکای صنعت برق ایران با تکیه بر تجمیع گسترده وسیعی از دانش و تجربه مهندسی و بازرگانی و نیز مشاوره و اجرای این سیستم‌ها در کنار سایر بخش‌های این تشکل صنفی می‌تواند نقش تعیین‌کننده و مهمی را در انجام موارد فوق و تحقق اهداف و نتایج مورد نظر ایفا کند. ■

یادداشت

صنعت برق ایران در پساتحریم

علی مروی

رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی



صنعت برق ایران به عنوان صنعتی زیربنایی و مهم در توسعه اقتصادی همواره مورد تاکید بوده است، به گونه‌ای که مطالعات جهانی نشان می‌دهد به ازای ۱ دلار سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز، لازم است ۴ دلار در صنعت برق سرمایه‌گذاری شود. به گزارش خبرگزاری فارس، به طور کلی صنعت آب و برق نیازمند سرمایه‌گذاری مداوم است، زیرا توسعه کشاورزی، شهرها، رفاه عمومی و اشتغالزایی وابستگی شدیدی به تکمیل زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در صنعت آب و برق دارد. مطالعات بانک جهانی در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد تا سال ۲۰۲۰ سرمایه‌گذاری مورد نیاز جهان در بخش انرژی، معادل ۲۰ تریلیون دلار است که از این میزان ۱۶ تریلیون دلار نیاز صنعت برق و ۴ تریلیون دلار نیاز صنعت نفت و گاز است. ملاحظه می‌شود که به ازای ۱ دلار سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز، لازم است ۴ دلار در صنعت برق سرمایه‌گذاری شود.

تحریم‌های ظالمانه غرب در چند سال گذشته، صنعت برق را نیز تحت تأثیر قرار داده و در این مدت با رکود سرمایه‌گذاری در این صنعت روبرو شدیم. کاهش توان تولیدی این صنعت و تأثیر تحریم‌ها و سایر مشکلات نظیر هدفمندی یارانه‌ها بر صنعت برق باعث شده که دولت و مجلس بررسی طرح حمایت از صنعت برق را با حضور مسئولان وزارت نیرو، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سندیکای برق و سایر نهادهای مرتبط در دستور کار کمیسیون انرژی قرار دادند تا گامی در جهت کاهش این مشکلات بردارند. این طرح از چند هفته پیش برای تصویب نهایی در دستور کار مجلس قرار گرفته و مراحل تصویب آن در حال انجام است.

در چند سال گذشته بخش خصوصی بیشترین تأثیر را از تحریم‌ها دید و وجود بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان بدهی انباشته در صنعت آب و برق کشور هم باعث شد فشار مضاعفی به این بخش وارد شود.

بخش خصوصی صنعت برق ایران علی‌رغم مشکلاتی که در این سالها داشته، همواره در جهت ارتقای دانش و توانمندی‌های خود فعالیت می‌کرد تا جایی که اکنون قادر است در بیش از ۹۰ درصد زمینه‌ها با شرکت‌های خارجی رقابت کند، چرا که ما قابلیت‌های قابل توجهی در این صنعت داریم و همین قابلیت‌ها صنعت برق کشور را در طول سال‌های تحریم و رکود و علی‌رغم بحران نقدینگی، سرپا نگه داشت. لذا سازندگان، تولیدکنندگان و پیمانکاران صنعت برق قادرند خود را با شرایط پساتحریم وفق دهند. صنعت برق این مساله را ثابت کرده که پتانسیل‌ها و توانمندی‌های بسیاری دارد و این پتانسیل‌ها اتفاقاً در دوره تحریم به خوبی نمایان شدند.

به هر حال در دوران پساتحریم ما با شکوفایی و رونق مواجه خواهیم بود و این شرکت‌های بخش خصوصی هستند که باید تأمین تجهیزات و اجرای پروژه‌های صنعت برق را عهده دار شوند، بنابراین بخش خصوصی باید برنامه ریزی‌ها و هدفگذاری‌های دقیقی برای آماده‌سازی خود برای ورود به دوران پساتحریم داشته باشد و البته در کنار وزارت نیرو، صنعت برق را مهیا قرار گرفتن در این شرایط کند.

آثار لغو تحریم‌ها بر صنعت برق

لغو تحریم‌های ظالمانه غرب علیه صنعت کشور اثرات مثبتی در تولید برق کشور خواهد داشت. در ادامه به برخی از این اثرات اشاره می‌کنیم:

- بخش خصوصی فعال در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی برق می‌تواند فعالانه در کشورهای دیگر حضور داشته باشد.

- تجهیزات اصلی صنعت برق به ویژه در بخش نیروگاهی ایران، با قیمت واقعی و با گارانتی‌های مربوطه به ایران داده می‌شود و در مجموع هزینه تعمیرات و نگهداری تجهیزات نیروگاهی ایران کاهش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت.

- دارایی‌های بانکی بلوکه شده سرمایه‌گذاران ایرانی آزاد شده و بخشی از آن به حوزه انرژی سرازیر می‌شود.

- شرکت‌های بزرگ و کمپانی‌های معروف دنیا بازار انرژی و برق ایران را برای سرمایه‌گذاری مورد توجه قرار داده‌اند و در صورت فراهم شدن زمینه‌های حضور، مایل به بازگشت دوباره به ایران هستند.

- شرکت‌های داخلی در تعامل با شرکت‌های تراز اول دنیا از یک طرف به جدیدترین فن‌آوری‌ها در این حوزه دست می‌یابند و از طرف دیگر برای حفظ مشتری در بازار رقابتی، مجبور می‌شوند کیفیت کالا و خدمات خود را به سطح جهانی برسانند.

- در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز با ورود تجهیزات نوین با راندمان بالاتر و قیمت پایین‌تر، توجه اقتصادی استفاده از منابع تجدیدپذیر در تولید برق بیش از پیش خواهد شد و تمایل به استفاده از این منابع در کشور افزایش خواهد یافت.

توسعه صنعت برق و اسناد بالادستی

چشم‌انداز آینده صنعت برق کشور بر اساس نیاز کشور به انرژی و در حال توسعه بودن ایران، چشم‌اندازی رو به رشد دارد. این موضوعی است که در اسناد بالادستی بر آن تاکید شده و در قوانین و برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز، برای آن برنامه ریزی شده است. با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و برنامه ریزی برای رشد اقتصادی هدفگذاری شده در این برنامه که ۸ درصد است، کاملاً مشخص است که نیاز به برق در کشور به طور چشمگیری افزایش خواهد یافت و بر همین اساس سرمایه‌گذاری بیشتری در این حوزه مورد نیاز خواهد بود.

کارشناسان و مدیران صنعت برق که هم‌اکنون در حال تدوین برنامه ششم توسعه هستند، حتماً به این موارد توجه دارند و برای تحقق رشد اقتصادی ۸ درصد، برنامه توسعه صنعت برق را تدوین می‌کنند. نمایندگان مردم در مجلس نیز با بررسی دقیق برنامه ششم توسعه در جهت رشد روزافزون حرکت کشور به سمت تعالی و پیشرفت کمک خواهند کرد. ■

خبرگزاری فارس

نوسان نرخ ارز منعکس کننده واقعیت اقتصادی

دکتر بهمن آرمان - صاحب‌نظر اقتصادی



در مورد ثبات نرخ ارز هم صحبت‌های متعددی می‌شود، اما تصور نمی‌کنم با برداشته شدن تحریم‌ها نرخ ارز در ایران یکسان شود. نرخ ارز متأثر از عرضه و تقاضاست. درآمدهای ارزی کشور کاهش یافته است و متناسب با تقاضای موجود نیست. ضمن اینکه در ایران نرخ تورم دو رقمی است. لذا ثبات قیمت ارز به صلاح کشور نیست و نباید این امر را به گردن دولت انداخت. بازار ارز باید به گونه‌ای باشد که عرضه و تقاضا تعیین‌کننده باشد. اگر ثبات قیمت ارز رخ دهد، نرخ برابری ریال در برابر سایر ارزها منعکس‌کننده واقعیت اقتصادی ایران نیست. ضمن اینکه به نفع ما نیز نخواهد بود. کاهش قیمت دلار در بازار آزاد به صادرات ما آسیب وارد می‌کند. یکی از راه‌هایی که دولت در حال استفاده از آن و تلویحاً تأیید شده است تأمین منابع ریالی مصوب بودجه عمومی کشور از سایر ارزهاست. ولی افزایش نرخ برابری ارز متأثر از دخالت دولت نیست بلکه نشان از واقعیت‌های اقتصاد ایران دارد. بر این اساس رسانه‌های گروهی نباید افزایش قیمت دلار در بازار آزاد یا در لایحه بودجه ۹۵ را به عنوان یک ضایعه مطرح کنند، بلکه این را در نظر بگیرند بخشی از واقعیت اقتصاد ایران است. اگر قیمت نفت در بازارهای جهانی در سطح فعلی باقی بماند و از طرفی تحریم‌ها به طور کامل لغو نشود و سرمایه‌گذاری خارجی صورت نگیرد نرخ برابری ریال در برابر سایر ارزها روند نزولی خواهد داشت. ■

روزنامه ایران

چنین شرایطی نمی‌توان از دولت انتظار داشت بودجه عمرانی را طبق آنچه در مجلس تصویب شده پرداخت کند یا نرخ ارز را در حد نرخ برابری زمان استقرار دولت یازدهم قرار دهد. بحران کاهش قیمت نفت روی اقتصاد بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت بازتاب منفی زیادی داشته است. به طوری که اقتصاد ونزوئلا که پایه تولیدی نیست و وابسته به درآمدهای نفتی است در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است. عربستان هم از این قاعده مستثنی نیست. این کشور به دلیل آنکه ۴۰ میلیارد دلار کسری بودجه دارد سیاست انقباضی در پیش گرفته است و در نهایت طرح‌های استراتژیک خود را متوقف کرد. اما به خاطر آرامش و اطمینان در بین مردم عنوان کرد هزینه‌های بخش سلامت و آموزش و پرورش تغییری نخواهد کرد، ولی اجرای پروژه‌های بزرگ به حالت تعلیق درآمده است. در ایران نیز چنین وضعیتی حادث شده لذا نوسان نرخ ارز که طی هفته‌های اخیر رخ داده کاملاً طبیعی است و در سایر کشورها هم اتفاق افتاده است. اکنون برخی از طرح‌های عمرانی کشورمان دچار رکود است. در چنین شرایطی استفاده از ابزارهای مالی می‌تواند اثرگذار باشد. به عنوان مثال در ژاپن به دنبال کاهش ارزش سهام در بورس توکیو، دولت اعلام کرد مالیات بر شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. این امر کمک کرد تا بورس توکیو و سایر بورس‌های آسیایی از رکود خارج شوند. اگر چنین تمهیداتی هم برای اقتصاد ایران اندیشیده شود به طور قطع از میزان نوسان ارز کاسته خواهد شد.

نوسانات نرخ برابری ارزها که متأثر از عوامل گوناگونی رخ می‌دهد، امری کاملاً طبیعی است. نرخ برابری ارزها نشان دهنده واقعیت‌های فیزیکی اقتصاد و برخی از مسائل سیاسی کشورهاست. به دنبال بروز مشکل در شرق ترکیه ارزش لیر آن کشور به کمتر از نصف قیمت خود رسید. در چین هم نرخ برابری یوآن در مقابل سایر ارزها کاهش داشت. عده‌ای معتقد هستند این کاهش توسط دولت چین رخ داده است و برخی دیگر عواملی چون کاهش نرخ رشد اقتصادی و لزوم افزایش صادرات این کشور را دلیل بر کاهش ارزش یوآن می‌دانستند. به هر ترتیب تکرار این اتفاق در کشورهای مختلف بیانگر آن است که نرخ برابری ارزها مرتب در حال تغییر است. همچنین زمانی که بحران بدهی‌های یونان در اتحادیه اروپا تشدید شد نرخ برابری یورو در برابر دلار حتی به ۱/۰۷ سنت رسید و متعاقباً دلار امریکا کاهش عرضه داشت. در ایران نیز که عده‌ای به مسائل پایه علم اقتصاد آشنا نیستند عنوان می‌کنند ما باید به سمت ثبات نرخ ارز حرکت کنیم و عده‌ای از مخالفان دولت کاهش نرخ برابری ریال در برابر سایر ارزها را یکی از عوامل عملکرد ضعیف دولت می‌دانند در حالی که در واقعیت این‌گونه نیست. دولت یازدهم تا جایی که امکان داشت سعی کرد اقتصادی را که متحمل آسیب‌های زیادی شده بود سامان دهد. واقعیت این است بخش عمده‌ای از بودجه عمومی کشور از طریق درآمدهای نفتی تأمین می‌شود حتی در یافت مالیات در ارتباط با قیمت نفت است. در

فراخوان مقاله

به اطلاع مدیران، متخصصان، صنعتگران و پژوهشگران عزیز می‌رساند، روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران برای حمایت از توان و تولید داخل و به منظور معرفی آخرین دستاوردها و فعالیت‌های علمی و پژوهشی شرکت‌های عضو خود در نظر دارد، از این پس در هر شماره از ماهنامه خبری و اطلاع‌رسانی ستبران مقالات علمی و پژوهشی مربوط به شرکت‌های عضو را به چاپ برساند. بدینوسیله از همه دست‌اندرکاران و فعالان صنعت برق دعوت می‌شود تا در صورت تمایل، مقالات خود را به واحد روابط عمومی سندیکا-ماهنامه ستبران-ارسال کنند.

لازم به ذکر است، در ارایه مقاله توجه به نکات زیر ضروری است:

- مطالب ارسالی باید حداکثر تا پانزدهم هر ماه به تحریریه ماهنامه ستبران ارسال شود.
- آثار مذکور می‌بایست در قالب یکی از محورهای زیر و با در نظر گرفتن اصول روزنامه نگاری حرفه‌ای (دقت، صداقت، بی‌طرفی و...) نگارش شود.
- موضوعات پیشنهادی برای آثاری که ارسال می‌شود، عبارتند از:
 - معرفی دستاوردهای علمی و تحقیقاتی مرکز تحقیق و پژوهش شرکت‌ها
 - موضوع آزاد با محوریت مسائل و مشکلات ساخت داخل در صنعت برق ایران
 - مسائل روز اقتصاد و صنعت برق ایران
 - بررسی مواضع و عملکرد نهادها و سازمان‌های مرتبط با صنعت برق ایران
 - بررسی مواضع و عملکرد سندیکای صنعت برق ایران و سایر تشکلهای غیر دولتی مرتبط
 - نقد و تحلیل مباحث و موضوعات مطرح شده در میزگرد سندیکا
 - موضوعات و مقالات آموزشی در حوزه مدیریت کیفیت، بهره‌وری، بهبود روش‌ها و سیستم‌های مدیریت صنعتی و...

- مطالب حتی المقدور به صورت فایل WORD به آدرس پست الکترونیک: setabran@ieis.ir یا بر روی لوح فشرده به نشانی: تهران، خیابان فاطمی غربی، خیابان سیندخت شمالی، پلاک ۱۵، طبقه اول- روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران ارسال شود.
- با توجه به این که سیاست کلی نشریه، معرفی نویسنده یا مؤلف مقاله است، لذا ضروری است تا به همراه آثار، یک قطعه عکس، مشخصات عمومی شامل تحصیلات، شغل، آدرس، شماره تلفن و نشانی پست الکترونیک نویسنده نیز ارسال شود.
- همچنین حجم مطالب ارسالی نباید از ۸ صفحه تایپی (فونت ۱۴) فراتر رود.
- ماهنامه در گزینش علمی، ویرایش و یا انتخاب تیتراژ برای آثار ارسالی آزاد است.
- ارسال عکس‌های تزئینی مرتبط با موضوع مقاله بلامانع است.
- مقاله ارسالی در هیچ نشریه دیگری چاپ نشده باشد.
- از آنجا که سیاست کلی نشریه رعایت امانت‌داری و عدالت در میان اعضای سندیکا است، اولویت چاپ با مقالاتی خواهد بود که زودتر به دفتر نشریه ارسال شوند.

گزارش

حضور رییس سندیکای صنعت برق ایران در واشنگتن

پای ایران به کنگره جهانی سیم و کابل باز شد



ثبت شده، ۸۱ میلیارد دلار سرمایه جاری دارد. یکی از جذاب‌ترین نکاتی که این عضو هیات‌مدیره سندیکای صنعت برق مطرح کرد این بود که ایران جزو کشورهایی است که بیشترین فارغ‌التحصیل رشته مهندسی را در اختیار دارد. تعداد فارغ‌التحصیلان مهندسی در ایران نزدیک به شمار آنها در ایالات متحده امریکا است و ۷۰ درصد آنان رازنان تشکیل می‌دهند. دوم بودن ایران به لحاظ برخورداری از منابع گاز طبیعی همچنین رتبه چهارمی این کشور به لحاظ برخورداری از ذخایر نفتی جهان از جمله نکاتی است که معمولاً در اکثر سخنرانی‌های اقتصادی خارج از ایران به آن اشاره می‌شود.

ایران بازار نوظهور آینده

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران در سخنان خود به این مساله پرداخته است که براساس اطلاعات به‌دست آمده از جیم اونیل اقتصاددان گلدمن ساچس، ایران می‌تواند

برق ایران همچنین مدیرعامل یک شرکت سیم و کابل نیز در این نشست حضور داشت و در دومین روز از این نشست گزارشی در مورد اقتصاد و صنعت سیم و کابل ایران ارائه داد. البته این کنگره به مدت پنج روز (از ۱۳ تا ۱۷ اکتبر) در هتل می‌فلاور در واشنگتن دی‌سی برگزار شد و کلاهی تنها نماینده ایران در این برنامه بود که سخنانی را در یکی از جلسات ایراد کرد. بیش از ۳۰ کشور از اقصی نقاط جهان در این فدراسیون عضو هستند. ارتقای کیفیت و کاربرد کابل‌ها، ارتقای امنیت و ذخیره انرژی در کابل‌های برق و بهبود منابع به‌کار رفته در تولید کابل‌ها از جمله اهداف تشکیل این فدراسیون است. علاوه بر آن، این فدراسیون قصد دارد از این طریق روابط میان شرکت‌های مختلفی که در این زمینه فعال هستند را مستحکم‌تر کند. براساس اطلاعات به‌دست آمده از ارائه کلاهی بازار سهام تهران با ۳۱۴ شرکت

کابل برق صادر می‌کند. گزارش تعادل از مشروح ارائه کلاهی در این نشست را در ادامه می‌خوانید.

ایران برای نخستین بار در کنگره جهانی کابل شرکت کرد. فدراسیون بین‌المللی کابل (International Cable Federation) بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی صنعت کابل‌سازی در جهان به‌شمار می‌رود که بیش از ۸۰ درصد از ظرفیت این صنعت ۱۰۰ میلیارد دلاری در آن عضو هستند. اصلی‌ترین نشست این فدراسیون، کنگره جهانی کابل است که هر دو سال یک بار جهت گفت‌وگو و بررسی مسائل این صنعت زیربنایی تشکیل می‌شود. کنگره ۲۰۱۵ در واشنگتن پایتخت ایالات متحده امریکا برگزار شد و برای نخستین بار ایران نیز در این نشست جهانی حضور رسمی داشت. علیرضا کلاهی عضو هیات نمایندگان اتاق تهران، رییس هیات‌مدیره سندیکای صنعت

صنعت برق ایران طی سال‌های گذشته و با بالا رفتن بدهی‌های وزارت نیرو هر روز دچار مشکلات بیشتری شد. همین مشکلات بود که چندی پیش اعضای سندیکای صنعت برق ایران را بر آن داشت تا در نشست خبری از سیاست‌هایی که از نگاه آنها چرخشی لای چوب تولید داخل صنعت برق ایران است، گلاپه کنند. تولید کابل‌های برق یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های این صنعت در ایران است. تولیدی که توانست برای نخستین بار پای ایران را به کنگره جهانی کابل باز کند. علیرضا کلاهی رییس سندیکای صنعت برق روز پنج‌شنبه در واشنگتن، به تشریح فرصت‌های ایران در صنعت برق برای شرکت‌کنندگان در این کنگره پرداخت. کلاهی در این کنگره به مسائلی مانند پایین بودن مالیات و ارزان بودن انرژی در ایران اشاره کرده و خبر داد که ایران سالانه معادل ۱۴۷ میلیون دلار



کابل ارائه داد، نخستین شرکت کابل سازی ایران با همکاری بایکا در سال ۱۹۶۴ تأسیس و راه اندازی شد. در سال ۱۹۶۵ ایکو سوئد نیز به عضویت آن شرکت درآمد. در سال ۱۹۷۴ شرکت فیلیس داچ جی وی تأسیس شد پس از آن نیز شرکت اریکسون جی وی در سال ۱۹۷۶ تأسیس شد. در سال ۱۹۷۹ اکثر این شرکت های خارجی با شرکت های داخلی ترکیب و سپس ملی شدند. سیاست های اقتصادی

حمایتی که در دهه ۸۰ میلادی وضع شد در کنار یارانه های سنگین باعث شد تعداد بازیگران عرصه صنعت به صورت ناگهانی افزایش پیدا کند. براساس جدول به دست آمده از سازمان تجارت ایران، این کشور در سال ۲۰۱۰، ۱۶۴/۴ میلیون دلار صادرات کابل و ۷۸/۸ میلیون دلار واردات کابل داشته است. در سال ۲۰۱۴ رقم صادرات ایران به ۱۴۷/۷ میلیون دلار رسید، میزان واردات نیز به ۷۵/۶ میلیون دلار کاهش یافت. بیشترین میزان کاهش واردات با رقم ۶۶ میلیون دلار مربوط به سال ۲۰۱۲ و کمترین میزان صادرات با رقم ۲۱۹/۵ میلیون دلار مربوط به سال ۲۰۱۱ بوده است. مزایای رقابتی در صنعت کابل سازی ایران از نظر رییس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران نیز بسیار است که از جمله می توان به نرخ پایین مالیات، نیروی کار تحصیل کرده، هزینه پایین کارگری، منبع انرژی ارزان و مطمئن و دسترسی گسترده به پلیمر اشاره کرد. از آنجا که سیاست های دولتی گرایش زیادی به افزایش ظرفیت در عرصه کابل سازی دارد می توان آینده این صنعت را بهتر از این متصور شد. از طرفی با برداشته شدن تحریم ها و افزایش سرمایه گذاری ها در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران می توان امیدوار بود که تحولات بزرگی در این عرصه ایجاد شود. از همه مهم تر اینکه دولت ایران از صنایع با ارزش افزوده حمایت می کند و جلوی فروش مواد خام و اولیه را خواهد گرفت و به دنبال بازارهای خوب در این عرصه در کشورهای نظیر افغانستان، عراق و کشورهای مستقل مشترک المنافع خواهد

جزو ۱۱ اقتصاد نوظهور احتمالی در آینده باشد. سپس به بررسی ایران به عنوان هاب در بازار منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) و کشورهای مستقل مشترک المنافع پرداخت. نرخ پایین مالیات، کیفیت زیرساخت ها، ارزان بودن انرژی، در دسترس بودن کارگران، وفور منابع طبیعی و ارتقای انگیزه های صادراتی همه از جمله مواردی است که برای کشور ایران به عنوان مزیت به شمار می رود.

مروری بر صنعت برق ایران نشان می دهد این کشور در بخش برق بسیار پیشرفته است. افزایش ظرفیت سالانه ۶۰۰ مگاواتی و ظرفیت تولید ۷۴ هزار مگاواتی (رتبه ۱۴ جهانی) از جمله مواردی است که نشان می دهد در زمینه صنعت برق پیشرفت های چشمگیری داشته است. همچنین ایران به هفت کشور همسایه (ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، افغانستان، پاکستان، ترکیه و عراق) برق صادر می کند. علاوه بر آن صادرات برق به کشورهای عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و عمان نیز صورت می گیرد.

براساس آمار و اطلاعات ارائه شده توسط کلاهی از سندیکای صنعت برق ایران، از ۷۳/۷ هزار مگاوات ظرفیت نصب شده برق کشور ۲۵/۸ درصد آن توسط گاز، ۱۸/۵ درصد از طریق سیکل ترکیبی، ۱۸/۵ درصد از طریق بخار، ۱/۲ درصد به صورت برق آبی، یک درصد هسته ای، ۰/۷ درصد زمین گرمایی، ۰/۲ درصد تجدیدپذیر و ۰/۴ درصد از طریق گاز و ویل تولید می شود. البته پیش بینی می شود این ظرفیت تا سال ۲۰۲۰ به ۱۱۰ هزار مگاوات برسد که در آن سهم انرژی های تجدیدپذیر در تولید برق به ۵ درصد و زمین گرمایی به ۵ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. علاوه بر آن سهم گاز ۲۵/۸ درصد پیش بینی شده که نسبت به وضعیت فعلی ثابت خواهد ماند. برآورد می شود که بین ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار امریکا برای تولید و توزیع برق در ایران تا سال ۲۰۲۰ سرمایه گذاری صورت بگیرد.

از صنعت کابل سازی ایران چه خبر؟ طبق اطلاعاتی که کلاهی در کنگره جهانی



بود.
روزنامه تعادل



مجمع عمومی سندیکای صنعت برق برگزار شد





داده است.

به گفته دبیر سندیکای صنعت برق ۷۳ درصد از مصوبات هیات مدیره در سال ۹۳ محقق شده است؛ ۱۶ درصد در حال انجام است و ۱۱ درصد از آنها هم موضوعشان حذف شده و قابل پیگیری نیستند.

غیاث‌الدین تصریح کرد: سندیکا حضوری بسیار فعال در تشکل‌ها و ارگان‌های مختلف مانند وزارت نیرو، شرکت توانیر، اتاق بازرگانی ایران، اتاق بازرگانی تهران، وزارت صنعت و معدن، مجمع تشکل‌های دانش‌بنیان و اتاق بازرگانی ایران و عراق دارد و در سال گذشته جلسات و مکاتبات بسیاری با این ارگان‌ها داشته است. به عنوان نمونه در سال گذشته، ۹۱ مورد مکاتبه با وزارت نیرو و ۳۹ مورد مکاتبه با شرکت توانیر داشته‌ایم که همه آنها در رابطه با مسائل اعضای محترم سندیکا بوده است.

وی در ادامه گفت: سندیکا خدمات مختلفی از جمله کمک‌های حقوقی، مشاوره‌ای، حل اختلاف و توسعه کسب و کار به اعضای خود ارائه می‌کند و همچنین از طریق چاپ نشریه سستبران، سایت، گروه فعالی که در تلگرام ایجاد شده و همچنین بوتلن که حداقل ۵ روز در هفته بین ۲۴ - ۱۶ صفحه منتشر می‌شود، خدمات اطلاع‌رسانی را به اعضای ارائه می‌دهد.

غیاث‌الدین خریداری ساختمان جدید سندیکا را که با همکاری ۳۱ شرکت از اعضای سندیکا صورت گرفته است، از بهترین دستاوردهای کل دوران فعالیت سندیکا دانست و اظهار کرد: این کار سبب شد سندیکا محلی مستقل برای خود داشته باشد.

وی در ادامه به انتخاب سندیکای صنعت برق به عنوان

را در سال ۹۳ ارائه کرد. غیاث‌الدین با بیان اینکه گزارش در قالب دو بخش شامل فعالیت‌های سندیکا و عملکرد مالی آن تنظیم شده است، عنوان کرد: سندیکای صنعت برق که در سال ۱۳۷۹ با ۲۴ عضو تأسیس شد، در پایان سال ۱۳۹۳ دارای ۴۱۹ عضو بود و امروز این تعداد به ۴۳۸ عضو رسیده است. از این تعداد، ۲۰۸ یا به روایتی دیگر ۲۵۱ عضو مربوط به استان‌های تهران و البرز است و باقی در ۲۱ استان کشور پراکنده شده‌اند. البته بعضاً آمارهای دیگری هم شنیده می‌شود که به دلیل عواملی مثل عضویت‌های جدید یا منحل شدن برخی از شرکت‌هاست.

غیاث‌الدین با اشاره به اینکه سندیکا بیشترین عضو را در تهران و البرز و کمترین عضو را در استان گلستان دارد، ادامه داد: سازندگان لوازم و تجهیزات جانبی سیستم‌های برق بیشترین تعداد عضو را در سندیکا دارند و سازندگان یراق‌آلات نیرو و جزو فعالانی هستند که کمترین تعداد عضو را دارند.

وی افزود: ما در استان‌های خراسان و اصفهان هم دارای شعبه هستیم و البته شعبه‌ای هم در استان فارس داریم که متأسفانه چندان فعال نیست و در سال گذشته هم فعالیتی نداشته است.

دبیر سندیکا در ادامه به ارائه توضیحاتی در خصوص جلساتی که در این شکل برگزار می‌شود، پرداخته و اظهار داشت: هیات مدیره سندیکا در سال گذشته تقریباً ماهانه دو جلسه و در کل ۲۴ جلسه تشکیل داده است. همچنین کمیته‌های سندیکا هم فعالیت گسترده‌ای در طول سال گذشته داشته‌اند. به عنوان مثال کمیته حقوقی و قراردادها ۳۵ جلسه داشته و در سال ۹۳ تقریباً هر هفته جلسه تشکیل

مجمع عمومی سالانه سندیکای صنعت برق بیست و هفتم مردادماه سال جاری با حضور نمایندگان بیش از ۱۳۰ شرکت عضو سندیکا، مسئولین این تشکل و نماینده اتاق بازرگانی ایران در تالار خلیج فارس پژوهشگاه نیرو برگزار شد.

در آغاز مجمع، مهندس علی بخشی، نایب رئیس هیات مدیره به سخنرانی پرداخته و ضمن اشاره به توافقی که در مجامع بین‌المللی در رابطه با ایران حاصل شده است، گفت: ما همیشه جوانب مثبت توافق را دیده‌ایم و این بسیار خوب است؛ اما باید نسبت به جوانب منفی دوران پساتحریم هم مراقبت‌های لازم را داشته باشیم. از اعضای محترم سندیکا هم درخواست می‌کنم در کنار ما باشند تا بتوانیم شرایط را به خوبی اداره کنیم.

در ادامه جلسه دبیر سندیکای صنعت برق با اعلام اینکه تعداد افراد حاضر در جلسه به حد نصاب رسیده و می‌توان انتخابات هیات ریسه را انجام داد، از حاضرین خواست یک نفر رییس هیات ریسه، یک نفر نایب رییس، دو نفر ناظر و یک منشی برای اداره جلسه انتخاب کنند که با رأی اعضای حاضر در مجمع، مهندس غلامرضا ناصح به عنوان رییس هیات ریسه، مهندس سیروس رضا مقدم به عنوان نایب رییس، مهندس محمدجعفر محمدپور رودبارکی و مهندس جمشید بردبار به عنوان ناظران جلسه و همچنین مهندس محمد ذوالفقاری به عنوان منشی جلسه تعیین شدند.

سپس دبیر سندیکا پشت تریبون حاضر شده و ضمن تشکر از مهندس میرشکرایی که ظرف دو سال گذشته مسئولیت دبیری سندیکا را بر عهده داشت، گزارش عملکرد سندیکا

تشکل نمونه صادراتی برای چهارمین سال متوالی اشاره کرد و گفت: در سال گذشته هم انتخابات اتاق بازرگانی برگزار شد که سندیکا حضوری فعال در این انتخابات داشت و توانست تعدادی از نمایندگان خود را راهی هیات نمایندگان اتاق تهران و شهرستان ها کند.

وی همچنین در انتها به توضیح گزارش مالی سندیکا پرداخت که به صورت مکتوب در اختیار میهمانان قرار گرفته بود و البته در سایت سندیکای صنعت برق ایران هم در دسترس اعضا قرار داده شده است.

پس از غیاث‌الدین، خزانه‌دار سندیکا به سخنرانی پرداخته و ضمن تشکر و قدردانی از زحمات شبانه‌روزی مهندس میرشکرای، دبیر سابق سندیکا و آرزوی موفقیت برای مهندس غیاث‌الدین در

انجام وظایف بسیار سنگینی که پیش روی سندیکا است، گفت: در سال ۹۲ ما با کمک ۳۱ سرمایه‌گذار داوطلب توانستیم نسبت به خرید ساختمان سندیکا در خیابان مطهری اقدام کنیم و پس از آن با تلاش فراوان و البته تخصیص ۳۳ درصد از مبلغ فروش ساختمان سندیکا در خیابان مطهری از سوی سهامداران، ساختمان جدیدی را برای این تشکل خریداری کنیم.

مهندس محمد فارسی ضمن ارائه گزارش مبسوطی از فعالیت‌های صورت گرفته در خصوص ساختمان سندیکا از شرکت‌هایی سرمایه لازم برای خرید ساختمان مستقل برای سندیکا را تامین کردند، تقدیر کرد.

وی همچنین اقدام مهندس جمشید بردبار، مدیر عامل شرکت الکترونیک افزار آزما در خصوص بخشیدن کلیه سود حاصل از خرید

و فروش ساختمان به سندیکا را امری قابل ستایش دانست و از وی تقدیر و تشکر کرد. پس از سخنرانی خزانه‌دار سندیکا، مهندس ذوالفقاری، مدیر عامل شرکت تابان تابلوشرق پیشنهاد کرد هر عضو ۲ میلیون تومان به سندیکا هبه کند تا کسری آن برای تامین هزینه خرید ساختمان جبران شود. وی همچنین داوطلب شد به عنوان اولین نفر ۵ میلیون تومان در این راستا به سندیکا پرداخت کند که پس از بحث و بررسی پیشنهادهای سایر حاضرین در جلسه، پیشنهاد ذوالفقاری به رأی گذاشته و با اکثریت آرا تصویب شد.

در ادامه مجمع مهندس سید حسین اورازانی شجاعی، بازرگانی سندیکا به ارائه گزارشی از عملکرد مالی سندیکا پرداخته و به درستی گزارشی که سندیکا به اعضا ارائه کرده بود،

به طور کامل صحه گذاشت. در انتهای جلسه مجمع، صورت‌های مالی ارائه شده از سوی سندیکا با اکثریت آرا تصویب شده و انتخاب بازرگانی نیز برای دوره بعد به رای گذاشته شد. مهندس شجاعی و مهندس جانی دو کاندید بازرسی دوره بعد سندیکا بودند که شجاعی با بیشترین رای به عنوان بازرگانی اصلی و جانی به عنوان بازرگانی علی‌البدل سندیکا انتخاب شدند.

همچنین تصویب شد روزنامه دنیای اقتصاد مجدداً به عنوان روزنامه رسمی مجمع باقی بماند و بودجه ارائه شده در گزارش مالی سندیکا نیز با اکثریت آرا به تصویب رسید.

گفتنی است در این دوره از مجمع عمومی سندیکای صنعت برق ایران از مهندس جمشید بردبار به دلیل همکاری و مشارکتش با سندیکا برای خرید ساختمان، تقدیر به عمل آمد و لوحی به وی تقدیم شد.



به همت سندیکای صنعت برق ایران صورت گرفت

برگزاری سمینار تخصصی ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید



هوشنگ فلاحتیان در سمینار تخصصی ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید که هجدهم شهریور ماه سال جاری به همت سندیکای صنعت برق ایران در محل پژوهشگاه نیرو برگزار شد، عنوان کرد: اگر وضعیت به گونه‌ای پیش رود که خارجی‌ها بیشتر از آنکه نزد ما بیایند، نزد بخش خصوصی رفته و جلساتشان را با این بخش برگزار کنند، قطعاً به نفع کشور خواهد بود.

معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی در سمینار تخصصی ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید ضمن تشکر از سندیکای صنعت برق جهت برگزاری سمینار، به بدهی اندک وزارت نیرو به پیمانکاران و مهندسين مشاور و به‌طور کلی بخش خصوصی اشاره کرده و گفت: کل بدهی ما رقم بسیار کمی است و فعالین بخش خصوصی طلب عمده‌ای از ما ندارند. مشکل اصلی سازندگان و پیمانکاران بخش خصوصی فضای کسب و کار است. وقتی مناقصه‌ای در کار نباشد آنها نمی‌دانند با پرسنل خود چه کنند. شائبه موضوعات نقدینگی است و در صورت تامین منابع مالی، بدون شک بخش قابل توجهی از مشکلات حل خواهد شد.

وی در ادامه خاطر نشان کرد: ما یک پتانسیل قابل توجه برای تامین منابع مالی مورد نیاز پروژه‌های صنعت برق در صندوق توسعه ملی داریم که هزینه‌های پروژه‌های بزرگ تعریف شده در قالب بودجه ۹۲ و ۹۳ را از طریق آن تامین کرده‌ایم. اگر مذاکرات به نتیجه مطلوب برسد، انتظار این است که منابع این صندوق هم افزایش یابد و تسهیلات مورد نیاز برای پروژه‌هایمان از طریق این صندوق تأمین شده و پروژه‌ها

سمینار تخصصی ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید هجدهم شهریور ماه سال جاری به همت سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد.

سمینار تخصصی ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید هجدهم شهریور ماه به همت سندیکای صنعت برق و با حضور مهندس هوشنگ فلاحتیان، معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی، مهندس علیرضا دائمی، معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو، دکتر علی اصغر اسماعیل‌نیا، مدیرکل دفتر تنظیم مقررات و توسعه رقابت در بازار آب و برق، مهندس هاشم خویی، نماینده مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نمایندگان تشکل‌های فعال اقتصادی و جمعی از مدیران و اعضای سندیکای صنعت برق ایران در محل پژوهشگاه نیرو برگزار شد.

زمینه‌های همکاری دولت و بخش خصوصی برای اجرای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی، فرصت‌ها و چالش‌های اجرای ماده ۱۲ این قانون و الزامات و پیش‌نیازهای مالی و حقوقی آن، راهکارها و پیامدهای اجرایی تحقق ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی و همچنین بحث و تبادل نظر در قالب پانل تخصصی، محورهای اصلی این سمینار را تشکیل می‌دادند.

**پیشنهاد معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی به سندیکایها
ایجاد کارگروهی در سندیکای برق
برای مذاکره با هیات‌های خارجی**

کنند. ما باید نگرانی‌ها را کنار گذاشته و ببینیم چه فرصت‌هایی ایجاد خواهد شد. وی در ادامه تأکید کرد: نمایندگان این شرکت‌ها قطعاً با سندیکا، اتاق و به‌طور کلی بخش خصوصی نیز جلساتی مشترکی خواهند داشت. لذا شما می‌توانید از این فرصت به خوبی استفاده کرده و زمینه را برای ایجاد مشارکت‌های سازنده و اثر بخش فراهم کنید.

وی با بیان اینکه بخش خصوصی سال‌های سختی را گذرانده است، گفت: بدون شک رقبای بخش خصوصی ایران، برای دستیابی به مواد اولیه راه ساده‌تر و ارزان‌تری در پیش دارند و این یک حقیقت است. بنابراین شاید محصولات ما نسبت به تولیدات کشورهایی مانند چین قابل رقابت نباشد. بنابراین باید با اعمال مدیریت بیشتر، قیمت تمام‌شده‌مان را کمتر و محصولاتمان را کیفی‌تر کنیم.

قابلیت اجرایی شدن پیدا کنند.

معاون امور برق و انرژی وزارت نیرو ادامه داد: نکته دیگر صف مراجعه‌کنندگان خارجی است. همه نگرانند تولید داخلی با ورود این شرکت‌ها نابود شود و بازار ایران در اختیار کالاهای خارجی قرار گیرد. اولاً ما این موضوع را به شدت تکذیب می‌کنیم. هیچ‌کدام از مدیران وزارت نیرو چنین تصمیمی ندارند. ما در همه جلساتمان این دغدغه را داریم که باید چگونه با مراجعه‌کنندگان خارجی برخورد کنیم.

فلاحتیان در ادامه تصریح کرد: این نگرانی‌های بخش تولید کشور درست نیست. مگر وضعیت ما قبل از تحریم‌ها چگونه بوده است که حالا نگران پس از لغو تحریم‌ها باشیم؟ نمایندگان خارجی بیشتر می‌آیند تا فضا را بسنجند و برای فاینانس و انتقال تکنولوژی و فناوری اعلام آمادگی

این است که بتوانم ظرف ۳ ماه آینده بسیاری از پروژه‌ها را به شورای اقتصاد ببرم و فکر می‌کنم حداکثر ظرف یک ماه آینده بتوانیم بسته اول را به شورای اقتصاد بفرستیم. احتمال می‌دهم وزارت نیرو در اولین پروژه‌ها پیشتان باشد و از این محل حداقل بین ۱۰ الی ۱۵ میلیارد دلار صرفه‌جویی داشته باشیم.

نایب رییس هیات مدیره سندیکای صنعت برق بخش دولتی علاوه بر فرمایشات، در عمل نیز همکاری کند

مهندس بخشی، نایب رییس هیات مدیره و رییس کمیته فاینانس سندیکای صنعت برق ایران نیز در این سمینار و در پاسخ به پیشنهاد فلاحیان در خصوص ایجاد کارگروهی برای برگزاری جلسات بخش خصوصی با سرمایه‌گذاران خارجی عنوان کرد: به‌لطف جناب آقای مهندس دائمی، کارگروه مشترکی بین سندیکا و معاونت اقتصادی وزارت نیرو ایجاد کرده‌ام و یک هفته در میان، جلسات مشترکی برگزار می‌کنیم. اما تلاش سندیکای صنعت برق این است که در مراحل تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی حضور داشته باشد. اینگونه نباشد که بخش خصوصی در محل کارش نشست و باشد، تصمیمات در جای دیگر گرفته شده و بعد آیین‌نامه‌ها به بخش خصوصی ابلاغ شود.

نکته دیگری که بخشی عنوان کرد، بحث تضامین بازپرداخت بود. وی گفت: مشکل ما تأمین مالی نیست؛ بلکه تضامین بازپرداخت است. اگر روش بازپرداخت را شفاف کنیم، با حضور هیات‌های خارجی که علاقمند به سرمایه‌گذاری هستند، می‌توان مشکلات دیگر را حل کرد. خواسته ما این است که اعتماد کافی در تضامین ایجاد شده و پیش از هر چیز به فکر ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری باشیم.

وی با بیان اینکه اکنون پول کافی وجود ندارد و قرار است منابع از محل صرفه‌جویی به سرمایه‌گذاران برگردد، گفت: در ماده ۱۳۳ قانون برنامه، ظرفیتی پیش‌بینی شده

به‌گفته معاون امور برق و انرژی وزارت نیرو اگرچه قانون رفع موانع تولید از فروردین ماه ۹۴ عملیاتی شد، اما در ۲۷ مرداد ماه به نتیجه رسید. بنابراین تا امروز تنها یک ماه هم از روی غلطک افتادن آن گذشته است. هوشنگ فلاحیان با بیان اینکه این سمینار، نشست مبارکی است، تأکید کرد: این قوانین وقتی به ثمر رسیده و فضای کسب‌وکار را بهبود می‌بخشد که ما مثل یک خانواده و در کنار هم مسائل را بررسی کرده و بینیم اشکال کار کجاست. خواهش من این است که شما در احصاء زمینه‌ها کمک کنید. ما بیشتر مدیر حادثه‌ایم؛ یعنی بعد از اینکه حادثه‌ای رخ داد، دور هم جمع می‌شویم و آن را حل می‌کنیم. کمتر حوادث آینده را جدی می‌گیریم و به فکر پیشگیری می‌افتیم. بحث کاهش تلفات، هوشمندسازی شبکه، تغییر لوازم اندازه‌گیری، بهینه‌سازی شبکه‌های توزیع، بهینه‌سازی روشنایی معابر و بسیاری از مسائل دیگر که به‌نوعی می‌تواند به کاهش شدت مصرف انرژی منجر شود، از دغدغه‌های ماست که باید به‌کمک یکدیگر بیشتر روی آنها کار کنیم.

وی ضمن اشاره به این مطلب که سال گذشته حدوداً از عهده تأمین ۴۶ هزار و ۶۰۰ مگاوات و امسال ۴۹ هزار و ۹۷۰ مگاوات برآمدیم، گفت: با وجود همه مشکلاتی که با آن مواجهیم، در روزهای پیک مصرف، خاموشی نداشتیم. همچنین انرژی‌های توزیع‌نشده امسال ما ۲۶ درصد کمتر از سال گذشته بوده است. پس علی‌رغم اینهمه مشکلات اقتصادی، تا اینجا خوب مدیریت کرده‌ایم؛ آن هم با وجود اینکه متوسط درجه حرارت تابستان امسال حتی نیم درجه بالاتر از سال قبل و تداوم گرما هم بیشتر بوده است.

معاون امور برق و انرژی وزارت نیرو اظهار کرد: ما از اینکه به شما بدهکار نیستیم، خوشحال نیستیم؛ بلکه از این موضوع ناراحتیم که شما فضای کسب‌وکار مناسبی ندارید. اگر سندیکای صنعت برق بتواند کارگروهی را فعال کند تا خارجی‌ها بیشتر از آنکه نزد ما بیایند، نزد بخش خصوصی رفته و جلساتشان را با این بخش برگزار کنند، قطعاً به نفع کشور خواهد بود. وی در ادامه تصریح کرد: برنامه‌ریزی من



داشتیم. یا باید با شرایط فعلی جلو می‌رفتیم و یا به پساتحریم فکر می‌کردیم. به همین دلیل است که به اعتقاد بنده این قانون برای بعد از لغو تحریم‌ها کار آبی دارد. شاید اگر سرمایه کل بانک‌ها را جمع بزنیم، کمتر از یک سوم این رقم باشد. پس منابع داخلی ما باید حکم اهرمی را برای جذب سرمایه‌های خارجی داشته باشد. تلفیق منابع داخلی با منابع بین‌المللی می‌تواند راهکاری برای برون‌رفت از بحران کنونی باشد. ضمناً اگر بخواهیم رقابتی عمل کنیم، دولت باید حتماً از تولید داخلی حمایت‌هایی کند؛ چرا که تولید داخلی مطلقاً قابلیت مقابله با خارجی‌ها را ندارد.

وی در ادامه سخنان خود گفت: یکی دیگر از محورهای مهم ماده ۱۲، تغییر در دانش فنی است. دانش فنی ما کفایت لازم را برای پروازهای بلند ندارد. لذا در این میان استفاده از تکنیک‌های جدید و پژوهش و آموزش نقش بسیار مهمی دارد. معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو بهینه‌سازی مصرف انرژی را هم یکی از موضوعاتی دانست که نیازمند توجه جدی و اصلاح در کشور است. وی همچنین بحث احداث نیروگاه‌های جدید را هم امری بسیار پراهمیت ارزیابی و خاطر نشان کرد: از صندوق توسعه ملی ۳ میلیارد دلار بودجه برای این کار در نظر گرفته شده است. پیش بینی ما این است که در حوزه انرژی‌های فسیلی، باید ۵ هزار مگاوات به تولید برق

علیرضا دائمی در سمینار تخصصی ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید که هجدهم شهریورماه به همت سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد، عنوان کرد: پاشنه آشیل صنعت برق ایران، ضعف مالی آن است که باید با حمایت‌های دولتی، فاینانس‌های خارجی و تجدیدنظر در بهای برق جبران شود.

معاون برنامه ریزی وزیر نیرو همچنین خاطر نشان کرد: به اعتقاد من، هر گونه تصمیم‌گیری در خصوص تأمین مالی و تسهیلات نیازمند نوعی جامع‌نگری در خصوص سبد هزینه و درآمد صورت گیرد. وی با بیان اینکه ماده ۱۲ مربوط به شرایط فعلی نیست، گفت: در ماده ۱۲ صحبت از ۳۵۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری ظرف یک سال است. ضمناً قرار است در سال‌های بعد نیز با افزایش نرخ تورم میزان این سرمایه‌گذاری افزایش یابد. قطعاً شما هم می‌دانید که کل نقدینگی موجود در کشور ۸۷۰ هزار میلیارد تومان است و این رقم ۳۵۰ هزار میلیارد تومانی به این معناست که فقط صنعت برق بخواهد ظرف دو سال کل منابع مالی کشور را سرمایه‌گذاری کند. چنین رخدادی بی‌شک کاملاً رویایی است. پس این قانون برای آینده‌ای پی‌ریزی شده که در پساتحریم اتفاق خواهد افتاد.

علیرضا دائمی ادامه داد: در حقیقت ما برای تدوین این قوانین، دو سناریو پیش‌رو

دبیر سندیکای صنعت برق نیز در پاسخ به این سخن فلاحیان که وزارت نیرو به بخش خصوصی بدهکار نیست، با بیان اینکه دولتمردان بلندنظر هستند و با اعداد و ارقام بالا سر و کار دارند، تصریح کرد: به‌رغم



تلقی معاونین محترم وزیر نیرو که زیر ۱۰ هزار میلیارد تومان را بدهی نمی‌دانند، این رقم‌ها برای بخش خصوصی بسیار مهم است.

پرویز غیاث‌الدین ادامه داد: همانطور که همه استحضار دارند، هریک از شرکت‌های بخش خصوصی از چند میلیارد تا چند صد میلیارد تومان مطالبات داشته و از سوی دیگر نیز به بانک‌ها بدهکارند و بهره‌ها و جریمه‌های سنگین پرداخت می‌کنند. اگر قیمت کالاهای داخلی بالا است، مقصر تولیدکنندگان ما نیستند؛ یا حداقل سهم کوچکی در این گرانی دارند. صنعتگری که باید با بهره ۲۸ درصد تأمین مالی‌اش را فراهم کند و خیلی زود هم کارش به پرداخت جریمه می‌کشد، چگونه می‌تواند قیمت تمام‌شده محصول‌اش را کاهش دهد. آن‌هم با وجود سازمان امور مالیاتی که به حقوق قانونی خود قانع نیست.

معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو در سمینار ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید مطرح کرد: **کمبود نقدینگی؛ تنها نقطه ضعف صنعت برق ایران**

بود که برقی را که از محل کاهش تلفات به‌دست می‌آید، صادر کنیم. اگر بتوانیم این ماده قانونی را با ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر ترکیب کنیم و بحث بازگشت سرمایه را به صادرات برق گره

بزنیم، فکر می‌کنم علاوه بر تسهیل اعتبار بخشی به تضامین، سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به همکاری ترغیب می‌شوند. بخشی در خاتمه سخنان خود با اشاره به کمیته‌های متعددی که در سندیکای صنعت برق فعال هستند، تصریح کرد: ما برای ایجاد و مشارکت در کارگروهی که آقای مهندس فلاحیان به آن اشاره کردند، آمادگی کامل داریم و تاکنون هم بخشی از راه را طی کرده ایم. مشکل ما نامناسب بودن فضای کسب‌وکار است که با اجرایی شدن ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید، بخش مهمی از آن حل خواهد شد. سندیکای صنعت برق این آمادگی را دارد که به‌عنوان نماینده بخش خصوصی در مباحثی مانند کاهش تلفات، استفاده از ظرفیت‌های قانونی ماده ۱۲ و صادرات برق حضور جدی و فعال داشته باشد. امیدواریم بخش دولتی در عمل هم آنچنانکه در فرمایش‌های آسان می‌بینیم، همکاری کند.

دبیر سندیکای صنعت برق ایران **وزارت نیرو زیر ۱۰ هزار میلیارد تومان را بدهی نمی‌داند!**





صنعت برق ایران برگزار شد. عنوان کرد: انتظار نداشته باشید تنها با ایزنی با مسئولین وزارت نیرو، مشکل حل شود. به هر حال باید بپذیرید بخشی از این مشکل در بخش خصوصی است. البته ما برای حل این مشکلات و مشارکت با بخش خصوصی کاملاً آمادگی داریم اما پیش از هر چیز باید برای پیدا کردن راه حل همفکری کنیم.

اسماعیل نیا با اشاره به نگرانی بخش خصوصی در ارتباط با بحث تضامین که در سمینار نیز مطرح شده بود، عنوان کرد: تعهد شورای اقتصاد، بالاترین تضمین برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است. در قانون رفع موانع تولید، طرح‌ها به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد و تصمیم

حتی این پیشنهاد را هم مطرح کرده اند که می‌توانند در سایر کشورهای دنیا با ما پروژه‌های مشترک بگیرند. یعنی فاینانس و تامین مالی بر عهده آنها باشد و سازندگان، پیمانکاران ایرانی اجرای پروژه را عهده دار شوند.

مدیرکل دفتر تنظیم مقررات و توسعه رقابت در بازار آب و برق:

ماده ۱۲، راه را برای سرمایه‌گذاری هموار کرده است

دکتر علی اصغر اسماعیل نیا در سمینار تخصصی ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید که هیجدهم شهریورماه به همت سندیکای

در کشور ما بالاست، عنوان کرد: مصرف برق کشور ما با مصرف کشور ترکیه تقریباً یکسان است؛ اما تفاوت این دو کشور این است که مصرف برق ترکیه بیشتر صنعتی است و مصرف برق مالوکس و خانگی. یا به عنوان مثال کشور کره جنوبی مصرفی هم اندازه ما دارد، اما نیمی از صنعت کشتی‌سازی و خودروسازی دنیا را هم با آن میزان انرژی اداره می‌کند. اگر منابع کشور را به سمت تولید ببریم، بدون تردید صنعت کشور رشد خواهد کرد و بحران بیکاری هم برطرف خواهد شد.

دائمی ضمن اشاره به اینکه برق مساجد و مدارس مجانی است و برق کشاورزی بسیار ارزان است، اذعان کرد: این ارزانی به کشاورزان این امکان را داده که تا عمق ۳۵۰ متر چاه حفر می‌کنند، در حالی که این کار به نفع هیچ‌کس نیست.

معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو با بیان اینکه هم‌اکنون کل خانواده صنعت برق ایران با ۱۵ هزار میلیارد تومان اداره می‌شود، عنوان کرد: این درحالی است که این خانواده حداقل به ۳۲ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز دارد.

وی در ادامه خاطر نشان کرد: فرض دولت در تصویب بودجه و قوانین این است که برق باید توسط بخش خصوصی اداره شود و آب توسط بخش دولتی؛ همین مسأله باعث شده سالانه ۱۲ - ۱۰ هزار میلیارد تومان به آب بودجه اختصاص داده شود؛ اما به برق رقمی ناچیز تعلق گیرد. البته این اصلاً رویکرد نادرستی نیست ولی در کنار آن باید از برق هم حمایت بیشتری صورت گیرد.

مهندس علیرضا دائمی در بخش پایانی سخنانش، ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر را ابزاری مهم برای جذب این حمایت‌ها در صنعت برق دانست و تصریح کرد: یکی از مهمترین راه حل‌ها برای تامین مالی، فاینانس است. در حال حاضر عمدتاً از فاینانس چین استفاده می‌کنیم؛ اما اخیراً از بسیاری از موسسات دنیا به ما مراجعه کرده و برای فاینانس اعلام آمادگی می‌کنند. آنها هم بر این باورند که پیمانکاران و سازندگان ایرانی از پتانسیل و قدرت زیادی برخوردارند و به همین دلیل برای سرمایه‌گذاری اعلام آمادگی کرده‌اند.

کشور افزوده شود. به علاوه در زمینه احداث نیروگاه‌های انرژی‌های نو هم باید بتوانیم تا پایان برنامه ششم ۵ هزار مگاوات به تولید اضافه کنیم. این ارقام نشان‌دهنده این است که شرایط فعلی ما اصلاً قابل قبول نیست.

علیرضا دائمی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: نظام ساختار اقتصادی برق باید متحول شده و کل فرآیند تولید برق در هزینه‌های این صنعت لحاظ شود. بحث تضامین بازپرداخت هم موضوع بسیار مهمی است، چرا که دولت تاکنون واقعاً به برخی از تعهدات خود عمل نکرده است.

معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو ضمن ابراز امیدواری نسبت به مشارکت بیشتر با سندیکای صنعت برق، اظهار داشت: در شرایطی که می‌توان کارهای بسیار بزرگی در کشور انجام داد، سندیکای صنعت برق هم باید خود را تجهیز کند. به عنوان مثال ایجاد موسسات تأمین مالی بحث بسیار مهمی است. ما هنوز در حال کار کردن با سرمایه‌های خرد خود هستیم. اینگونه انفرادی کار کردن، فقط در همین شرایط فعلی نتیجه می‌دهد. برای تغییر رویکرد باید یخ‌ها را بشکنیم. من معتقدم مشکل اصلی ما مالی نیست، بلکه ذهنیت ماست. اگر این تغییر نگرش در مدیران ما رخ دهد، مشکلات مالی نیز حل خواهد شد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود خاطر نشان کرد: تنها نقطه ضعف صنعت برق، مشکلات مالی است که با آن دست به‌گریبان است. من به‌صراحت می‌گویم: در صنعت آب مشکلات بسیاری داریم. در کمیسیون انرژی نیز همیشه به‌جای برق راجع به آب صحبت کرده‌ایم. اما برق تنها یک پاشنه آشیل دارد و آن هم بحران نقدینگی است. ما با تلاشی بسیار گسترده در سال ۹۲ قیمت برق را به ۵۰ تومان و در سال ۹۳ به ۵۷ تومان رساندیم. این هزینه برای تولید، انتقال و توزیع است. در تمام دنیا فقط هزینه انتقال و توزیع ۲ سنت و نیم است. بنابراین رقم مزبور حتی هزینه‌های انتقال و توزیع ما را هم پوشش نمی‌دهد. لذا این ارقام نشان می‌دهد که نظام اقتصادی برق باید تماماً ساماندهی شود.

این مقام مسئول با بیان اینکه مصرف برق

گیری در خصوص زمان بندی پرداخت و سرمایه گذاری آنها نیز بر عهده همین شورا است؛ در حقیقت بر اساس بند ۱۹ مصوب شورای اقتصاد، ما حتی در مورد وام هایی که از بانک های جهانی اخذ می کنیم، می توانیم از تضامین دولت با مصوبه های شورای اقتصاد بهره بگیریم.

وی در خصوص استفاده از ظرفیت های صادرات برق تصریح کرد: به نظر می رسد بخش خصوصی آنقدرها به دنبال استفاده از ظرفیت های صادرات برق نیست. چرا که اگر به شکل جدی این موضوع را پیگیری می کرد، باید موضوع صادرات برق را از ابتدای برنامه پنجم در دستور کار خود قرار می داد. اما کاری که بخش خصوصی انجام داده این بوده که تنها مکاتبه رمانی کرده، جلسه برگزار می کند و در نهایت به نتیجه روشنی نمی رسد

اسماعیل نیا سپس خطاب به صاحبان بخش خصوصی گفت: واقعاً اقدام اجرایی شما چیست؟ دولت برای چه باید به دنبال صادر کردن برق باشد؟ اتفاقاً ما هم از شما گله داریم. این شما باید که باید متقاضی صادرات برق باشید و برای عملیاتی شدن آن دستگاه های دولتی را تحت فشار قرار دهید. این مقام مسئول ضمن بیان اینکه در این فرصت نه تنها روی ماده ۱۲، بلکه روی تمام ظرفیت های قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر متمرکز خواهد شد، عنوان کرد: ملاحظاتی که ما در ارتباط با قانون

رفع موانع تولید داشتیم این بود که ابتدا ظرفیت های آن را شناسایی کرده و سپس با سایر دستگاه های اجرایی برای تدوین آیین نامه ها و دستورالعمل های قانونی آن مشارکت کنیم. کاری که از این مرحله به بعد باید انجام شود استفاده از ظرفیت های قانون و آیین نامه هایی است که به تصویب هیات وزیران می رسد.

وی ادامه داد: ما در وزارت نیرو، طی دو جلسه با حضور وزیر ظرفیت های قانون را شناسایی کردیم. سپس نظامنامه اجرایی آن را جهت اجرا و هماهنگی به حوزه های مختلف ابلاغ کردیم. همچنین کارگروهی با حضور نمایندگان معاونت های تخصصی حوزه آب و برق، شرکت های مادر تخصصی، سابا و سانا تشکیل دادیم که دبیرخانه آن در دفتر تنظیم مقررات است. قرار است اعضای این کارگروه و دبیرخانه در تدوین آیین نامه و دستورالعمل های این قانون مشارکت داشته باشند.

مدیرکل دفتر تنظیم مقررات و توسعه رقابت در بازار آب و برق در رابطه با مهم ترین ظرفیت هایی که در قانون رفع موانع تولید وجود دارد اظهار داشت: ماده ۱ این قانون راجع به جدول بدهی ها و ماده ۲ و ۳ راجع به تسویه مطالبات و بدهی های دولت با اشخاص حقیقی و حقوقی و ... است. ماده ۶ برای انتقال بدهی شرکت های دولتی به دولت و ماده ۷ برای کمک به طرح ها و پروژه های مورد واگذاری پیش

بینی شده اند. ماده ۹ راجع به وصول وجه مورد مطالبه بخش خصوصی یا توانیر در قبال فروش محصول و ... از سرمایه گذاران است. ماده ۱۲ نیز به اجرای طرح های صرفه جویی و کاهش تلفات و هدررفت در بخش آب و برق اختصاص داده شده است.

وی در ادامه تصریح کرد: در ماده ۲ و ۳، سه سازوکار پیش بینی شده است. ساز و کار اول راجع به استفاده از اوراق تسویه خزانه برای پرداخت بدهی های قطعی شده دولت به اشخاص حقیقی و حقوقی تا پایان سال ۹۲ است. حداقل مزیت این ماده قانونی، این است که بهره ای به این مطالبات تعلق گرفته و رقم بدهی ها ثابت نمی ماند. ضمن اینکه این اوراق در آینده بازار پذیر شده و قابل مبادله خواهد بود.

اسماعیل نیا همچنین در توضیح ماده ۲ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر گفت: ظرفیت دوم ماده ۲، انتشار اوراق صکوک اجاره در قوانین بودجه سنواتی به میزان ماهه التفاوت مطالبات اشخاص حقیقی و حقوقی و ... از دولت و شرکت های دولتی و بدهی قطعی شده آنان به دولت و شرکت های دولتی است که ممکن است این بدهی ها شامل بحث بیمه، مالیات و ... باشد.

وی ادامه داد: بند ج که مهم ترین بخش این ماده است و ما تمرکز بیشتری بر روی آن داریم، این است که امکان تهاتر بدهی ها با مطالبات را فراهم کند. البته قانونگذار تمام زوایای این کار را به صورت دقیق مد نظر قرار داده. این بار قرار نیست که مانند سال گذشته از یک سو ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان بدهیمان را با بخش خصوصی تهاتر کنیم و از سوی دیگر بر میزان مطالبات و بدهی های این بخش بیافزاییم.

اسماعیل نیا تجربه واگذاری نیروگاه ها به شرکت هایی که مطالبات معوق از وزارت نیرو داشتند را یادآوری کرد و افزود: اتفاقی که در سال گذشته رخ داد این بود که وزارت نیرو یک نیروگاه را واگذار می کرد. این نیروگاه از یک طرف به سازمان خصوصی سازی بدهکار است و از سوی دیگر پول برق را از دولت طلب داشت. اما امسال این کار در قالب یک ساختار مشخص و مدون صورت می گیرد. بر اساس آیین نامه ای که برای بند آخر ماده دو این

قانون تدوین شده و به زودی به تصویب خواهد رسید، وزارت دارایی باید بر اساس درخواست شرکت های بدهکار، بدهی و مطالبات آن را تأیید کند. به این ترتیب اگر وزارت نیرو به شرکت خصوصی و این شرکت بابت مالیات و بیمه به دولت بدهکار است، دستگاه دولتی جایگزین بخش خصوصی می شود. در نهایت دولت هم بر اساس ماده ۴۸ قانون محاسبات عمومی اجازه دارد در صورتی که دستگاه دولتی مزبور تا پایان سال بدهی هایش را پرداخت نکرد، این میزان را از حسابش برداشت کند. به این ترتیب ما به جای ایجاد بدهی های جدید برای بخش خصوصی، می توانیم بدهی های قبلی را هم تا حدودی تسویه کنیم.

مدیرکل دفتر تنظیم مقررات و توسعه رقابت در بازار آب و برق همچنین در خصوص ماده ۶ نیز گفت: اجرایی شدن این ماده می تواند از دو جهت به بهبود فضای کسب و کار منجر شود. اول اینکه ما می توانیم بدهی خود را که ناشی از تکلیف قانونی وزارت نیرو در حوزه قیمت برق بوده، به تأیید سازمان حسابرسی رسانده و سپس آن را در قالب ماده ۶ به دولت منتقل کنیم.

وی به تعیین قیمت تکلیفی برق از سوی دولت اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: در شرایطی که قیمت تکلیفی هر کیلووات ساعت برق به صورت تقریبی ۶۰ تومان است، ما ناگزیریم با بهایی گرانتر برق را از نیروگاه ها و بخش خصوصی خریداری کنیم و همین روند ما را به این بخش بدهکار می کند. در حقیقت این روند به ایجاد یک بدهی ۱۲ هزار میلیارد تومانی طی سال های ۹۰ تا ۹۲ برای وزارت نیرو منجر شده است. اما با تصویب این قانون این بدهی باید در قالب ماده ۶ به دولت منتقل شده و با سازوکار اوراق تسویه خزانه یا صکوک اجاره تسویه شود.

علی اصغر اسماعیل نیا در ادامه تصریح کرد: عمده نیروگاه های واگذار شده، بابت اوراق مشارکتی که برای تأمین منابع مالی آنها به فروش رسیده بود، بدهی هایی به سیستم بانکی و البته در قالب ماده ۶۲ داشتند. به علاوه بدهی آنها به صندوق ذخیره ارزی و بانک توسعه اسلامی هم وجود داشت که



همه این بدهی‌ها روی دوش وزارت نیرو مانده‌است و به واسطه ظرفیت‌های ماده ۶ حل خواهد شد.

وی در توضیح اثرات پیاده سازی قانون حمایت از تولید رقابت پذیر در صنعت برق، عنوان کرد: هر چه بار بدهی‌های وزارت نیرو تسویه شده یا به دولت منتقل شود، این وزارتخانه و صنعت برق در ارتباط با بخش خصوصی سبکبارتر می‌شود. البته در رابطه با ارقام نیز اختلاف نظرهایی بین وزارت نیرو و سازمان حسابرسی بین ۵ هزار و نهصد میلیارد تومان تا ۹ هزار و ۴۰۰ وجود دارد؛ ولی حداقل رقم ۵ هزار و نهصد میلیارد تومان به دلیل وجود اسناد کافی، تأیید شده است.

به گفته اسماعیل نیا ماده ۱۲ ظرفیت مهم دیگری است که در ادامه بند ۱۹ قانون بودجه سال ۹۲ و تبصره ۱۱ قانون بودجه ۹۳ تدوین شده است. وی خاطر نشان کرد: بند ۱۹ به حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان قرارداد منجر شده و تبصره ۱۱ حدود ۱۰ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان قرارداد در پی داشت.

این مقام مسئول با بیان اینکه قرارداد حدود ۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات واحد بخار بسته شده است، گفت: سئوالی که مطرح می‌شود این است که اشکال کار کجاست که این واحدهای بخار احداث نمی‌شوند؟ چرا این قراردادها اجرایی نمی‌شوند؟ قاعدتاً اولین مشکل، تأمین منابع مالی است؛ اما در شرایط کنونی که به سمت بهبود فضای کسب و کار پیش می‌رویم، حتماً بخش خصوصی می‌تواند از ظرفیت‌های خود در تأمین منابع داخلی یا خارجی استفاده کند. پیش بینی ما این است که به تدریج منابع مالی مورد نیاز کشور در صندوق توسعه انباشته می‌شود و دولت می‌تواند آنها را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد.

وی در ادامه با مطرح این سوال که چه طرح‌هایی در قالب ماده ۱۲ قابل پیگیری است، اذعان کرد: در حوزه نیروگاه‌های بخار با وجود این قرارداد ۷ هزار و ۵۰۰ مگاواتی منعقد شده، ظرفیت زیادی وجود ندارد. اما طرح‌های CHP و CCHP و نیروگاه‌های مقیاس کوچک از جمله طرح‌هایی هستند که

می‌توانند در این فضا احداث شوند. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش تلفات، بهینه‌سازی و صرفه جویی انرژی، برقرار کردن چاه‌های کشاورزی به خصوص از طریق انرژی‌های نو، جایگزینی مصرف برق به جای گاز یا فرآورده‌های نفتی در مناطقی که توجیه لازم را دارا هستند، افزایش سهم صادرات، عبور یا ترانزیت برق، تولید برق از تلفات گاز و بازیافت حرارت در فرآیندهای صنعتی طرح‌هایی هستند که فضا برای پیگیری و اجرای آنها کاملاً مساعد است.

دکتر اسماعیل نیا در ادامه تصریح کرد: یکی از نکات مهم این است که پرداخت اصل و سود سرمایه به سرمایه‌گذار در قالب ماده ۱۲ پیش‌بینی شده است. در حالی که در بند ۱۹ و در تبصره ۱۱، تنها برای بازگشت اصل سرمایه پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته بود و سودی به سرمایه‌گذار پرداخت نمی‌شد و توانیر یا بخش خصوصی موظف به پرداخت سود از محل منابع خود به سرمایه‌گذار بودند. علی‌اصغر اسماعیل نیا در بخش دیگری از سخنان خود گفت: بحث دیگر ماده ۱۲، مشخص بودن قیمت غیریارانه‌ای آب و برق جهت پرداخت به سرمایه‌گذار است که قیمت‌های صادراتی یا وارداتی مبنای پرداخت آن خواهد بود. مبحث دیگر این ماده نیز صدور مجوز فروش کالا یا خدمت تولیدشده توسط سرمایه‌گذار در داخل یا خارج است. ضمن اینکه در بند ۱۹ و تبصره ۱۱ برای بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری دو سال زمان تعیین شده بود اما بر اساس این ماده سقف مشخصی برای آن تعیین نشده است.

به گفته مدیرکل دفتر تنظیم مقررات و توسعه رقابت در بازار آب و برق در این قانون تصریح شده که امکان اخذ تسهیلات ارزی و ریالی از صندوق توسعه فراهم است. وی خاطر نشان کرد: از آنجا که قیمت نفت شناور بوده و ممکن است تغییرات زیادی داشته باشد، دوره بازگشت باید با حداقل قیمت باشد. در حال حاضر پیش‌بینی‌ها در مورد قیمت نفت حدود ۴۲-۴۰ دلار است. بنابراین تصمیم بر این است که با همین قیمت در شورای اقتصاد مصوبه اخذ شود تا

مشکل زیادی ایجاد نشود.

اسماعیل نیا در ادامه گفت: بر اساس این قانون پرداخت بلاعوض به بخش برق بر مبنای میانگین وزنی قیمت صادراتی و فروش داخلی خواهد بود که این میانگین مبلغی بالغ بر ۷۰ تومان خواهد شد. بنابراین حتی در صورت بهره‌گیری از این ظرفیت هم طرح‌های صنعت برق توجیه اقتصادی نخواهد داشت.

وی در خصوص بخش دیگری از حمایت‌های پیش‌بینی شده از حوزه برق تأکید کرد: صدور مجوز صادرات برق توسط بخش خصوصی قطعاً ابزار حمایتی بسیار توانمندی از بخش خصوصی است. اما مساله این است که وقتی بخش خصوصی هنوز نتوانسته از ظرفیت ماده ۱۳۳ بهره‌گیری کند، چطور قادر است از فرصت‌های ماده ۱۲ قانون حمایت از تولید رقابت پذیر بهره بگیرد. فعالین بخش خصوصی باید تلاش می‌کردند ظرفیت صادرات برق را -هرچند کم- فعال کنند. البته بحث فروش داخلی برق هم مطرح شده که احتمالاً خیلی جذابیت نخواهد داشت. آنچه جذابیت دارد این است که معادل سوخت صرفه جویی شده حاصل از کاهش تلفات، مجوز صادرات برق بگیرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود اذعان کرد: ما در مرحله اول قرار است ۴ طرح صنعت برق را جهت ارائه به شورای اقتصاد آماده کرده و سپس به مناقصه بگذاریم. البته این طرح‌ها در حال حاضر در مرحله محاسبات اولیه است.

اسماعیل نیا با اشاره به اینکه یکی از این ۴ طرح، در خصوص مولدهای خورشیدی کیلوواتی قابل نصب بر روی پشت‌بام‌ها است، اظهار کرد: لازم است سرمایه‌گذاری این طرح را در قالب پکیج‌های ۱۰۰ مگاواتی اجرایی کند. برآورد هزینه انجام شده برای هر کیلووات هم حدود ۵/۵ میلیون تومان است. پیشنهاد ما این است که ۲ میلیون تومان از این مبلغ به صورت مشترک تأمین شود و تأمین ۳ و نیم میلیون تومان هم بر عهده سرمایه‌گذار قرار گیرد. بر اساس محاسبات انجام شده نرخ برگشت سرمایه در این پروژه ۱۷ درصد و دوره

بازگشت تقریباً ۴ سال خواهد بود.

وی در ادامه عنوان کرد: طرح دیگری که در حال کار بر روی آن هستیم، تعویض روشنایی معابر و جایگزینی لامپ‌های LED به جای لامپ‌های موجود است. باید حدود ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار لامپ تعویض شود که سرمایه‌گذاری آن ۶۵۰ میلیارد تومان و درآمد سالانه‌اش ۲۸۵ میلیارد تومان خواهد بود. پیش‌بینی ما این است که نرخ بازگشت سرمایه در این طرح ۲۹ درصد و دوره بازگشت سرمایه ۲ سال و نیم خواهد بود.

به گفته علی‌اصغر اسماعیل نیا طرح سوم، اصلاح سیستم روشنایی ادارات است که شامل تعویض حدود ۱۰ میلیون شعله لامپ بوده و نیاز به حدود ۴۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری دارد. این پروژه صرفه جویی ۲۳۷ میلیارد تومانی سوخت را در پی خواهد داشت و دوره بازگشت سرمایه اش ۲ ساله خواهد بود.

مدیرکل دفتر تنظیم مقررات و توسعه رقابت در بازار آب و برق در پایان سخنان خود تصریح کرد: همه ما پذیرفته ایم که تلفات برق در کشور ما بالاست و می‌توانیم با سرمایه‌گذاری، این میزان تلفات را کاهش دهیم. اگر کاهش تلفات با حدود ۷ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری و با اولویت استان‌هایی مانند خوزستان و جنوب کرمان که تلفات بالایی بیست و چند درصدی دارند، در دستور کار سرمایه‌گذاران قرار گیرد، قطعاً این پروژه سالانه حدود ۳ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان برگشت سرمایه خواهد داشت. بازگشت سرمایه این پروژه دوره ای در طول دو سال و نیمه خواهد داشت، ضمن اینکه در برخی مناطق با توجه به میزان کاهش تلفات این دوران ممکن است کوتاه تر شود.

در بخش پایانی سمینار نیز جلسه پرسش و پاسخی با حضور دکتر اسماعیل نیا، مهندس مهندس ترابی و مهندس بخشی و مهندس خوبی برگزار شد که طی آن، نماینده وزارت نیرو و مرکز پژوهش‌های مجلس به سئوال‌ها و ابهامات نمایندگان سندیکا و حضار پاسخ دادند. ■



آنچه در دومین کنفرانس و نمایشگاه ترانسفورماتور گذشت از حضور پررنگ شرکت‌های خارجی تا ارتقا سطح علمی و تکنولوژیک

دومین کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی ترانسفورماتور صبح روز سه‌شنبه دهم شهریور سال جاری در حالی آغاز به کار کرد که حضور جمعی از برترین چهره‌های علمی صنعت ترانسفورماتور کشور در کنار ۱۸ شرکت و تشکل داخلی و ۸ کمپانی و موسسه تحقیقاتی خارجی آذین‌بخش آن بود. در آیین افتتاحیه این کنفرانس پروفیسور غفوری فرد رییس انجمن مهندسين برق و الکترونیک ایران ضمن اشاره به این موضوع که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات صنعت برق ایران در دهه ۶۰ نبود ترانسفورماتور با کیفیت در شبکه توزیع و تولید کشور بوده است اظهار کرد: این صنعت با وجود آنکه در زمره صنایع‌های تک‌قرار نمی‌گیرد، اما نقش بسیار جدی در جایگاه صنعت برق کشور دارد و مشکلات و مشقات پیچیده‌ای را تا به امروز پشت سر نهاده است. غفوری فرد در ادامه اذعان داشت: اما در حال حاضر با افتخار، از فاصله اندک ایران با قدرت‌های برتر دنیا در ساخت ترانسفورماتور و حضور کشورمان در جمع ده کشور برتر جهان در این زمینه خبر می‌دهیم، تا جایی که هم‌اکنون شاهدیم ترانس‌های بالای ۴۰۰ کیلوولت توسط مهندسان ایرانی در حال طراحی و ساخت است. وی با بیان این مطلب تصریح کرد: در سال گذشته ۷۴ میلیون دلار صادرات ترانسفورماتور از کشور صورت گرفته است. رئیس انجمن مهندسين برق و الکترونیک در این مراسم با ارائه گزارشی با عنوان "شبکه‌های هوشمند و انرژی تجدید

پذیر" ضمن اشاره به اهمیت انرژی پایدار در ایجاد توسعه پایدار، دو چالش بزرگ مرتبط با انرژی، شامل موانع دسترسی به انرژی و آلاینده‌های آن را خاطر نشان ساخت و راه‌برون رفت از هر دو چالش را پیوند شبکه‌های هوشمند و انرژی‌های تجدید پذیر خواند و راهکار دستیابی به یک شبکه هوشمند را بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تمامی جوانب ذکر کرد.

به گفته رییس دومین کنفرانس ترانسفورماتور در حاشیه این کنفرانس، نظر به مشکلات اصلی مبتلا به ترانسفورماتورهای در کسور که با قدرت خنک‌کنندگی پایین امکان اشتعال روغن‌های معدنی مصروفه در غالب ترانسفورماتورهای فعلی، همچنین مشکلات زیست‌محیطی ناشی از آن ارتباط دارد، در این دور از کنفرانس تم اصلی و دغدغه ما بر معرفی نتایج تحقیقات صورت گرفته در جایگزینی روغن‌های گیاهی در ترانس‌ها و فناوری‌های دیگری چون ساخت ترانس‌های خشک بوده است.

در همین اساس یدالله شیخ‌قمی، استاد دانشگاه و نماینده مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای تهران، در ادامه مراسم افتتاحیه کنفرانس ترانسفورماتور، در قالب ارائه گزارشی در این خصوص اظهار داشت: یکی از مشکلات اصلی روغن‌های معدنی در ترانسفورماتورها، علاوه بر خطر اشتعال و قابلیت خنک‌کنندگی پایین، آلودگی محیطی بالای آن‌هاست که در صورت نشت می‌تواند تا ۵ میلیون لیتر آب

را آلوده سازند.

شیخ‌قمی در این راستا افزود: استفاده از سوخت روغن گیاهی در ترانسفورماتورها، به جهت عدم وجود ترکیبات سولفور که موجب خوردگی در ترانسفورماتورهای می‌شود، از امتیازات و محاسن ویژه‌ای در نگهداری ترانس برخوردار است.

وی در ادامه غیر سرطانی‌زایی، عدم قابلیت اشتعال تا ۳۵۰ درجه سانتی‌گراد و افزایش عمر و جلوگیری از گریز ترانسفورماتورها را به جهت تمایل بیشتر به جذب آب توسط روغن‌های گیاهی از دیگر مزایای منحصر به فرد این روغن‌ها خواند.

در ادامه مراسم افتتاحیه کنفرانس دوم ترانسفورماتور ضمن دعوت از اعضای کمیته علمی کنفرانس و دیگر چهره‌های علمی و فنی صنعت برق کشور مطابق رسم سال گذشته یکی از اثرگذارترین فرد در صنعت ترانسفورماتور کشور مورد تقدیر قرار گرفت.

بر همین اساس پروفیسور حسین بورسی ریاست دانشکده مهندسی دانشگاه مشهد که مقام مشاور وزیر نیروی وقت در زمان وزارت پروفیسور غفوری فرد و استاد دانشگاه‌ها نوفر آلمان را در کارنامه درخشان علمی و عملی خود دارد، به عنوان چهره برگزیده این دور کنفرانس ترانسفورماتور شناخته شد. بورسی پس از اشاره به آنچه خود سابقه دوستی خود با ترانسفورماتور می‌خواند، از تجربه شناخت و شروع پژوهش‌های خود در خصوص مایع استر (Ester Fluid)

و جایگزینی تدریجی آن از ۲۵ سال پیش تاکنون در ترانسفورماتور به جای روغن PCB که به شدت سرطانزا و خطرناک اند سخن گفت.

وی در ادامه با ارائه جزئیات علمی مختلف به دیگر مزایای استر نسبت به روغن های معدنی پرداخت.

ضمن آن تخفیف های ویژه اعضای سندیکا کسب کنیم و تقریباً از همه اعضا و کمیته های تخصصی دعوت به عمل آمد تا در صورت تمایل در غرفه سندیکا جایگاه ویژه ای داشته باشند.

مسئول دومین نمایشگاه بین المللی ترانسفورماتور از اختصاص مجموعه ۵۰۰ مترمربع فضا به غرفه های نمایشگاه

آنچه مسلم است در تمام مراحل شاهد حساسیت بسیار بالای تیم اجرایی و کمیته کنفرانس در انتخاب مقالات، داوری و تعیین سخنرانان کلیدی که همگی از چهره های شاخص علمی کشور در این صنعت اند بوده ایم. به طوری که به حق می توان گفت شأن یک کنفرانس بین المللی در آن رعایت شده است.

پایان دومین کنفرانس و آغاز توسعه همکاری های مشترک

سرانجام یازدهم شهر یورماه اختتامیه دومین کنفرانس و نمایشگاه بین المللی ترانسفورماتور در سالن همایش های نیروگاه طرشت با حضور مسئولین برگزاری کنفرانس، ارایه دهندگان مقالات برتر کنفرانس، نمایندگان سندیکای صنعت برق، نمایندگان شرکت های اسپانسر کنفرانس و نمایندگان شرکت های مشارکت کننده در نمایشگاه جانبی کنفرانس، برگزار شد.

در ابتدای این مراسم پروفیسور غفوری فرد، در مقام ریاست کنفرانس به سخنرانی پرداخت و گفت: در این کنفرانس هدف های خوبی را دنبال کردیم. مساله ترانسفورماتور نقش بسیار بسیار مهمی در صنعت برق دارد و در سال های اخیر نیز صرفه جویی ها و پیشرفت های خوبی در این زمینه صورت گرفته است. این حوزه نیاز به تبادل نظر و همکاری بیشتر با دانشمندان داخلی و خارجی دارد و خدا را سپاس می گویم که دوستان شرکت کننده به بحث های کنفرانس بسیار علاقمند بودند.

غفوری فرد ادامه داد: خوشبختانه پس از توافق در مذاکرات، زمینه برای همکاری با کشورهای دیگر تقویت شده است. امریکا در عراق و افغانستان تلاش کرد مسائل را به صورت نظامی حل کند؛ اما او باما اخیراً اظهار داشت ما در ۱۰ سال گذشته با استفاده از توانایی های نظامی موفق نبوده ایم. آنها متوجه شده اند همیشه اسلحه حلال مشکلات نیست و راه های بهتری هم هست. توافق در مذاکرات حداقل برای ایران دوران جدیدی از تبادل اندیشه ها و همکاری های بین المللی را ایجاد خواهد کرد.

وی در خصوص رشته ترانسفورماتور عنوان داشت: ما در این رشته جزو ده کشور نخست جهان هستیم. امروز ما ترانس ۷۵۰ کیلوولت صادر می کنیم. هم دنیا می تواند از تجربیات ما استفاده کند و هم ما از تجربیات دنیا.

رییس کنفرانس ترانسفورماتور با بیان اینکه شرکت کنندگان نمایشگاه هم از داخل کشور و هم از کشورهای خارجی هستند، گفت: یک حسن دیگر اینگونه کنفرانس ها این است که دوستان خارجی شرکت کننده شرایط ایران را مشاهده کرده و آن را به خارج انتقال می دهند. این کار، تبلیغات منفی را که در خارج از کشور نسبت به ایران وجود دارد خنثی خواهد کرد.

به گفته غفوری فرد در این کنفرانس ۲۰۰ مقاله دریافت شده



و فضای باز آن خبر داد و افزود: با توجه به استقبال گسترده صورت گرفته در این دوره و با اولین ورزش های فضای پس از تحریم پیش بینی ما در نوبت بعد و با حضور پررنگ تر شرکت های خارجی که هم اکنون جوایب آن هستند، افزایش ۵۰ درصدی فضای نمایشگاهی و ارتقاء چشمگیر کیفی آن در سال های آتی است.

مدیر داخلی سندیکای صنعت برق ایران در پاسخ به فرصت ها و مزایای شرکت جستن در چنین نمایشگاهی برای ظرفیت داخلی و خارجی در گام های پیش رو در تعمیق و تقویت این ارتباطات خاطر نشان ساخت: نظر به حضور شرکت ها و شخصیت های معتبر و شناخته شده دنیا در چنین محافلی می توان آن را بهترین فرصت برای آشنایی شرکت های داخلی با تکنولوژی روز دنیا و بازدید از دستاوردهای کشورهای اروپایی دانست.

وی متقابلاً در اولین گام ها برای طرف های خارجی فرصت رصد کردن بازار و صنعت برق ایران و در گام های بعدی شکل گرفتن ارتباطات گسترده تری در قالب اعزام هیأت های تخصصی را بر شمرد و اضافه کرد: به هر حال محل اولیه شکل گیری جاده دوسویه تامین بازار و انتقال تکنولوژی در رویدادهای این چنینی رقم می خورد و یکی از ماهیت های وجودی نمایشگاه ها نیز در اصل برقراری همین ارتباطات است که نباید به فرصت چندروزه نمایشگاه محدود بماند.

برزوی مهر در پایان این گفتگو میزان کاربردی بودن موضوعات مطرحه در بخش کنفرانس را در صنعت ترانسفورماتور منوط به میزان رضایت و نتایج نظرسنجی های انجام شده دانست و تصریح کرد:

نمایشگاهی برای پی ریزی ارتباطات دوسویه بازار و انتقال تکنولوژی

در پی اتمام افتتاحیه دومین کنفرانس ترانسفورماتور، نمایشگاه جانبی ترانسفورماتور نیز مورد بازگشایی و دیدار مسئولین امر قرار گرفت.

حضور شرکت های خارجی در دور جدید نمایشگاه ترانسفورماتور و ایجاد فرصت تبادل تکنولوژی و بازارهای هدف، در این محفل از دیگر نکات متمیزه این دوره بود که در حاشیه نمایشگاه توسط سپر برزی مهر مدیر داخلی سندیکای صنعت برق ایران و مسئول برگزاری دومین نمایشگاه بین المللی ترانسفورماتور خاطر نشان شد.

برزوی مهر با بیان این مطلب و ضمن اشاره به چگونگی تشکیل شورای سیاست گذاری کنفرانس و نمایشگاه ترانسفورماتور از سال گذشته، نقش کلیدی سندیکا را به عنوان یکی از سه رکن جدی برگزاری این گردهمایی علمی و صنعتی در این دو دوره یاد آور شد و افزود: با توجه به تجربه موفق سندیکا در کیفیت بالای برگزاری نمایشگاه های مختلف صنعت برق، این توانایی سندیکا برای فعالین صنعت برق به عنوان بازویی تسهیل گر برای ارتباط با نهادهای دولتی و حتی شرکت ها و نهادهای مرتبط خارجی امروز به خوبی شناخته شده است. به موجب این امر برقراری ارتباط بسیار خوبی را از سوی سندیکا با انجمن مهندسان برق و الکترونیک به عنوان نهاد اصلی برگزار کننده این گردهمایی شاهد هستیم.

وی در خصوص نحوه اطلاع رسانی به اعضا در خصوص شرکت در این نمایشگاه اذعان داشت: در این دوره به رغم اینکه کمی دیر اطلاع رسانی صورت گرفت اما تلاش داشتیم



داریم. امیدوارم از طریق سندیکای صنعت برق بتوانیم پیوند خوبی بین صنعت و مجامع علمی ایجاد کنیم. برای این امر در سندیکا دفتر ارتباط با دانشگاه و مجامع علمی را ایجاد کرده‌ایم و من خواهش می‌کنم استاتید و دانشجویان گرامی پروژه‌های مفید را به ما معرفی کنید. ما از این پروژه‌ها حمایت خواهیم کرد تا بتوانیم آنها را به خط تولید بفرستیم. خوشبختانه ارتباط ما با دنیا روز به روز بیشتر می‌شود و این می‌تواند خطر ساز هم نباشد. راه نجات صنایع از این خطر، کمک گرفتن از مراکز علمی و پژوهشی و جوانان علاقمندی است که با این مجامع همکاری می‌کنند. من با دانشگاه‌های مختلف نیز مکاتبه کرده و در هر موقعیتی نیز اعلام می‌کنم. سندیکای صنعت برق آماده حمایت از کنفرانس‌ها، پایان‌نامه‌ها و هر نوع پژوهشی است که به کار صنعت آید. تا به حال نیز سندیکا به برگزاری نمایشگاه‌های مختلف همت گماشته است؛ اما به این اکتفا نکرده و برای هر کمک دیگری در خدمت صنعت کشور هستیم.

در پایان مراسم پرویز غیاث‌الدین، پروفیسور حسین بوریسی، پروفیسور بهروز پهلوانپور، فراهانی (مدیرعامل نیروگاه طرشت)، پروفیسور گنورگ قره‌پتیان و مهندس آقایی فر (دبیر کنفرانس) روی صحنه آمدند تا از برگزیدگان کنفرانس تقدیر به عمل آورند.

از مهندس بهروز احمدزاده به عنوان ارائه‌دهنده برترین مقاله کنفرانس تقدیر شد و همچنین از پروفیسور حسین بوریسی، پروفیسور پهلوانپور و پروفیسور قره‌پتیان به عنوان اعضای کمیته علمی کنفرانس و ارائه‌دهندگان مقالات برگزیده تقدیر به عمل آمد.

ضمناً علاوه بر تقدیر از سایر ارائه‌دهندگان مقالات برگزیده و شرکت‌هایی که در نمایشگاه جانبی کنفرانس شرکت کرده بودند، از شرکت‌هایی که اسپانسرهای برتر کنفرانس بودند نیز با تقدیم لوح تقدیر به نمایندگان آنها قدردانی به عمل آمد. این شرکت‌ها عبارت بودند از: شرکت بهگام فراین نوین، شرکت مگر، شرکت نفت بهران، شرکت نیروماد خراسان و

شرکت نفت ريسان. ■

امسال سی‌امین کنفرانس بین‌المللی برق برگزار خواهد شد. از سال دوازدهم از من خواسته شد مسئولیت برگزاری این کنفرانس را برعهده بگیرم. همانطور که استحضار دارید، بزرگترین کنفرانس علمی در ایران کنفرانس بین‌المللی برق است که معمولاً در آبان‌ماه برگزار شده و تعداد بسیاری مقاله در محورهای مختلف در آن ارائه شده و بیست کمیته علمی بسیار بسیار معتبر از چهره‌های برجسته دانشگاهی و صنعت با آن همکاری می‌کنند.

غیاث‌الدین ادامه داد: چیزی که در این مدت بسیار بسیار آزار دهنده بوده این است که صنعت ما کمتر به سراغ این مقالات می‌آید. چند ماهی است که من به سندیکای صنعت برق رفته‌ام تا بلکه صنایع را به سمت مقالات و کارهای علمی و استفاده از این پتانسیل بسیار غنی کشور سوق دهیم. دبیر سندیکای صنعت برق اظهار کرد: من همین الان به صورت فی‌البداهه می‌توانم از بیست کنفرانس مختلف را

و ۲۷ مقاله به عنوان مقاله برتر برگزیده شده است. پس از غفوری فرد، پروفیسور پهلوانپور پشت تریبون آمده و با اشاره به اینکه ترانسفورماتور از نظر سرمایه‌عاملی بسیار با اهمیت است، عنوان کرد: آیا سیستمی به این مهمی ارزش این را ندارد که اینجا جمع شویم؟ ما اینجا جمع شدیم تا راجع به نگهداری شبکه و طولانی کردن عمر ترانسفورماتور صحبت کنیم. این تبادل نظرها بسیار حایز اهمیت است. من از خواهش می‌کنم ادامه داده و نظراتتان را با یکدیگر به اشتراک بگذارید.

وی در ادامه چند کلمه‌ای نیز به زبان انگلیسی با میهمانان خارجی سخن گفته و از آنان به دلیل حضور و مشارکت‌شان تقدیر و تشکر به عمل آورد.

پس از پهلوانپور پرویز غیاث‌الدین، دبیر سندیکای صنعت برق که مسئولیت برگزاری نمایشگاه جانبی کنفرانس را برعهده داشت، سخنرانی کرد. وی گفت: دکتر حیدری



کنفرانس بین‌المللی برق را ۳۰ سال پیش برگزار کردند و در صنعت برق نام ببرم که برای همه اینها تعداد زیادی مقاله

نشست هم‌اندیشی مشاوران صنعت برق در سندیکا برگزار شد

حال مهندسين مشاور خوب نيست



بر لزوم ارایه تضامینی از سوی بانک‌ها در شرایط پساتحریم برای بسترسازی سرمایه گذاری خارجی از دیگر رؤس صحبت‌های دکتر عربانی بود که ضمن آن نقش مهندسين مشاور در پروژه‌ها و توسعه صادرات یاد آور شد.

به دنبال طرح این موضوعات مهندس شیرانی، مدیر عامل شرکت موننکو، با ارایه گزارش جامعی از آنچه در سند چشم‌انداز توسعه برای جایگاه ایران در منطقه تا سال ۱۴۰۴ دیده شده است و موقعیت کنونی کشور در هر یک از شاخص‌های توسعه برای این مطلب تاکید داشت که توسعه یافتگی صرفاً بر اساس مبانی اقتصادی نبوده و شفاف سازی و حفظ حرمت انسانها از ضرورت‌های آن محسوب می‌شوند.

وی بر همین اساس در خصوص نقش مهندسين مشاور در مسیر توسعه افزود: باید توجه داشت طبق آمار بین المللی بیشترین حجم کار مهندسی در دنیا مجموعاً در آسیا و خاورمیانه است، بنابراین اطراف ما بازار

نیروگاه‌های گازی و شبکه‌های انتقال و فوق توزیع و توزیع و نیز طراحی و تهیه طرح‌های بازسازی تاسیسات برق از سوی وی مورد پیشنهاد قرار گرفت. همچنین تهیه اسناد تامین تجهیزات بصورت فاینانس، ریفاینانس، یوزانس و غیره در کنار تهیه اسناد تامین تجهیزات به صورت B.O.T و B.O.O و سایر شیوه‌های مشارکتی و استفاده از خطوط اعتباری دیگر کشورها به ایران و آمادگی صدور خدمات فنی و مهندسی به کشورهای هدف و کشورهای که با وزارت نیرو توافقنامه همکاری دارند.

رئیس کمیته مهندسی مشاور سندیکا در این راستا اشاره کرد هزینه خدمات مهندسی در مجموع اقدامات و طراحی‌ها رقم قابل توجهی نخواهد بود و شاید بتوان حتی یاد دریافت در صدی از مبلغ خدمات ساختارهای مهندسی شرکت‌های مشاور را حفظ کرد.

محوریت بخشیدن به مسایل بانکی با تاکید

بسیاری از مشاوران با کمبود نقدینگی و مشکل پرداخت حقوق پرسنل مواجه شده‌اند. وی در همین رابطه ضمن ارایه پیشنهادی خواستار آن شد تا کارفرمایان به خصوص شرکت توانیر، سازمان توسعه برق ایران و شرکت‌های برق پروژه‌های انجام نشده در برنامه پنجم و پروژه‌های اولویت دار برنامه ششم توسعه را به مشاوران ابلاغ کنند تا بدینوسیله سعی شود با فعال شدن این بخش از خدمات، مشاورین قادر به حفظ پرسنل خود باشند و در صورت تامین منابع مالی پروژه‌های بررسی شده آماده اجرا شود.

دکتر عربانی در بخش دیگری از صحبت‌ها خواستار آن شد تا با حضور فعال نمایندگان مشاور در هیات‌های اعزامی به کشورهای دیگر و یا ورود هیات‌های خارجی به ایران در مورد وصول پروژه‌های برون مرزی با مشاورین همکاری داشته باشند.

بر همین اساس مواردی چون امکان سنجی و تهیه طرح‌های جامع برق، طراحی و تهیه اسناد نیروگاهی در خصوص ترکیبی شدن

سندیکای صنعت برق ایران چهارشنبه مورخ بیست و پنجم شهریور ماه سال جاری در قالب اولین نشست هم‌اندیشی مهندسين مشاور، میزبان جمعی از مدیران شرکت‌های مهندسی مشاور بود که به منظور طرح مشکلات و ارایه راه حل‌های خود در خصوص صدور خدمات مشاوره در صنعت برق با مهندس نظام الملکی رئیس مرکز پشتیبانی صنایع آب و برق و توسعه صادرات وزارت نیرو و مهندس راعی مدیر کل دفتر برنامه ریزی و مدیریت شبکه این وزارت‌خانه به بحث و تبادل نظر پرداختند.

در این نشست که علاوه بر اعضای کمیته مهندسی مشاور سندیکا، نمایندگان از دیگر شرکت‌های برجسته مهندسين مشاور حضور داشتند، دکتر عربانی رئیس کمیته مهندسی مشاور سندیکا ضمن ارایه گزارشی با موضوع اقدامات مهندسين مشاور برق و کارفرمایان در دوران پساتحریم، اذعان داشت: در حال حاضر عرصه کار برای مشاوران بسیار تنگ شده است به طوری که

مستعدی برای صدور خدمات مهندسی وجود دارد.

مدیر عامل شرکت مونکو با بیان این مطلب، مواردی چون عدم ظرفیت سازی و توانمندی سازی، عدم دسترسی به دانش فنی و بی توجهی به ریسک‌ها، مشتریان و سهامداران را در کنار بی توجهی به بازار بین‌المللی از جمله مهترین آسیب‌های مهندسی مشاور در ایران ذکر کرد و راهکار برون‌رفت از شرایط فعلی را توجه جدی به این موارد دانست.

وی خاطر نشان ساخت: کارفرمایان مادر حال حاضر ترجیح می‌دهند به رغم پرداخت هزینه بالاتر، از مشاورین خارجی استفاده کنند که این امر نشان دهنده لزوم اعتماد سازی بین مشاوران داخلی و کارفرمایان صنعت برق است و در این راستا وظیفه اصلی سندیکا کمک به اعضا برای بالا بردن سطح آنان برای دریافت گواهی نامه‌های معتبر است.

در خلال این نشست مهندس درافشان، معاون انتقال و توزیع شرکت قدس نیرو نیز طی ارایه مطالبی با عنوان چالش‌ها و راهکارهای بقای مهندسی مشاور ضمن تاکید بر مسئولیت ویژه قلمرو طراحی که بر

مدیر ارشد شبکه‌ها در شرکت قدس نیرو پیرو با بیان این مطلب تصریح کرد: در حال حاضر با تعیین نرخ غیر اصولی مشاوره در مناقصات، مهندسی مشاور ایران مورد توهین قرار گرفته است.

مهندس سعید مذهب ترابی هم در تایید این موضوع، ضمن آنکه حضور مسئولین امر را در این نشست راهگشا و موجب دلگرمی دانست، اذعان داشت: حال مهندسی مشاور خوب نیست و اهم دلایل این امر را خود زنی‌های موجود بین مشاوران، رشد بی مهابای مهندسی مشاور اصطلاحاً زیر پله‌ای و تشدید این وضعیت توسط کارفرمایان ذکر کرد. در همین راستا مهندس امینی مدیر عامل شرکت قدس نیرو ضمن ایراد مطالبی نحوه انتخاب مناسب مشاور را بر اساس QBS عنوان کرد.

در بخش دیگری از این نشست مهندس ناصح ریاست هیات مدیره شرکت نورگستر و از پیشکسوتان صنعت برق با اشاره به تاریخچه شکل‌گیری مهندسی مشاور ایرانی اعلام داشت: این صنف از شرکت‌ها برای کشور بسیار مفید بوده‌اند و در سال‌های پس از انقلاب و به خصوص در زمان جنگ

قراردادها بر خلاف عرف و قوانین برنامه بودجه و تحمیلی بوده و بر خلاف گذشته کارفرمایان توزیع اسامی و مبالغ حقوق آنان را به مشاوران دیکته می‌کنند. ضمناً خانم رجیبی مدیر امور بازار یابی شرکت مشائیر ضمن پیشنهاد جایگزینی لفظ ارجاع کار به جای مناقصه در امور مشاوره در مورد همکاری با سندیکا در خصوص تهیه بسته‌های مشخصی برای بانک جهانی و وصول پروژه‌های داخلی و خارجی از سوی شرکت مشائیر اعلام آمادگی کرد.

در این نشست مهندس راعی مدیرکل دفتر برنامه ریزی و توسعه شبکه نیز در این جلسه با تاکید بر آنکه مشاوران خود باید راه‌حل‌های مناسب را به کارفرمایان ارائه دهند گفت: مشاوران انتظار پروژه سازی و حمایت دایم از سوی تواتیر و وزارت نیرو نداشته باشند و تقویت ساختار مشاورین را در دستور کار قرار دهند. وی همچنین از انجام شدن پروژه‌های نیروگاهی توسط شرکت مینا خبر داد و تصریح کرد: در مورد شبکه‌های انتقال و توزیع در حال برنامه‌ریزی هستیم.

در پایان این نشست مهندس نظام الملکی

برگزار شده با هیات خارجی به منظور حضور نمایندگان مستعد و توانمندی از مهندسی مشاور، باز هم تاکید می‌کنم ما تمایل داریم سرمایه‌گذاران خارجی از درب سندیکا وارد بازار ایران شوند.

رییس مرکز پشتیبانی صنایع آب و برق و توسعه صادرات وزارت نیرو در ادامه تعهد وزارت نیرو را در ارایه ضمانت نامه‌هایی در کمتر از ده روز و با سقف دو درصد پیش پرداخت برای کلیه شرکت‌های ایرانی مشاور که دارای پروژه‌های خارجی هستند یادآور شد و گفت: با پیگیری‌های صورت گرفته از سوی وزارت نیرو در خصوص انعقاد پیمان پولی با کشورهای ترکیه، عراق و ارمنستان، اخیراً مورد ترکیه به ثمر نشست است که این خود نوید حل بسیاری از تبادلات بانکی با این کشور را می‌دهد.

وی در ادامه افزود: راه حل شرایط اقتصادی کشور صدور خدمات و صادرات غیر نفتی است و راه صادرات نیز پیش از همه شما مشاوران هستید. همچنین در این راستا از مشاوران خواسته شد در پروژه تبدیل پسماند به برقی که پرداخت هزینه آن با صندوق



دوش مهندسی مشاور است اذعان داشت: عمل مهندسی می‌بایست اخلاق‌گرا و تقوآمور باشد.

وی با نمایش هرم اثر هزینه رفع خطا، به رشد صعودی این هزینه‌ها در طول مراحل طراحی اولیه تا دوران بهره‌برداری اشاره داشت و از این طریق بر اهمیت خطایابی در اولین مراحل امر و صرفه‌جویی متعاقب آن که از مسئولیت‌های اصلی مهندسی مشاور است، تاکید کرد.

۸ ساله در بیش از ۸۰ درصد پروژه‌های صنعت برق حضوری فعال داشته‌اند. وی با بیان این مطلب تصریح کرد: شایسته است در شرایط حادث شده فعلی وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه در حفظ و حراست آن‌ها کوشا باشد.

در ادامه مهندس رفیعی قائم مقام مدیر عامل شرکت معیار توسعه نیرو ضمن برشمردن مشکلات عقد قرارداد با شرکت‌های توزیع و ابراز ناخشنودی اعلام داشت که این

پس از استماع نظرات با اشاره به نقش ثمر بخش مشاوران در شرایط سخت تحریم و دیگر مشکلات از کم‌کاری بخش خصوصی و سندیکا در ارایه پیشنهادها و گزارش‌های تخصصی و مستند و نیز عدم همراهی در برخی نشست‌ها با شرکت‌ها و مسئولین مرتبط خارجی انتقاد داشت و خاطر نشان کرد: بدینوسیله ضمن بیان همراهی صد درصدی وزارت نیرو با پیشنهادهای شما و اطلاع‌رسانی کامل در خصوص نشست‌های

توسعه ملی است در اختیار شرکت سانا است به صورت پروژه‌ای مشارکت کنند.

نظام الملکی با استناد به ماده ۸ آیین‌نامه صدور خدمات فنی و مهندسی اظهار داشت: پیمانکارانی که نسبت به صدور خدمات فنی و مهندسی اقدام کنند می‌توانند با قرارداد‌های خود ۲۰ درصد مبلغ قرارداد را وام‌کم بهره دریافت کنند تا موجب تقویت نقدینگی آنان شود. ■

معاون وزیر برق ارمنستان در دیدار با کمیته توسعه صادرات خبر داد اعلام آمادگی وزیر برق ارمنستان برای گسترش روابط با شرکت های ایرانی



معاون وزیر برق کشور ارمنستان بعد از ظهر دوشنبه نوزدهم مرداد ماه سال جاری میهمان هیات ریسه کمیته توسعه صادرات سندیکای صنعت برق ایران بود.

آرام آنانیان مدیرعامل شرکت هایون (HVEN) ارمنستان طی نشست صمیمانه با اعضای هیات ریسه کمیته توسعه صادرات از زمینه های مشترک فرهنگی و سیاسی ملت و دولت دو کشور گفت و ضمن قدردانی از کمک های ایران در مواقع زلزله و جنگ در ارمنستان و اشاره به تغییر و بهبود چشمگیر شرایط این کشور در حال حاضر، عنوان داشت: ما پروژه های جدیدی در زمینه انرژی در دست داریم.

در ابتدای این نشست مهندس بخشی ضمن معرفی سندیکای صنعت برق ایران و توانمندی شرکت ها صادرات، در خصوص همکاری صنعت برق با کشور ارمنستان اعلام آمادگی کرد. این عضو هیات مدیره سندیکا و از اعضای هیات ریسه کمیته توسعه صادرات در ادامه با اشاره به تمایل صنعت برق ایران برای گسترش همکاری های دو کشور در شرایط پس از توافق و ایجاد فضای جدید خاطر نشان ساخت: کمیته توسعه صادرات یکی از کمیته های اصلی سندیکا است و شرکت های اصلی فعال در منطقه در زمینه صادرات کالا و خدمات مهندسی برق در این کمیته گرد هم آمده اند.

معاون وزیر برق ارمنستان در ادامه صحبت های خود اذعان داشت: همکاری های ما با نهادهای اقتصادی ایران از امروز و با انعقاد قرارداد همکاری با بانک توسعه صادرات و نیز حضور در جلسه ای با شرکت صنایع آغاز شد. وی در این خصوص تصریح کرد: طی این نشست مقرر شد برنامه زمانبندی قرارداد ۱۸ ماهه ما با صنایع توسط این شرکت اعلام شود.

آنانیان با بیان این مطلب افزود: مهمترین قسمت هر کار بخش مالی است اما در جلسه امروز با مهندس صالح آبادی، تاکید شد پروژه با کندی و دیرکرد پرداخت روبرو نخواهد شد. همچنین باید در نظر داشت با همکاری در خط سوم انتقال، امکان تماس و تعریف پروژه های بیشتر در آینده میسر است.

وی در ادامه شرکت هایون را مجموعه ای بسیار قوی معرفی کرد که توانایی عقد قرارداد با هر مجموعه سرمایه گذاری را با هماهنگی هیات دولت و وزارت خانه ها دارا است و در این

تمام نکات مشترک خواهیم پرداخت. وی افزود: در مذاکره انجام شده با صنایع در خصوص پروژه ای نیاز زیادی به تجهیزات وجود دارد و با توجه به مذاکرات اگر صنایع موفق شود، همکاری خوبی را در خط انتقال به گرجستان با شرکت های ایرانی خواهیم داشت.

مدیرعامل شرکت هایون (HVEN) ارمنستان در خصوص تامین مالی پروژه های اخیر تصریح کرد: پیش از این شرکت گاز بروف فاینانس را انجام می داد اما اکنون این امر با KFW است.

آنانیان در پایان افزود: در پست سوم که نزدیک گرجستان است، شبکه برق ایران را به روسیه و ارمنستان متصل می کند و ما به یک شبکه تبدیل می شویم. امیدواریم بدینوسیله در کنار هم قدرت بیشتری داشته باشیم. ■

راستا از اعلام آمادگی وزیر برق ارمنستان برای گسترش روابط با شرکت های ایرانی خبر داد.

در ادامه این جلسه مهندس باقری رییس کمیته توسعه صادرات ضمن تشکر از قبول دعوت سندیکا و اراده هیات ارمنی به همکاری با بخش خصوصی برگزاری جلسات متعدد در طی پروژه های مشترک گذشته را نشان از نزدیکی این دو کشور و مردمان آن دانست و این پروژه ها را بهانه ای برای نزدیکی شدن ارتباطات دو کشور قلمداد کرد.

باقری افزود: بر همین اساس از طریق سندیکا پیگیری شد که این پروژه عملیاتی شود. در خلال پروژه نیز سندیکا آمادگی هر گونه همکاری در رفع مشکلات را دارا است.

در پاسخ آنانیان ضمن ابراز امیدواری از برگزاری جلسه ای در ایران گفت: در جلسات بعدی به پیشبرد و بررسی

تلاش کارگروه سمینار روز ملی صادرات برای تدوین مطالبات صادرکنندگان صنایع آب و برق



امر صادرات مشکلات بانکی است اضافه کرد: در نظر است شخص وزیر صنعت معدن و تجارت نیز جهت طرح این مساله در سمینار حضور داشته باشد.

در پی طرح این مسایل مهندس غیاث الدین دبیر سندیکا با اشاره به نظر رییس مرکز پشتیبانی صنایع آب و برق و توسعه صادرات وزارت نیرو بر لزوم متعهد ساختن مسئولین عالی رتبه در سمینار روز ملی صادرات، تاکید داشت: ضمن آنکه در صورت وجود قوانین مزاحم در حوزه صادرات می بایست از مجلس و مرکز پژوهش های مجلس نیز دعوت به عمل آید. لزوم حضور نمایندگان از وزارت اقتصاد و دارایی را نیز نباید از نظر دور داشت. وی در ادامه افزود: یکی از مزایای صادرات بالا رفتن کیفیت کالاهاست.

در ادامه پیشنهادهایی مبنی بر دعوت از نمایندگان بانکها، گمرک و استاندارد جهت ایجاد چارچوبی برای ورود شرکت های حوزه پیمانکاری به بازار از سوی حاضرین مطرح شد و در پی اشاره به تشکیل کارگروهی در وزارت صنایع جهت رسیدگی به مشکلات خام فروشی و قیمت گذاری مس که موجبات عدم رقابت صادراتی را فراهم می آورد، مقرر شد در جلسه بعدی این کارگروه که در سندیکای شرکت های ساختمانی تشکیل می شد، در خصوص بحث مس از مقامات وزارت صنایع نیز در کارگروه دعوت به عمل آید.

علاوه بر این در خصوص نگاه جامع و متمرکز به بحث صادرات، بر لزوم تدوین برنامه های استراتژیک و کلان برای نفوذ در بازارها برای برند سازی و نقش حمایت دولتی در خصوص وصول مطالبات از طرف خارجی مورد تاکید قرار گرفت. کمالی زاده از اعضای هیات ریسه کمیته توسعه صادرات در خلال این نشست نظر به استخراج چندین باره لیست مشکلات پیشنهاد داد ضمن آنکه ابتدائاً لیست افراد مدعو همزمان با ارایه تحلیلی از همایش مشخص می شود، لیستی از اقدامات کوتاه مدت استخراج و بر اساس آن جلساتی با مسئولین بانک، بیمه و گمرک جهت تنظیم تفاهم نامه ای پیش از موعد سمینار مقرر شود.

پس از آن موضوعاتی چون پیگیری سفارت خانه ها در موضوعات اقتصادی، برقراری جلسه ای با معاونین وزیر اقتصاد و ارایه بسته ای پیشنهادی به دولت در خصوص بانک ها از سوی حاضرین پیشنهاد و نهایتاً مقرر شد با دکتر خامکانی از مجلس، آقای سید علی از صندوق ضمانت صادرات و آقای افخمی جهت حضور در جلسات آتی این کارگروه رایزنی صورت گیرد. همچنین مقرر شد از معاونت استاندارد آب و برق وزارت نیرو برای حضور در جلسه بعدی کارگروه دعوت به عمل آید.

در پایان هدف نهایی کارگروه سمینار روز ملی صادرات تهیه پیش نویس تفاهم نامه ای حاصل از جمع بندی و همگرایی خواسته ها و اهداف صادرات صنایع آب و برق کشور عنوان شد که بنا است در این روز به امضا و تأیید وزیران نیرو و صنعت، معدن و تجارت برسد.

همراهی در دستیابی به راه حل های مرضی الطرفین تلاش کرد. در دومین جلسه این کارگروه که با حضور مهندس بهرام نظام الملکی مدیرکل دفتر توسعه صادرات وزارت نیرو، دکتر راضیه پاکدامن و مهندس حمیدرضا مافی از دیگر مسئولین این دفتر و نیز نمایندگان تشکلهای از جمله آقایان خزایی از سندیکای شرکت های ساختمانی، مهدوی از انجمن پتروشیمی، حق بیان از انجمن سسیم و کابل و فیاضی دبیر انجمن آب برگزار شد، در ادامه تصمیمات اتخاذ شده در جلسه گذشته کارگروه، موضوعاتی در سه محور اساسی خام فروشی مس، گسترش معافیت مالیاتی صادرکنندگان و نیز اصلاح مقررات بانکی با حضور نمایندگان این حوزه به بحث و تبادل نظر پرداخته شد.

بر همین اساس در خصوص موضوع خام فروشی مس سندیکای صنعت برق ایران خواستار رسیدگی به وضعیت قیمت گذاری داخلی مس در مقایسه با قیمت به مراتب ارزان تر صادرات این کالا شد چرا که این امر خود منجر به افزایش قیمت تمام شده و کاهش چشم گیر توان رقابتی صنعت برق کشور در مقایسه با عربستان و ترکیه می شود. علاوه بر این در رابطه با توسعه معافیت های مالیاتی در این جلسه تاکید شد این معافیت ها می بایست کل چرخه طراحی و تولید محصولات صادراتی را شامل شود.

در خلال دومین نشست کارگروه سمینار روز ملی صادرات پس از تاکید نمایندگان کمیته توسعه صادرات بر طرح مطالبات بخش خصوصی از ذینفعان، مهندس نظام الملکی اذعان داشت: همکنون بیش از ۹۰ درصد صدور خدمات فنی و مهندسی در حوزه آب و برق است که این مقدار قابل افزایش است. وی با بیان این مطلب افزود: به رغم بیش بینی ۴/۷ میلیارد دلاری این صادرات در آمار سال ۹۳، این میزان به ۶ میلیارد دلار رسید که امیدواریم در سال بعد ۹ میلیارد دلار افزایش یابد.

مدیرکل دفتر توسعه صادرات وزارت نیرو در ادامه ضمن اشاره به تاکید وزیر نیرو بر مقوله صادرات تصریح کرد: برای دستیابی به این مهم لازم است جهت به روز رسانی بانک اطلاعاتی دفتر توسعه صادرات، آمار و ارقام مربوطه به به طور مرتب به این مرکز ارسال شود. وی با بیان آنکه در حال حاضر اصلی ترین مانع در

بیست و چهارم مرداد ماه سال جاری سندیکای صنعت برق ایران میزبان دومین جلسه کارگروه سمینار روز ملی صادرات با حضور تنی چند از مسئولین دفتر توسعه صادرات وزارت نیرو و نمایندگان تشکلهای مرتبط بود.

این کارگروه که به همت کمیته توسعه صادرات سندیکا و با هدف تدوین و تدقیق مطالبات فعالان صنایع آب و برق کشور در راستای توسعه صادرات این صنایع راه اندازی و پیگیری می شود، بر آن است تا از دل نشست های مستمر و هفتگی خود تا زمان روز ملی صادرات عمده مطالبات و اهداف صادراتی صنایع آب و برق را به طور منسجم طراحی و تدوین کند و نهایتاً در روز ملی صادرات به ارایه آن بپردازد.

محمد ظفر مرادیان دبیر کمیته توسعه صادرات سندیکای صنعت برق ایران طی گفتگویی در خصوص چرایی و چگونگی آغاز به کار این کارگروه و اهداف تشکیل آن بیان داشت: طی جلسه ای که حدود یک ماه پیش با حضور جمعی از هیات ریسه کمیته توسعه صادرات و مهندس همایون حائری رییس مرکز پشتیبانی صنایع آب و برق و توسعه صادرات وزارت نیرو تشکیل شد، براساس پیشنهادی از جانب مهندس حائری و تاکید وی بر اهمیت اقتصاد برق مقرر شد نظر به حضور همزمان وزرای نیرو و صنعت، معدن و تجارت و نیز نمایندگان تشکلهای بخش خصوصی در حوزه های آب و برق در مراسم روز ملی صادرات به تاریخ ۲۹ مهرماه از این فرصت جهت ایجاد نقطه عطفی برای تعهد مستقیم و زرا به حمایت از صادرات در این حوزه ها استفاده شود.

وی افزود: در این راستا پس از بحث و تبادل نظر در خصوص چگونگی تدوین برنامه های مورد نظر تا زمان روز ملی صادرات، تشکیل کارگروهی مشترک در دستور کار قرار گرفت تا به طور خاص بر این موضوع متمرکز باشد.

مرادیان در اشاره به نظرات عنوان شده در جلسه قبلی این کارگروه اظهار داشت: مهندس پیام باقری رییس کمیته توسعه صادرات در این جلسه پیشنهاد این کمیته را با نظر به آنکه مشکل اصلی در بحث صادرات خود تحریمی است چنین عنوان داشت که می بایست در ادامه جلسات این کارگروه با دعوت از ذینفعان داخلی از جمله مسئولین بانکی و صندوق ضمانت جهت همفکری و



برای اولین بار در نمایشگاه‌های خارج از تهران صورت گرفت

سالن اختصاصی سندیکای برق شعبه خراسان در نمایشگاه صنعت برق مشهد

نصرآبادی ادامه داد: نمایشگاه‌های داخلی در صورتی می‌توانند توانمندی شرکت‌های ایرانی را به نمایش بگذارند که با برنامه‌ریزی دقیق و هم‌زمان با ورود هیات‌های بزرگ اقتصادی برگزار شوند.

سندیکای برق خراسان الگویی برای سایر تشکلهای

مدیرعامل شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی از دیگر شخصیت‌های برجسته حاضر در نمایشگاه مشهد بود که با حضور در غرفه سندیکای برق خراسان در جریان فعالیت‌های این تشکل بخش خصوصی قرار گرفت.

اسفندیار اسپهبدی که در جریان بازدید از نمایشگاه تنها غرفه سندیکا را مورد بازدید قرار داد، ضمن تقدیر از حضور فعال سندیکا در نمایشگاه صنعت برق گفت: سندیکای برق خراسان یکی از فعال‌ترین سندیکاهای بخش خصوصی در کشور محسوب می‌شود به طوری که تاکنون با گام‌هایی که در حوزه صادرات و توسعه رابطه دانشگاه و صنعت برداشته است، توانسته است تأثیرات خوبی بر صنعت برق شرق کشور بگذارد.

اسپهبدی سندیکای برق خراسان را الگویی برای سایر تشکلهای عنوان کرده و گفت: این سندیکا توانسته است پل ارتباطی خوبی بین اعضای و بخش دولتی باشد و مطالبات اعضا را به خوبی به مسئولان منتقل کند. وی تأکید کرد: اقداماتی که سندیکا برای صادرات خدمات فنی و مهندسی انجام می‌دهد، سبب نقش آفرینی فعال تر ایران در بازارهای آسیای میانه می‌شود. ■

آخرین تحول‌های صنعت برق قرار گرفته و بهترین محصول را انتخاب کنند.

رئیس سندیکای برق خراسان اظهار داشت: این نمایشگاه هم آثار دایمی و هم آثار لحظه‌ای دارد و هم‌اکنون از دستاوردهای نمایشگاه‌های پیشین در صنعت برق استفاده می‌کنیم. شادمان خاطر نشان کرد: این نمایشگاه برای ما بسیار اهمیت دارد و ما نیز آخرین دستاوردهای سندیکا را ارائه کرده‌ایم. شادمان افزود: حضور فعال در نمایشگاه باعث شد تا در چند روز اخیر تقاضای برای ثبت نام در سندیکای خراسان افزایش بیابد به طوری که هم‌اکنون در حال عضوگیری در محل نمایشگاه هستیم.

نمایشگاه کمک بزرگی به صنعت برق در شرایط پست‌تحریم

در حاشیه این نمایشگاه عضو هیات ریسه سندیکای صنعت برق خراسان ابراز نگرانی کرد: در حل مشکل تولید برق و احداث نیروگاه، هیچ‌گونه ارتباطی بین وزارتخانه‌ها وجود ندارد.

اصغر نصرآبادی در بازدید از دهمین نمایشگاه بین‌المللی برق الکترونیک، تجهیزات و صنایع وابسته، با اشاره به تأثیر برگزاری نمایشگاه در رشد و ارتقای صنعت برق، بیان کرد: در حال حاضر در دوران پست‌تحریم قرار داریم و برگزاری نمایشگاه کمک بزرگی به تولید داخل، بخش خدمات و نظام پیمانکاری است زیرا پس از برداشته شدن تحریم‌ها و ورود کشورهای بزرگ منطقه و اروپایی به ایران، نگرانی برای اینکه بازار داخلی دچار مشکل شود وجود دارد.

که پیرو پیگیری‌های شعبه خراسان سندیکا، برخی رایزنی‌ها با افراد ذیربط در خصوص شرکت در آن نمایشگاه و اخذ تخفیف‌های ویژه صورت گرفته و در صورت موافقت مسئولان سندیکای صنعت برق، احتمال شرکت سندیکای صنعت برق و برخی از اعضای آن در این نمایشگاه وجود دارد.

رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق خراسان نمایشگاه بین‌المللی صنعت برق فرصت مناسبی جهت شناخت متقابل و تبادل نظر بین تولیدکنندگان، پیمانکاران، کارفرمایان و مشاوران دانست و افزود: هدف از حضور سندیکا در این نمایشگاه این است که همه فعالان صنعت برق در مقطعی کنار یکدیگر جمع شوند و یکدیگر را بشناسند. وی اظهار داشت: هدف سندیکای برق خراسان از حضور در نمایشگاه این است که سازندگان و تولیدکنندگان تجهیزات برقی با پیمانکاران و کارفرمایان ارتباط بگیرند و محصول‌های خود را معرفی کنند. وی تصریح کرد: در این نمایشگاه سندیکا سعی کرده تا افزون بر اینکه مشتریان و سازندگان با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اعضا نیز در جهت افزایش کیفیت و تنوع محصول‌ها با یکدیگر رقابت کرده و از یکدیگر یاد بگیرند.

رئیس سندیکای برق خراسان با بیان اینکه این نمایشگاه برای همه عوامل صنعت برق اعم از تولیدکنندگان، سازندگان، پیمانکاران، کارفرمایان و مشاوران بسیار مفید است، گفت: این نمایشگاه فرصت مناسبی است تا مشتریان در کوتاه‌ترین زمان در جریان

دهمین نمایشگاه بین‌المللی برق، الکترونیک، تجهیزات و صنایع وابسته در محل نمایشگاه بین‌المللی مشهد در حالی برگزار شد که برای نخستین بار در تاریخ نمایشگاه‌های خارج از تهران، سندیکای صنعت برق به همت مدیران شعبه خراسان یک سالن را به خود اختصاص داده است. سندیکای برق خراسان با حضور فعال در این نمایشگاه آخرین دستاوردهای این سندیکا را برای فعالان صنعت برق تشریح کرد.

رئیس هیات مدیره شعبه خراسان سندیکای صنعت برق در این رابطه عنوان کرد: این نمایشگاه از روز پنج‌شنبه، بیست و ششم شهریور آغاز به کار کرده و تا ساعت ۲۲ روز یکشنبه بیست و نهم شهریور ادامه خواهد داشت.

محسن شادمان با بیان اینکه نمایشگاه شامل ۴ سالن ۲۵ - ۲۰ غرفه‌ای است، اظهار کرد: کشورهای دیگر نیز در این نمایشگاه شرکت کرده‌اند که به عنوان مثال ۳۰ شرکت‌کننده از کشور هندوستان داریم.

وی در ادامه در خصوص فیزیک نمایشگاه گفت: در نمایشگاه مشهد، شعبه خراسان سندیکای صنعت برق یک سالن ۳۷۰ متری را به خود اختصاص داده است که در آن حدود ۱۰ غرفه به شرکت‌های عضو سندیکای صنعت برق تعلق داشته و سندیکای صنعت برق نیز غرفه‌ای ۳۶ متری را برای خود تجهیز کرده است.

به‌گفته شادمان برخی از شرکت‌های عضو سندیکای صنعت برق برای حضور در پایون سال آینده افغانستان نیز ابراز تمایل کرده‌اند.

سمینار تخصصی فناوری نانو برگزار شد

سمینار تخصصی فناوری نانو در صنایع برق و انرژی سه شنبه چهاردهم مهرماه در حاشیه نمایشگاه فناورانه نانو به همت سندیکای صنعت برق ایران، پژوهشگاه نیرو و ستاد ویژه توسعه فناوری نانو ریاست جمهوری در سالن خلیج فارس نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار شد.

این سمینار با حضور مهندس بهرام نظام الملکی مدیر کل دفتر توسعه صادرات وزارت نیرو، دکتر رضا اسدی فرد مدیر کارگروه صنعت و بازار ستاد توسعه فناوری نانو ریاست جمهوری، مهندس پرویز غیاث‌الدین دبیر سندیکای صنعت برق، دکتر پدیدار رییس انجمن سازندگان صنعت نفت، مهندس کریمی‌نیا مشاور معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی، دکتر غلامرضا لطیف ریاست مرکز توسعه فناوری صنعت برق و انرژی پژوهشگاه نیرو و مهندس عقدایی دبیر انجمن صنفی شرکت‌های توزیع به همراه جمعی دیگر از دبیران تشکلهای صنعت برق و انرژی و فعالان صنعت برق کشور با محوریت آشنایی با حمایت‌های ستاد ویژه توسعه فناوری نانو، فعالیت‌های شبکه انتقال فناوری نانو در حوزه برق و انرژی و کاربردهای فناوری نانو در تجهیزات مورد استفاده در صنعت برق برگزار شد.

در آغاز سمینار دبیر سندیکای صنعت برق ضمن تشکر از شرکت‌کنندگان عنوان کرد: سندیکای صنعت برق دوران‌های مختلفی را طی کرده و اکنون وارد دوران بلوغ خود شده است. در این دوره نیاز اعضای ما این نیست که هر روز به نمایندگی از آنها به مکاتبه با نهادهای مختلف و گلابه به از شرایط موجود بپردازیم. اکنون ما وظیفه داریم برای اعضای خود کارهای جدی‌تری انجام دهیم.

غیاث‌الدین با بیان اینکه علم به سرعت رو به جلو می‌رود و اگر صاحبان صنعت حواس خود را جمع نکنند قطعاً با نابودی صنعت مواجه می‌شوند گفت: زمانی در ایران چند کارخانه خوب تولیدیون‌سازی داشتیم؛ اما با ورود تکنولوژی‌های جدید اکنون می‌بینیم اثری از آنها نیست. نساجی ما روزی در دنیا صاحب حرف بود و الآن چیزی از آن نمانده است. بنابراین لازم است از صنایع حمایت‌های فناورانه به عمل آید.

وی ادامه داد: یکی از نهادهایی که باید به مشکلات صنایع فکر

کرده و برای آنها چاره‌اندیشی کنند تشکلهای هستند. ما در سال ۱۳۹۴ به روند خدمت‌رسانی در سندیکا شتاب دادیم. در حال حاضر با دانشگاه‌های مختلف و مراکز پژوهشی و فناورانه مانند ستاد ویژه فناوری نانو ریاست جمهوری همکاری داریم و یک هفته در میان با نمایندگان دانشگاه‌های مختلف جلسه تشکیل می‌دهیم. قطعاً رفت و آمدها موجب خیر و برکت برای اعضای سندیکا خواهد بود؛ همانگونه که هم‌اینک نیز بین سندیکا و پژوهشگاه نیرو همکاری گسترده‌ای ایجاد شده است. غیاث‌الدین با بیان اینکه یکی از فعالیت‌های دیگری که امسال در سندیکا به صورت پیگیرانه‌تری دنبال می‌شود برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای مختلف است اظهار کرد: ما تلاش می‌کنیم اعضایمان را با دانش و فناوری‌های جدید آشنا کنیم و معتقدیم این کار به آنها کمک خواهد کرد محصولاتشان نسبت به تولیدات کشورهای دیگر رقابت‌پذیری بیشتری داشته باشد.

در ادامه این سمینار مدیر کارگروه صنعت و بازار ستاد توسعه فناوری نانو ریاست جمهوری با ارائه توضیحاتی در خصوص فعالیت‌های ستاد ویژه نانو گفت: برنامه نانو کشور به‌طور جدی از سال ۸۲ با ایجاد ستاد ویژه نانو آغاز شد. تقریباً ۲ سال اول مشغول طراحی برنامه ۱۰ ساله و ایجاد زیرساخت‌های اجرای آن بودیم و در سال ۸۴ با تصویب سند ۱۰ ساله نانو فعالیت شروع شد و توانستیم این سند را به‌طور کامل اجرا کنیم. آنچه امروز ارائه می‌دهم حاصل ۱۰ سال فعالیت دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و بخش‌های مختلف کشور در حوزه نانو است. به‌گفته رضا اسدی فرد امسال سال آخر اجرای برنامه ۱۰ ساله اول است و از سال ۹۵ اجرای برنامه ۱۰ ساله دوم شروع خواهد شد.

دکتر اسدی فرد در ادامه سخنان خود گفت: شعار اصلی ستاد، تولید ثروت و افزایش کیفیت زندگی مردم است. ما موریت سند ۱۰ ساله اول این بود که ایران در همه ابعاد حوزه نانو مثل توسعه منابع انسانی، توسعه فناوری، بحث صنعتی‌سازی و حجم بازاری که ایجاد می‌شود بین ۱۵ کشور برتر باشد. خوشبختانه می‌توانم اعلام کنم این هدف الان در همه ابعاد خود محقق شده است و اکنون در زمینه علمی دارای رتبه هفتم

دنیا هستیم.

به‌گفته اسدی فرد در ۱۰ سال اول نیروی انسانی خوبی تربیت شده و زیرساخت‌های آزمایشگاهی خوبی ایجاد شد. به‌علاوه در سطح دانش‌آموزی آشنایی با فناوری نانو به‌شکلی جامع صورت گرفت و ۵۰۰ هزار دانش‌آموز با فناوری‌های نانو آشنا شدند.

وی ادامه داد: علاوه بر این یک المپیاد دانش‌آموزی نیز داریم که تاکنون ۵ دوره برگزار شده و اکنون در حال تبدیل شدن به یک المپیاد بین‌المللی است و بیش از ۲۰۰ نهاد ترویجی در این زمینه با ستاد همکاری می‌کنند. ضمناً در این ۱۰ سال ۴۹ آزمایشگاه نانو و ۱۵ دستگاه ساخت مواد نانو تجهیز شد و قرار است این تعداد تا پایان امسال به حدود ۷۰ آزمایشگاه و تا آخر این دولت به حدود ۴۰۰ آزمایشگاه برسد. در این حرکت، افراد خیر و آموزش و پرورش نیز همکاری خوبی داشته‌اند.

اسدی فرد با اشاره به اینکه ۱۰ سال پیش برای برگزاری سمیناری در حوزه نانو ۵ فرد متخصص در نانو پیدا نمی‌شد تا مقالات سمینار را داوری کند، عنوان کرد: خوشبختانه اکنون رشته نانو در حدود ۸۰ دانشگاه در مقطع دکترا و کارشناسی ارشد تدریس می‌شود.

به‌گفته رضا اسدی فرد در این مدت وزارت نیرو، وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت به‌عکس وزارت نفت با ستاد فناوری نانو همکاری خوبی داشته‌اند.

اسدی فرد همچنین رویکرد اصلی ستاد سه ساله دوم را تولید صنعتی، توسعه بازار و توسعه صادرات محصولات نانو تولید ایران دانست.

وی در خصوص بازار فناوری نانو گفت: اگرچه بازار نانو هنوز به رقم درشتی نرسیده است؛ اما در ۳ سال اخیر در این حوزه هر سال ۱۰۰ درصد رشد داشته‌ایم و امیدواریم تا آخر سال ۹۷ به یک عدد قابل قبول برسیم.

اسدی فرد در پایان سخنان خود ضمن دعوت از شرکت‌ها و بخش خصوصی برای همکاری با ستاد ویژه فناوری‌های نانو تصریح کرد: ما می‌توانیم به شرکت‌ها کمک کنیم تا فناوری مورد نیازشان را شناسایی کرده و خود را تجهیز کنند. ضمناً در اخذ نشان استاندارد و اعطای تسهیلات نیز با شرکت‌ها





پیش‌بینی شده در حال انجام است اشاره کرده و اظهار داشت: تکمیل نقشه راه فناوری نانو در برق و انرژی، تهیه بانک اطلاعاتی، برگزاری نشست‌های تخصصی و حمایت از انعقاد و پیگیری قراردادهای انتقال فناوری از جمله فعالیت‌های شبکه فناوری نانو است.

وی در پایان سخنان خود از شرکت برق منطقه‌ای خراسان و شرکت برق منطقه‌ای هرمزگان قدردانی کرده و گفت: البته برق منطقه‌ای فارس، برق منطقه‌ای سمنان، شرکت توزیع برق البرز و شرکت توزیع برق تهران نیز درخواست کردند طرح‌های پابلوت در مناطق زیرمجموعه آنها اجرا شود؛ اما به لحاظ آب و هوایی برق منطقه‌ای خراسان و هرمزگان انتخاب شدند.

این سمینار یک روزه با بازدید حاضرین از نمایشگاه فناوری نانو به کار خود پایان داد. ■

عنوان کرد: در نانو تکنولوژی ما اتم‌ها و مولکول‌ها را با ابعاد و ویژگی‌های دلخواه‌مان کنار هم چیده و دستکاری می‌کنیم تا ذرات رشد پیدا نکنند.

مدیر گروه پژوهشی مواد غیرفلزی پژوهشگاه نیرو با بیان اینکه از ۳ سال گذشته که در حوزه برق و انرژی بحث نانو مطرح شد پژوهشگاه نیرو نیز همکاری خود را با ستاد فناوری نانو آغاز کرد گفت: ما با همکاری ستاد فناوری نانو شبکه نانو فناوری را تأسیس کردیم و بزرگترین اهداف این شبکه عبارتند از تسهیل ارتباط میان محققان و صنعتگران به منظور شناسایی و رفع نیازهای فناورانه متقاضیان صنعتی حوزه برق و انرژی، افزایش روند توسعه تحقیقات و پژوهش‌های فناوری در حوزه نانو و حمایت و تثبیت شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه نانو. ریاحی در ادامه به فعالیت‌هایی که برای دستیابی به اهداف

همکاری خواهیم کرد. تاکنون ستاد فناوری نانو به ۶۰ شرکت صنعتی کمک کرده است تا از این فناوری استفاده کنند.

در ادامه سمینار فناوری نانو مهندس غیاث‌الدین، مهندس عقداپی، دکتر ریاحی و دکتر اسدی فرد لوح‌های تقدیری را به نمایندگان برق منطقه‌ای خراسان و برق منطقه‌ای هرمزگان به پاس همکاری این شرکت‌ها با ستاد فناوری نانو در اجرای طرح‌های پابلوت در منطقه زیرمجموعه آنها تقدیم کردند.

شایان ذکر است در حاشیه این سمینار قراردادی میان شرکت مفره‌سازی ایران و شرکت رامو امضا شد تا تکنولوژی نانو روی مفره‌ها اعمال شود.

در ادامه دکتر نسترن ریاحی، مدیر گروه پژوهشی مواد غیر فلزی پژوهشگاه نیرو توضیحاتی در خصوص فناوری نانو ارائه داد. وی با بیان توضیحاتی مختصر در خصوص فناوری نانو



در دومین نشست کارگروه مشترک صنعت، سندیکا و دانشگاه تاکید شد

جدیت سندیکادر احیای رابطه صنعت و دانشگاه با محوریت صادرات

علاوه بر این لزوم آسیب شناسی دقیق قیمت تمام شده بالا و غیر رقابتی محصولات در صنعت برق کشور با وجود پتانسیل های خوب در دانش و نیروی انسانی از جمله موضوعات مطرح و به توسط مهندس شیرانی مدیر عامل شرکت مونکو در این جلسه بود. وی در این راستا تجربه موفق شرکت افزار آزما را در تولید محصول دانش بنیان یاد آور شد. همچنین در خصوص برتری فرایندهای ایده تا محصول یا ارتقا محصولات موجود اظهار نظرهای مختلفی صورت گرفت. در همین راستا دکتر فتوحی اذعان داشت فرایند ایده تا محصول

سندیکا با بیان نکاتی محتوایی خواستار اعمال تغییراتی در طرح شرکت های دانش بنیان شد. وی خاطر نشان ساخت از آنجا که با مرز بندی شرکت های دانش بنیان که عموماً معدوداند، در عمل عرصه برای معرفی محصولات دانش بنیان در بازار صادراتی تنگ خواهد شد. باید در این خصوص از مفهوم شرکت به محصول دانش بنیان چرخش داشت و هجمه صنعت را پشت صدور تولیدات دانش بنیان و ارتقای فناوری محصولات در راستای صادرات قرار داد چرا که حتی در صورت عدم حصول صادرات کالا این امر می تواند پتانسیل لازم به عنوان یک مزیت رقابتی برای محصول فراهم آورد.

رئیس کمیته صادرات سندیکا در ادامه ضمن تاکید بر جایگاه سندیکا در ایجاد حلقه اتصال صنعت و دانشگاه و ترغیب شرکت ها برای همراهی در این طرح ابراز امیدواری کرد با حضور شخصیت علمی و صنعتی چون مهندس غیاث الدین در سندیکا این امر تسریع شود. وی همچنین تاکید داشت: باید در این سلسله نشست ها مدل مالی هم به عنوان یکی از گلوگاه های اصلی امر مورد نظر قرار گیرد و محل تامین هزینه های این گونه کارهای پژوهشی و تحقیقاتی پیش بینی شود. همچنین تبدیل نگاه سنتی مدیران ارشد به نگاه مدرن بر محوریت فناوری و آینده نگری در مورد بازار محصولات از دیگر نکات بیان شده توسط مهندس باقری در این نشست بود.

در ادامه مهندس غیاث الدین دبیر سندیکای صنعت برق ایران با اشاره به تغییر شرایط بازار حتی در حوزه داخلی و ارتقا انتظارات از صنعت در عرصه محصول با کیفیت و با قیمت مناسب که امروزه در تمامی حوزه ها تسری یافته است خاطر نشان ساخت: این امر سبب شده است تا مدیران صنایع داخلی عمدتاً به این نتیجه نایل آیند که امروز مدیریت بدون دانش امکان پذیر نیست و جهت اخذ این دانش هم باید در تمامی زمینه ها از جمله مباحث صنعتی تا علوم انسانی و بازاریابی از دانشگاه مدد گرفت.

دبیر سندیکا با بیسان این مطلب افزود: این امر در دوران پساتحریم هم به طور مضاعف صادق است و می بایست به جای هراس از باز شدن درب های کشور به روی کالا و صنعت خارجی، به قصد صدور محصولات به ارتقای صنعت داخلی بپردازیم.

بر همین اساس از سوی مهندس حائری تصریح شد دانشگاه ها نیز هنوز از آرایش لازم برخوردار نیستند و دستاوردهایشان در بسیاری موارد امکان کاربرد در صنعت را ندارد. وی ضمن اشاره به بحث فرهنگ سازی در صنایع افزود: سندیکا می تواند با جمع آوری پیشنهادها و سفارش های صنعتی از شرکت های عضو در این امر گام بزرگی بردارد.

در خلال این نشست مهندس نظام الملکی توجه به حوزه های مرتبط با موضوع آب را با توجه به شرایط کشور بسیار حائز اهمیت دانست و به ارایه پیشنهادهایی در این زمینه پرداخت.

دومین نشست کارگروه همکاری های مشترک صنعت، سندیکا و دانشگاه صبح سه شنبه سی و یکم شهریور ماه سال جاری با حضور نمایندگان برجسته ای از هر سه حوزه در محل سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد.

سندیکای صنعت برق در این نشست میزبان چهره های علمی برجسته ای چون دکتر فتوحی رییس و عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف، دکتر غرویان مدیر ارتباط با صنعت دانشگاه شهید بهشتی، نیز دکتر شهرتاش عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت در کنار مقاماتی چون مهندس حائری رییس مرکز پشتیبانی صنایع آب و برق و توسعه صادرات وزارت نیرو، مهندس نظام الملکی مدیرکل دفتر توسعه صادرات این وزارتخانه و شخصیت های صنعتی چون مهندس شیرانی مدیرعامل شرکت مونکو بود.

به گفته دکتر اسدی دبیر کمیته آموزش و پژوهش سندیکا، دومین جلسه از این سلسله نشست ها در پی ارایه سفارشی از سوی مهندس حائری و ارایه طرح ساماندهی و شناسایی طرح های تحقیقاتی دانشگاهی و شرکت های دانش بنیان قابل حمایت صادراتی برگزار می شود که هدف آن حمایت و هدایت محصولات و شرکت های دانش بنیان در عرصه صادرات است و در این راستا مشارکت وسیع سندیکا و مراکز تحقیقاتی از جمله دانشگاه ها را جهت ارتقا کیفیت محصولات و شرکت ها برای حضور فعال در عرصه صادراتی می طلبد.

در ابتدای این نشست دکتر شهرتاش ضمن قدر دانی از مهندس باقری برای اعمال نظرات دقیق در پیش نویس این طرح به ارایه آن در بخش های مختلفی چون بیان اهداف، مشکلات و موانع موجود بر سر راه اجرایی شدن آن پرداخت و ضمن برشمردن دستاوردهای مدیریتی طرح در کنار الزامات و اقدامات اجرایی از جمله اعلان برای دریافت در خواست ها در هفته پژوهش و انعقاد قرارداد با حداقل یکی از بانک های کشور در خصوص انجام حمایت های مالی از در خواست های مورد تایید اشاره کرد.

علاوه بر این مواردی چون شرح وظایف و ترکیب اعضای هر یک از بخش های ساختار مدیریتی طرح در مرکز پشتیبانی صنایع آب و برق شامل کمیته راهبری، زیرگروه های فنی نرم افزاری و سخت افزاری در کنار زیرگروه بازاریابی و تبلیغات از جمله مندرجات این طرح است که به طور دقیق مورد پیش بینی قرار گرفته اند.

بر همین اساس مهندس حائری ضمن اشاره به لزوم پیگیری برقراری این ارتباط از سوی سندیکا و دانشگاه تصریح کرد: در کنار اشاره ای که در مورد محصولات دانش بنیان داریم، جهت تسهیل و تسریع این امر باید بر انجام مهندسی معکوس در دانشگاه ها جهت ارتقا محصولات موجود که دارای بازار و تضمین مشتری لازم هستند تاکید داشت.

در پی طرح این موضوع مهندس باقری رییس کمیته صادرات



در صورت چیدمان و برنامه ریزی دقیق مراحل کار نتیجه بسیار خوبی خواهد داشت. نهایتاً پس از بحث و تبادل نظر ضمن توافق حاضرین بر تداوم جلسات و کلیات طرح سازمان دهی صادرات محور تحقیقات دانشگاهی و محصولات دانش بنیان مقرر شد مدل مالی لازم برای همکاری ذی نفعان و بازیگران امر توانمند توسط موسسات پژوهشی، دولت و بانک ها طراحی شود. همچنین پیگیری از شرکت های داوطلب برای همکاری با محوریت سندیکا در دستور کار کارگروه قرار گرفت. ■

رییس پژوهشگاه نیرو در جمع هیات مدیره سندیکا تصریح کرد:

ماده ۴ قانون رفع موانع تولید، بستر ساز پیوند سندیکا با پژوهشگاه

پیرو مراودات مستمر پژوهشگاه نیرو با سندیکای صنعت برق ایران با هدف احیای ارتباط صنعت و پژوهش صبح روز یکشنبه بیست و نهم شهریور ماه سال جاری هیات ریسه سندیکا میزبان هیات ریسه پژوهشگاه نیرو بود.

در ابتدا این جلسه با توجه به امکانات وسیع پژوهشگاه نیرو و پیشنهاد همکاری جامعی مابین سندیکا و پژوهشگاه نیرو توسط مهندس غیاث الدین دبیر سندیکا مطرح شد که مورد استقبال حضار قرار گرفت.

بر همین اساس دکتر قاضی زاده رییس پژوهشگاه ضمن اشاره به ماده ۴ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر آن را نقطه شروع مناسبی جهت همکاری های مشترک سندیکا و پژوهشگاه دانست و اذعان داشت که در زمینه مراکز تحقیق و توسعه صنعت برق می توان گام های اساسی برداشت و صنعت می تواند از امکانات بالقوه صندوق پژوهش دایر در پژوهشگاه نیرو بهره برداری کند.

قاضی زاده با بیان این مطلب خاطر نشان ساخت: با توجه به وضعیت بخش تحقیق و توسعه صنعت برق ایران و فاصله زیادی

که با شرایط مطلوب وجود دارد؛ پیش بینی می شود ظرفیت این بخش با تحقق برنامه ها ۵ برابر شود و این میزان با مشارکت بخش خصوصی صورت می پذیرد. وی در بیان دلیل این امر افزود: ما بر این باوریم که بخش خصوصی از انگیزه ها و فرصت های موثرتری در این ایجاد خلاقیت و توسعه در این زمینه برخوردار است و پژوهشگاه با ماموریت جدیدی که در جهت مدیریت پژوهش در حوزه نیرو دارد، تلاش می کند بسترهای توسعه تحقیق و توسعه را در بنگاه های صنعت فراهم کند.

رییس پژوهشگاه نیرو در ادامه تصریح کرد: ماده ۴ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر به دولت اجازه می دهد تا ۵۰ درصد هزینه های تحقیقاتی را از محل اعتبارات بودجه های سنواتی تامین کند، در عین حال به صراحت اعلام می دارد که می بایست کار بسیار فعال تحقیقاتی در داخل بخش خصوصی صورت گیرد که بدین منظور باید ظرفیت های ملی بسیج شود و در این راستا بخش دولتی نیز به عنوان یک حامی ایفای نقش کند.

قاضی زاده ضمن تاکید بر لزوم یافتن

ساز و کارهایی جهت برقراری ارتباطات جامعه توانمند تخصصی کشور با صنایع خوش بنیه ای که علی رغم جراحات های وارده تحت فشار نقدینگی در سال های گذشته به فعالیت ادامه داده است، افزود: در این راستا بخش دولتی نیز به منظور ایجاد اطمینان خاطر در برقراری این ارتباطات که اغلب پر مخاطره اند، به ارایه نوعی پوشش خواهد پرداخت.

وی بر همین اساس ابراز امیدواری کرد در بازه زمانی نه چندان طولانی و زیر دو سال جمعیتی بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر نیروی محقق در مجموعه صنعت پرورش یابند که این خود امکانات مالی جدیدی را برای صنعت برق ایجاد می کند و پژوهشگاه از طریق ساز و کارهایی چون صندوق پژوهش تمام ریسک های آن را پوشش خواهد داد.

رییس پژوهشگاه نیرو با اشاره به لزوم ریشه یابی علل عدم اشتیاق کافی برای فعالیت های نوآورانه در صنعت اظهار داشت: یکی از دلایل این امر می تواند ابهام موجود در نحوه تعامل ما با خارج کشور باشد که شرکت ها را در مورد ورود به تولید یا فعالیت در حوزه تجارت بلا تکلیف

می گذارد. بنا به مجموعه گفتگوها در این خصوص مقرر شد ماده ۴ قانون رفع موانع تولید در دستور کار قرار گیرد.

مهندس کلاهی رییس هیات مدیره سندیکا از دیگر سخن گوینان این جلسه بود که ضمن ابراز تاسف بابت از بین رفتن بخش هایی از صنعت برق کشور مانند لوازم خانگی و مخابرات و .. خاطر نشان ساخت: علی رغم گلوگاه های موجود، صنعت برق هنوز زنده است و در ادامه برای حفظ بقای این صنعت نیاز وسیعی به نوآوری و توسعه است و در این مسیر پرورش نیرو انسانی نیز نقش مهمی را دارا است که در این خصوص نیز پذیرای پیشنهاد های پژوهشگاه هستیم.

بر همین اساس دکتر قره پتیمان معاون پژوهشی پژوهشگاه نیرو تاکید کرد: در حال حاضر اولین و مهمترین حرکت باید در ارتباط با بیکاری کنونی تحصیل کرده ها باشد که در این زمینه پژوهشگاه می تواند با پرورش نیروی انسانی مورد نیاز صنعت برق کمک شایسته ای به این صنعت ارایه دهد.

در ادامه مهندس بخشی عضو هیات مدیره سندیکا ضمن استقبال از همکاری مشترک

ارائه آموزش‌هایی از سوی پژوهشگاه به منظور ارتقای توان R&D های صنعت شد و اظهار داشت: مسئولیت و مأموریت پژوهشگاه در ارتباط با این آموزش‌ها باید در راستای همگرایی و نجات بخش‌های R&D از پراکندگی باشد.

دکتر قاضی زاده در پاسخ به این موضوع ضمن اعلام آمادگی پژوهشگاه برای پذیرش ریسک ناشی از جذب حدود ۱۰۰۰ نفر در بخش R&D شرکت‌ها تاکید

بازاریابی نیاز به نوسازی را دو چندان می‌سازد و به همین منظور باید ساختارها و سیستم‌های مدیریتی مورد بازنگری قرار گیرد. وی با اعلام آمادگی پژوهشگاه برای کمک به سندیکا در این زمینه‌ها ورود به بازارهای جهانی را کاری بنیادی و پیچیده خواند و تصریح کرد: ما آماده‌ایم به صورت پایلوت در چند شرکت عضو سندیکا به این کار اقدام کنیم.

در ادامه ضمن ابراز تأسف از سطح نازل

برق و انرژی همچنین ابراز امیدواری کرد مشارکت سندیکا با پژوهشگاه موجبات تسریع در حل مشکلات موجود در این خصوص را فراهم آورد. وی در بخش دیگری از این نشست صندوق پژوهش را بستر اعتباری مناسبی برای سندیکا توصیف کرد و با اشاره به وجود منابع لازم در پژوهشگاه خاطر نشان ساخت: این منابع می‌تواند به منظور تقویت کیفیت و جلوگیری از ورود بی‌مهابای اجناس

در خصوص تامین نیروی انسانی مورد نیاز بخش خصوصی اذعان داشت: مشکل کنونی ما ساختاری است و درصددیم تا با کمک پژوهشگاه به اصلاح ساختارهای کنونی بپردازیم.

وی با ابراز تأسف از عدم اطلاع شرکت‌های عضو از امکانات و توانمندی‌های پژوهشگاه حضور مهندس غیاث‌الدین را به عنوان دبیر سندیکا و از چهره‌های برجسته پژوهشگاه طی این سال‌ها برای حصول این شناخت و برقراری ارتباط مغتنم شمرد. در پایان این بخش از گفتگوها مقرر شد موضوعات مرتبط با منابع انسانی، اصلاح ساختارها و ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری در دستور کار قرار گیرد.

در بخش دیگری از این نشست خانم مهندس احمدی زاده مدیر تجاری‌سازی پژوهشگاه نیرو اظهار داشت: با گشایش درب‌های کشور در برهه پساتحریم می‌توان در راستای استفاده شایسته از تکنولوژی‌ها و نوآوری‌های جدید در صنعت، با کارهای تحقیقاتی چگونگی عملکرد آنان را دسته‌بندی کرد و به تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان پرداخت.

غیاث‌الدین دبیر سندیکا در این خصوص تصریح کرد: نظر به دولتی بودن پژوهشگاه و وظیفه‌ای که در یاری رساندن به بخش خصوصی صنعت برق دارد خوشبختانه تاکنون به خود کفایی خوبی رسیده‌ایم. هر چند که این ظرفیت وجود دارد که با داشتن سهم حدوداً ۹۰ درصدی در صادرات خدمات فنی مهندسی کشور، صادرات این بخش را چندین برابر افزایش دهیم و در این راستا از پژوهشگاه انتظار همکاری‌های وسیعی را داریم.

مهندس فتحعلی رییس صندوق پژوهش و فناوری صنعت برق و انرژی در خلال این نشست از آغاز به کار صندوق پژوهش از اسفندماه سال جاری خبر داد و تصریح کرد: برنامه ما حمایت از بنیان‌های فناوری صنعت برق است. وی خاطر نشان ساخت: در زمینه تجهیزات آزمایشگاهی علی‌رغم پیشرفت‌های صورت گرفته، هنوز آن چنان که باید عمل نشده است و با وجود صادرات مجبور به صدور بعضی از تجهیزات به خارج از کشور جهت انجام مراحل تست هستیم.

رییس صندوق پژوهش و فناوری صنعت



کرد: پژوهشگاه این ظرفیت را دارد جهت شکل گرفتن تقاضاهای پژوهشی ارتقای توان نوآوری صنعت، طرح "توسعه و انسجام بخش مراکز تحقیق و توسعه صنعت برق" را با همکاری سندیکا به اجرا رساند.

در پایان این نشست کارگروهی متشکل از نمایندگان طرفین به منظور اجرایی شدن تصمیمات اتخاذ شده تعیین و مقرر شد جلسات کارگروه با حضور نمایندگان برگزار شود. ■

پژوهش در کشور لزوم همیاری پژوهشگاه با سندیکا از سوی دکتر اسدی دبیر کمیته آموزش و پژوهش سندیکا نیز مورد تاکید قرار گرفت و وجود تفاهم نامه همکاری که در خلال آن پژوهشگاه بستر ساز پژوهشی میدانی در این زمینه شود، واجد اهمیت بالایی توصیف شد.

مهندس فارسی از اعضای هیات مدیره سندیکا نیز با اذعان به عدم تخصص کافی صنعتگران کشور در زمینه پژوهش خواستار

چینی به کشور، مورد استفاده سندیکا و شرکت‌های عضو قرار گیرد.

در ادامه این نشست دکتر غفرانی نظر به چالش‌های پیش روی صنعت برق کشور در آینده توجه به مدل‌های نوین در مدیریت بنگاه‌ها را ضروری دانست.

غفرانی با اشاره به مسئولیت سندیکا در پیشبرد صنعت برق و همراه سازی آن با نیازهای روز دنیا اذعان داشت: عقب ماندگی در پژوهش و مشکلات مربوط به

رپرتاژ آگهی

Life Is On
by Schneider Electric™

Schneider
Electric

“We build energy management and automation technologies that ensure Life Is On everywhere, for everyone and at every moment. We think access to energy is a fundamental right for everyone on our planet and we engineer solutions to make energy safe, reliable, efficient, sustainable and connected.”

Jean-Pascal Tricoire, Chairman and CEO, Schneider Electric



تله مکانیک ایران، تنها روی سکه اشنایدراالکتریک در ایران

محصولات فشار متوسط و... برگزار شده است. لازم به ذکر است که شرکت اشنایدراالکتریک با خرید بخش توزیع شرکت AREVA، محصولات متنوعی از جمله رله‌های حفاظتی MiCOM را به سبب کالایی خود اضافه کرده است.

در این راستا در مرداد ماه ۱۳۹۴ شرکت تله مکانیک ایران اقدام به برگزاری سمیناری جهت معرفی رله‌های حفاظتی تولیدی شرکت اشنایدراالکتریک که توسط این مجموعه در بازار ایران عرضه می‌شود پرداخت.

رله‌های حفاظتی Vamp, Sepam, MiCOM سه خانواده رله‌های حفاظتی این شرکت اند که با توجه به خصوصیات فنی و امکانات تعبیه شده، کلیه نیازهای صنعت برق از تولید، انتقال و توزیع و همین‌طور نیازهای حفاظتی صنایع زیربنایی همچون نفت و گاز و پتروشیمی، حمل و نقل ریلی، صنایع معدنی و... را پاسخگو هستند.

در این سمینار یک روزه که با حضور بیش از ۳۰۰ نفر از دست‌اندرکاران و فعالان این صنعت برگزار شد متخصصینی از دفتر اشنایدراالکتریک فرانسه به ارایه توضیحات فنی، حوزه کاربرد و امکانات این محصول پرداختند.

برنامه بعدی شرکت در خصوص این خانواده از محصولات برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط است که متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد.

با حضور شرکت تله مکانیک ایران به‌عنوان تنها شعبه شرکت اشنایدراالکتریک فرانسه در ایران این اطمینان خاطر برای مصرف‌کنندگان رله‌های حفاظتی سری Vamp, Sepam, Micom به‌وجود آمده که محصولات اصل (original) با

گارانتی ۲ ساله و خدمات پس از فروش شرکت اشنایدراالکتریک در اختیارشان قرار می‌گیرد، همچنین به‌منظور صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان و در راستای ایجاد اطمینان از کیفیت و اصالت اجناس، کلیه محصولات ارائه شده از کانال‌های رسمی و مورد تایید این شرکت دارای هو لوگرام رسمی هستند.

اشنایدراالکتریک، شرکتی بین‌المللی است که به شکل تخصصی در زمینه مدیریت انرژی و اتوماسیون فعالیت می‌کند. این شرکت با گردش مالی بیش از ۲۵ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۴ و یکصد و هفتاد هزار نفر پرسنل در بیش از ۱۰۰ کشور دنیا به مشتریان خود کمک می‌کند تا فرایند توزیع و مصرف انرژی خود را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که ایمن، قابل اعتماد و کارآمد باشد. از ساده‌ترین سوئیچ قطع و وصل جریان برق تا پیچیده‌ترین سیستم‌های بهره‌برداری، تکنولوژی، نرم‌افزارها و سرویس‌ها به مشتریان کمک می‌کند تا عملکرد خود را هرچه بهتر مدیریت و مدرنیزه کنند. تکنولوژی‌های به هم پیوسته ما، صنایع را تغییر می‌دهد، شهرها را دگرگون می‌کند و زندگی را غنی‌تر می‌سازد.

شرکت تله مکانیک ایران، به‌عنوان تنها شعبه و دفتر رسمی شرکت اشنایدراالکتریک، با حضور مداوم و مستمر بیش از ۴۰ سال در ایران، در زمینه تامین و توزیع تجهیزات و راه‌حل‌های مرتبط با صنعت برق در بخش فشار متوسط، فشار ضعیف و اتوماسیون، برای نمایندگان رسمی و تابلوسازان تحت لیسانس خود و همچنین مصرف‌کنندگان نهایی، فعال بوده و از کارشناسان و نیروهای متخصص داخلی و خارجی بهره می‌برد. این شرکت برای ارائه تجهیزات و سیستم‌های ساخت شرکت اشنایدراالکتریک، شبکه نمایندگان توزیع، تابلوسازان تحت لیسانس و System Integrator های خود را مدیریت و حمایت می‌کند.

اشنایدراالکتریک با سبب کالایی بسیار متنوع و مورد نیاز در صنایع زیربنایی و انرژی، صنعت، ساختمان‌های صنعتی - تجاری و اداری، ساختمان‌های مسکونی و مراکز اطلاعاتی و شبکه‌ها فعال بوده و بیش از پیش در صدد است تا فعالیت خود را در ایران گسترش داده و کالاهای بیشتری برای ارایه به بازار ایران معرفی کند. بدین منظور سمینارهای متعددی در ماه‌های اخیر برای معرفی محصولات روشنایی،

تصویر هولوگرام رسمی محصولات شرکت اشنایدر الکتریک در ایران



هولوگرام رسمی شرکت دارای قابلیت ردیابی از طریق سیستم ارسال پیامک بوده و با ارسال شماره سریال هولوگرام به شماره ۰۹۱۲۸۸۸۶۶۱-۴ می توان

آن را ردیابی و از اصالت محصول اطمینان حاصل نمود. جهت تماس با شرکت و درخواست هرگونه اطلاعاتی در زمینه محصولات اشنایدر الکتریک، لیست شبکه نمایندگی ها، تابلو سازان تحت لیسانس و System Integrator های این شرکت، می توانید با شماره ۰۲۶۲۰۲۱۵۰ بخش پشتیبانی مشتری و یا از طریق پست الکترونیکی زیر با ما تماس حاصل فرمایید.

بدیهی است که تنها تامین محصولات و تجهیزات از کانال های رسمی مذکور و دارا بودن هولوگرام رسمی این شرکت بر روی کالای تامین شده، ضامن کیفیت و اصالت آن ها بوده و این شرکت به هیچ عنوان تامین کالا خارج از این چهار چوب را توصیه نمی کند.

Ir-info@schneider-electric.com

دفتر مرکزی شرکت تله مکانیک ایران:

تهران - خیابان ولی عصر - بالاتر از چهارراه پارک وی - خیابان شهید فیاضی (فرشته) - بن بست شهر یار - پلاک ۲

نمایندگان فروش محصولات صنعتی و اتوماسیون (شهرستان)

شهر	نام فروشگاه	تلفن	فاکس
اصفهان	ست الکتریک	۰۳۱-۴۶۲۸۹۱۷۷	۰۳۱-۶۲۷۲۷۵۷
شیراز	الکترو پانل	۰۷۱-۳۲۳۳۰۱۷۱	۰۷۱-۲۳۰۳۲۴۰
شیراز	الکترو صنعت	۰۷۱-۳۲۳۳۵۵۳۵	۰۷۱-۲۳۰۳۲۴۰
یزد	الکترو شیشه بری	۰۳۵-۳۵۲۵۲۲۸۳	۰۳۵-۵۲۲۲۶۱۱
مشهد	کالای برق امید	۰۵۱-۳۷۲۷۰۰۱۱	۰۵۱-۷۲۷۹۱۵۲

نماینده فروش محصولات روشنایی

شهر	نام شرکت	تلفن	فاکس
تهران	کارالتک-پویا	۲۲۰۵۰۴۴۷	۲۲۰۳۸۳۸۵

نماینده فروش کابل کشی ساختار یافته (ترانکینگ)

شهر	نام شرکت	تلفن	فاکس
تهران	الکترو عبدی	۳۳۹۹۲۱۸۵	۳۳۹۹۲۱۸۴-۶

نمایندگان فروش محصولات صنعتی و اتوماسیون (تهران)

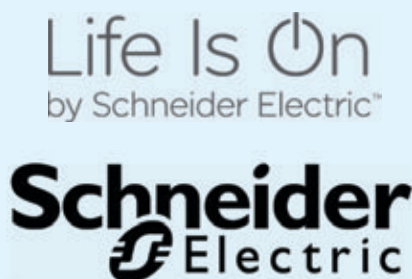
شهر	نام فروشگاه	تلفن	فاکس
تهران	الکترو قبادی	۶۶۷۰۱۷۶۲ ۶۶۷۱۹۹۰۷	۶۶۳۴۲۰۴۹
تهران	الکترو مظفر	۳۳۱۱۷۶۰۶	۳۳۹۲۲۵۴۸
تهران	فروشگاه ۲۰۰۰	۳۳۱۱۳۰۸۰	۳۳۹۲۲۷۱۳
تهران	الکترو صنعت	۳۳۱۱۸۰۶۰	۳۳۹۳۱۵۲۲
تهران	برق مهندسی پرشین	۳۳۹۵۵۰۰۱-۲	۳۳۹۸۲۱۹۹
تهران	مبین نیرو	۸۸۴۲۶۱۶	۸۸۴۲۵۶۵

برای رله های حفاظتی System Integrator

شهر	نام شرکت	تلفن	فاکس
تهران	رانین فرایند گستر	۷۷۶۳۶۳۶۱-۲	۷۷۶۰۸۹۱۰
تهران	پیشتاز تامین تجهیز غرب	۴۴۵۱۸۸۰۹	۴۴۵۲۴۳۸۳

تابلو سازان تحت لیسانس

شهر	نام شرکت	تلفن	فاکس
تهران	جابون	۸۸۸۰۵۵۰-۳	۸۸۸۰۴۸۷
تهران	تابش تابلو	۰۲۶۳-۴۷۶۰۶۳۰ ۰۲۶۳	۰۲۶۳-۴۷۶۰۶۲۹



SIEMENS

درايوهای جديد زيمنس 20Sinamics V



با ورود کنترل کننده‌های موتور، انقلابی در بهره برداری از مهم ترین تجهیزات صنعت که همان موتورهای الکتریکی است، به وجود آمد. امکانات متعدد کنترلی و حفاظتی که از اولین نسل‌های درایو موتورها در این محصولات تعبیه شده بود، توانمندی بالفعلی برای کنترل فرآیند به وجود آورد.

زیمنس یکی از با سابقه ترین تولیدکنندگان تجهیزات کنترل دور موتور است که تنوع بالایی در این رده از محصولات خود دارد.

پس از حضور موفق درایوهای MicroMaster در صنعت (خصوصاً در صنعت ایران)، اکنون تنوع زیادی از محصولات درایو توسط زیمنس عرضه شده است.

یکی از برنامه‌های متداول شرکت‌های موفق، بازنگری در تولیدات قبلی برای بهینه کردن محصولات در آینده است. ارائه خانواده‌ها و محصولات جدید در سبدکالایی تولیدکننده‌ای چون زیمنس با رصد بازار و خواست‌ها و تجهیز محصولات قبلی و بهینه کردن برای تولید تجهیزات جدید است.

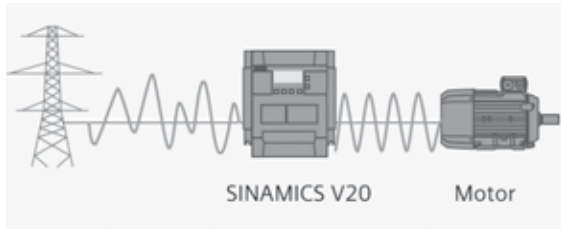
خانواده بزرگ درایو زیمنامیکس (Sinamics) با زیر خانواده‌های متعدد و قابلیت‌های ویژه، امروزه نیازهای مختلفی از صنعت را پاسخگو خواهد بود.

در این شماره بررسی کوتاهی بر محصول 20Sinamics V زیمنس خواهیم داشت.

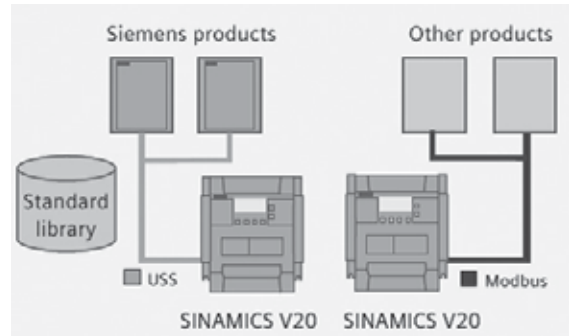


درايوهای این زیر خانواده برای کاربردهای با عملکرد پایه (Basic performance) تعریف شده اند. و امکانات و قابلیت‌های در نظر گرفته در آن خیلی از موارد را در دامنه کاربردهای معمولی و ساده پوشش می دهد.

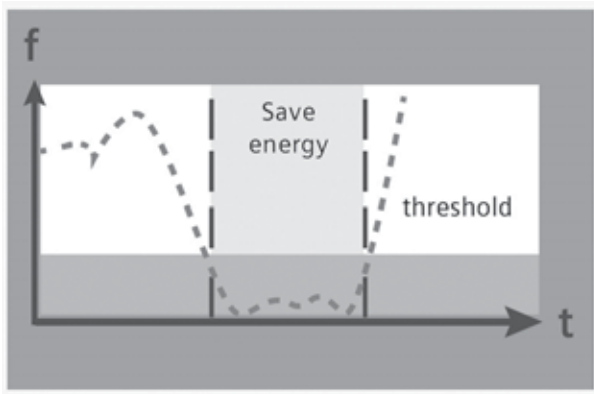
در 20Sinamics V که از توان ۰/۱۲ تا ۳۰ کیلو وات را شامل می شود امکاناتی به کارگرفته شده که این محصول را ساده و مقرون به صرفه کرده است. این درایوها به صورت فشرده و بدون نیاز به ماژول اضافه، مجهز به پورت ارتباطی شبکه Modbus RTU هستند و هم چنین پنل اپراتوری آن‌ها (که در دیگر درایوهای زیمنس بایستی به صورت مجزا تهیه می شد) بر روی این درایوها تعبیه شده است.



شکل ۲- کارکرد موتور حتی در صورت مشکلات تغذیه (Keep running mode)



شکل ۱- ارتباط مودباس درایو 20v با سایر تجهیزات



شکل ۳- Energy reduction during standby—hibernation mode

شرکت پارت کنترل خراسان با قریب ۲۰ سال حضور در صنعت برق و اتوماسیون صنعتی، در سه زمینه تامین و فروش تخصصی محصولات برق و اتوماسیون زیمنس و اشنایدر الکترونیک، طراحی و اجرای پروژه‌های برق و اتوماسیون و ارائه خدمات آموزشی تخصصی فعالیت دارد.

نکته ای که در بازطراحی و ساخت سری جدید درایوها، سازندگان این محصولات به آن توجه دارند، گنجانیدن توابع کاربردی است که نیاز سیستم کنترل موتور به کنترلرها را کم کند. در این محصولات هم، قابلیت‌هایی از جمله موارد زیر، این امکان را فراهم می‌کند که در بسیاری از کاربردها، نیازی به تهیه و به کارگیری کنترل کننده‌ای مانند PLC نباشد:

- ماکروهای متعدد؛ که چندین ست پارامتر را می‌توان تنظیم کرد مثلاً مجموعه تنظیمات موتور ۱، موتور ۲ و...
- وضعیت کارکرد بدون توقف

(Keep running mode for uninterrupted operation):

در حالتی که موتور در موقعیت‌های حساس نصب شده است مانند آگروز فن‌های تخلیه دود، و بایستی حتی با وجود خطا در درایو، به عملکردش ادامه دهد مناسب است.

- وضعیت خواب زمستانه (Hibernation mode) با این تابع در کاربردهایی مانند پمپ و فن، اگر فیدبک گرفته از پروسه مشخص کند که مصرفی در خروجی وجود ندارد، درایو موتور را برای صرفه جویی در هزینه و افزایش عمر تجهیزات خاموش می‌کند.

- تابع رفع قفل شدگی پمپ؛ که با استفاده از این تابع و عملکرد چندین بار راستگرد / چپگرد کردن موتور، پمپ را از حالت قفل شدگی خارج می‌کند. توابع فوق نمونه ای از مواردی بود که تا پیش از این در درایوهای کاربرد ساده زیمنس وجود نداشت و اکنون به همراه توابع متعددی دیگر در این محصول زیمنس به کار گرفته شده است.

میتوانید جهت دریافت مطالب کاملتر در خصوص درایوهای نسل جدید و نیز اطلاع از ریز قیمت‌ها به سایت پارت کنترل مراجعه فرمایید.

مکان جدید شرکت پارت کنترل: مشهد مقدس - میدان حضرت صاحب الزمان (عج) - مجتمع سبحان - طبقه سوم - واحد ۳۰۳ و ۳۰۴

مقالات

بایدها و نبایدهای بودجه عملیاتی موفق

بهزاد قاسمی نژاد؛ کارشناس ارشد حسابداری

بخش دوم



مقایسه بودجه برنامه ای و بودجه عملیاتی

بین بودجه برنامه ای و بودجه عملیاتی نمی توان خط روشنی رسم کرد؛ زیرا در واقع بودجه عملیاتی مرحله پیشرفته تری از بودجه برنامه است. برخی نویسندگان حتی این دو اصطلاح را به طور مترادف به کار می برند؛ اما در حقیقت، این دو عنوان کاملاً مترادف نیستند. برای توضیح تفاوت موجود بین این دو باید طبقات سلسله مراتب سازمان دولتی مورد توجه قرار گیرد.

بودجه برنامه ای بیشتر مربوط به طبقات بالای سلسله مراتب سازمانی است:

در کالی که در بودجه عملیاتی حدود فعالیت و عملیات طبقات پایینتر نیز بررسی و پیش بینی می شود. هر برنامه دولتی شامل تعداد زیادی عملیات و اقدامات سازمانهای عمومی است. در هر برنامه دولتی نظر قانونگذار به برنامه ها و در بودجه عملیاتی به عملیات واحدهای سازمانی معطوف است. در یک موسسه دولتی هر واحد سازمانی ای که در طبقات بالاتر سلسله مراتب سازمانی قرار دارد ممکن است خدماتی انجام دهد که به چندین برنامه مربوط باشد ولی واحدهایی که در طبقات پایین تر قرار دارند غالباً فعالیتهایی را انجام می دهند که منحصرأ به یک برنامه مربوط است. در تنظیم بودجه برنامه ای ممکن است بدون محاسبه دقیق مخارج هر واحد از فعالیت دولتی هزینه ها را فقط بر اساس سیاست کلی مالی دولت پیش بینی کرد؛ در صورتی که شرط اساسی برای تهیه بودجه عملیاتی این است که حجم و مقدار فعالیت سازمانهای دولتی تعیین هزینه هر واحد از فعالیتهای محاسبه شود. به طور کلی می توان گفت که بودجه برنامه ای فقط برای راهنمایی مدیران سازمانهای دولتی تعیین و هزینه هر واحد از فعالیتهای محاسبه شود.

به طور کلی می توان گفت که بودجه برنامه ای فقط برای راهنمایی مدیران سازمانهای دولتی در اداره امور عمومی و اخذ تصمیم مفید واقع می شود؛ در حالی که بودجه عملیاتی علاوه بر راهنمایی، عملکرد کلیه واحدهای سازمانی و کارکنان موسسات و ادارات دولتی را نیز کنترل می کند.

همان گونه که قبلاً بیان شد، اولین هدف بودجه برنامه ای تقسیم بندی وظایف و عملیات

دولت در قالب برنامه ها و فعالیتهای مشخص است.

در بودجه برنامه ای مواد هزینه در قالب برنامه و فعالیت تهیه می شود. اگر این نقطه را پایان بودجه برنامه ای بدانیم وظیفه بودجه عملیاتی از این نقطه به بعد آغاز می شود. عبارت دیگر بودجه برنامه ای و عملیاتی تا اینجا با هم مرز مشترک دارند و در حقیقت بودجه عملیاتی بدون بودجه برنامه ای مفهومی ندارد.

فرق اساسی بودجه عملیاتی و بودجه برنامه ای در اندازه گیری حجم عملیات و چگونگی محاسبه هزینه است. در بودجه برنامه ای عملیات دستگاه بر حسب برنامه ها و فعالیتهای تابعه طبقه بندی و هزینه هر فعالیت نیز به تفکیک فصول و مواد هزینه محاسبه می شود؛ در حالی که در بودجه عملیاتی حجم عملیات طبق موازین فنی دقیقاً اندازه گیری و هزینه عملیات طبق فنون و روشهای مختلف مانند حسابداری قیمت تمام شده یا اندازه گیری کار محاسبه می شود.

اختلاف بین بودجه برنامه ای و عملیاتی را می توان چنین عنوان نمود که در بودجه برنامه ای هزینه های داخل برنامه و فعالیتهای براساس مواد هزینه بر آورد می شود ولی در بودجه عملیاتی فنون یاد شده در فوق جای مواد هزینه را می گیرد.

در بودجه عملیاتی حدود فعالیت بودجه محدود تر می شود ولی در عوض حجم عملیات به طریقی علمی محاسبه می گردد. در حقیقت در بودجه عملیاتی اجرای هدف از نظر تقسیم مخارج بر حسب قیمت تمام شده واحد صورت می گیرد و برای هر هدف، واحد کاری بخصوصی به منظور معیار برآورد انتخاب می شود. بدین معنی که برای محاسبه هزینه بر اساس هدف، از روش حسابداری قیمت تمام شده یا از روش اندازه گیری حجم کار استفاده می شود؛ لذا مخارج اجرای هر برنامه مشخص می گردد. هدفهای مختلف چه از نظر اقتصادی و مالی و چه از نظر اداری، اجتماعی و نظامی برنامه های مختلف و جمع این برنامه ها که نماینده فعالیتهای مختلف دولت است بودجه کل را تشکیل می دهد.

مزایای اندازه گیری کار: روش اندازه گیری کار در امر بودجه بندی دو مزیت دارد:

۱- ارقام پیش بینی شده به علت تجزیه و تحلیل قبلی به حقیقت نزدیکتر خواهد بود.

نمود. اندازه‌گیری کار عبارت است از برقراری یک رابطه صحیح و منطقی میان حجم کار انجام شده با نیروی انسانی و یا ماشین به کار گرفته شده در تکمیل آن مقدار کار.

اندازه‌گیری کار یکی از مبانی مدیریت علمی و وسیله‌ای جهت کنترل زمان از طریق سنجش آن با کار انجام شده است. اهمیت بهره‌برداری از زمان، از نقطه نظر بودجه‌های هنگامی آشکار می‌شود که در نظر گرفته شود مقدار کاری که در مقابل حقوق کارکنان انجام شده است چه تناسبی با خدمات واقعی آنان دارد و برآورد اینکه که مقدار از این نیرو بدون استفاده مانده است. در عمل، برای سنجش میزان کار واقعی نیاز به «واحد اندازه‌گیری کار» داریم؛ مثل تعداد افراد معالجه شده، تیرهای چراغ نصب شده، نامه‌های تعیین شده، پرونده‌های رسیدگی شده و غیره.

پس از انتخاب واحدهای اندازه‌گیری کار باید حجم کار واقعی واحدهای انتخاب شده را تعیین نمود. به عنوان مثال معین نمود که برای نصب یک تیر چراغ چند دقیقه خدمت کارگر یا برای مداوای یک بیمار سرپایی چند دقیقه خدمت پزشک پرستار لازم است. البته یافتن معیارهایی برای سنجش اینکه از نیروی انسانی استفاده کاملی شده است یا نه در کارهای اداری و دفتری و تحقیقاتی مشکل‌تر از کارهای صنعتی و ماشینی است. به منظور اندازه‌گیری کار و تعیین ارتباط حقیقی کار با نیروی مصرف شده از روشها و فونونی مانند نمونه‌گیری از کار، مطالعات زمانی برآورد فنی، استانداردهای زمانی و استانداردهای آماری استفاده می‌شود.

ب) برآورد هزینه عملیاتی

در بودجه عملیاتی برای تعیین واحد عملیاتی اعم از اینکه اندازه‌گیری کار نرم و استاندارد استفاده شود باید هزینه واحد عملیات محاسبه شود برای برآورد این هزینه از دو طریق می‌توان استفاده کرد:

۱. قیمت تمام شده

۲. هزینه عوامل تشکیل دهنده کار

۱- قیمت تمام شده: استفاده از این روش مخصوص موسسات تجاری دولتی است زیرا در موسسات و ادارات خدماتی تعیین قیمت تمام شده واحد خدمت مشکل‌تر است و استهلاک در این موسسات محاسبه نمی‌شود لذا این روش کمتر در بودجه برنامه‌ای و یا عملیاتی دولت مورد نظر قرار می‌گیرد.

۲- هزینه عوامل تشکیل دهنده کار: در این روش پس از اینکه از طریق اندازه‌گیری کار، شاخص و استاندارد اطمینان حاصل شد که از کلیه عوامل حد اکثر استفاده به عمل می‌آید هزینه‌های تشکیل دهنده یک واحد عملیاتی را به هر طریق که آسان و مقدور باشد محاسبه می‌کنند و پس از آن محاسبه بودجه‌ای تقریباً پایان یافته است.

نظام بودجه بندی طرح و برنامه

روشی که اخیراً برای تکمیل بودجه برنامه‌ای در بسیاری از کشورها معمول شده است نظام بودجه نویسی طرح و برنامه (PPBS) است این اصطلاح را در سال ۱۹۶۰ وزارت دفاع آمریکا مورد استفاده قرار داد و بعداً با شرایط متفاوتی به دیگر دستگاه‌های دولت تسری یافت. نظام بودجه بندی طرح و برنامه تلاشی است برای ترکیب و تلفیق بودجه‌بندی با برنامه‌های کلی به عنوان یک مجموعه واحد که نشان دهنده خطوط اصلی و خط مشی‌های کلی سازمان و دولت است اجزای بودجه بندی طرح و برنامه عوامل جدید نیستند زیرا طرح ریزی برنامه و بودجه بندی هر یک سابقه‌ای دیرینه دارد، آنچه جدید است ترکیب این عوامل در یک ساخت کلی به نام بودجه بندی طرح و برنامه است در بودجه بندی طرح و برنامه ما با یک طرح کلی و یک سری برنامه و تعداد بسیاری پروژه روبرو هستیم، مثلاً افزایش تولید به عنوان طرح کلی می‌تواند شامل برنامه‌های مختلف مانند توسعه صنعت، توسعه کشاورزی و هر یک از این برنامه‌ها نیز حاوی پروژه‌هایی اجرایی متعددی باشند به

۲- استفاده از این روش موجب نوعی به کنترل خودکار در اجرای برنامه‌ها. فعالیتها می‌شود. البته واژه اندازه‌گیری کار که در مدیریت علمی به کار می‌رود با واژه اندازه‌گیری حجم عملیات متفاوت است، هر چند می‌توان با به دست آوردن نسبتی بین کار و ماشین آلات، کار و هزینه‌های اداری، کار و استهلاک کالاهای سرمایه‌ای نسبتی در کل بین حجم عملیات و کار به دست آورد و به قیمت تمام شده رسید. واحد انجام عملیات نماینده واقعی کوشش به کار رفته است که در محاسبات اندازه‌گیری کار از آن استفاده می‌شود.

در بودجه عملیاتی باید به هر ترتیب از هزینه هر واحد کار استفاده شود. در اینگونه موارد می‌توان از نرمها و استانداردها به عنوان واحد هزینه استفاده نمود.

نرم (هنجار) و استاندارد برای برآورد هزینه واحد مورد استفاده قرار می‌گیرد. نرم عبارت است از نتیجه آماری تجربیات گذشته. به عنوان مثال اگر برای بررسی هر پرونده در اداره ثبت، خدمت چهار نفر با خصوصیات مشخص و تحصیلات و تجربه معین لازم باشد نرم مربوط به دست آمده است که البته دقت اندازه‌گیری روش‌های علمی را ندارد. استاندارد و معیارها نیز طبق فنون و روش‌های مدیریت صنعتی به دست می‌آیند. بر اساس استانداردها زمان لازم برای تکمیل یک واحد کار محاسبه می‌شود. استاندارد به مراتب مطمئن‌تر از نرم و حتی اندازه‌گیری کار است و در فعالیت‌های صنعتی وسیله مطمئنی است.

روش‌های برآورد هزینه در بودجه عملیاتی:

در نظام بودجه عملیاتی مواد هزینه تنها وسیله برآورد نیست و استفاده از روشهای آمار، جایگزین مواد هزینه می‌شود. هر چند که بمنظور کنترل مالی باز هم به مواد هزینه نیاز خواهد بود و هزینه در قالب آن تهیه و به مجلس ارائه می‌گردد، ولی از نظر فنی روشهای مناسبتر و دقیقتری از مواد هزینه که به بهبود مدیریت کمک نمود، با به حد اقل رساندن هزینه‌های دولتی، حد اکثر بازده را تضمین می‌کنند جانشین مواد هزینه می‌گردند.

در روش بودجه عملیاتی باید عملیات داخل برنامه و فعالیتها به نوعی مشخص باشد که به آسانی بتوان واحدی برای سنجش عملیات داخل فعالیت به دست آورد و سپس با استفاده از فنون مذکور هزینه واحد مورد بحث را محاسبه کرده، میزان واحدها را در سال بودجه پیش بینی و بدین ترتیب بودجه فعالیت خاصی را برآورد نمود. در این نوع بودجه اجرای عملیات دقیقاً مقارن با هزینه‌های عملیات است و بدین ترتیب کنترل مالی و عملیاتی کاملاً در هم ادغام می‌شود. بزرگترین مزیت بودجه عملیاتی این است که مدیران اجرایی را در مقابل کار خود مسئول قرار می‌دهد. برای روشن شدن روش بودجه عملیاتی به شرح مراحل مختلف آن می‌پردازیم:

الف) طبقه بندی عملیاتی

در بودجه عملیاتی باید واحد مشخصی انتخاب شو که گویای عملیات طبقه بندی شده باشد. بدین منظور باید یک واحد اندازه‌گیری مناسب را که دارای خصوصیات زیر باشد در نظر بگیریم:

۱. قابل شمارش باشد؛

۲. به مرور زمان ثبات خود را از دست ندهد؛

۳. مصطلح و رایج باشد؛

۴. کوشش واقعی کار انجام شده را نشان دهد؛

سه عامل اول قابل حصول است، ولی یافتن واحد مشخص در خدمات دولتی که گویای تمام عملیات انجام شده باشد دشوار است. زیرا نرم و استاندارد مشخصی برای بررسی اینکه تمام سعی برای تحقق این واحد انجام شده وجود ندارد و باید به طریق دیگری متوسل شد.

واحد اندازه‌گیری کار. در نظام بودجه عملیاتی در مواردی باید از اندازه‌گیری کار استفاده



فعالیت از مبنای صفر است و برای هر فعالیت و یا برنامه باید توجیهی وجود داشته باشد که آیا لازم است یا نه؟ در بودجه بر مبنای صفر هزینه‌ها به جای اینکه بر مبنای سطح جاری محاسبه شوند از صفر شروع می‌شود. با چنین بودجه‌ای برای هر ریالی که مصرف می‌شود باید توجیه منطقی وجود داشته باشد. در بودجه بندی بر مبنای صفر، تحلیل گر بودجه طبعاً اطلاعاتی راجع به سطوح هزینه‌های گذشته و کارهای انجام شده درخواست خواهد نمود اما این داده‌ها مبنای کار او نخواهد بود و آنها را در این مورد نادیده خواهد گرفت. پیتر فیر نویسنده کتاب بودجه بندی بر مبنای صفر و صاحب مقاله ای جالب در این زمینه در سال ۱۹۷۳ در مجله‌هاوارد بیزینس ری و یو، بودجه بندی بر مبنای صفر را چنین توصیف کرده است یک برنامه عملیاتی و فرآیند بودجه‌ای است که هر مدیر را ملزم می‌کند که به نحوی کامل، مشروح و مستدل درخواست بودجه خود را از پایه صفر (زیرا مبنای صفر است) توجیه نماید و مسئول اثبات این امر باشد که چرا باید هر مبلغ را به مصرف برساند؟ بودجه بندی بر مبنای صفر در مقایسه با بودجه سنتی دارای مزایایی به شرح ذیل است: الف. این بودجه درباره اینکه آیا فعالیت‌ها باید ادامه یابند و یا متوقف شوند، توجیه بیشتری دارد.

ب. اشتراک مساعی تمام کسانی را که با بودجه ارتباط دارند مجاز می‌داند. ج. از آنجا که هر یک از شقوق مختلف به طور کمی محاسبه می‌شوند، معیارهای لازم برای مقایسه وجود دارند؛ در نتیجه، ارزیابی آنها روشن و خالی از ابهام است. د. فعالیت‌هایی که اولویت پایین دارند با اطمینان خاطر حذف می‌شوند. بودجه بندی بر مبنای صفر شامل تهیه پیشنهادها بودجه‌ای و سطوح جایگزین مصارف است که بسته‌های تصمیم‌گیری طبقه بندی شده‌اند. بسته‌های تصمیم‌گیری واحدهای کامل برای انتخاب بودجه شامل اطلاعاتی راجع به داده‌ها و ستاده‌ها (یعنی منابع مورد نیاز برای اجرای برنامه و محصولات آن برنامه) و نیز سطح مورد انتظار عملکرد برای هر یک از سطوح تعیین شده مصارف‌اند. این بسته‌ها را مدیران مسئول پایین‌ترین سطوح سازمانی که قادر به تدوین درخواست بودجه‌اند تهیه می‌کنند. و بدین ترتیب تصمیم‌ها جایگزین که امکان تجزیه و تحلیل مطلوبیت نهایی و مقایسه را فراهم می‌کنند تهیه و درجه بندی می‌شوند. مدیران عالی و مدیران برنامه سپس این بسته‌های تصمیم‌گیری را بر اساس اولویت درجه بندی می‌کنند؛ به طوری که سطوح پایین شامل دریافت بودجه نمی‌شوند. البته شایان ذکر است که اگر چه بودجه بندی بر مبنای صفر باعث تعیین اولویت‌های بودجه‌ای به شیوه بهتر می‌گردد و کارآیی سازمان را بالا می‌برد باعث می‌شود مقدار بیشتری کارهای دفتری انجام گیرد و احتمالاً روحیه افراد و مدیرانی که ملزم می‌شوند برای اقلام هزینه‌های پیشنهادی دلایل موجهی ارائه نمایند تضعیف گردد (در نتیجه موجودیت برخی از اقلام هزینه‌ها به زیر سوال خواهد رفت) به همین دلیل است که در زمان کنونی نسبت به سالهای پیشین از بودجه‌بندی بر مبنای صفر کمتر استفاده می‌شود. در مجموع، مزیت‌هایی برای بودجه ریز بر مبنای صفر وجود دارد. در برنامه‌هایی که رسالت‌های عملیاتی ویژه‌ای دارند، مانند بزرگراه‌ها، تفریح‌گاه‌ها و امور هنری این روش می‌تواند برای تحلیلگران برنامه و تصمیم‌گیرندگان کارساز باشد. این رویکرد کانون توجه را از افزودن به بودجه جاری به سمت حداقل ساختن حمایت عملیاتی تغییر می‌دهد. این روش در آموزش ماهیت برنامه‌های دولت به مدیران سطوح بالای اجرایی و کارمندان موفق بوده‌است و می‌تواند منابع بودجه و برنامه را به سوی فعالیت‌های با بهره‌وری بیشتر هدایت کند.

بودجه ریزی بر مبنای هدف

این رویکرد، که نظام بودجه ریزی طرح و برنامه و مبنای آن را رد می‌کند، در بعضی کشورها تحت عنوان «بودجه ریزی پاکتی» نامیده می‌شود. بودجه ریزی بر مبنای هدف، بودجه ریزی با فرآیند جیره بندی از بالا به پایین است که در آن تعیین اولویت‌ها و

کمک روش بودجه بندی طرح و برنامه در یک قالب کلی طرحها، برنامه‌ها و پروژه‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و با نگرشی سیستمی به بودجه بندی اقدام می‌شود. امکان مقایسه پروژه‌ها و برنامه‌ها با هم و انتخاب اثر بخش‌ترین آنها در نیل به اهداف کلی یکی از مهمترین ویژگیهای نظام بودجه بندی طرح و برنامه است. در این نظام که برای نهادینه کردن تجزیه و تحلیل در شاخه‌های اجرایی فرآیند تصمیم‌گیری به وجود آورد طرح‌های بلند مدت دولت با برنامه‌ریزی فعالیت‌های خاص یک ساله و بودجه مربوط جمع می‌شود و بودجه برنامه‌ای یک ساله در چهار چوب طرح‌های بلند مدت و با دید وسیع تری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

نظام بودجه ریزی طرح و برنامه پوششی در جهت نهادینه کردن تجزیه و تحلیل در فرآیند بودجه بندی دولتی است از این رو این نظام به معنای تجزیه و تحلیل و یا شکلی از آن نیست. این نظام، کاربرد تجزیه و تحلیل مطلوبیت نهایی، مطالعه هزینه - فایده، تجزیه و تحلیل سودمندی هزینه، تجزیه و تحلیل حساسیت، ماتریس نتیجه نهایی، ارزش فعلی و دیگر فنون را مورد تأکید قرار می‌دهند با استفاده از ساز و کارهای متعدد، نظام بودجه‌ریزی طرح و برنامه به عمل در می‌آید. تجزیه و تحلیل‌ها به خصوص در ابتدای مرحله گردش بودجه مورد تأکید قرار می‌گیرد طبقه بندی برنامه‌های دولت که (ساختار برنامه) نامیده می‌شوند، برای تسهیل مقایسه تحلیلی مورد نیاز هستند. با استفاده از نظام (PPBS) می‌توان برنامه ریزی، طرح ریزی، بودجه نویسی، اطلاعات مدیریت، کنترل مدیریت و ارزشیابی برنامه‌ای را به هم مرتبط ساخت و در عین حال نسبت به تجزیه و تحلیل نظام مندر هر یک از عناصر تأکید کرد در این نظام بیش از آنکه بودجه ریزی داده‌ها مطرح باشد، بودجه ریزی ستاده‌ها مطرح است. محور اصلی بحث در این نظام عبارت است از هدف‌ها و نتایج نهایی و امکان نیل به این هدف‌ها از طریق عملیات مختلف و مقایسه این عملیات و انتخاب بهترین و ارزانترین و سریع‌ترین و مناسب‌ترین آنها. نکته مهم این است که این مجموعه را باید یک نظام تلقی نمود نه روش و فن خاص. نظامی که شامل مبنای تصمیم‌گیری مناسب و معقول در مرحله سالیست سازی و اعلام خط مشی طراحی برنامه‌های اجرایی و تخصیص منابع محدود میان نیازهای نامحدود بود، برقراری ارتباط مداوم بین این عوامل را میسر می‌سازد. به این ترتیب هر یک از اجزای نظام از لحاظ نیل به هدف‌های تعیین شده در ارتباط با جزء دیگر نقشی دارد. استفاده از منابع دولتی برای نیل به هدف‌های عمومی همچنین امکان تعیین هدف‌ها، تشخیص اولویت‌ها، برنامه‌های لازم برای اجرای هدف‌ها انتخاب مطلوبترین روش و بالاخره اندازه‌گیری روش از مزایای این روش محسوب می‌شوند. در این نظام هر سال که قسمتی از طرح بلند مدت اجرا می‌شود امکانات و موانع پیش بینی شده روشن تر می‌گردد و در صورت نیاز، تجدید نظر در طرح‌های بلند مدت و اصلاحات و تعدیل‌های لازم به عمل می‌آید.

بودجه بندی بر مبنای صفر

به طور معمول در فرآیند تهیه بودجه، هزینه سال پیش که به مصرف رسیده یک نقطه آغاز به حساب می‌آید کار افرادی که بودجه جدید را می‌نویسند و یا تهیه می‌کنند این است که چه اقلامی از بودجه را باید حذف کرد و چه فعالیت‌هایی بر همان اساس چه اقلامی را باید اضافه نمود. این کار باعث می‌شود مدیریت برای ادامه یا توقف نوع خاصی از کار تعصب ویژه‌ای به خرج دهد (به ویژه زمانی که به سبب تغییرات محیطی یا تغییری که در هدف‌های سازمان رخ داده مساله مفید بودن آن قلم فعالیت، دیگر مطرح نیست) در بودجه بندی بر مبنای صفر، که نقطه مقابل بودجه افزایشی است، تعدیل بودجه بر تفاوت بین سال جاری و سال بودجه‌ای متمرکز است لذا اطلاعات گذشته در مورد هزینه‌ها و کارهای انجام گرفته برای بررسی میزان تغییر برنامه در سال آینده به کارگرفته می‌شود. بودجه بندی بر مبنای صفر سعی دارد که این نقیصه را بر طرف کند ZBB تعدیل مجدد هر

محدودیت‌ها در بالا اساس انتخاب راهکارها در پایین است. این نوع بودجه بندی نه بر عقلایی بودن اقتصادی که بر عقلایی بودن سیاسی تکیه می‌کند:

۱. اجازه در مورد تعیین سقفها، اولویتها و سطوح مصارف پاکتی برای هر وزیر؛

۲. تفویض اختیار جهت تامین اعتبار پیشنهادهای جدید از منابع پاکتی تعیین شده؛

۳. اجازه برای تامین اعتبار اضافی برای پیشنهادهای جدید از طریق حذف محدودیت‌های سیاسی.

در این نوع بودجه ریزی از واحدهای عمده دولت خواسته می‌شود تا بودجه خود را در محدوده اهداف یا سقفهای پاکتی تسلیم نمایند و ملاحظه کاربهای سیاسی مورد ملاحظه قرار می‌گیرند.

حسابرسی عملیاتی

این نوع حسابرسی عبارت است از بررسی قسمتهای خاصی از سازمان به منظور سنجش نحوه عمل آنها. این نوع حسابرسی معمولاً به اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی بخشهای مختلف سازمان می‌پردازد. حسابرسی عملیاتی از آنجا که دارای استانداردهای مشخص یا الزامات قانونی لازم الاجرا نمی‌باشد نسبت به حسابرسی صورتهای مالی و حسابرسی رعایت مستلزم کاربرد قضاوت بیشتری است.

حسابرس مستقل: فردی است که به دعوت صاحبان سهام یا اشخاص حقیقی یا حقوقی ذینفع و یا به حکم قانون حسابهای موردنظر را رسیدگی کرده و نتیجه را کتبا به دعوت کننده و یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر که او را تعیین نموده است گزارش میدهد.

بازرس قانونی: فردی است که طبق مقررات قانون تجارت توسط مجمع عمومی صاحبان سهام تحت شرایط خاصی تعیین میشود. بازرس قانونی علاوه بر صورتهای مالی، مفاد قانون تجارت و مفاد اساسنامه شرکت نسبت به گزارش فعالیتهای هیات مدیره نیز اظهارنظر می‌کند. بازرس قانونی موظف است کلیه گزارشات وقوع جرم را به مجمع عمومی صاحبان سهام ارائه نماید.

حسابرسی عملیاتی عبارت از فرایند منظم و روشمند ارزیابی اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی عملیات سازمان و گزارش نتایج ارزیابی، همراه با پیشنهادهای عملی به اشخاص ذیصلاح برای بهبود عملیات است. سه مؤلفه اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی اهمیت زیادی در حسابرسی عملیاتی دارد و در مصوبه فوق به شرح زیر تعریف شده است

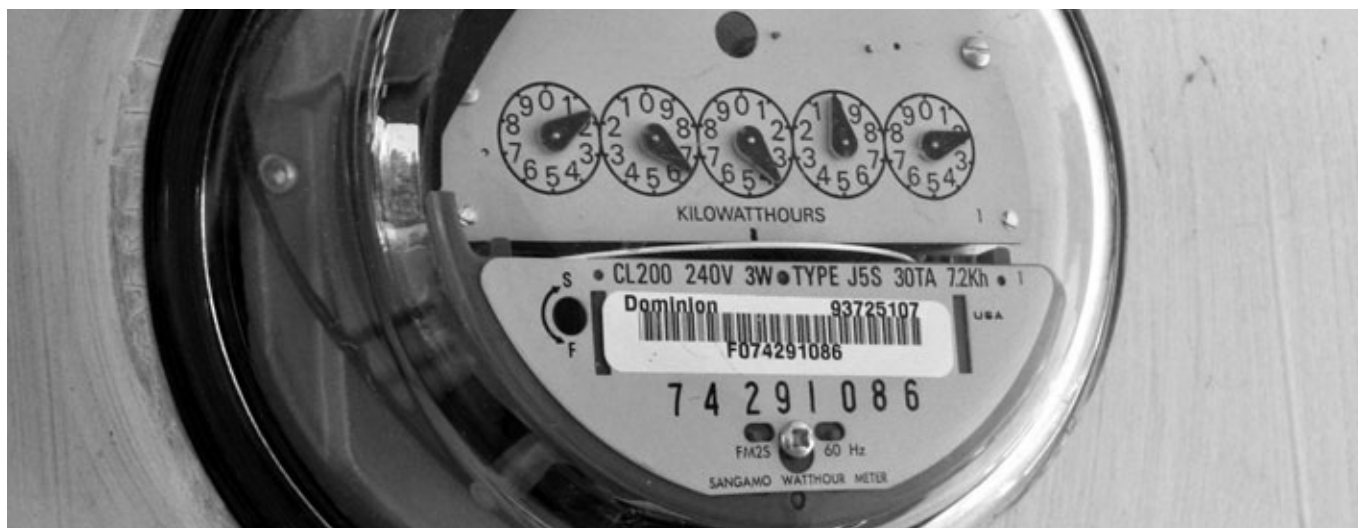
اثربخشی عبارت است از میزان دستیابی به هدفها کارایی عبارت است از نسبت نتایج به دست آمده از عملیات (ستانده) به منابع مصرف شده (داده). براساس این تعریف، عملیات کارا عملیاتی است که با استفاده از روشهای بهینه، حداکثر بازده (ستانده) را با صرف حداقل منابع (داده) تامین کند. صرفه اقتصادی عبارت است از تلاش در جهت حداقل کردن هزینه تحصیل و استفاده از منابع سازمان با حفظ کیفیت مناسب

هدفهای حسابرسی عملیاتی: حسابرسی عملیاتی، مصداق بارزی از خدمات مشاوره مدیریت است که ممکن است برخی از ویژگیهای حسابرسی صورتهای مالی را داشته باشد. این نوع حسابرسی دربرگیرنده بررسی روشمند فعالیتهای یک سازمان یا بخش مشخصی از آن در دستیابی به هدفهایی مشخص است. هدفهای کلی حسابرسی عملیاتی، موضوعات زیر را شامل می‌شود.

ارزیابی عملکرد: هر حسابرسی عملیاتی شامل ارزیابی عملکرد یک واحد اقتصادی است. ارزیابی عملکرد عبارت است از مقایسه شیوه انجام فعالیت‌های سازمان با هدفهای تدوین شده توسط مدیریت یا طرف قرارداد مانند سیاستهای سازمانی، استانداردها و هدفهای کمی و سایر معیارهای اندازه‌گیری مناسب. شناسایی فرصتهای بهبود عملیات منظور از بهبود عملیات به‌طورکلی عبارت از افزایش رعایت صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی و یا ترکیبی از این عوامل است.

منابع

۱. مقاله بودجه ریزی عملیاتی و چالش‌های آن در ایران، دکتر سعید اردکانی
۲. مقاله بودجه ریزی عملیاتی (ابزار مدیریت و برنامه ریزی برای بهبود عملکرد)، داوود مهدوی
۳. مقاله بودجه ریزی عملیاتی (مفاهیم و الزامات)، علی پناهی
۴. مقاله بودجه ریزی عملیاتی و رابطه آن با حسابرسی عملیاتی، جواد تقی‌زاده
۵. مقاله تبیین نیاز به بودجه ریزی عملیاتی در حسابرسی عملکرد مدیریت، علیرضا تقی‌زاده
۶. مقاله بررسی موانع اجرایی حسابرسی عملکرد و راهکارهای اجرای آن با استفاده از بودجه ریزی عملیاتی در سازمان‌های دولتی



اخبار

اخبار هیات مدیره

بررسی سناریوی مختلف اساسنامه فدراسیون در هیات مدیره سندیکا

بیست و سومین جلسه از دوره ششم هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران صبح روز یکشنبه بیست و پنجم مرداد ماه سال جاری در حالی برگزار شد که ضمن رایزنی گزارشی عملکرد و گزارش مالی سندیکا در سال ۹۳، گزارش بودجه سال ۱۳۹۴ سندیکا نیز توسط مهندس غیاث الدین دبیر سندیکا رایزنی و پس از بررسی و اخذ تایید هیات مدیره مقرر شد این امر برای تصویب در مجمع عمومی مطرح شود.

علاوه بر این بازبینی و آماده سازی گزارش پروژه سندیکا با شرکت ارگ ارم در دستور کار این جلسه قرار گرفت و مصوب شد از دستاورد این پروژه برای فروش به موسسه تحقیق و توسعه و سایر شرکت های متقاضی اقدام شود.

در ادامه پس از بحث و بررسی در خصوص اساسنامه فدراسیون برق ایران مقرر شد کارگروه ظرف مدت یک ماه اساسنامه را پس از دریافت نظرات اعضای هیات مدیره نهایی و به هیات مدیره ارائه کند. بر این اساس ضمن آنکه مقرر شد موضوع چگونگی دریافت حق عضویت ها در قالب های مختلف از جمله به صورت مستقیم از شرکت ها و متقابلاً پرداخت سهم تشکل ها از طریق فدراسیون و یا بالعکس، دریافت حق عضویت ها توسط تشکل ها و پرداخت سهم فدراسیون، از جوانب مختلف در میان اعضا بررسی و در قالب پیشنهادهایی به هیات مدیره ارائه شود تا نهایتاً مورد تصویب آنان قرار گیرد.

در پایان جهت معرفی پیشکسوتان عرصه سازندگی کشور پیشنهاد شد با توجه به سابقه و تجربه ۴۰ ساله در عرصه صنعت برق آقایان فنایی، پارسا و محمودیان و میرعمادی معرفی شوند.

در جلسه بیست و چهارم هیات مدیره سندیکا صورت گرفت

طرح و برنامه ریزی سمینار اجرای ماده ۲۱ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر

بیست و چهارمین جلسه هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران هشتم شهریور ماه سال جاری در حالی با حضور اعضا برگزار شد. در این نشست نظر به مذاکرات صورت گرفته مابین مهندس غیاث الدین دبیر سندیکا با دانشگاه شهید بهشتی مقرر شد اعضای شرکت های عضو سوژه های تحقیقاتی را که دارای قابلیت طرح در قالب پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری دارند اعلام کنند تا پس از مبادله تفاهم نامه به دانشگاه ارسال شود.

مطابق مصوبه این جلسه در خصوص برنامه سمینار اجرای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر که بنا است روز چهارشنبه هجدهم شهریور ماه سال جاری برگزار شود مقرر شد بررسی های لازم جهت طرح مشکلات اجرایی این قانون مطرح و پیشنهاد های اصلاحی در این سمینار توسط کمیته همکاری های مشترک در جلسه روز سه شنبه دهم شهریور ماه مطرح شود. ضمناً دعوت از وزارت صنایع و صنعت نفت نیز جهت شرکت در این سمینار نیز در دستور کار هیات مدیره قرار گرفت.

علاوه بر این در مورد تغییر کاربری ساختمان سندیکا هیات مدیره سندیکا طبق تصمیم اتخاذ شده در هیات مدیره مقرر شد در کارگروه ساختمان راهکار های چگونگی اخذ تخفیف را بررسی و حتی الامکان از افراد ذی نفوذ استفاده شود.

در ادامه پس از رایزنی گزارشی از جلسه دبیر سندیکای صنعت برق ایران با هیات مدیره سندیکای تولید کنندگان برق انجام همکاری های لازم با کارگروه منتخب آن سندیکا و رایزنی پیش نویس اساسنامه فدراسیون برق ایران به آنان از دیگر تصمیمات اتخاذ شده در این نشست بود.

گفتنی است در خصوص جمع بندی نهایی اساسنامه فدراسیون برق مقرر شد کارگروه مربوطه ضمن جمع بندی آخرین نقطه نظرات آرسالی این موارد را جهت تصویب در جلسه آینده هیات مدیره مطرح سازد.

همچنین بر اساس رایزنی گزارشی از عملکرد کمیته حقوقی قرار دادها توسط رییس و دبیر این کمیته مقرر شد مبحث هارد شپ و موضوع مسایل تامین اجتماعی کماکان جهت اخذ نتیجه نهایی پیگیری شود.



همنشینی صمیمانه صنعت و دانشگاه در سنديکا



صبح روز سه شنبه شانزدهم شهریور ماه جاری سنديکای صنعت برق ایران میزبان مهندس حائری رییس مرکز پشتیبانی صنایع آب و برق و توسعه صادرات وزارت نیرو و دکتر شهر تاش از اعضای هیات علمی دانشگاه علم و صنعت بود. در این دیدار صمیمانه که با حضور کمیته‌های توسعه صادرات و آموزش سنديکا صورت می‌گرفت با هدف رایزنی در خصوص راهکارهای برقراری ارتباط مستمر صنعت برق و دانشگاه به بحث و تبادل نظر پرداخته شد.

بر همین اساس مهندس حائری ضمن اشاره به نقش هدایت شده دانشگاه در جلوگیری از عقب ماندگی در شرایط تحریم‌ها و تاکید بر انتقال تکنولوژی و صنعت به کشور تصریح کرد: زمانی تولید تکنولوژی خواهیم داشت که فارغ التحصیلان ما بیکار نباشند. وی در بخش دیگری از این نشست اظهار داشت: دانشگاه‌ها باید تولیدکننده تکنولوژی‌های صنعت پسند باشند و نقش نتیجه گیری نهایی در سیستم صنعت را بر عهده داشته باشند.

دکتر شهر تاش در همین رابطه اظهار داشت: با حضور نخبگان کشور در فضای جدید فضای کسب و کار حرف‌های تر و آینده‌ای روشن برای محصولات خواهیم داشت. وی با بیان این مطلب بر لزوم استاندارد سازی محصولات و تعیین نقطه شروعی برای این امر تاکید کرد و اذعان داشت: به دستاوردهای دانشگاهی باید به دید صادراتی بنگریم تا محصولی که قابلیت صادراتی دارد مورد حمایت واقع شود.

این عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت ضمن اشاره به ساختار پیشنهادی و طرح اولیه خود در این باب، خاطر نشان ساخت: در این طرح محصولات به دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری تقسیم می‌شوند.

در این راستا مهندس غیث‌الدین دبیر سنديکا با یادآوری این موضوع که در سنديکا واحدی برای ارتباط با دانشگاه در نظر گرفته شده که مورد استقبال دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد اذعان داشت: اما جای این نگرانی وجود داشت که چرا ارتباط سنديکا با دانشگاه و صنعت تا پیش از این چندان مورد توجه نبوده است. وی افزود: اگر در کارهای نرم افزاری به بازارهای جهانی توجه نداشته باشیم نتیجه مثمر ثمر نخواهد بود.

گفتنی است در خلال این نشست بارها نگاه زیرساختی و راهکار محور مهندس حائری به همکاری دانشگاه و صنعت مورد قدر دانی حاضرین قرار گرفت و مقرر شد مکانیزم دقیقی توأم با زمانبندی برای این گونه ارتباطات تعیین شود.

در پایان از سوی رییس مرکز پشتیبانی صنایع آب و برق و توسعه صادرات وزارت نیرو پیشنهاد شد ضمن بررسی گزارش و اعلام نقطه نظرات جلسات بعدی در این خصوص با حضور چند تن از فعالین صنعتی در کنار دانشگاهیان برقرار شود.

پروژه‌های کاهش تلفات در انتظار مشارکت بخش خصوصی و دولت

مشارکت سنديکا با توزیع برق تهران در انتظار ابلاغ وزارت نیرو



اعضای هیات مدیره سنديکای صنعت برق ایران صبح امروز، مورخ بیست دوم شهریور ماه سال جاری، میزبان مهندس سید محمد هاشمی، مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ و مهندس مرتضی بهادری، معاون برنامه ریزی شرکت توزیع برق تهران بزرگ بودند.

در این جلسه که در محل سنديکای صنعت برق ایران برگزار شد، کاهش تلفات، گسترش همکاری‌های فی مابین اعضای سنديکا با شرکت توزیع برق تهران بزرگ و بررسی فرصت‌ها و پتانسیل‌های قانونی ماده ۱۲ قانون حمایت از تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور از جمله اصلی‌ترین موضوعات مطرح و به بحث رسید.

مهندس سید محمد هاشمی، ضمن اشاره به مشکلات عدیده صنعت برق به ویژه در حوزه تامین منابع مالی، تصریح کرد: اصلی‌ترین مشکل ما تامین منابع و تبیین فرمولی در خصوص نحوه پرداخت در حوزه کاهش تلفات است. اگر وزارت نیرو برای ما در این خصوص تعیین تکلیف کند، بلافاصله کارمان را در یک منطقه به صورت پایلوت آغاز خواهیم کرد.

وی ضمن تاکید بر این نکته که تاروشن نشدن جزئیات پرداخت و تامین منابع مالی، امکان اجرای پروژه‌های کاهش تلفات وجود ندارد، خاطر نشان کرد: اگر این روش‌ها از سوی وزارت نیرو به ما ابلاغ شود قطعاً ما آمادگی لازم برای مشارکت با سنديکا در صنعت برق ایران را خواهیم داشت تا در اولین فرصت پروژه‌های کاهش تلفات را کلید بزنیم.

مدیر عامل شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ همچنین از سنديکا خواست تا با شرکت‌های توزیع برای کسب موافقت از

وزارت نیرو مشارکت کنند و در ادامه افزود: اصلی ترین مساله وزارت نیرو واقعی شدن قیمت برق است. تفاوت قیمت تمام شده و بهای تکلیفی برق، دست این صنعت را برای تامین منابع مالی پروژه های بزرگ و زیرساختی آن بسته است. مهندس هاشمی در بخش دیگری از سخنان خود ضمن تاکید بر فرسودگی بیش از ۵۵ درصد شبکه های توزیع نیروی برق شهر تهران، گفت: این شبکه ها نیاز مبرمی به بازسازی دارند. لذا پیشنهاد من این است که ابتدا از طریق یک پایلوت در تهران کار اصلاح و بهینه سازی شبکه ها را با مشارکت سندیکا آغاز کنیم. هر چند در حال حاضر ساز و کار های لازم برای اجرای درست این طرح وجود ندارد.

معاون برنامه ریزی شرکت توزیع برق تهران بزرگ هم ضمن تاکید بر لزوم ایجاد ساز و کار های لازم در پروژه های صنعت توزیع، تصریح کرد: صنعت توزیع با سه مشکل اساسی روبروست. اول اینکه ردیف بودجه ای ندارد. دومین مشکل نبود ساز و کار قانونی مشخص برای پروژه هایی مانند کاهش تلفات و بهینه سازی مصرف است و سومین مساله بحران نقدینگی است. مهندس مرتضی بهادری در ادامه گفت: ما از نظر اجرایی هیچ مشکلی نداریم و در صورت حل این سه مشکل می توانیم با مشارکت سندیکا وارد مرحله اجرا شویم. در حال حاضر ما منتظر ابلاغ حوزه ستادی وزارت نیرو هستیم. در پایان این جلسه مقرر شد که از مهندس هاشمی نیز در یکی از جلسات کارگروه وزارت نیرو و سندیکا که با حضور معاون برنامه ریزی وزیر نیرو برگزار می شود، دعوت به عمل آید.

تشکیل کارگروه ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید در کمیته فنانانس و معرفی مهندس سعید مهذب ترابی به عنوان نماینده سندیکا جهت حضور در کارگروه ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید وزارت نیرو نیز از دیگر مصوبات این جلسه بود. اعضای هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران همچنین در این جلسه اساسنامه تشکیل فدراسیون برق را به تصویب رساندند و ادامه پیگیری ها به منظور تاسیس فدراسیون برق به کارگروه مربوطه واگذار شد.



اخبار کمیته ها

در سیزدهمین جلسه هیات ریسه کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات مطرح شد:

لزوم ایجاد همکاری بیشتر میان کمیته توسعه صادرات و کمیته اتوماسیون و مخابرات

اعضای کمیته اتوماسیون و مخابرات سندیکا در سیزدهمین جلسه هیات ریسه این کمیته بر لزوم ایجاد همکاری بیشتر با کمیته توسعه صادرات تاکید کردند.

به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران در این جلسه که سیزدهم مرداد در محل سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد آقایان مهندس رجایی از شرکت تامین سیستم های کنترل مخابرات ایران، مهندس احمدیان از شرکت راتین فرایند گستر، مهندس غفاری از شرکت اندیشه های فوانگر برسام، مهندس میرشاهی از شرکت اهرام فن آوری قدرت، مهندس دانشور از شرکت لیان ویژن البرز، مهندس تاجدینی از شرکت ویستا جهان، مهندس شکری از شرکت اترک انرژی و همچنین مریم نقره، دبیر کمیته اتوماسیون و مخابرات سندیکا، و مهندس باقری، رییس کمیته توسعه صادرات و آقای مرادیان، دبیر این کمیته حضور داشتند.

بررسی تفصیلی عملکرد و فعالیت کمیته توسعه صادرات و همچنین اهمیت همکاری های متقابل دو کمیته در مورد توسعه بازار خارجی کسب و کار اعضای سندیکا در مناسبات اقتصادی و تجاری و عدم موازی کاری از موضوعات مطرحه در این جلسه بودند.

در آغاز جلسه رییس کمیته توسعه صادرات سندیکا، تشویق و تهییج شرکت های عضو سندیکا به امور برون مرزی و ارائه توانمندی های صادراتی شرکت های عضو را از اهداف کمیته توسعه صادرات بر شمرده و برگزاری جلسات با حضور هیأت های خارجی، بر آورد هزینه های جاری، چاپ کاتالوگ و ترتیب دادن اقامت میهمانان خارجی در هتل را از اقدامات اعضای این کمیته دانست.

باقری همچنین به فعالیت های فراکمیته های نظیر همکاری با سازمان توسعه تجارت، وزارت صنایع و معادن و اتاق بازرگانی در زمینه امور گمرکی و وام های بانکی اشاره کرده و با توجه به اهمیت فعالیت کمیته اتوماسیون و مخابرات سندیکا در حوزه های پیمانکاران پست و مهندسی مشاور، حضور نماینده این کمیته در جلسات و نشست های کمیته توسعه صادرات را بلا مانع دانست.

در ادامه جلسه مهندس رجایی، رییس کمیته اتوماسیون و مخابرات نیز به بیان اهم همکاری های این کمیته با شرکت توانیر و



برق‌های منطق‌های که کمک بزرگی به رسالت کمیته توسعه صادرات سندیکا می‌کند، پرداخته و پیشنهاد داد کمیته اتوماسیون و مخابرات و سایر کمیته‌های علاقمند و فعال در حوزه صادرات در کمیته توسعه صادرات عضو شوند. تصمیم‌گیری در خصوص (۱) چاپ نام مشترک کمیته توسعه صادرات و کمیته اتوماسیون و مخابرات بر روی کاتالوگ تخصصی کمیته اتوماسیون و مخابرات (۲) ایجاد روابط نزدیک و همکاری دبیرخانه دو کمیته و حضور قطعی نمایندگان هر دو کمیته در جلسات مهم و هیأت‌های خارجی مشترک و (۳) ایجاد بستر ثانوی صادرات برای شرکت‌های عضو کمیته که فعالیت صادراتی جداگانه و مستقل در شرکت‌های خود دارند، از دستاوردهای مهم این جلسه بود.

در هیات ریسه کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات مطرح شد

دعوت از انجمن اپک جهت حضور در سمینار سالانه اتوماسیون

پانزدهمین جلسه هیات ریسه کمیته اتوماسیون بیست و هفتم مرداد ماه سال جاری با محوریت برگزاری سمیناری پیرامون فعالیت این کمیته در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی تشکیل شد. در این جلسه موضوع برگزاری این سمینار با حضور ۵ تن از اعضای هیات ریسه کمیته مورد طرح و موافقت قرار گرفت و مقرر شد در این حوزه از دبیر و یکی از اعضای انجمن شرکت‌های مهندسی و پیمانکاری نفت، گاز و پتروشیمی (اپک) در جلسه آتی هیات ریسه دعوت به عمل آید تا پس از بحث و بررسی در صورت توافق از اعضای این انجمن به عنوان مدعوین سمینار دعوت شود.

در این رابطه ضمن اشاره به امکان حضور نماینده انجمن اپک به عنوان سخنران در سمینار پیشنهاد شد این انجمن به صورت اسپانسر افتخاری در سمینار حاضر شود. همچنین برگزاری سمینارهای دوره‌ای در سایر حوزه‌های صنعت نظیر مترو، فولاد، مس و سیمان توسط سندیکا، در دستور کار کمیته قرار گرفت. بر همین اساس در خصوص تاریخ برگزاری سمینار مقرر شد جهت هماهنگی با سالن مربوطه این تاریخ بین بیست و یکم تا بیست و هشتم مهرماه سال جاری تعیین شود.

در ادامه چگونگی حضور شرکت‌های عضو کمیته اتوماسیون و مخابرات در نمایشگاه جانبی کنفرانس بین‌المللی برق آبان ماه سال جاری مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و نهایتاً مصوب شد جهت حضور کمیته به صورت پاورپوینت و سخنرانی نماینده آن در روز دوم سمینار، با موضوع بررسی نقش شرکت‌های یکپارچه ساز سیستم حفاظت کنترل در احداث و بهره‌برداری بهینه پست‌های فشار قوی، اقدامات لازم به عمل آید.

در پایان مقرر شد دوره‌های آموزشی کمیته در برنامه تقویم آموزشی نیمه دوم سال جاری در زمینه آموزش شرکت‌های نفتی با موضوع زونهای حفاظت محیطی و استانداردهای استفاده شده در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و پخش بار هوشمند در مراکز صنعتی برگزار شود.

در نشست هیات ریسه کمیته اتوماسیون با نمایندگان اپک مطرح شد

اعلام همکاری کمیته اتوماسیون در برگزاری کنگره راهبردی نفت و نیرو

هیات ریسه کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات روز سه شنبه سوم شهریور ماه سال جاری در حالی تشکیل جلسه داد که جمعی از نمایندگان انجمن شرکت‌های مهندسی و پیمانکاری نفت، گاز و پتروشیمی (اپک) میهمان آن بودند.

طی این جلسه گزارش مسوولی از عملکرد سندیکا و کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکا مبنی بر همکاری‌های مستقیم با وزارت نیرو و توانیر و نهاد‌های کارفرمایی و برگزاری سمینار سالیانه اتوماسیون در جایی ریاست کمیته ارائه شد. همچنین در خلال این نشست توضیحاتی در زمینه برگزاری سمینارهای تخصصی پروژه‌های پیمانکاری نفت و گاز توسط نمایندگان انجمن اپک ارائه شد که ضمن ابراز خرسندی از دعوت انجام شده برای همکاری با کمیته و سندیکا، با توجه به تشریح اهداف برگزاری سمینار سال جاری برای نمایندگان اپک، این موضوع مورد استقبال قرار گرفت.

در ادامه مهندس معین درباری عضو هیات مدیره انجمن اپک با تأکید بر لزوم آشنایی کارفرمایان، مشاوران و پیمانکاران حوزه نفت و گاز و پتروشیمی با خدمات و محصولات شرکت‌های فعال و ساختار پروژه‌های اتوماسیون و مخابرات صنعت برق ضمن موافقت با حضور در سمینار به عنوان اسپانسر افتخاری، قول ارائه همکاری و مشورت لازم را در برگزاری این سمینار داد.



سندیکا

بر همین اساس ضمن آنکه مقرر شد تاریخ برگزاری سمینار پس از هماهنگی با هیات مدیره انجمن اپک با سالن مربوطه هماهنگ شود، در خصوص همکاری مشترک کمیته اتوماسیون و مخابرات و انجمن اپک در برگزاری سمینار سال جاری، تشکیل جلس‌های تا قبل از دهم شهریور ماه به منظور طرح و تبادل نظر مابین هیات ریسه هر دو تشکل در دستور کار قرار گرفت. شایان ذکر است در این جلسه سخنران کلیدی سمینار و لیست شرکت‌های مدعو عضو انجمن و ارسال دعو تنامه مشترک بررسی خواهد شد.

علاوه بر این مطابق مصوبه این جلسه مقرر شد در خصوص برگزاری کنگره راهبردی نفت و نیرو که در نیمه دوم مهر ماه سال جاری توسط وزارت نفت برگزار خواهد شد، بررسی‌های لازم به عمل آید تا کمیته‌های تخصصی اتوماسیون و انرژی‌های نو سندیکا بتوانند از طریق مذاکره دبیر سندیکا با مهندس فلاحتیان معاون وزیر نیرو و امور برق و انرژی حضور فعال خود را در برگزاری این کنگره اعلام کنند.

همچنین در خاتمه جلسه ضمن ارایه کاتالوگ اعضا و پرو فایل کمیته به نمایندگان انجمن اپک به منظور جهت آشنایی هر چه بیشتر مقرر شد هر دو تشکل از طریق واحدهای روابط عمومی و دبیر خانه‌های خود زمینه لازم جهت همکاری و همکاری بیشتر را فراهم و پیگیری کنند.

در کمیته انرژی‌های تجدیدپذیر مورد تصریح شد:

تسهیل امکان مشارکت بخش خصوصی در پروژه سلول‌های خورشیدی

در جلسه کمیته تخصصی انرژی‌های تجدیدپذیر که چهارم مرداد ماه سال جاری در محل سندیکا برگزار شد موضوعات مرتبط حول سه محور اساسی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در خصوص بند نخست دستور جلسه، ضمن ارایه گزارشی از جلسه هیات تجاری شرکت مینا بهینه سازان نیرو با ایدرو توسط صوفی پور نماینده سندیکا، به تمایل شرکت ترکی برای سرمایه گذاری در نصب و بهره برداری نیروگاه‌های تجدیدپذیر اعم از بادی و خورشیدی اشاره شد. در این گزارش کیفیت سرمایه گذاری مشترک مورد درخواست از سوی هیات تجاری ترک به صورت (۵۰-۵۰) عنوان و پیشنهاد شد این امر در قالب ۴ نوع سرمایه گذاری شامل تولید توربین بادی و انتقال تکنولوژی با برند مطرح، تولید سلول خورشیدی و انتقال تکنولوژی با برند مطرح، احداث مزرعه بادی و احداث مزرعه خورشیدی انجام شود. در این گزارش تصریح شد طبق مصوبه پایانی جلسه مذکور مقرر شده بود شرکت ترک، به صورت کتبی توانمندی‌های خود را به ایدرو اعلام کند و به دنبال آن طی نامه ای به سندیکا این سرمایه گذار توسط ایدرو به سندیکا معرفی شود تا متعاقب آن بازدید سندیکا از توانمندی‌های شرکت ترک و دعوت از سرمایه گذار مربوطه برای بازدید از شرکت‌های ایرانی و حضور در سندیکا صورت پذیرد.

در ادامه در خصوص نقش سندیکا و اقداماتی که می تواند برای فعالیت‌های این چنینی انجام دهد بحث شد که در خلال آن نقش تسهیلگری و هماهنگ کنندگی سندیکا مورد اشاره قرار گرفت. علاوه بر این، اعضا بر ضرورت برنامه ریزی برای پیچگونگی حضور در مشارکت‌ها و سرمایه گذاری‌های خارجی و ضرورت پیگیری شرکت‌های ایرانی برای دعوت از سرمایه گذاران خارجی تاکید کردند.

با بیان این مطلب از سوی حاضرین پیشنهاد شد سندیکا لیست شرکت‌های فعال را برای سرمایه گذاری از طریق اتاق‌های مشترک تهیه و به اعضا ارایه کند.

در ادامه، موضوع سرمایه گذاری ایدرو برای تولید سلول‌های خورشیدی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این رابطه نظر به حجم سرمایه گذاری ایدرو و با توجه به تامین حدوداً ۸۰ درصدی سهم بخش خصوصی از طریق وام کم بهره، خاطر نشان شد در این شرایط تنها تامین ۲۰ درصد سرمایه نقدی از سوی بخش خصوصی مورد نیاز است که لازم است اعضای سندیکا ۷۰ میلیارد ریال آورده نقدی برای مشارکت در این طرح داشته باشند.

گفتنی است رتبه بندی و ارزیابی شرکت‌ها توسط سندیکا و نیز بازبینی قراردادهای فتوولتائیک دو بحث اصلی مطرحه در بند سوم صورت جلسه این نشست بود که در رابطه با موضوعات و مسایل قابل طرح در کمیته مشترک تائیر و سندیکا مورد بررسی قرار گرفت.

بر همین مبنای در خصوص موضوع اول با توجه به اجرای ناموفق بعضی از پروژه‌ها که عمدتاً ناشی از برگزاری مناقصات با شرایط نامناسب تشخیص داده می شود، پیشنهادی با هدف جلوگیری از ورود شرکت‌های ناکارآمد به مناقصات توسط اعضا ارایه شده که بر اساس آن مسئولیت ارزیابی شرکت‌ها و معرفی موارد توانمند به تائیر و شرکت‌های تابعه بر عهده سندیکا قرار خواهد گرفت.



در این راستا لازم است سندیکا ارزیابی دوره ای و نظارت بر اجرای پروژه‌ها را در دستور کار خود قرار دهد. در ارتباط با مبحث بازبینی قراردادهای فتوولتاییک با توجه به ایرادات موجود در قراردادهای توانیر و شرکت‌های تابعه بنا به پیشنهاد ارایه شده از سوی اعضا، بررسی مسایل و ایرادات قانونی قراردادهای بهره‌گیری از تجربیات قبلی انجام شده در سندیکا در دوره‌های قبلی هیات مدیره سندیکا، در دستور کار قرار گرفت.

انتخاب هیات ریسه جدید کمیته انرژی‌های تجدید پذیر

کمیته انرژی‌های تجدید پذیر بعد از ظهر یکشنبه پانزدهم شهریورماه سال جاری با حضور ۲۳ شرکت از ۴۵ شرکت عضو دارای حق رای در مجمع عمومی این کمیته اقدام به برگزاری انتخاباتی جهت برگزیدن اعضای جدید هیات ریسه خود کرد. این امر که در پی عدم حضور تعدادی از اعضای هیات ریسه کمیته انرژی‌های تجدید پذیر در جلسات کمیته و تمایل آنها به برگزاری انتخابات مجدد صورت می‌گرفت، نهایتاً براساس آیین نامه سندیکا منجر به برگزاری انتخاباتی برای تعیین ۳ عضو جدید هیات ریسه این کمیته شد. مطابق نتایج آرای اعلام شده، در این انتخابات سعید مذهب ترابی از شرکت مشاور نیرو و باکسب ۲۱ رای، فتانه دوستدار از شرکت قدس نیرو و با ۱۶ رای و احمد مسلمی از شرکت معیار توسعه نیرو با ۱۲ رای از مجموع ۶۹ رای مأخوذه به عنوان اعضای هیات ریسه و کمیته تجدید پذیر و به ترتیب فاطمه طباطبایی از شرکت گرین انرژی و حامد دریاباری از شرکت کومینزیدک به عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب شدند.

نام و نام خانوادگی	شرکت	تعداد آرا
۱- سعید مذهب ترابی	مشاور نیرو	۲۱ رای
۲- فتانه دوستدار	قدس نیرو	۱۶ رای
۵- احمد مسلمی	معیار توسعه نیرو	۱۲ رای
۳- فاطمه طباطبایی	گرین انرژی	۱۰ رای
۶- حامد دریاباری	کومینزیدک	۶ رای
۴- مهدی ناظمیان	فرپام	۴ رای

پی‌ریزی کمیته بین الملل در هیات ریسه کمیته توسعه صادرات

هیات ریسه کمیته توسعه صادرات پنجم مهر ماه سال جاری با محوریت بحث و بررسی برنامه‌های کارگروه‌ها و راه‌اندازی بخش بین الملل سندیکا تشکیل جلسه داد. در ابتدای این نشست ضمن خوش آمدگویی رییس کمیته به مهندس خوش قلب نماینده شرکت صانیر و ابراز امیدواری بابت بهره‌مندی از تجربیات ارزشمند وی در بخش صادرات، طی ارایه توضیحاتی در خصوص برنامه‌های کارگروه الف یا ارتباطات به موارد قابل طرح در جلسه با دکتر امیری خامکانی سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اشاره شد. در ادامه با اشاره به نقاط قوت و ضعف عملکرد کارگروه ترویج اطلاع رسانی و توسعه بازار و برنامه‌ها و نقشه راه این کارگروه عنوان شد عدم حضور نمایندگان در جلسات عملاً موجب کاهش انگیزه کارگروه شده است. همچنین ضمن ارایه توضیحاتی در خصوص اقدامات و جلسات برگزار شده و تغییر برنامه کارگروه و هیپگیری تفاهم نامه‌ها در بحث رنکینگ توضیحات مرتبط ارائه شد. علاوه بر این با طرح موضوع راه‌اندازی بخش بین الملل سندیکا توسط دبیر کمیته، مهندس غیاث الدین دبیر سندیکا اظهار داشت: با توجه به حضور هیات‌های خارجی در ایران و نحوه ورود و زمینه فعالیت آن‌ها در ایران کمیته‌های دیگر سندیکا نیز علاقمند به مشارکت در این امر هستند. وی ضمن ارایه پیشنهادی در رابطه با تمرکز یک کمیته ویژه به عنوان کمیته بین الملل بر پیگیری این موضوع، آن را برای کمیته

سندیکا

توسعه صادرات خالی از لطف ندید و اذعان داشت: بیشترین تجربه ارتباط با هیات‌های خارجی را در سندیکا کمیته توسعه صادرات دارا است که این تجربه نیازمند تعمیم به سایر کمیته‌ها است.

بر همین اساس دکتر کمالی زاده با تأکید بر ضرورت وجود چنین ساختاری در سندیکا خاطر نشان ساخت: با این روند پیشنهادی پیگیری بحث صادرات توسط کمیته توسعه صادرات انجام می‌شود و مسایل مرتبط با بحث بین الملل در غالب ساختاری مستقل دنبال خواهد شد.

وی با بیان این مطلب آمادگی کمیته توسعه صادرات را برای به نتیجه رساندن این موضوع اعلام داشت. همچنین لزوم محوریت بخشی به سندیکا در این موضوع از سوی رییس کمیته مورد تأکید قرار گرفت.

کمالی زاده در این رابطه با اشاره به اهمیت استراتژی اولیه واحد در تیم بین الملل سندیکا افزود: پیشنهاد می‌شود به جهت آنکه موضوع در سطح سندیکا است، یک نفر از هیات مدیره سندیکا و ۲ نفر از هیات ریسه کمیته صادرات پیگیری آن را بر عهده بگیرند و به علت کلیت موضوع از سوی سایر کمیته‌ها نیز اعضای غیر موظف جهت همراهی به کارگروه معرفی شوند.

در خلال این نشست ضمن بیان اهمیت بخش‌های مختلف برنامه ریزی تشکیل کمیته بین الملل از جمله اعلام نیاز هیات‌ها، نحوه دعوت، اعزام و مدیریت از سوی نایب رییس کمیته تصریح شد: کلیات این امر شامل شرح وظایف و تأمین منابع آن نیز باید مشخص شود.

در این رابطه دبیر سندیکای صنعت برق ایران نیز جهت کمال همکاری با نفرات مورد نظر در کمیته بین الملل اعلام آمادگی کرد. در پایان این نشست مهندس خوش قلب از شرکت صنایع با تأکید بر تسریع اقدام در خصوص تشکیل کمیته بین الملل خاطر نشان ساخت: با توجه به زمینه کار متنوع هیات‌ها نیاز است متناسب با آن‌ها نفرات در جلسات معرفی شوند.

در هیات ریسه کمیته توسعه صادرات به بحث گذاشته شد

واگذاری دبیر خانه بخش برق روابط بین الملل اتاق بازرگانی به سندیکا

هیات ریسه کمیته توسعه صادرات اول شهریور ماه سال جاری با حضور اعضا در محل سندیکا تشکیل جلسه داد. در ابتدای این نشست ضمن قرائت گزارش جلسه کارگروه روز صادرات توسط دبیر کمیته توسعه صادرات به لزوم ایجاد هماهنگی با تشکل‌های حاضر جهت دریافت خروجی مد نظر از این کارگروه اشاره شد.

بر این اساس ضمن تأکید بر لزوم مشارکت همه اعضا هیات ریسه در این کارگروه توسط رییس کمیته توسعه صادرات، به مسکوت ماندن برنامه کارگروه‌های کمیته اشاره و پیشنهاد شد ضمن برگزاری منظم جلسات کارگروه‌ها برنامه آنها از سوی هیات ریسه تعیین شود.

در ادامه ارایه خدمات بازاریابی و ایجاد ارزش افزوده برای شرکت‌ها مورد پیشنهاد قرار گرفت و اشاره شد با توجه به آنکه مسئولیت اجرایی به عهده دبیر خانه است در صورت نیاز دبیر خانه کمیته تقویت شود.

بر این اساس مهندس بخشی نایب رییس هیات مدیره سندیکا و عضو هیات ریسه کمیته توسعه صادرات در تایید این پیشنهاد از تفکری در سندیکا که مانع ورود به بحث بازاریابی می‌شود انتقاد کرد و افزود: تعریف اهدافی به عنوان بستر سازی با فضای کشور ما سازگار نیست و این موضوع سبب می‌شود نگاه ما خروجی محور نباشد. بنابر این لازم است در کمیته از موضوع ورود به بحث بازاریابی نترسیم. برای مثال کمیته می‌تواند در بحث مطالبات عراق به طور جدی پیگیری باشد.

در پاسخ به این موضوع حقیقی نماینده شرکت قم آلیاژ اظهار داشت: در یک دوره گسترش روابط با عراق مطرح بود اما امروز باید از بازار عراق مطالبات شرکت‌ها را جمع‌آوری کنیم. به تعریف اهداف کوتاه مدت که ایجاد انگیزه کند بپردازیم.

در ادامه بحث تعیین وظایف و موضوعات کارگروه‌ها، پیشنهاد شد در کنار موضوعات مطرحه در کارگروه‌ها چند موضوع مشخص تأثیر گذار در جذب مشارکت اعضا در هیات ریسه مطرح شود. بر این اساس مقرر شد روسای گروه‌ها برنامه کارگروه خود را مشخص و تا جلسه بعدی هیات ریسه ارایه دهند.

مهندس بخشی در خصوص موضوعات مد نظر در کارگروه‌ها افزود: با توجه به فعالیت جدی و موثر کمیته توسعه صادرات کمیته باید موضوعات بصورت خاص پیگیری شود. از این رو برای انتخاب مصادیق حتی اگر نیاز است هزینه کنیم و در خصوص مشارکت شرکت‌ها نگاه داوطلبانه نداشته باشیم.

در پاسخ به این امر ضمن اشاره به پیشنهاد ارایه شده در خصوص ایجاد اتاق فکری در کمیته اذعان شد این اتاق فکر می‌بایست





موضوع محور باشد.

مطالبات شرکت‌ها از عراق از دیگر موضوعات مطرح شده در این جلسه بود که بر اساس پیشنهادی مقرر شد مکاتبات صورت گرفته با وزارت نیرو در این خصوص پیگیری شود و در صورت عدم حصول نتیجه، مصاحبه مطبوعاتی صورت گیرد. در همین راستا مقرر شد پیش از تشکیل جلسه ای با حضور دکتر امیری خامکانی، کارگروه الف موارد قابل بحث در این خصوص را تهیه و به هیات ریسه ارائه کند. همچنین مطرح شد راجع به سایر مراجع که کارگروه الف بنای ارتباط گیری دارد ذی نفعان شناسایی شود.

پس از بیان این مطالب، مهندس بخش‌ی از اعلام آمادگی اتاق بازرگانی برای واگذاری دبیرخانه بخش برق روابط بین الملل به سندیکا خیرداد که در این خصوص بر لزوم همکاری‌های مثبت فی مابین جهت اخذ نتایج مفید از این امر تاکید شد. نهایتاً بر اساس رایه پیشنهادی در خصوص انتخاب نمایندگان و محک زدن حجم کار برای جلسات مشترک با اتاق بازرگانی، برگزاری جلسه ای با معاونت بین الملل اتاق ایران در دستور کار کمیته قرار گرفت. در پایان این نشست توضیحات مرتبط در خصوص کارگزاری صندوق ضمانت صادرات توسط دبیر کمیته ارائه و مقرر شد جلسه ای با مدیر بخش کارگزاری صندوق ضمانت صادرات برگزار شود.

در کمیته حقوقی و قراردادها انجام شد:

پیگیری بندهای مبهم آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور

جلسه کمیته حقوقی و قراردادها یکشنبه یازدهم مرداد سال جاری در محل سندیکا با حضور اعضا تشکیل جلسه داد. ابتدای این جلسه ضمن طرح موضوع قراردادی شرکت توس فیوز و بررسی اقدامات انجام شده مقرر شد طی مکاتباتی موضوع پاسخگویی به نامه و تقاضای شرکت توس فیوز از دستگاه ذیربط پیگیری و سپس متناسب با پاسخ دریافتی در مورد اقدام بعدی تصمیم گیری شود.

در ادامه پس از بحث و بررسی در خصوص آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور و تشریح تمامی زوایای آیین نامه مزبور مصوب شد که طی نامه ای استنباط معاونت حقوقی سازمان تامین اجتماعی از قانون و بخشنامه مرتبط با مشاغل سخت و زیان آور در مورد وصول ۲ بار ۴ درصد برای بخشی از مدت کارکرد شاغل در مشاغل سخت و زیان آور درخواست و در صورت قانع نشدن از پاسخ، از اداره تطبیق قوانین مجلس مورد استفسار قرار گیرد.

علاوه بر این در خصوص نامه ارسالی از سوی خانه صنعت و معدن استان تهران در ارتباط با اعتراض به عدم پذیرش هزینه گارانتی توسط حوزه مالیاتی مقرر شد استعلام شود که عدم پذیرش این هزینه مستند به کدام بخشنامه یا قانون بوده است. همچنین معرفی مهندس صیاد و مهندس مقدم جهت شرکت در جلسات اتاق تهران در خصوص تدوین آیین نامه‌های قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر از دیگر تصمیمات اتخاذ شده در این جلسه بود.

لازم به ذکر است در راستای پیگیری مناسب، منطقی و به موقع مشکلات انعکاس داده شده اعضا رایه پیشنهادی به دبیر سندیکا در دستور کار کمیته قرار گرفت. بر این اساس تصریح شد مشکلات انعکاس یافته اعضا به سندیکا که نیاز به اقدامات اساسی دارد با فرصت کافی برای بررسی، از طریق کمیته حقوقی و قراردادها اقدام شود.

در خصوص مشکلاتی با ضرورت اقدام فوری یا فرصت کم، ضمن اقدام مقتضی توسط دبیر سندیکا، مقرر شد کپی اسناد و اقدامات انجام شده در اختیار دبیر کمیته حقوقی و قراردادها گذاشته شود.

پیگیری علل عدم پذیرش هزینه گارانتی در کمیته حقوقی و قراردادها

کمیته حقوقی و قراردادها صبح روز یکشنبه اول شهریور ماه سال جاری با حضور اعضا در محل سندیکا تشکیل جلسه داد. در ابتدای این نشست طرح اصلاح ماده ۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مطرح و مقرر شد موضوع ماده مزبور توسط دبیر کمیته بررسی و در جلسه آتی کمیته مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گیرد. همچنین در خصوص مکاتبه با معاونت حقوقی سازمان تامین اجتماعی در ارتباط با آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور مصوب

دیکا

شد ضمن بازبینی و اصلاح متن تنظیمی و استعلام نظر رییس کمیته این نامه با امضای دبیر سندیکا ارسال شود. در ادامه جهت ارتباط موثر و مستمر با کمیسیونهای تسهیل تجارت و توسعه صادرات، بازار پول و سرمایه مقرر شد محمدی دبیر کمیته حقوقی و قراردادها به عنوان نماینده برای شرکت در جلسات به کمیسیونهای فوق الذکر معرفی شود. علاوه بر این در رابطه با نامه خانه صنعت و معدن استان تهران در خصوص معرفی نماینده جهت شرکت در جلسات کمیسیونهای بدوی و تجدید نظر مالیاتی و تأمین اجتماعی معرفی امیری طیبی و محمدی به عنوان نمایندگان سندیکا در دستور کار کمیته قرار گیرد. بر این اساس مقرر شد طی ارتباط با خانه صنعت و معدن در خصوص علت عدم پذیرش هزینه گارانتی توسط حوزه مالیاتی و اینکه این موضوع مرتبط با هزینه است یا ذخیره کردن مبلغ برآوردی، استعلام شود. در پایان در مورد بحث شناخت اعضا از نمایندگان سندیکا در سازمانها و تشکلهای، مقرر شد لیست نمایندگان از دبیرخانه درخواست و به طرق مختلف از طریق پست الکترونیک یا سایت در اختیار اعضا قرار داده شود.

در دستور کار کمیته حقوقی قراردادها قرار گرفت

رصد مرجعی در اتاق جهت انعکاس مشکلات روز اعضای سندیکا

کمیته حقوقی و قراردادها روز یکشنبه بیست و دوم شهریورماه سال جاری با حضور اعضا در محل سندیکا تشکیل جلسه داد. در این نشست مقرر شد پس از دریافت برنامه ششم ضمن قرار دادن برنامه مزبور در اختیار اعضای کمیته، اقدامات لازم نسبت به تقسیم کار اعضا کمیته در خصوص بررسی برنامه فوق الذکر برای طرح در جلسه آتی توسط دبیر کمیته انجام شود. همچنین در خصوص جلسات کارگروه صنعت در اتاق تهران مقرر شد اعضای کمیته نقطه نظرات خود را جهت درج در دستور جلسه به کمیته انعکاس دهند. بر همین اساس کمیته حقوقی قراردادها رصد مرجعی در اتاق و ارگانهای دیگر را جهت طرح و انعکاس مشکلات روز اعضای سندیکا و پیگیری عدم اجرایی شدن برخی قوانین، در دستور کار قرار داد. در ادامه با طرح موضوع دریافت حق بیمه مزایای رفاهی مصوب شد، در صورت مشمول بودن مدارک حاکی از توقف، نامه وزارت تعاون به صورت قاطع اطلاع رسانی شود و در غیر این صورت به شکل کلی و در حال پیگیری مورد اطلاع رسانی قرار گیرد. کمیته حقوقی قراردادها در این جلسه ضمن اتخاذ تصمیماتی در خصوص موضوع هاردشپ مقرر ساخت این امر پس از به روز رسانی موضوع و با ارائه دلایل موجود، از طریق شورای گفتگوی دولت پیگیری شود. علاوه بر این در خصوص بحث شناخت اعضا از نمایندگان سندیکا در سازمانها و تشکلهای مختلف در خواست لیستی از نمایندگان از دبیرخانه جهت ارسال به اعضا به تصویب کمیته رسید.



برگزاری بیستمین جلسه هیأت ریسه کمیته مهندسی بازرگانی

بیستمین جلسه هیأت ریسه کمیته تخصصی مهندسی بازرگانی سندیکای صنعت برق ایران هفدهم شهریورماه در محل ساختمان سندیکای صنعت برق برگزار شد. اردلان تنباکوپیان از شرکت آرمان پارس تابان، سام سروشیان از شرکت رای آوین فن، علیرضا هاشمی از شرکت پویان ره پرنده، هومن فرهادی از شرکت سما الکترونیک پارسه، علیرضا دانشور از شرکت مهندسی لیان ویژن البرز، ترانه عرفانیان از شرکت نیرو رامشیر و مریم نقره، دبیر کمیته حاضران در این جلسه بودند. در ابتدای جلسه رئیس کمیته به سخنرانی پرداخته و به لزوم حضور مشاور سازمان تأمین اجتماعی در امور جاری کمیته تأکید کرد و به این ترتیب مقرر شد کمیته در روزهای آتی جلسهای را با حضور پرویز غیاثالدین، دبیر سندیکا و تفضلی، مشاور تأمین اجتماعی ترتیب دهد. ضمناً مقرر شد جلساتی به صورت دورههای در خصوص تهیه و تدوین قراردادهای تیپ مهندسی بازرگانی و همچنین خدمات مشاورهای بیمه به اعضای سندیکا با حضور مشاور بیمه برگزار شود تا علاوه بر فراهم شدن مقدمات خدمت رسانی به کلیه اعضای سندیکا و لحاظ کردن تخفیفی مناسب برای آنها از سوی مشاور تأمین اجتماعی، به تهیه قراردادهای

تیپ مهندسی و بازرگانی نیز یاری رسانی شود. در بیستمین جلسه کمیته مصوب شد مهندس سروشیان تا آخر مهر ماه تهیه و تنظیم متن فهارس بها را به تمام رساننده و به کمیته ارائه دهد. همچنین لزوم جمع بندی مسائل پیرامون شرکت های عضو کمیته مهندسی بازرگانی و دعوت از مهندس صالحی به عنوان نماینده سندیکای صنعت برق در اتاق بازرگانی در جلسه آینده، با توجه به لزوم حضور نماینده این کمیته در اتاق بازرگانی از دیگر تصمیمات بیستمین جلسه این کمیته بود. ضمناً دستور جلسه مجمع عمومی کمیته که قرار است مورخ ۱۴م مهرماه سال جاری برگزار شود نیز در جلسه آتی مورد بحث و تبادل نظر قرار خواهد گرفت. شایان ذکر است کمیته مهندسی بازرگانی سندیکا پیشنهادی را مبنی بر در نظر گرفتن مشاوره در زمینه دارایی و مالیات برای حل مشکلات اعضای سندیکا مطرح کرده و جهت معرفی کارشناس اعلام آمادگی می کند.

در کمیته یراق آلات انتقال نیرو صورت گرفت تصویب فهارس بهای یراق آلات خطوط هوایی انتقال و فوق توزیع

کمیته سازندگان یراق آلات انتقال نیرو پنجم مرداد ماه سال جاری با محوریت موضوع مرتبط با تعیین فهارس بها در بخش یراق آلات تشکیل جلسه داد. در این راستا فهارس بهای بخش یراق آلات خطوط هوایی انتقال و فوق توزیع بر مبنای بررسی های صورت گرفته در جلسات گذشته این کمیته مورد تصویب نهایی قرار گرفت و مقرر شد این مهم از طریق کمیته مربوطه به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعلام شود. علاوه بر این ضمن طرح نامه کمیته پست در خصوص درخواست قیمت گذاری بخش فصل ۱۱ در مورد یراق آلات پست و کلمپ کانکتور مقرر شد ضمن تعیین سطوح و لئاژ یراق آلات، فایل اکسل مربوطه جهت قیمت گذاری فهارس بها به کلیه شرکت های عضو کمیته از جمله شرکت مهندسی نوین انتقال ایرانیان ارسال شود تا پس از قیمت گذاری فهارس بها توسط اعضای کمیته مراتب در جهت بررسی و اتخاذ تصمیم در جلسه آتی به دبیر خانه کمیته سازندگان یراق آلات انتقال نیرو اعلام شود. تقاضای شرکت مهندسی نوین انتقال ایرانیان (مهنا) مبنی بر عضویت در کمیته یراق سازان مطرح و با تصویب کمیته مقرر شد علاوه بر ارسال صورت جلسه حاضر و فهارس بهای خطوط و فهارس بهای یراق آلات پست در جلسات آتی کمیته نیز از شرکت فوق دعوت به عمل آید.

در ضمن با مطرح شدن نامه سندیکا در مورد درخواست تعیین نماینده جهت عضویت در کمیته استاندارد، مهندس رستمی به عنوان نماینده کمیته در کمیته استاندارد انتخاب شد.

در جلسه مشترک کمیته های دکل و پیمانکاران خطوط انتقال نیرو بررسی شد نهایی سازی فهارس بهای خطوط هوایی انتقال و فوق توزیع

دو کمیته سازندگان دکل های انتقال نیرو و پیمانکاران خطوط انتقال نیرو روز سه شنبه دهم شهریورماه سال جاری در محل سندیکا حول بررسی مرحله نهایی قیمت گذاری فهارس بهای خطوط هوایی انتقال و فوق توزیع نیروی برق تشکیل جلسه ای مشترک دادند. طبق نتایج حاصله از این جلسه، مقرر شد ردیف های ۰۸۰۴۰۱ لغایت ۰۸۰۴۰۷ در خصوص تهیه سیم زمین و میله زمین و کلمپ اتصال که تاکنون قیمت دار نشده است طرف سه روز توسط مهندس کلانتری تعیین و به دبیر کمیته اعلام شود. علاوه بر این در ردیف های ۰۸۰۵۱۰، ۰۸۰۵۱۰، ۰۸۰۶۰۱، ۰۸۰۶۰۵، ۰۸۰۶۰۶ و ۰۸۰۶۱۰ بنا شد در خصوص آن بخش از مقره های بشقاب چینی و شیشه ای که تولید داخلی وجود ندارد، به علت عدم امکان قیمت گذاری، ردیف های مذکور به صورت خالی گذاشته شود.

سندیکا

در این جلسه ردیف‌های ۰۸۱۵۰۱ لغایت ۰۸۱۵۰۳ در مورد تهیه تابلو خطر، ترتیب فاز و تابلوی شماره هوایی برج نیز مورد قیمت‌گذاری قرار گرفت.

در ادامه در جهت اصلاح و تکمیل فهرست بهای خطوط انتقال نیرو و پیشنهاد شد با توجه به متفاوت بودن ماهیت سیم، مقره و یراق آلات فصل هشتم آن به فصول جداگانه‌ای تبدیل شود. همچنین نظر به آنکه موضوع نصب استاپ در فصل ۱۰ به صورت کیلوگرم دیده شده است و این امر کار کنترل را کمی سخت می‌کند بنابراین مقرر شد ردیف‌های ۰۹۰۱۰۱ لغایت ۰۹۰۱۰۳ به جای واحد کیلوگرم از واحد هر دستگاه برج استفاده شود. علاوه بر این در این بخش به تصویب رسید از متن شرح تجهیز و برچیدن کارگاه فهارس بهای جدید سال ۱۳۹۴ استفاده شود. همچنین اشاره شد در فصل (۵) ردیف‌های ۰۵۰۴۰۱ لغایت ۰۵۰۴۰۴، متن با توجه به قیمت‌گذاری سپر فلزی در ابتدای فصل، کامل به نظر نمی‌رسد.

در این نشست در ارتباط با ردیف ۰۸۰۸۰۵ با موضوع تهیه اسپیسر (فاصله دهنده) فازی ۵۰ کیلوولت به علت نبود تولید داخل و خط ۵۰ کیلوولت قیمت‌گذاری مقدور نشد.

نهایتاً دو کمیته سازندگان دکل‌های انتقال نیرو و پیمانکاران خطوط انتقال نیرو و مشترکاً با توجه به موارد فوق الذکر و کامل شدن فهرست بهای خطوط اعلام داشتند تا فهرست بها با ذکر اصلاحات و پیشنهادهای تکمیلی کمیته به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال شود.

در کمیته یراق آلات توزیع صورت گرفت:

تصویب لیست تجهیزات پر مصرف یراق آلات توزیع نیرو

کمیته سازندگان یراق آلات توزیع دوازدهم مرداد ماه سال جاری حول موضوعاتی چون بازدید از امکانات آزمایشگاهی شرکت اپیل، تهیه لیست تجهیزات پر مصرف و نیز پیگیری مناقصات آذربایجان غربی، گلستان، تهران و لرستان تشکیل جلسه داد. این جلسه با حضور ده شرکت عضو کمیته در محل شرکت اپیل و پس از بازدید از امکانات آزمایشگاهی این شرکت برگزار شد. در خلال این نشست طی ارایه گزارشی از کمیته‌های عمومی، موارد مطرح شده در جلسه یازدهم مردادماه کمیته حقوقی و قرار دادهای سندیکا، به اطلاع اعضای کمیته رسانیده شد.

در ادامه با تصویب لیست تجهیزات پر مصرف مقرر شد طی نامه‌ای از اعضای کمیته جهت اقدام در مورد تکمیل این لیست و همراه آن ارسال مدارک تاییدیه شورای ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت توانیر درخواست شود. علاوه بر این، تصمیم گیری در مورد چاپ کاتالوگ دسته جمعی شرکت‌های عضو کمیته به جلسات آتی کمیته موکول شد.

گفتنی است در رابطه با پیگیری مصوبات قبلی کمیته در مورد مناقصات شرکت‌های توزیع نیروی برق آذربایجان غربی و گلستان مقرر شد به علت عدم دریافت پاسخ سندیکا، پیگیری مراتب به نحو مقتضی در دستور کار این کمیته قرار گرفت. بر همین اساس در خصوص موضوعات مرتبط با مناقصات شرکت‌های توزیع نیروی برق مقرر شد از این پس کلیه نامه‌های اعضای کمیته در این گونه موارد ابتدا در کمیته مطرح و پس از بحث و بررسی لازم تصمیمات اجرایی اتخاذ شود.

در بازدید کمیته سازندگان یراق آلات توزیع از شرکت اپیل مطرح شد:

ایجاد وحدت رویه در استانداردهای یراق آلات توزیع

صبح روز دوشنبه دوازدهم مردادماه سال جاری بنا به درخواست قبلی کمیته سازندگان یراق آلات توزیع، بازدیدی از امکانات و توانمندی‌های آزمایشگاهی شرکت اپیل صورت گرفت.

در این بازدید که با حضور ۱۰ شرکت از ۱۳ شرکت عضو کمیته یراق آلات توزیع و میرصدری قائم مقام مدیرعامل و دیگر مسئولین شرکت اپیل برگزار شد، در ۵ محور به بیان مشکلات اساسی یراق سازان پرداخته شد.

بر این اساس مابین اعضای کمیته توافق شد تلاش لازم در جهت اجرای بخشنامه‌های شرکت توانیر مبنی بر الزام خرید یراق آلات توزیع از تولیدکنندگان دارای تایید صلاحیت سه‌گانه صورت پذیرد. گفتنی است مراحل سه‌گانه این تایید صلاحیت شامل انجام آزمونهای تایپ تست محصولات، استقرار نظام کنترل کیفیت تولید و تایید اسناد فنی بازرگانی است که کمیته یراق آلات توزیع در نظر دارد با به کار بستن این رویه از عرضه کالا با مارک و تاییدیه‌های جعلی جلوگیری کند.

در ادامه ضمن تأیید بر ضرورت ایجاد یک سیستم مهندسی در ساخت یراق آلات توزیع به جای سیستم استادکاری، مشکل تولیدکنندگان یراق آلات در بازار کسب و کار در ارتباط با مواجهه با کیفیت نازل کالاها در برابر هزینه سنگینی که خود برای کیفیت پرداخت می کنند، مورد اشاره قرار گرفت. همچنین ارتقای سطح همکاری ها از طریق برگزاری جلسات منظم و تبادل اطلاعات و نیز لزوم ایجاد استاندارد یکسان در یراق آلات به عنوان یک مرجع، اهم موارد مطرح در این جلسه بود.

بر این اساس محمودیان رییس کمیته سازندگان یراق آلات توزیع ضمن ابراز تشکر، خواستار تشکیل جلسات مشترک شرکت اپیل، پژوهشگاه نیرو و کمیته سازندگان یراق آلات توزیع به منظور ایجاد وحدت رویه در استانداردسازی یراق آلات توزیع شد تا بدین طریق مسایل و مشکلات مبتلا به در جلسات مشترک سه جانبه مطرح و تصمیمات عملی و اجرایی اتخاذ شود.

پیرو بیان این مطلب خلاصه ای از امکانات، توانمندی ها و سوابق کاری شرکت اپیل توسط قائم مدیر عامل این شرکت ارائه شد و پس از آن از واحدهای آزمایشگاهی شرکت اپیل و چگونگی انجام آزمونهای مختلف بازدید به عمل آمد که در هر واحد با ارائه توضیحاتی توسط مسئولین ذیربط همراه بود.

در کمیته سازندگان یراق آلات توزیع مورد پیگیری قرار گرفت

تکمیل فهرست یراق آلات پر مصرف توسط اعضا

کمیته یراق آلات توزیع سندیکای صنعت برق ایران بیست و ششم مرداد ماه سال جاری در محل سندیکا تشکیل جلسه داد. در ابتدای این جلسه برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه سندیکا در روز سه شنبه بیست و هفتم مردادماه در پژوهشگاه نیرو و برگزاری کنفرانس بین المللی برق و نمایشگاه جانبی آن در آبان ماه سال جاری در پژوهشگاه نیرو مورد اطلاع رسانی قرار گرفت.

همچنین ذیل این گزارش اسامی شرکت های جدیدی که از شرکت توانیر در مورد تامین انواع یراق آلات توزیع گواهی مطابقت با استاندارد های تولید دریافت کرده اند، قرائت و مقرر شد انتشار این فهرست از طریق شبکه اجتماعی در اختیار اعضای کمیته قرار گیرد. علاوه بر این پیگیری انتشار فهرست تامین کنندگان تأیید صلاحیت شده در زمینه انواع یراق آلات توزیع از شرکت توانیر در دستور کار کمیته قرار گرفت.

در ادامه ضمن بررسی نتایج بازدید از امکانات و توانمندی های آزمایشگاهی شرکت اپیل مقرر شد در زمینه تست تجهیزات تولیدی مابین شرکت های عضو کمیته و شرکت اپیل همکاری صورت پذیرد.

گفتنی است تکمیل فهرست یراق آلات پر مصرف توسط شرکت های عضو کمیته از دیگر موضوعات مورد بحث و بررسی در این جلسه کمیته یراق آلات توزیع بود که ضمن آن نظر به عدم تکمیل و ارائه این فرم توسط برخی از اعضا (شرکت های بهین تجربه، آراد کاوش پی، رهشاد الکتریک، آلوکاست ایران و یراق آوران پویا) مقرر شد موضوع از طریق دبیر کمیته مورد پیگیری قرار گیرد و در جلسه آتی کمیته مطرح شود.

در پایان پیرو مصوبات قبلی کمیته در مورد مناقصات شرکت های توزیع نیروی برق آذربایجان غربی و گلستان با طرح و تصویب پیش نویس نامه های تهیه شده در خصوص پیگیری اخذ پاسخ از شرکت ها توزیع فوق، ارسال این نامه ها در دستور کار کمیته قرار گرفت.

در جلسه مشترک سندیکای اصفهان با دانشگاهیان هدف گذاری شد

تبدیل اصفهان به قطب قدرت صنعت برق

دومین نشست مشترک سندیکای صنعت برق اصفهان، انجمن اصنا و دانشکده های برق دانشگاه های اصفهان نوزدهم شهریور ماه سال جاری به میزبانی نیروگاه شهید محمد منتظری با شعار تعهد محوری و احترام به زمان برگزار شد.

طی این نشست مهندس افتخاری مدیر عامل نیروگاه و رییس هیات مدیره اصنا ضمن خوش آمدگویی گزارشی از وضعیت نیروگاه و شرکت پرشیا فولاد مالک نیروگاه ارائه کرد.

وی ضمن اشاره به پذیرش پروژه های تحصیلات تکمیلی مرتبط توسط این نیروگاه، افزایش راندمان این نیروگاه در آینده ای نزدیک را از ۳۵ درصد تا ۵۲ الی ۶۰ درصد را با پیشرفته ترین تکنولوژی های موجود در دنیا نوید داد. (هزینه این افزایش

اخبار شعب

راندمن از طریق سوخت صرفه جویی شده و با استناد ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید تامین خواهد شد) همچنین ایشان از راه اندازی بخش R&D شرکت پرشیا فولاد در شهرک علمی تحقیقاتی اصفهان خبر داد. مهندس افتخاری بزرگترین چالش نیروگاه شهید محمد منتظری و صنعت برق را کمبود نقدینگی ناشی از سنگینی بار یارانه‌ها بر این صنعت برشمرد و اعلام داشت: این نیروگاه همکنون بالغ بر ۴۵۰ میلیارد تومان از وزارت نیرو و طلبکار است. در ادامه مهندس مهدی مسائلی دبیر سندیکای برق اصفهان با ارائه گزارشی از نشست اول که پانزدهم مرداد ماه سال جاری برگزار شده بود مواردی همگرایی اهالی صنعت و دانشگاهیان برق استان، ایجاد اتاق فکری برای صنعت برق استان با حضور صنعت و دانشگاه (تلفیق تئوری و عمل) و تبادل اطلاعات و نقطه نظرات صنعت با دانشگاه به منظور علمی تر شدن صنعت و عملی تر شدن دانشگاه‌ها را به عنوان اهداف این نشست خاطر نشان ساخت.

وی دیگر اهداف این نشست را ایجاد قطب قدرت استان اصفهان و تلاش دانشگاه‌ها برای تحویل دانش آموختگان پرشورتر، متعهدتر با آشنایی عملی از صنعت در مقاطع گوناگون برشمرد و در همین راستا خواستار تقویت ارتباط برد-برد صنعت برق اصفهان با دانشگاه‌ها و به عکس در زمینه آموزش و پژوهش در خلال این نشست شد و رابطه صنعت برق و دانشگاه با تاکید بر انرژی خورشیدی یا رویکرد حفاظت از محیط زیست در استان را در موارد هدف گذاری این نشست گنجانید.

در ادامه این نشست دکتر گریمی رییس دانشکده برق دانشگاه صنعتی مالک اشتر با تشکر از نیروگاه شهید منتظری و سندیکای برق سه طرح را جهت شروع فعالیت برد-بردارانه کرده که از آن جمله مواردی چون ساخت سنسور شفافیت دود برای نیروگاه‌ها، ساخت آنالایزر گاز و نیز ساخت موتورهای LBDC برای استفاده در کولرهای آبی با قابلیت کاهش ۳۰ درصدی مصرف برق خانگی معرفی شد.

وی همچنین از تاسیس شرکت دانش بنیان نیرو و آذرخش هوشمند از طریق دانشگاه مالک اشتر به منظور حمایت از طرح‌های پژوهشی خبر داد.

دکتر تابش معاون پژوهشی دانشکده برق دانشگاه صنعتی اصفهان دیگر سخنران این نشست بود که در زمینه برق خورشیدی و اقدامات انجام شده توسط این دانشکده خبر داد.

مهندس مسائلی پس از استماع صحبت‌های حاضرین در جلسه، ضمن ارایه پیشنهادی سندیکا خواستار مشارکت بیشتر حاضرین در جلسه به منظور تداوم این جلسات و حضور پرشور و هدفمند در کمیته انرژی اتاق بازرگانی شد. وی اهم پیشنهادی سندیکا را در مواردی چون ایجاد قطب قدرت صنعت برق اصفهان و تدوین و نهادینه کردن استانداردهای برق خورشیدی با همکاری اداره استاندارد عرضه داشت و به پایش کاهش تلفات فنی برق و ارائه راهکارها با همکاری شرکت برق منطقه ای و شرکت‌های توزیع و نیز تدوین و نهادینه ساختن استانداردهای لامپ‌های LED با همکاری اداره استاندارد در زمره این پیشنهادها اشاره کرد. بررسی و پایش دستورالعمل‌های بهبود مصرف انرژی برق در استان و یا تدوین آنها نیز از دیگر موارد پیشنهادی از سوی دبیر سندیکای صنعت برق اصفهان بود.

بر همین اساس مهندس افتخاری طرح‌های اقتصادی و بهره‌ور خورشیدی و LED را در صورت وجود گزارش‌های توجیهی مناسب و مورد پذیرش پرشیا فولاد، قابل حمایت مالی اعلام کرد.

طی این جلسه دبیر سندیکای برق اصفهان به معرفی کتاب آموزش و تربیت در ژاپن و آمریکانوشته آزوما هیروشی به ترجمه معصومه سادات حسینی اقدام کرد و در حالی بر لزوم و اهمیت پرورش و تربیت توأم با آموزش دانش آموزان و دانشجویان تاکید داشت که جامعه ایران را نیازمند افراد متعهد تر و عمل‌گراتر دانست.

در نشست بانک رفاه با دبیر شعبه اصفهان عنوان شد

اعلام آمادگی بانک رفاه برای ارایه خدمات به اعضای سندیکا

پیرو سلسله مرادوات شعبه اصفهان با بانک‌های ارایه دهنده خدمات به صاحبان صنایع و طی نشست برگزار شده فی مابین مدیر کل امور شعب سرپرستی بانک رفاه کارگران استان اصفهان و مهدی مسائلی دبیر سندیکای صنعت برق اصفهان در نوزدهم مرداد ماه سال جاری، به معرفی خدمات و تسهیلات ارایه شده توسط این بانک پرداخته شد.

در این نشست عنوان شد بانک رفاه به عنوان یکی از بانک‌های تجاری شناخته شده، با بیش از ۵ دهه تجربه خدمات بانکی و بهره‌مندی از سرمایه انسانی تحصیل کرده، همواره در تلاش بوده است تا استفاده از تجارب و تخصص کارکنان خود، از طریق

ارایه مطلوب انواع خدمات بانکی، اعتماد عموم اقشار جامعه را تامین کند. بر همین اساس ضمن تاکید بر ارایه خدمات ارزشمندی توسط این بانک به صادرکنندگان در بخش صادرات غیر نفتی و تولیدات صنعتی و کشاورزی، امکان ارائه ضمانتنامه‌های ریالی با نرخ‌های بهتر از سایر بانک‌ها، تصریح شد از پذیرش مشتریان حقیقی و حقوقی بانک رفاه به عنوان ضامن به جهت تسهیل در انجام امور مشتریان از مشتریان سایر بانک‌ها که نزد سیستم بانکی از شرایط مطلوبی برخوردار باشند نیز استقبال می‌شود. همچنین امکان صدور ضمانتنامه گمرکی توسط بانک رفاه صرفاً با ارائه مجوزات فعالیت معتبر از سوی ضمانت‌خواه و پس از تطبیق مدارک و مستندات مربوط به واردات (از جمله پروفرما، قبض انبار، اسناد حمل و ...) حداکثر تا میزان حقوق و عوارض مربوطه و اعلامی از سوی گمرک مطابق جدول ذیل مطرح شد.

ردیف	نوع ضمانتنامه	حداقل سپرده نقدی	نرخ کارمزد در مقابل تضمین سفته تا مبلغ ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰	نرخ کارمزد در مقابل تضمین سفته مازاد مبلغ ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰	نرخ کارمزد در مقابل تضمین غیر منقول تا مبلغ ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰	نرخ کارمزد در مقابل تضمین غیر منقول مازاد مبلغ ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰
۱	شرکت در مناقصه / مزایده	٪۲	۱.۷۵	۱.۷۵	۱.۵	۱.۵
۲	سایر ضمانتنامه‌های پیمانکاری	٪۱۰	۲.۲۵	۲	۱.۲۵	۱
۳	ضمانتنامه گمرکی	٪۲۰	۲.۲۵	۲	۱.۲۵	۱

بنا به گفته مدیر کل امور شعب بانک رفاه یکی از مزایای صاحب حساب شدن در بانک رفاه کارگران را امکان واریز سریع حق بیمه از طریق سیستم‌های معین و دستگاه‌های POS این بانک به حساب تامین اجتماعی توصیف کرد. در خلال این نشست ضمن اهدای پرچم سندیکا و چند نسخه از نشریه ستبران از سوی دبیر شعبه اصفهان، اداره امور شعب بانک رفاه کارگران استان اصفهان آمادگی خود برای همکاری با اعضای سندیکای صنعت برق را اعلام داشت.

برگزاری انتخابات دوره دوم هیات مدیره شعبه اصفهان سندیکا

مجمع عمومی و انتخابات دوره دوم هیات مدیره شعبه اصفهان سندیکا یکشنبه بیست و ششم مهر با حضور ۲۰ نفر از اعضا و نمایندگان سندیکای برق ایران و اتاق بازرگانی در محل اتاق بازرگانی اصفهان برگزار شد. در آغاز این جلسه محمد کتابچی، قائم مقام دبیر سندیکای صنعت برق ایران گزارشی از سندیکا و شعب آن ارائه داد و سپس مهدی مسائلی، دبیر شعبه اصفهان گزارش عملکرد و احمد رضا صافی اصفهانی، خزانه‌دار شعبه گزارش مالی سندیکای صنعت برق را ارائه کردند. پس از استماع گزارش‌های دبیر و خزانه‌دار شعبه گزارشات مالی و عملکرد سندیکا توسط اعضای مجمع تصویب شد. این مجمع به ریاست مجید همتی و مهندس صادقی ناظر اول و مهندس بصراوی ناظر دوم برگزار شد و کاندیداهای عضویت در دوره دوم هیات مدیره سندیکای اصفهان و همچنین کاندیداهای بازرسی سندیکا به حضا معرفی شدند و رأی‌گیری صورت گرفت.

پس از انجام انتخابات و شمارش آرا مهدی مسائلی با ۱۸ رأی، صفر نورالله با ۱۶ رأی، احمد رضا صافی با ۱۵ رأی، عباسعلی کثیری با ۱۴ رأی و حمید فاضلی با ۱۱ رأی به عنوان اعضای اصلی هیات مدیره و بهروز جلالی و اکبر منتظرین هریک با ۴ رأی به عنوان اعضای علی‌البدل هیات مدیره انتخاب شدند. همچنین تقی عمادی با ۱۲ رأی به‌عنوان بازرس اصلی و محمدطاهر



کاظمی به عنوان بازرس علی البدل سنديکای اصفهان انتخاب شدند. در بخش پایانی این مراسم نیز روزنامه دنیای اقتصاد به عنوان روزنامه کثیرالانتشار شعبه اصفهان سنديکا انتخاب شد.

ملاقات رییس شعبه خراسان با هیات تخصصی برق کشور هندوستان

رییس شعبه خراسان سنديکای صنعت برق روز شنبه بیست و هشتم شهریور ماه سال جاری با ۱۴ شرکت تخصصی صنعت برق از ایالات کارناتاکای کشور هندوستان و فعالین اقتصادی برق استان در محل اتاق بازرگانی، صنایع و معادن خراسان رضوی دیدار کرد.

مهندس شادمان در این نشست که به منظور آشنایی فعالین اقتصادی دو کشور با یکدیگر و ایجاد برقراری ارتباط دو جانبه در راستای گسترش و توسعه روابط اقتصادی با هماهنگی اتاق بازرگانی مشهد صورت پذیرفت، نکاتی را از قابلیت‌هایی که در حوزه صنعت برق ایران و به ویژه در این استان وجود دارد بیان داشت. بر این اساس در این جلسه مقرر شد حضار از غرفه‌های تخصصی و توانمندی‌های دو کشور در نمایشگاه بین‌المللی مشهد بازدید و اظهار امیدواری شد از طرق مختلف روابط اقتصادی دو کشور گسترش یابد.

در نمایشگاه مشهد صورت گرفت

انتخاب غرفه سنديکای صنعت برق ایران به عنوان غرفه نمونه اطلاع رسانی

غرفه سنديکای صنعت برق ایران در دهمین نمایشگاه بین‌المللی برق الکترونیک، تجهیزات و صنایع وابسته که به تاریخ بیست و ششم لغایت بیست و نهم شهریور ماه سال جاری در مشهد برگزار شد، مقام اول در زمینه اطلاع رسانی را به خود اختصاص داد.

با توجه به ارزیابی‌های انجام شده غرفه سنديکای صنعت برق ایران در بین تعداد کثیری از غرفه‌های شرکت کنند، به عنوان غرفه نمونه در زمینه اطلاع رسانی برگزیده شد.

مزرعه بادی، دشت طلا!

کارگاه آموزشی انرژی‌های نو و تحلیل مزرعه باد

در حاشیه هجدهمین کنفرانس دانشجویی مهندسی برق ایران که آبان ماه سال جاری در مشهد برگزار خواهد شد، کارگاهی آموزشی با عنوان انرژی‌های نو برگزار خواهد شد که در بخشی از آن مزارع بادی و تحلیل آن به کمک نرم‌افزار دیجسایلنت به همت شرکت برق منطقه ای خراسان به صورت موشکافانه‌ای صورت خواهد گرفت.

دکتر مهدی علومی مدیر دفتر تحقیقات و کنترل کیفیت تجهیزات شرکت برق در ارتباط با این کارگاه آموزشی اعلام داشت که در این کارگاه توانایی‌های نرم‌افزار دیجسایلنت در راه اندازی یک مزرعه بادی ۱۰۰ مگاواتی و اتصال آن به شبکه و نیز بررسی پایداری گذرا بررسی خواهد شد.

در این کارگاه، دکتر مصطفی عیدبانی نیز به معرفی مزرعه بادی خواف و ارزیابی اثرات اضافه شدن ۵۰۰ مگاوات به شبکه خراسان از نقطه نظر قابلیت اطمینان و پایداری گذرا خواهد پرداخت. این کارگاه که مقرر است بیست و ششم آبان ماه سال جاری برگزار شود، می‌تواند برای متخصصین شرکت‌های برق، شرکت‌های توزیع، شرکت‌های مشاور و پیمانکاران و همچنین دانشجویان دوره کارشناسی و تحصیلات تکمیلی مفید باشد. علاقمندان برای شرکت در این کارگاه و نشست تخصصی می‌توانند با دبیرخانه کنفرانس تماس حاصل کنند.

گفتنی است ارایه این دوره آموزشی با توجه به هدف‌گذاری نصب پنج هزار مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر در وزارت نیرو بر اساس اهداف قانون برنامه پنجم توسعه و سهم ۴۵۰۰ مگاواتی آن برای توسعه نیروگاه‌های بادی صورت می‌پذیرد که بر این اساس در

اخبار سنديکا



نظر دارد در طی پنج سال آینده ظرفیتی قریب به چهار هزار مگاوات برای توسعه بازار بخش خصوصی در این حوزه به وجود آورد.

همچنین لازم به ذکر است هر چند با توسعه نگرش‌های زیست محیطی و راهبردهای صرفه‌جویانه در بهره‌برداری از منابع انرژی‌های تجدیدناپذیر، استفاده از انرژی باد در مقایسه با سایر منابع انرژی مطرح در بسیاری از کشورهای جهان رو به فزونی گذاشته است، اما نیروگاه‌های بادی به سرمایه اولیه بالایی نیاز دارند و تامین سرمایه اولیه در این طرح‌ها از مشکلات اجرایی آنها است، بنابر این اگرچه انرژی حاصل از باد در صورت صرفه استحصال، کاملاً حائز ارزش است، اما همچنان نمی‌توان از مسائل فنی این فرایند چشم‌پوشی کرد و اقداماتی چون برگزاری این کارگاه خواهد توانست موجبات برطرف شدن این مسائل فنی را فراهم آورد.

همچنین سیاست کلان کشور در چشم‌انداز برنامه‌های آتی در افزایش نقش بخش‌های غیر دولتی استوار شده است که از جمله فواید و مزایای آن کاستن از حجم و فعالیت‌های تصدی‌گری دولت است. با فعال شدن بخش خصوصی در عرصه احداث نیروگاه‌های بادی که جذابیت‌های فراوانی برای بخش خصوصی دارد، توان مالی، فنی و مدیریتی کشور افزایش می‌یابد و با شروع پروژه‌ها و فعالیت‌های جدید عملاً بخش خصوصی به کمک بخش دولتی آمده و کل کشور از این مشارکت سود خواهد برد.

رفع مشکلات قراردادهای متوقف روی میز کارگروه سندیکا و توانیر

کارگروه مشترک سندیکا و حوزه معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو بیست و سوم شهریور ماه سال جاری در حالی با حضور نمایندگان سندیکا و نماینده شرکت توانیر تشکیل جلسه داد که لزوم تجدید بررسی در فراخوان مناقصه ۳۱۲ پست PF برق تهران و اثرات بعضاً نامطلوب چنین مناقصاتی بر کسب و کار بخش خصوصی صنعت برق ایران از جمله محورهای جلسه بود.

نمایندگان طرفیندر این نشست ضمن پیگیری قرار داد تیپ و بخشنامه ارزی بر لزوم ابلاغ بخشنامه اصلاح شده بدون محدودیت زمانی در انقضای آن و نیز ضرورت تقویت اراده در مدیران و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی به منظور رفع مشکلات قراردادهای متوقف تأکید شد.

علاوه بر این نمایندگان سندیکا در این جلسه خواستار تعیین تکلیف عاجل قراردادهای متوقف مربوط به قبل از تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱ و لزوم عفو عمومی به دلیل خروج این‌گونه قراردادها از اولویت کاری شدند و راجع به بروز مجدد نوسانات ارزی و احتمال رخداد وقایع سال ۱۳۹۱ برای قراردادهای فعلی هشدار دادند.

در ادامه این جلسه ضمن اشاره حاضرین به رکود مزمن حاکم بر صنعت برق عنوان شد این صنعت نیازمند تزریق نشاط توسط توانیر و وزارت نیرو است. همچنین اعلام مشکلات شرکت‌های توزیع و بر خورددهای بعضاً سلیقه‌ای آنان در نگارش متن قراردادها از دیگر موضوعات مطرح شده در این نشست بود که به دنبال آن ضرورت اصلاح شرایط عمومی پیمان EPC مورد بررسی و تأکید قرار گرفت و بر لزوم درج قیمت کنترل پروژه و HSE در قراردادها، تغییر در پارادایم مسائل مالی پروژه‌ها و نیز افزایش میزان پیش پرداخت ضمن تأکید مجدد بر تحقق ۲۵ درصد فعلی تأکید شد.

گفتنی است در خلال این جلسه مروری بر مسائل و مشکلات شرکت‌های انرژی سازان تکین، صفا نیرو، فراگستر بیستون، فراساز و توس فیوز انجام و در پایان جهت بهبود روند کار توافق شد ضمن برگزاری مستمر جلسات این کارگروه به صورت جلسات هر دو هفته یک‌بار خلاصه موارد مطرح‌شده در هر جلسه در جلسه آتی مطرح و برای ارائه سازمانها متبوع امضا شوند.

سندیکای صنعت برق ایران برگزار می‌کند:

کارگاه آموزشی شکایات قانون برگزاری مناقصات

دوره آموزشی شکایات قانون برگزاری مناقصات (موضوع ماده ۲۵) پنجشنبه ۲۱ آبان ماه به همت سندیکای صنعت برق ایران و در محل ساختمان سندیکا برگزار می‌شود.

اهم مباحث این دوره آموزشی ۸ ساعته شامل انواع مناقصه و وجوه تمایز، اسباب و علل شکایات، فرآیندهای مناقصه و طرح

شکوائيه، مراجع صالح به رسيدگي، فرآيند رسيدگي به شکايت، انواع رأی و ضمانت‌های اجرائی و بررسی رویه اداری و قضایی است.

گفتنی است مدرس این دوره، مهندس حمید حسين زاده است که علاوه بر عضویت در هیأت رییسه کمیته‌های پیمانکاران خطوط انتقال نیرو و مشاور حقوقی و قراردادی شرکت‌های پیمانکار نیز هست. متقاضیان می‌توانند جهت ثبت نام و شرکت در دوره به بخش آموزش وبسایت سنديکا به آدرس www.ieis.ir مراجعه کرده و پس از تکمیل فرم ثبت نام، آنرا به واحد آموزش سنديکا ارسال کنند.

در مراسم روز ملی صادرات صورت گرفت:

انتخاب و تقدیر از چهار عضو سنديکا به عنوان صادرکنندگان نمونه کشور در سال ۹۴

در مراسمی که دیروز ۲۸ مهرماه به مناسبت روز ملی صادرات در سالن اجلاس سران برگزار شد، از چهار شرکت عضو سنديکا به عنوان صادرکننده نمونه تقدیر شد.

در این مراسم که با حضور اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور، محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت و معدن و تجارت و محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه برگزار شد، علاوه بر رونمایی از سردیس وزیر امور خارجه به پاس تقدیر از مجاهدت‌های وی و همکارانش، از ۵ صادرکننده به عنوان صادرکنندگان ممتازی که در گروه خود بالاترین نمره را کسب کرده‌اند و همچنین ۴۵ صادرکننده نمونه تقدیر به عمل آمد.

شرکت‌های کیسون، کابل ابهر، گل‌نور و صنایر، چهار شرکت عضو سنديکای صنعت برق ایران هستند که در مراسم روز ملی صادرات به عنوان صادرکنندگان نمونه مورد تقدیر قرار گرفتند. همچنین شرکت‌های فراب و مازی نور نیز از جمله شرکت‌های فعال حوزه صنعت برق هستند که در مراسم روز ملی صادرات به عنوان صادرکننده نمونه مورد تقدیر قرار گرفتند. سنديکای صنعت برق ایران این موفقیت بزرگ را به شرکت‌های کیسون، کابل ابهر، گل‌نور، صنایر و همچنین شرکت‌های فراب و مازی نور تبریک و تهنیت گفته و برای این شرکت‌ها آرزوی توفیق روزافزون دارد.



اخبار شرکت‌های عضو

گروه صنعتی پادردیکی از شرکت‌های عضو سندیکای صنعت برق ایران است که با بیش از چهل سال حضور مستمر در صنعت برق کشور در حوزه طراحی و تولید انواع کلیدهای فشار ضعیف و وسایل حفاظتی همچنین انواع کلیدهای مینیاتوری، جریان نشستی، دستگاه‌های اندازه‌گیری هوشمند، پست‌های pad mounted و نیز شیرهای ترموستاتیک رادیاتور و سایر سیستم‌های کنترل گرمایشی فعالیت دارد.

این شرکت پس از چهار سال فعالیت تحت لیسانس شرکت F&G در سال ۱۳۷۸ موفق شد قرارداد مشارکت (Joint Venture) را با کمپانی F&G اتریش منعقد و به عنوان شریک این شرکت و با نام شرکت F&G ایران اقدام به تاسیس کارخانه‌ای در منطقه آزاد چابهار نمود و هم‌اکنون در چهار کارخانه در اقصی نقاط کشور مشغول به فعالیت می‌باشد.

لازم به ذکر است دریافت عناوینی همچون شرکت برتر در نخستین جشنواره تامین کنندگان تجهیزات و خدمات آب، برق و آبفا و واحد نمونه تولیدی در سطح ملی در سال ۱۳۸۴، و اخذ واحد نمونه استانی طی سال‌های متوالی از موسسه تحقیقات و صنعتی استاندارد ایران دیگر افتخارات این شرکت است.

دستگاه کشش کابل اطلس افروز به بهره‌برداری رسید

بهره‌برداری از دستگاه کشش کابل که توسط شرکت اطلس افروز شرق به مدیریت مهندس احمد رضا صفار و با همکاری شرکت زیرمجموعه آن - شرکت اطلس سازه همگام - اختراع شده است، اجرایی شد.



از موارد شایان ذکر این دستگاه می‌توان به قابلیت رگلاژ آن اشاره کرد که توسط آن می‌توان تمامی کابل‌های فوق توزیع را از ۶۳ KV تا ۷۲۳۰ KV کابل‌کشی کرد. از دیگر مزایای این دستگاه، قابلیت هدایت‌کنندگی توسط آن است؛ چراکه هنگام استفاده از وینچ می‌بایست انواع رولینگ‌های زوایسار را به کار برد و فیکس کردن این تجهیزات، نیازمند صرف زمان و هزینه‌های گزاف است.

به علاوه با توجه به اینکه در این دستگاه از موتور سه‌فاز استفاده شده، امکان کشش در دو جهت به سهولت وجود دارد و وجود غلطک‌های جانبی باعث هدایت کابل شده و کابل را از هرگونه آسیب‌رسانی محفوظ می‌دارد.

وزن نسبتاً کم دستگاه که به راحتی توسط دو نفر جابجا می‌شود، عدم آسیب‌رسانی به کابل به دلیل طراحی ویژه و امکان فیکس کردن دستگاه به زمین و دیواره‌های تونل از دیگر مزایای آن است.

البته این دستگاه محدودیت‌هایی هم دارد. از جمله اینکه نیاز به برق سه‌فاز دارد و ضمناً

رونمایی از نرم افزار بومی مدیریت داده لوازم اندازه‌گیری هوشمند تولید شرکت پادرد

عملیات اجرایی طرح فهم (فرا سامانه هوشمند اندازه‌گیری و مدیریت انرژی) صبح شنبه چهاردهم شهریور ماه سال جاری با حضور جمعی از مقامات وزارت نیرو، شرکت توانیر و شرکت‌های توزیع و برق منطقه‌ای در حالی آغاز شد که در طی آن برای اولین بار در کشور نرم افزار قرائت و مدیریت انرژی گروه صنعتی پادرد موسوم به LiveEEM به نمایش درآمد.

آیین آغاز به کار طرح فهم در این روز میزبان مهندس ستار محمودی قائم مقام و



مهندس هوشنگ فلاحتیان معاون وزارت نیرو و امور برق و انرژی، مهندس آرشدی مدیر عامل شرکت توانیر، آقای مهندس خوش خلق معاون هماهنگی، همچنین جمعی از مقامات شرکت‌های توزیع و برق‌های منطقه‌ای در کنار مدیران ساابا و مهندس حسین سجادی مدیر عامل سازمان بهره‌وری انرژی ایران بود.

گفتنی است نرم افزار LiveEEM بر اساس الزامات طرح فهم و با تکیه صد درصدی بر توان متخصصین داخلی و حمایت‌ها و رهنمودهای مدیران وزارت نیرو توسعه یافته است. این نرم افزار به جهت رفع یکی از دغدغه‌های اساسی طرح فهم مبنی بر فراهم آوردن شرایط قابلیت همکاری بین کنتورهای متفاوت و با برندهای مختلف دارای ویژگی‌های حایز اهمیتی است که در این مراسم مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت.

علاوه بر این قابلیت تطابق با استانداردهای ارتباطی مورد نظر سازمان‌های ذیربط در زمانی کوتاه و در لایه‌های مختلف شبکه برای اتصال به سیستم سایر شرکت‌های فعال در این حوزه از ویژگی‌های بارز این نرم افزار است که به صورت online تست و راستی آزمایی شد.

اخبار شرکت‌های عضو

در این گزارش آمده است که این خط توسط پیمانکاران ایرانی احداث خواهد شد. این توافق برقی شبکه یکپارچه برق منطقه قفقاز با حضور کشورهای



ایران، ارمنستان، گرجستان و روسیه را فراهم خواهد کرد.

گفتنی است خط انتقالی مزبور پس از خروج از مرز ایران وارد پست نوراوان شده و سرانجام به پست ۴۰۰/۲۰۰ کیلوولت دتماشن در ارمنستان منتهی می‌شود. بر این اساس مقرر است در آینده این خط از طریق دو خط ۴۰۰ کیلوولت به پست ۵۰۰/۴۰۰/۲۲۰ کیلوولت بک تو بک آبروم ارمنستان وصل شده و به شبکه سراسری گرجستان متصل شود.

از سوی دیگر شبکه انتقال برق ایران و ارمنستان یک خط راهبردی است و با تکمیل این شبکه و تکمیل زیرساخت‌ها، امکان انتقال انرژی در آینده از همسایگان شمالی ایران به کشورهای جنوب خلیج فارس فراهم می‌شود.

ارتقای ۲۱ پله‌ای صنایع در جمع پیمانکاران بین‌المللی

شرکت صادرات تجهیزات و خدمات صنایع آب و برق ایران (صانیر)، در رتبه بندی اخیر پیمانکاران بین‌المللی که در نشریه معتبر ENR (Engineering News Re-cord) به چاپ می‌رسد، موفق به ارتقای رتبه خود از ۱۹۱ در سال ۲۰۱۳ و ۱۹۷ در سال ۲۰۱۴ به رتبه جهانی ۱۷۶ در سال ۲۰۱۵ میلادی شده است. شایان ذکر است از جمهوری اسلامی ایران تنها ۲ شرکت در طی سه سال اخیر در این رتبه بندی جای گرفته‌اند.

شرکت صانیر، از اعضای نامدار سنتدی‌کای صنعت برق ایران است که صرفاً در بازار خارج از ایران حضور دارد و به عنوان یکی از پیشروان صادرات خدمات فنی و مهندسی با بهره‌گیری از ۲۱ سهام‌دار شامل تولیدکنندگان، پیمانکاران و شرکت‌های معتبر مهندسی مشاور طی ۲۰ سال تجربه در مدیریت صادرات حضور داشته است. این شرکت که فعالیت خود را در زیربخش‌های انرژی به صورت EPC، EPCF در حوزه‌های برق، آب و فاضلاب و نیز نفت و گاز صورت می‌دهد تاکنون در گستره‌ای از قاره آسیا تا آمریکای مرکزی بیش از ۱۹۰ پروژه در کشورهای مختلف به انجام رسانده است.

باتوجه به اینکه حداکثر نیرویی که هر دستگاه می‌تواند تحمل کند و بکشد ۶۰۰ kg است، بایستی به فراخور نوع پروژه و سایز کابل تعداد دستگاه‌ها کم یا زیاد شود. یکی از وجوه تمایز این دستگاه با وینچ، امکان کابل‌کشی زیرزمینی-تولنی و کانالی-کابل‌های فشار قوی است و یکی دیگر از وجوه تمایز آن که از انگیزه‌های طراحی و ساخت آن هم بوده است، امکان کابل‌کشی در تونل‌ها و کانال‌های زیرزمینی درون شهری-ارتباط بین پست‌های برق-است.

گفتنی است انگیزه طراحی دستگاه کشش کابل، پس از بررسی‌های متعدد در اجرای پروژه عملیات کابل‌کشی ۱۳۲ کیلوولت ارتباطی پست‌های سپاد و بوعلی در مشهد مقدس ایجاد شد. پس از رویت زوایای مختلف عرض و طول کانال، برای شرکت اطلس افروز شرق محرز شد به دلیل محدودیت‌های موجود در پیچ‌وخم‌های متعدد در طول کانال و نیز لوله‌های معارض فاضلاب و گاز و... کابل‌کشی توسط دستگاه وینچ بسیار مشکل بود، ضمن اینکه عمق تونل که تا ۱۱ متر از سطح زمین پایین‌تر است، عملاً استفاده از وینچ را غیرممکن می‌کرد. لذا گروه بر آن شد تا دستگاهی با قابلیت‌های ویژه و منحصر به فرد جهت انجام پروژه طراحی کند که این کار موفقیت‌آمیز بود و دستگاه جدید اختراع شده و در سال ۱۳۹۰ به ثبت رسید.

انتخاب پلاتین ایران به عنوان کارفرمای نمونه استان قزوین

شرکت پلاتین ایران (باتری نیل) توسط سازمان تامین اجتماعی استان قزوین به عنوان کارفرمای نمونه این استان در سال ۹۴ انتخاب شد.

بر همین اساس مهندس شهاب زوزی، مدیر عامل شرکت پلاتین ایران به پاس تدابیر ارزشمند در هدایت و پشتیبانی از مجموعه تحت مدیریت خود در پنجمین همایش تکریم کارفرمای نمونه استان قزوین مورد تقدیر قرار گرفت.

گفتنی است این شرکت عضو سندیکای صنعت برق ایران با سی و پنج ساله فعالیت خود در ساخت قطعات برقی خودرو، قطعات فنی و مهندسی و انواع باتری‌های صنعتی نیل (۲ ولت، ۱۲ ولت و نیکل کادمیوم) از جمله فن‌سالاران برتر این حوزه محسوب می‌شود که طی این سال‌ها از طریق متنوع سازی محصولات از جمله پرس و ماشین‌های پرچ رومیزی، انواع پولی و سایر قطعات خودرو در خدمت جامعه صنعتی ایران بوده است.

انعقاد قرارداد خط سوم انتقال بین ایران و ارمنستان توسط صانیر

به نقل از روابط عمومی شرکت صانیر قرارداد خط سوم انتقال برق بین ایران و ارمنستان چهارشنبه بیست و یکم مرداد ماه سال جاری توسط آقایان بهمن صالحی مدیرعامل شرکت صانیر و آرام آناپیان مدیر عامل شرکت HVEN ارمنستان در محل شرکت صانیر به امضا رسید.

این قرارداد شامل یک خط ۴۰۰ کیلوولت دو مداره به طول ۲۷۵ کیلومتر و یک پست برق ۴۰۰/۲۲۰/۲۰ کیلوولت DCS به ارزش ۱۰۷/۹ میلیون یورو است. با احداث این خط ظرفیت تبادل برق بین ایران و ارمنستان از ۳۰۰ مگاوات به یک هزار مگاوات افزایش خواهد یافت.

خیر مقدم به اعضای جدید

به گزارش کمیته عضویت سندیکای صنعت برق ایران، در ماه گذشته ۱۴ شرکت جدید به عضویت این سندیکا پیوسته‌اند. بر پایه این گزارش، اعضای جدید به شرح زیر معرفی می‌شوند:

۱. شرکت مهندسی ماهان رهاورد

به مدیریت: سرکار خانم شهناز شهباز
زمینه فعالیت: اتوماسیون صنعتی و نیروگاهی
تلفن: ۲۲۲۲۲۹۸۴ / شماره: ۲۲۲۶۲۶۶۱

۲. شرکت پرتوکار تهران

به مدیریت: جناب آقای عبدالواحد خورا
زمینه فعالیت: تولید انواع تابلو برق و تأمین تجهیزات برقی
تلفن: ۶۶۳۴۴۳۱۵ / شماره: ۶۶۳۴۴۴۶۵

سندیکای صنعت برق ایران، مقدم اعضای جدید را گرمی می‌دارد.

